



# رسیج‌پاره

## مدافعی قانون

درین کتاب «عینی حقوق

(خلورم توک)

نویسنده گفته

پرلیه پسی لمبر (۳۵۳)

نیته: چار شنبه ۱۳۵۵ کال دهر غو می د بیا شتی (۱۵)

دامتیازخاوند: دعدل وزارت  
مسؤول مدیر: م. حسین (طغیان)  
پته: دعدل وزارت - کابل - افغانستان

## فهرست

### كتاب سوم - حقوق عيني

مادة (١٩٠٠ إلى ٢٤١٦)

- ٦٠٥ باب أول - حقوق عيني اصلي
- ٦٠٥ فصل اول - حقوق ملكيت
- ٦٠٥ قسمت اول - تعريف ،ساحه وحماية ملكيت
- ٦٠٦ قسمت دوم - قيودملكية
- ٦١٥ قسمت سو م - ملكيت مشاع
- ٦٢١ قسمت چارم - رفع مشاع به اثر تقسيم
- ٦٢٧ قسمت پنجم - تقسيم منافع
- ٦٢٩ قسمت ششم - مشاع جباري وملكية طبق منازل
- ٦٢٩ مبحث اول - مشاع اجباري
- ٦٢٩ مبحث دوم - ملكية طبقات
- ٦٣١ فصل دوم - اسباب كسب الملكية
- ٦٣١ قسمت اول - تصاحب
- ٦٣٣ قسمت دوم - انتقال ملكيت به سبب وفات
- ٦٣٣ مبحث اول ميراث
- ٦٣٣ فرع دول - احكام عمومي
- ٦٣٤ فرع دوم - متروكه وتوزيع آن
- ٦٣٥ فرع سوم - وانع ميراث
- ٦٣٦ فرع چارم - اسباب ميراث
- ٦٣٧ جزء اول - ميراث بطريق فرض
- ٦٤١ جزء دوم - ميراث به طريقه عقوبات

( الف )

٦٤٦	جزء سوم - حجب
٦٥٠	جزء چارم - رد
٦٥٠	جزء پنجم - ارث ذری الارحام
٦٥٦	جزء ششم - مقرله به نسبت
٦٥٧	جزء هفتم - احکام متفرق
٦٥٧	اول - حمل
٦٥٩	دوم - مفقود
٦٥٩	سوم - خنثی
٦٥٩	چارم - ولد زنا و ولد لعان
٦٦٠	پنجم - حوادث غرق، حریق و انهدام
٦٦١	فرع پنجم - تصفیه متروکه
٦٦٣	فرع ششم - تجرید نر که
٦٦٦	فرع هفتم - تسویه دیون متروکه
٦٧٠	فرع هشتم - تسليم اموال متروکه و تقسیم آن
٦٧٤	بحث دوم - وصیت
٦٧٤	فرع او ل - احکام عمومی
٦٧٩	فرع دوم - رجوع ازویت
٦٧٩	فرع سو م - قبول یارد و وصیت
٦٨٢	فرع چارم - آثار وصیت
٦٨٢	جزء اول - شخصیکه بُوی وصیت شده
٦٨٢	جزء دوم - شی وصیت شده
٦٨٥	(موصی به)
٦٩٢	جزء سوم - وصیت به منافع
٦٩٨	جزء چارم - وصیت به معاش
٧٠٣	جزء پنجم - احکام زیادت درمال وصیت شده
	(ب)

۷۰۵	فرع پنجم- وصیت واجبه
۷۰۹	فرع ششم تراحم وصایا
۷۱۱	فرع هفتم- احکام متفرق
۷۱۲	مبحث سوم -التصاق
۷۱۲	فرع اول -التصاق بحق غیر عقار
۷۱۵	فرع دو م- التصاق، اتصال بر منقول
۷۱۶	مبحث چارم -عقد
۷۱۶	مبحث پنجم شفع
۷۱۶	فرع او ل- احکام عمومی
۷۱۹	فرع دوم — ثبوت شفع
۷۲۱	فرع سو م- طلب شفع
۷۲۴	فرع چارم- احکام شفع
	فرع پنجم- سقوط شفع
۷۳۱	مبحث ششم - حیازت
۷۳۱	فرع اول- کسب، انتقال و زوال حیازت
۷۳۴	فرع دو م- حمایت حیازت
۷۳۸	فرع سوم- آثار حیازت
	فرع چارم- تملک اشیاء منقول به
۷۴۱	اساس حیازت
۷۴۲	فرع پنجم- تملک ثمر
۷۴۲	فرع ششم- استرداد و مصارف
	فرع هفتم- مسؤولیت از بین رفتن
۷۴۴	شی تحت حیازت
۷۴۴	فصل سوم- حقوق متضرر عاز حق ملکیت
۷۴۴	قسمت اول- حق انتفاع
۷۴۴	مبحث اول - احکام عمومی
۷۴۹	مبحث دوم- انتهای حق

(ج)

۷۵۰	قسمت دوم - حق استعمال و سکونت
۷۵۲	فرع سوم - حق حکر
۷۵۷	قسمت چارم - حقوق مجرد
۷۵۷	مبحث اول - حقوق اتفاق
۷۵۹	مبحث دوم - حقوق به
۷۶۰	مبحث سوم - حق مرور، مجرأ و سیل
۷۶۲	مبحث چارم - احکام اتفاق
۷۶۴	مبحث پنجم - انتهاه اتفاق
۷۶۶	باب دوم - حقوق عینی تبعی
۷۶۶	فصل اول - حق جبس مال (قید)
۷۶۸	فصل دوم - حق اختصاصی
۷۶۸	قسمت اول - انشاء حق اختصاصی
۷۷۱	قسمت دوم - آثار تنقیص و انقضای اختصاص
۷۷۲	فصل سوم - حقوق تقدم
۷۷۲	قسمت اول - احکام عمومی
۷۷۵	قسمت دوم - انواع حقوق تقدم
۷۸۴	قسمت سوم - حقوق تقدیمه بر عقار وارد میشود

# رسمی جریمه

کتاب سوم	در یه م کتاب	عینی حقوق
حقوق عینی		
باب اول	لهری باب	
حقوق عینی اصلی	اصلی عینی حقوق	
فصل اول	لهری فصل	
حقوق ملکیت	ملکیت حقوق	
قسمت اول	لهری قسمت	
تعریف ، ساحه و حمایت ملکیت	ملکیت تعریف ، ساحه او ساتنه	
ماده ۱۹۰۰ -	ماده ۱۹۰۰	
ملکیت ، حقی است که به مقتضای آن شی تحت اراده و تسلط شخص قرار میگیرد . و تنها مالک میتواند در حدود احکام قانون به ا استعمال بجهه برداری و هر نوع تصرف مالکانه در آن بپردازد .	ملکیت داسی حق دی چه دهگی به مقتضای شی دشخص دارادی او تسلط لاندی واقع کیزی . یو اخسی مالک کولی شی چه دقانون دحکمنو په حدو دو کبی دهگی استعمال ، گته اخستل او هر نوعه مالکانه تصرف ته اقدام وکی .	
ماده ۱۹۰۱ -	ماده ۱۹۰۱	
مالک شی ، مالک تمام آنچه که از عناصر اصلی آن شمرده شده و انصاف آن از شی بدون از بین رفتن یا تلف شدن یا تغییر یافتن شی ممکن نباشد ، شناخته میشود .	دیو شی مالک دتولو هفو خه چه دهگی داصلی عناصرو دجملی خخه حسابیزی او دشی خخه دهگی انصاف بی دشی دهلاکیدو ، تلفید و یا تغیریدو ممکن نهادی ، مالک گهبل کیزی .	
ماده ۱۹۰۲ -	ماده ۱۹۰۲	
(۱) ساحه ملکیت زمین ، به آنچه که عمقاً و ارتفاعاً معتاد و مجاز است شامل می باشد .	(۱) دمختکی ملکیت ساحه هفه خه ته چه دژور والی او لویه والی له حیثه عادت او مجاز دی ، شامله ده .	

# رسکن جریمه

(۲) بوجوب موافقه یا حکم قانون، ملکیت سطح زمین از ملکیت مافوق و ماتحت آن مجزا شده می‌تواند.

ماده ۱۹۰۳ - ۱۹۰۴

ملکیت هیچ شخص از دست او کشیده شده نمی‌تواند مگر بوجوب قانون.

## قسمت د و م قيود ملكيت

ماده ۱۹۰۴ - ۱۹۰۵

مالک می‌تواند در ملکیت خود در حدود قانون تصرف نماید.

ماده ۱۹۰۵ - ۱۹۰۶

هرگاه بملك حق غیر تعلق بگیرد، مالک نمی‌تواند در آن طوری تصرف نماید که بوجوب ضرر غیر گردد. مگر به اجازه صاحب حق.

ماده ۱۹۰۶ - ۱۹۰۷

ضررفاخش قدیم باشد یا جدید از بین برد می‌شود.

ماده ۱۹۰۷ - ۱۹۰۸

ضرر فاحش آن است که سبب شکست یا انهدام بنا گردیده و یا مانع حوایج اصلی که عبارت از منافع گپتو خخه عبارت دی، مانع و گرخی. مقصود آن است گردد.

(۲) دمکنی سطحی ملکیت موافقی یا دقانون حکم سره سم دهفی دلوی والی اوژوروالی دملکیت خخه جلاکیدای شی.

ماده ۱۹۰۳ - ۱۹۰۴

دهیچا ملکیت دهفه دلاسه نهشی ایستل کیدای، مگر دقانون حکم به موجب.

## دوم قسمت ملکیت قيود

ماده ۱۹۰۴ - ۱۹۰۵

مالک کولی شی پخپل ملکیت کنی دقاون په حدود کنی تصرف و کی.

ماده ۱۹۰۵ - ۱۹۰۶

که دملکیت سره دبل چاچ تعلق نیسی نو مالک نه شی کولی په هفی کنی داسی تصرف و کی چه دبل چا دضرر بوجوب و گرخی، مگر حق دخاوند په اجازی.

ماده ۱۹۰۶ - ۱۹۰۷

فاخش ضرر پخوانی وی او که نوی دمینخه و پل کیزی.

ماده ۱۹۰۷ - ۱۹۰۸

فاخش ضرر هفه دی چه دبنا دما تیدو یا نریدو سبب شی یاداچه داصلی احتیاجونوچه دهفی دمقصوده گپتو خخه عبارت دی، مانع و گرخی.

# رسیح جریده

ماده ۱۹۰۸ -

مانع شدن روشنی بطور کلی ازخانه ضرر فاحش شمرده میشود، هیچکس نمیتواند چنان بنائی اعمار نماید که لکین خانه همچوار را مسند ساخته و بطور کلی مانع روشنی در آن گردد . در صورت احداث چنین بنا ، همچوار میتواند دفع ضرر را در صورت امکان و در غیرآن از بین بودن بناء را برای دفع ضرر مطالبه نماید .

ماده ۱۹۰۹ -

شخصیکه عمارتی بناء میکند باید آنرا طوری اعمار نماید که از لکین ، عمارت قدیمه همچوار متضرر نتردد .

ماده ۱۹۱۰ -

شخصیکه بمصرف خود منبع آبیاری یا مجراء آب فاضل را بمنظور آبیاری اراضی خویش احداث می نماید ، الشخاص دیگر بدون اجازه وی حق انتفاع را از آن ندارند .

ماده ۱۹۱۱ -

بارعايت عدم ضرر رساندن به عامه ، تعیین حق استفاده از آب ، خنکه داوبو دگنه اخستلو حق او نهر عمومی و توزیع آن به انسانه

ماده ۱۹۰۸ -

دکور خنکه په کلی توگه در فامانع کیدل ، فاحش ضرر گنبل کیبری . هیشوک نه شی کولی چه داسی بنا جووه کی چه دگاونه کی دکور کپر کی بنده کی او په هفی کتبی په کلی توگه درنا مانع شی . که چا داسی بنا جووه کپره نو گاوانه کولی شی دامکان په صورت کتبی دضرردرلری کیدلو او که بی امکان نه لولو ، نو دضرر دلری کیدلو دباره دبنادمینځه و پلوا غوبښنه وکی .

ماده ۱۹۰۹ -

که خوک عمارت جووه وی ، نوباید چه هفه په داسی توگه جووه کی چه دگاونه دعمارت دېخوانی کپر کی خنکه متضرر نه شی .

ماده ۱۹۱۰ -

که خوک پخیل مصرف داویه کولو منبع یا دزیاتیکی او بوبه مجری ددی دباره جووه وی چه ورخنخه خبلی مخکی او بوبه کی نونور خلک حق نه لری چه بی دهنه داجازی خنکه ورنه ګټه واخلي .

ماده ۱۹۱۱ -

عامو خلکو ته دضررنه رسولو په مراعت کولو سره ، دعمومی ویالی خنکه داوبو دگنه اخستلو حق او نهر عمومی و توزیع آن به انسانه

# رسیح جریبه

زمینی میباشد که آبیاری را ایجاب  
دهنده توزیع ناکل به دهنه مخکی  
په اندازی وی چه او به کول ایجابوی.  
میکند .

ماده ۱۹۱۲ - ۱۹۱۳

مالک اراضی ایکه بواسطه آلات  
یانه ز مین خود را آبیاری مینماید  
درحالیکه حق جریان آب را برآراضی  
غیر نداشته باشد نمیتواند مالک  
زمین مذکور را به جریان آب خود  
مجبور گردداند .

ماده ۱۹۱۳ - ۱۹۱۴

هرگاه شخص حق جریان آب را  
برزمین دیگری داشته باشد ، مالک  
زمین مذکور نمیتواند مانع جریان  
آب او در زمین خود گردد .

ماده ۱۹۱۴

شخصیکه زمین خودرا بصورت  
عادی طوریکه ز مین آن را تحمل  
بتواند ، آبیاری نماید و به اثر آن آب  
درزمین شخص دیگری جریان پیدا  
کند وزراعت او را از بین ببرد ،  
ضامن شناخته نمیشود و اگر زمین  
خودرا بصورت غیر عادی آبیاری  
نموده شخص دیگری از آن متضرر  
گردد ، ضامن شناخته میشود .

دهنه دوزیع ناکل به دهنه مخکی  
په وسیلی خپله مخکه او به کوی ،  
نوکه دبل چا په مخکو داوبو تیرولو  
حق ونه لری ، نه شی کولی چه بی  
ذکر شوی مخکی دمالک داجازی  
خشخه ، هفه دخپلو اوبو په تیرولو  
مجبوره کی .

ماده ۱۹۱۴ - ۱۹۱۵

دهنه مخکو مالک چه د آلاتویانیز  
په وسیلی خپله مخکه او به کوی ،  
نوکه دبل چا په مخکو داوبو تیرولو  
حق ونه لری ، نه شی کولی چه بی  
ذکر شوی مخکی دمالک داجازی  
خشخه ، هفه دخپلو اوبو په تیرولو  
مانع شی .

ماده ۱۹۱۵ - ۱۹۱۶

که خوک دبل چا په مخکی داوبو  
دیرولو حق ولری ، نو ذکر شوی  
مخکی مالک نه شی کولی چه بخپلی  
مخکی کبی که دهنه داوبو دیرولو  
مانع شی .

که خوک خپله مخکه به عادی  
صورت چه مخکه بی زغم و کولی شی  
او به خوبکی او دهنه په اثر او به  
دبل چا په مخکی کبی که جریان پیدا کی  
او کبیست بی دینخه لار شی ، ضامن  
نه گنل کبیزی . که خپله مخکه په غیر  
عادی صورت او به کی او بل چاته  
ورخخه ضرر و رسیزی ، ضامن گنل  
کبیزی .

# رسਮی جریل لاه

ماده ۱۹۱۵ -

حقابه بمیراث برده میشود و با استفاده از آن وصیت جواز دارد.

ماده ۱۹۱۶ -

(۱) حقآبه زمین ، تابع ز مین میباشد .

(۲) فروش ، هبه و اجاره حقابه زمین زاید از ضرورت صا حب زمین ، جز بمنظور آبیاری ز مین جواز ندارد .

(۳) سایر احکام مربوط به حقآبه و آبیاری زمین که دربین قانون پیش بینی نشده ، تابع احکام قانون خاص میباشد .

ماده ۱۹۱۷ -

مالک زمین مکلف است، بجريان آب کافی بمنظور آبیاری زمین های دور ملکیت اشخاص دیگر از منبع آب بر زمین خود اجازه بسدهد و همچنان به فاضل آب آبیاری شدۀ زمین های مذکور که در نزد يك ترین جوی عمومی بریزد ، اجازه نماید .

مشروعط براینکه در برابر آن تعویض عادلانه داده شود .

ماده ۱۹۱۵

داوبو حق په میراث و په کیزی، دهفی خخه په گته اخستلو وصیت کول جواز لری .

ماده ۱۹۱۶

(۱) داوبو حق دمکنی تابع دی .  
 (۲) دمکنی دخاوند داوبه خور دضرورت خخه ذیاتو او بو دحق خر شول، هبه او اجاره، دمکنی داوبه خور دپاره جواز نه لری .  
 (۳) دمکنی دحق آبی او او بـو کولو نورمر بوط حکومونه چه په دی قانون کبني پیش بینی نده شـوی دخـاص قـانون دـحـکـمـونـو تـابـع دـی .

ماده ۱۹۱۷

دمکنی مالک مکلف دی چه داوبو دمنبع خخه دهفو خلکو دمکنک داوبه کولو دپاره دخبلو مخکو خخـهـدـکـافـی او بـو دـتـیرـیدـلو اـجـازـه وـرـکـی چـهـ مـمـکـنـیـ بـیـ لـرـیـ پـرـتـیـ دـیـ هـمـدـارـنـگـهـ مـکـلـفـ دـیـ چـهـ دـنـزـدـیـ مـخـکـوـخـاـوـنـدـانـوـ تـهـ اـجـازـهـ وـرـکـیـ چـهـ دـهـفـوـ زـیـاتـیـگـیـ اوـبـهـ پـهـ چـیـزـیـ نـزـدـیـ عـمـومـیـ وـیـالـیـ کـبـنـیـ تـوـیـ شـیـ،ـ خـوـ پـهـ دـیـ شـرـطـ چـهـ دـهـفـیـ پـهـ بـدـلـ کـبـنـیـ عـادـلـانـهـ تعـوـیـضـ وـرـکـهـ شـیـ .

# رسਮی جریمه

- ۱۹۱۸ - ماده

ماده - ۱۹۱۸

هرگاه تمام مشترکین آب به رضائیت خویش باصلاحات ضروری نهایاچوی نپردازند ، به ۱ ساس مطالبه هریک از شرکاء باین ۱ مر وادر ساخته میشوند .

ماده - ۱۹۱۹

مالک از مینیکه اصلا برای عام اتصال ندارد و یاراه مرور به آن ناکافی و دشوار باشد ، طوریکه احداث راه کافی بدون تحمل مصارف گزاف یا دشواری بزرگ میسر نباشد ، میتواند در برابر تعویض عادلانه در زمین همچو از به اندازه لازم تصرف و آن را استعمال نماید . مشروط بر اینکه از حد معتماد تجاوز ننماید و این حق تنها در مو ضع استعمال شده می تواند که با کمترین ضرر رفت و آمد مقصود بددست آید .

ماده - ۱۹۲۰

هرگاه مانع اتصال برای عام از تقسیم و تجزیه قانونی عقار نشأت کرده باشد واحدات راه کافی در اجراء عقار مذکور ممکن باشد ، مطالبه حق مرور بجز در همان ۱ جزاء جواز ندارد .

که داووبو قول شریکان پخیله رضا دنیز یا ویالی ضروری اصلاحاتو ته اقدام ونه کی ، نوکه دش瑞کا نوشخه هریو ددی کار غوبنتنه وکره ، نور شریکان په هغی مجبوره کول کیزی .

- ۱۹۱۹ - ماده

دهغی مخکی مالک چه دعمومی لاری سره بیخی اتصال نه لری یا دهغی ته دتلو راتلو لار کافی نهاد او سخته وی ، په دی تو گه چه دکافی لاری جو پهول بی دزیاتو مصر فونو یا بی دزیاتو سختیو خخه ممکن نه وی ، نوکولی شی چه دعادلانه تعویض په بدل کبنی دگاوندی په مخکی کبنی په لازمی اندازی تصرف وکی او هغه استعمال کی . خوبه دی شرط چه دمعتمادی اندازی خخه تیری ونه کی ، او داحق په هغی خای کبنی استعمالیدی شی چه تگ او راتگ ورباندی په دیرکم ضرر ممکن شی .

- ۱۹۲۰ - ماده

که دعمومی لاری سره دو صلیدو مانع دعقار دقاونی ویشنلو او تجزیی خخه پیدا شوی او او دکافی لاری جو پهول ذذکر شوی عقار په اجزاو کبنی ممکن وی ، نو دتلو او راتلو حق غوبنتنه بی دهغی اجزاو خخه جواز نه لری .

# رسیح جریلہ

ماده ۱۹۲۱ -

هریک از مالکین اراضی همچوar،  
میتوانند طرف دیگر را با تعیین  
حدود در اراضی اتصال یافته یکدیگر  
مجبور سازند . مصارف تعیین حدود  
بین طرفین مشترک می باشد .

ماده ۱۹۲۲ -

هرگاه دیواری بین دو نفر مشترک  
باشد ، یکی از طرفین نمیتواند بدون  
اجازه طرف دیگر به تغییر از تقاع  
آن بپردازد یابناء دیگری را به آن  
بیفزاید .

ماده ۱۹۲۳ -

هریک از شرکاء می توانند بالای  
دیوار مشترک باندازه شریک ، چوب  
یادیگر مواد استناد یه های خویش  
را بگذارد ، مشروط بر اینکه از حدود  
مقاموت دیوار منذکور تجاوز نکند.  
تزویید یا تغییر مکان چوب از طرف  
یکشریک بدون اجازه شریک دیگر  
بارایت سلا مت دیوار جواز از  
ندارد .

ماده ۱۹۲۴ -

هرگاه دیوار مشترک مقاومت  
خود را از دست داده و خوف انهدام  
آن موجود باشد ، اگر یکی از شرکاء  
اراده خراب کر دن آنرا بنماید و

ماده ۱۹۲۱ -

دگاوندیو محاکو دمالکانو خخه  
هریو کولی شی بله خوا دوصل شوو  
محاکو دحدو دو په تاکلو مجبوره کېي،  
دحدو دو دتاکلو مصرفونه بې  
ددواپو خواوو ترمنځ شریک وي .

ماده ۱۹۲۲ -

که ددوه نفو دمیتڅ یو دیوال  
شریک وي نو ددواپو خواوو خخه  
هیڅ یونه شی کولی، بې دبلی خوا  
داجازی خخه ددیوال لوړ والی ته  
تغییر ورکی او یا ور باندی بله بنا  
زیاته کې .

ماده ۱۹۲۳ -

هرشريک کولی شی چه پسه  
شریک دیوال باندی دشريک په  
اندازی لرگی یانور استندا دی مواد  
کېښيندي، خو په دی شرط چه دذکر  
شوي دیوال مقاومت دحدو دو خخه  
زیات نهوي . ددیوال دسلامتیا  
دمراعت کولو سره که یو شریک بې  
دبل شریک داجازی خخه دلر ګوځای  
ته تغییر ورکی او یا په کېښی زیاتوالي  
را واپي، جواز نه لری .

ماده ۱۹۲۴ -

که شریک دیوال خپل مقاومت  
دلasse ور کي او درنگيدو ويره بې  
موجوده وي، نوکه یو شریک دهفي  
دخرابولو اراده وکي اوبل شریک ئى

## رسمی جریلتا

مانعنت وکی، منع کوونکی ددیوال شریک دیگر مانعنت کند، منع کننده به خرابولو مجبور کول کیزی . به تغیرب دیوار مجبوز کرده میشود.

ماده ۱۹۲۵ -

هر گاه شرکاء بانهدام دیوار مشترک بپر دازند ، یا دیوار مذکور به افتند و هر شریک بالای آن چیزی گذاشتنه باشد و در تعمیر مجدد آن یکی از شرکاء مانعنت نماید، شریک منع کننده بصورت مطلق به ساختن آن مکلف میشود . در صورتیکه یکی از شرکاء به اجازه محکمه باعمار آن بپر دارد ، مصارف آنرا به مقدار حصة شریک دیگر مطالبه کرده میتواند و تا زمانیکه شریک مذکور حصة خویش را نپردازد شریک دیگر میتواند او را از استفاده از دیوار منع نماید .

ماده ۱۹۲۶ -

دیواریکه هنگام بناء حد فاصل بین دو عمارت باشد ، تا زمان جدائی دو بناء دیوار مشترک دانسته میشود . مگر وقتیکه دلیل دیگری بعکس آن ظاهر شود .

ماده ۱۹۲۷ -

همجواریکه در مصارف ۱ عمار

دیوار سهم نگرفته ، وقتی شریک

که شریکان ددیوال نهیدو ته اقدام وکی یا ذکر شوی دیوال وغورخیبری او هر شریک په هفی یو استنادی شی اینبی وی اودهفی دبیا جوړ ولو خخه یوشریک مانعنت وکی، نو منع کوونکی شریک په مطلق صورت دهفي په جوړولومکلف کیزی . که یو شریک دمحکمی په اجازی دهفي بیا جوړولو ته اقدام وکی نو دشریک دحصی په اندازی دهفي دصرف غوبښته کولی شی، ترڅو چه ذکر شوی شریک خپله حضنه ورنه کي، بل شریک کولی شی چه هغه ددیوال خخه دګنه اخستلو نه منع کي .

ماده ۱۹۲۶ -

که یو ددیوال دبناء په وخت کښی ددوه عمارتونو ترمنځ فاصل حدوي نو ددواړو بناګانو د جداګولو تروخته پوری، ددیوال شریک ګهیل کیزی، مگر داچه دهفي په عکس بل کوم دلیل پیدا شئی .

ماده ۱۹۲۷ -

کوم ګاونډی چه ددیوال دجوړولو په مصروفونو کښی برخه نه وی اخستی، نو هغه وخت په ددیوال کښی

# رسیح جریده

دیوار شناخته میشود که نصف مصارف بناء و نصف قیمت زمین را که دیوار بر آن واقع است، بپردازد.

ماده ۱۹۲۸ -

همجوار، نمیتواند همچوار دیگر را باعمار دیوار یا چیز دیگری در داخل حدود ملکیت او مکلف سازد، همچنان نمیتواند اورا بهدادن قسمتی از دیوار او یا قسمتی از زمینیکه مکر در حدود حکم ماده (۱۹۲۷) این قانون.

ماده ۱۹۲۹ -

همچوار حق ندارد، بطرف همچوار خود در مسافه کمتر از یک متر کلکین یا کلکینچه داشته باشد مسافه از عقب دیوار یکه کلکین یا کلکینچه در آن واقع است یا از کنار خارجی دیوار اندازه میشود.

ماده ۱۹۳۰ -

همچوار میتواند که کلکین، کلکینچه ملاقي در برابر عقار همچوار که در عین وقت در برابر راه عام باشد، داشته باشد.

برخه نوی اختیار نو هفه وقت په دیوال کبنتی شریک گنبل کیری چه دینام صرف او دهی مثکی قیمت چه دیوال ور باندی ولاپ دی ور کی.

ماده ۱۹۲۸ -

یو گاونهی نه شی کولی چه غسل گاونهی دهی دملکیت په حدود دو کبنتی ددیوال یا دبل کوم شی په چوپولو مکلف کی، همدار نگه نه شی کولی چه هفه ددیوال په یوی برخی ور کولو او یا دهی مثکی دبرخی ور کولو مکلف کی چه دیوال په یوی برخی ور باندی ولاپ دی مگر ددی قانون ن (۱۹۲۷) مادی دحکم په حدود و کبنتی.

ماده ۱۹۲۹ -

گاونهی حق نه لری دیوه متر شخه په کمی اندازی کبنتی دگاونهی په طرف کپر کی یا په کپر کی ولری. مسافه دهی دیوال دشا چه کپر کی یا په کپر کی په کبنتی واقع ده یا ددیوال دباندنهی غایبی شخه اندازه کبنتی.

ماده ۱۹۳۰ -

گاونهی کولی شی چه دگاونهی دداشی عقار په مقابل کبنتی کپر کی یا په کپر کی ولری چه په عین وخت کبنتی دعمومی لاری په مقابل کبنتی وی.

# رسمنی جریمه

ماده ۱۹۳۱ -

روشن دانیکه قاعده آن از سطح اطاق بیشتر از قامت انسان ارتفاع داشته باشد و منظور از ان جریان هوا و داخل شدن روشنی باشد ، طوریکه دیدن از آن عادتاً بر عقار همچوار ممکن نباشد ، اندازه مسافه در آن شرط نیست .

ماده ۱۹۳۲ -

فابریکه ، دستگاه تجاری ، چاه و دیگر تاسیساتیکه به همچوار ضرر می رساند ، باید در مسا فه اعمار گردد که ضرر آن به همچوار نرسد .

ماده ۱۹۳۳ -

هر گاه عقد یا وصیت متنضم شرطی باشد که بمقتضای آن تصرف درمال منع گردیده باشد ، شرط مذکور تا زمانیکه مبنی بر سبب مشروع و منحصر بمدت معقول نباشد صحیح نمیباشد . سبب وقتی مشروع پنداشته میشود که منظور از منع تصرف حمایت منفعت حایز متصرف یا متصرف الیه یا شخص ثالث باشد و مدت هنگامی معقول شمرده میشود که مقید به حیات متصرف یا متصرف الیه یا شخص ثالث باشد .

ماده ۱۹۳۱ -

درنا ور کولو خای چه قاعده یی داطاق دسطحی خخه دانسان دقد خخه زیات لوه والی ولری او دهفی خخه دهوا جریان او درنا ننه و تل منظوروی په داسی توگه چه عادتاً دهفی خخه دگاونیی دعقار کتنه ممکنه نه وی ، نو په هفی کنیسی دمسافی اندازه شرط نه ده .

ماده ۱۹۳۲ -

فابریکه ، دستگاه یاکوهی یانور داسی تاسیسات چه گاونیی ته ضرر رسوبی ، باید په داسی مسافی کنیسی آباد شی چه گاونیی ته بی ضرر و نه رسپری .

ماده ۱۹۳۳ -

که عقد یا وصیت دdasی شرط متنضم وی چه دهفی په مقضا په مال کنیسی تصرف منع شوی وی ، ذکر شوی شرط چه ترشیه مشروع سبب او دمعقولی مدي پوری منحصر نه وی ، صحیح نه دی . سبب هفه وخت مشروع گنل کیزی چه دهفی خخه دتصرف کوونکی حایز یسا دمتصرف الیه یا دبل چا دکته ساننه منظور وی . مده هفه وخت معقوله گنل کیزی چه دتصرف کوونکی یا دمتصرف الیه یا دبل چا دژوند پوری مقیده وی .

# رسیح جریل

ماده ۱۹۳۴ -

هرگاه شرط وارده در عقد یا  
وصیت مبنی بر منع از تصرف طبق  
حکم ماده (۱۹۳۳) این قانون صحیح  
باشد هر نوع تصرف مخالف آن باطل  
شمرده میشود .

۱۹۳۴ - ماده

که دتصرف خخه دمنع کولو په  
باره کبئی په عقد یا وصیت کبئی  
وارد شوی شرط ددی قانون د  
(۱۹۳۳) مادی حکم سره سم صحیح  
وی دهفی خخه هره نوعه مخالف  
تصرف باطل دی .

## قسمت سوم

### ملکیت مشاع

ماده ۱۹۳۵ -

هرگاه ملکیت عین ، بین دونفر  
یا زیاده از آن مشاع باشد، هریک  
آنها باندازه حصة خویش از آن حق  
استفاده داشته و میتوانند در آن  
طوری تصرف نماید که به شریک  
دیگر ضرر عاید نگردد . همچنان  
در صورتیکه مقدار مشاع معلوم باشد  
بیع و بهره بر داری آن بصورت  
مشاع جواز دارد واستعمال آن نیز  
جواز دارد ، مشروط بر اینکه به  
حقوق سایر شرکاء ضرر عاید  
نگردد .

ماده ۱۹۳۶ -

هرگاه یکی از شرکاء یک قسمت  
معین مال مشاع را تصرف نماید و آن  
قسمت مال حین قسمت در حصة او  
واقع نشود ، حق متصرف ۱ لیه

## دریم قسمت

### شریک ملکیت

۱۹۳۵ - ماده

که دیوه عین ملکیت ددوه نفو  
یا دهفوی خخه دزیاتو ترمنځ شریک  
وی نو هریو دخیلی حصی به اندازی  
دهفی خخه دگټه اخستلو حقوقی،  
او کولی شی په هفی کبئی داسی  
تصرف وکی چه بل شریک ته  
ورڅخه ضرر ونه رسپیری . همدازنګه  
که دشریک عین اندازه معلومه وه  
نو په شریکه توګه دهفی خرڅول،  
استثمار او استعمال جواز لري، خو  
په دی شرط چه دنورو شریکانو  
حقوقوته ضرر ونه رسپیری .

۱۹۳۶ - ماده

که یو شریک دشریک مال یوه  
تاکلی برخه تصرف کي، او ذکر شوی  
برخه دویشلو په وخت کبئی دهفه  
په حصی کبئی واقع نه شی، نو

# رسمنی جریمه

بهمان جز ثیکه بعد از تقسیم به متصرف تعلق میگیرد ، انتقال می نماید . و در صورتیکه متصرف عدم معروفت خویش را مبنی بر ملکیت مشاع در عین متصرف فیها ثابت نماید، میتواند به ابطال متصرف بپردازد .

د متصرف الیه حق همگی جزء ته تقليپری چه دويشلو و روسته د متصرف پوری تعلق نیسی، په همگی صورت کبندی چه متصرف کوونکی په شریک ملکیت کبندی خپله ناخبرتیا په متصرف کره شوی عین کبندی ثابتنه کن، کولی شی چه د متصرف باطليدوته اقدام وکی .

## ماده ۱۹۳۷ -

اداره مال مشاع حق تمام شرکاء میباشد ، مگر اینکه موافقه طور دیگری صورت گرفته باشد .

## ماده ۱۹۳۸

شرکاء در مال مشاع تابع رای اکثریت میباشند و اکثریت به اساس قیمت حصصی محاسبه میشوند در صورت عدم تحقق اکثریت محکمه میتواند تدابیر ضروری را به اساس درخواست یکی از شرکاء اتخاذ نماید، همچنان محکمه میتواند هنگام ضرورت شخصی را تعیین نماید تا مال مشاع را اداره ننماید .

## ماده ۱۹۳۹ -

هریک از شرکاء مال مشاع میتواند وسائل لازمی را جهت حفاظت مال مذکور اتخاذ نماید ، گرچه سایر شرکاء به آن موافقت نداده باشند.

## ماده ۱۹۳۷

د شریک مال اداره کول دتوسلو شریکانو حق دی، مگر داچه موافقه بل رنگه شوی وی .

## ماده ۱۹۳۸

که شریکان په شریک مال کبندی داکثریت درایو تابع وی او اکثریت دحصو دقیمت په اندازو محاسبه کبیری، نوکه اکثریت محقق نه شو، محکمه کولی شی دیوه شریک په غوبننته ضروری تدبیرونه و نیسی. همدارنگه محکمه کولی شی دضرورت په وخت کبندی یوشخص وقاکی چه شریک مال اداره کنی .

## ماده ۱۹۳۹

د شریک مال هر شریک کولی شی چه دذکر شوی مال دسانی دباره دلازمی وسیلو خخه کار و اخلی، که خه هم نور شریکان بربی موافقهونه لوى .

# رسمی جریده

ماده ۱۹۴۰ -

ماده ۱۹۴۰

په شریک کور کنیتی هر شریک دخپلی حصی په اندازی داوسيدلو خود در خانه مشترک حق سکونت حق لري .

هریک از شرکاء باندازه حصه را دارد .

ماده ۱۹۴۱ -

ماده ۱۹۴۱

دوده شریکانو دجملی خخه دیوه شریک حصه دبل شریک سره دامانت حیثیت لري، نوکه بی دهقه دقصور خخه هلاک شو، ضامن نه گنل کیزی .

حصه یکی از دوشریک در دست شریک دیگر حیثیت امامت را داشته، در صورتیکه بدون قصور او از بین برود ، ضامن شناخته نمیشود .

ماده ۱۹۴۲ -

ماده ۱۹۴۲

که شریک ملکیت مشترک محبتاً اصلاح و ترمیم لو ته محتاج وي، نسو شریکان به په هفی کنیت دخپلو حصو په اندازی برخه اخلي .

هر گاه ملکیت مشترک محتاج مشترکاً به اندازه حصص خود سیم میگیرند .

ماده ۱۹۴۳ -

ماده ۱۹۴۳

که یو شریک دورو شریکانو په اجازی شریک ملکیت آبادکی، نو کولی شی چه دهر شریک دحصی په اندازی دهفي دصرف غوبنښنه وکي. که نئي دشريکانو داجازی په غير آبادولو ته اقدام کړي وو، متبرع گنل کیزی او هر شریک چه دخپلی حصی د آبادولو اجازه نه وي ور کړي دهفي په قيمت ور باندي رجوع نه شی کولی .

هر گاه يك شریک به اجازه سایر شرکاء در اعمار ملکیت مشترک په دا زد میتواند مصارف آن را به اندازه حصص هر يك مطالبه نماید و در صورتیکه بدون اجازه بچنين عمل مبادرت نموده باشد متبرع شناخته شده و شریکي که به قيمت حصه خود اجازه نداده رجوع کرده نمی تواند .

ماده ۱۹۴۴ -

ماده ۱۹۴۴

(۱) هر گاه ملکیت چه (۱) هر گاه ملکیت مشترکي که دويشلو قابلیت نه لري، اصلاح قابل قسمت نبوده محتاج اصلاح و

## رسمنی جریل لاه

کولو او ترمیم لو ته محتاج شی او  
يو شریک غایب وی نوده‌هی داصلاح  
کولو او ترمیم لو دپاره دمحکمی  
داجازی اخستن هرو مرو دی. به‌دی  
صورت کبی هفه چا چه اصلاح  
او ترمیم که‌ری ذکر شوی مصرونیه  
دحاضرو شریکانو خخه او دغایب  
خخه دهه دحاضریدو وروسته  
دهفوی دحصو په اندازی وغواهی.  
(۲) که ذکر شوی اقدام‌بی اجازی  
صورت موندلی وی نو دخبلو  
مصرفونو په باره کبی نوروش‌ریکانو  
ته رجوع نه شی کولی .

تر میم گردد و یکی از  
شرکاء غایب باشد ، حصول اجازه  
محکمه در خصوص ۱ عمار  
آن حتمی است . درین صورت  
کسیکه به ترمیم می‌بردازد میتواند  
مصارف مذکوررا از شرکاء و شریک  
و غایب بعد از حضور وی با ندازه  
حصه هریک مطالبه نماید .

(۲) اگر اقدام مذکور بدون  
اجازه صورت گیرد ، راجع به  
مصارف خود بر سایر شرکاء رجوع  
کرده نمی‌تواند .

### ماده ۱۹۴۵ -

هر گاه ملکیت مشترک غیر قابل  
قسمت منهدم گردد و یکی از شرکاء  
اراده اعمار آنرا داشته و دیگری  
امتناع آورد ، ممتنع به اعمار مکلف  
شده نمیتواند . در صورتیکه یکی  
از شرکاء بدون اجازه شریک دیگر  
و یا محکمه به آن اقدام ننماید ،  
متبرع شناخته میشود .

### ماده ۱۹۴۶ -

هر گاه قسمتی از ملک مشترک  
غیر قابل قسمت ، منهدم گردد و یکی  
از شرکاء اراده اعمار آنرا داشته و  
شرکاء دیگر از آن امتناع آورند ،  
در حالیکه شریک با اجازه محکمه به

که داسی ملکیت چه دویشلو پونه  
وی پونگ شی اویو شریک دهفوی  
آبادولو اراده وکی اوبل ورخخه  
خان و زغوری ، خان ژغورونکی په  
آبادولو نه مکلف کیبری . که یوشریک  
دبل شریک یا محکمی داجازی په  
غیر دهه جو پولو ته اقدام وکی ،  
تبرع کوونکی گنهل کیبری .

### ماده ۱۹۴۶ -

که دادسی شریک مال یوه برخه  
چه دویشلو پونه وی پونگه شی اویو  
شریک دهفوی د آبادولو اراده ولری ،  
او نور شریکان ورخخه خان و زغوری ،  
نوکه شریک دمحکمی په اجازی دهفوی  
آبادولو ته اقدام وکی ، کولی شی

## رسਮی جنگل

اعمار آن اقدام نماید، میتواند سایر شرکاء زا الى ز مان تادیه مصر ف حصة آنهارا از انتفاع ملکیت مذکور منع نماید و اگر شریک بدون اجازه محکمه به اعمار آن اقدام نماید، حق مراجعته او بر سایر شرکاء ساقط میگردد.

- ۱۹۴۷ ماده

هر گاه ملکیت مشترک غیر قابل قسمت کاملاً منتهم گردیده و هموار شود، هیچ یک از شرکاء به اعمار آن مکلف نبوده ز مین آن بین شرکاء تقسیم میشود.

- ۱۹۴۸ ماده

مصطفار اداره کردن حفاظت و مالیات و سایر تکالیف عایده یا تعیین شده، بر مال مشترک رکاره شریک به اندازه حصة خود در مال مشترک متحمل میگردد. مگر اینکه موافقه طور دیگری صورت گرفته باشد.

- ۱۹۴۹ ماده

شرکائیکه حداقل مالک سه ربع مال مشاع باشند، میتوانند بالاعلان به سایر شرکاء در خصوص تصرف بر مال مذکور تصمیم اتخاذ نمایند، مشروط بر اینکه به اسباب مو جبه قدیمه استناد نمایند، شریکی که

چه نور شریکان دهفوی دمصرف دھصی داده کولو تروخته پسوري ذذکر شوی ملکیت دگهی اختنلو خخه منعی کی. که شریک بی دمحکمی داجازی دھفوی جوپولو ته اقدام و کی نویه نورو شریکانو باندی دھفه درجوع کولو حق ساقطیبری.

- ۱۹۴۷ ماده

که شریک ملکیت چه دویسلوویز نه دی بیخی پنگ او آوار شی، هیچ یو شریک دھفوی په آبادولو مکلف نه دی او مئکه بی دھفوی تر منع ویشل کیبری.

- ۱۹۴۸ ماده

په شریک مال باندی داداری کولو، ساتنی، مالیو اونورو تکلیفونسو مصروفونه چه ورته رسیدلی یاتاگل شوی دهر شریک دھصی په اندازی تحمیلیبری مگر دا چه موافقه بلرنگه شوی وی.

- ۱۹۴۹ ماده

کوم شریکان چه کم تر کمکه دشیریک مال دری ربیع مالکان وی، کولی شی چه نورو شریکانو ته داعلان په کولو سره ذذکر شوی مال دتصرف په خصوص کښی تصمیم و نیسی، خویه دی شرط چه په پخوانیو موجبه سببونو استناد

## رسخی جریمه

براتخاذ چنین تصمیم اعترافاً صنی داشته باشد، میتواند در خلال دو ماہ از تاریخ اعلان به محکمة باصلاحیت رجوع نماید، محکمه می تواند پر ضرورت تصرف حکم و یا آنرا در نماید.

ماده ۱۹۵۰

(۱) شریک در مال مشاع منقول یادر مجموع اموال میتواند قبل از تقسیم مطالبه استرداد آن حصه ازمال مشاع را نماید که از جانب شریک دیگر بفروش رسیده، مشروط براینکه این مطالبه را در خلال مدت سی روز از تاریخ علم او بفروش، یا از تاریخ اعلان بفروش غرض اطلاع ببایع و مشتری تو جیه نموده باشد، در این صورت مسترد کننده در تمام حقوق و تعهدات قایم مقام مشتری قرار میگیرد، بشر طیکه تمام مصارف او را تعویض نماید.

(۲) اگر شرکائیکه رد کردن مال فروخته شده فقره فوق را مطالبه مینمایند متعدد باشند، هر یک میتواند به اندازه حصه خود رد آنرا مطالبه نماید.

وکی کوم شریک چه په داسی تصمیم اعتراض ولری، کولی شی چه داعلان دنیقی خخه ددوه میاشتو په او بدو کبنی واک لرونکی محکمی ته رجوع وکی، محکمه کولی شی چه دتصرف په ضرورت حکم وکی او یا بی ردکی.

ماده ۱۹۵۰

(۱) شریک په شریک منقول مال کبنی یا په ټولو مالونو کبنی کولی شی دویشلو ترمه دهی شریک حصی مال دبیر ته ردہولو غوبنستنه وکی چه دبل شریک له خوا خرڅ شوی دی خو په دی شرط چه داغوبنستنه دهی دخرخولو دخربیدو دنیقی خخه ددیرش ورخو په او بدو کبنی یا بی دخرخولو داعلان دنیقی خخه دخرخونکی او اخستونکی دخربنیا دپاره توجیه کپی وی په دی صورت کبنی دبیر ته ردہولو غوبنستونکی په ټولو حقوق او التزامونو کبنی داخستونکی قایم مقام کپری، خو په دی شرط چه دهه ټول مصروفونه تعویض کی.

(۲) که شریکان چه دپورتنسی فقری دخرڅ کره شوی مال دبیر ته اخستلو غوبنستنه کوی، متعددوی، نو هر یو کولی شی چه دخبلی حصی په اندازی دهی دبیر ته اخستلو غوبنستنه وکی.

# رسمی جریلبا

## قسمت چارم

رفع مشاع باثر تقسیم

ماده - ۱۹۵۱

تقسیم ، عبارت است از تعیین حصة مشاع واداء آن که بر ضائیت شرکاء یا حکم محکمه صورت میگیرد .

ماده - ۱۹۵۲ -

تقسیم رضائی در غیاب یکی از تقسیم کنندگان جواز ندارد ، ولی یاوصی صغير در تقسیم قایم مقام صغير میگردد ، مشروط بر اينکه محکمه باصلاحیت مطابق با حکام قانون به آن موافقت نماید .

ماده - ۱۹۵۳ -

اگر شرکاء به ابقاء مال مشاع به اساس حکم قانون یا مowa فقه، مکلف نشده باشند ، هریک از شرکاء میتواند از محکمه تقسیم مال مشاع را مطالبه نماید . منع تقسیم مال مشاع بأساس موافقه در مدتی که از پنج سال تجاوز نماید جواز ندارد . و در صورتیکه مدت موافقه بیش از پنج سال نباشد ، در مورد شریک و خلف او نافذ شمر ده میشود .

## خلورم قسمت

دویشلو په اندرشرييکي لري گيدل

ماده - ۱۹۵۱

ویش دشرييکي حصی دهاكلو او دهفي داداء کولو شخه عبارت دی ، چه دشرييکانو په رضائیت یا دمحکمی په حکم صورت نیسی .

ماده - ۱۹۵۲

په رضا سره ویش دیسوه ویشوونکی په غیاب گنبی جواز نه لري دصغیر ولی یاو صی ، په ویش گنبی دصغیر قایم مقام گرخی خو په دی شرط چه واک لرونکی محکمه دقانون دحکمونو سره سم په هفی موافقه وکی .

ماده - ۱۹۵۳

که شریکان دمحکمی دحکم یا موافقی په اساس دشرييک مال په پاتی گيدو باندی مکلف شوی نه وي ، هرشریک گولی شی چه دمحکمی شخه دشرييک مال دویشلو غوبستنه وکی . دموافقی په اساس دشرييک مال دویشلو منع کول ددوره مدي دپاره چه دینخو گلونو شخه زیاته وي ، جواز نه لري . او په هفی صورت گنبی چه دموافقی مده دینخو گلونو شخه زیاته نه وي ، دشرييک او دهفه دخلف په باره گنبی نافذه گهله کيری .

# رسمی جریدة

ماده ۱۹۵۴ -

باید مال قابلیت تقسیم را داشته باشد ، در غیر آن به اساس تقسیم استفاده مطلوب از بین میرود .

ماده ۱۹۵۵ -

هرگاه مال قابل قسمت باشد : حکمه میتواند هنگام مطالبه تقسیم از جانب یکی از شرکاء یک یا چند نفر اهل خبره را به منظور ترتیب و تقسیم حصة هر شریک موظف نماید .

ماده ۱۹۵۶ -

اهل خبره حصص را به اساس خورد ترین سهم تقسیم میکنند ، گرچه تقسیم جزوی باشد . در صورت عدم امکان میتوانند حصة هر یک از شرکاء را تعیین و مجزا نمایند .

ماده ۱۹۵۷ -

معادله حচص حسب انتحقاق که در آن نقصان فاحش نباشد ، حتمی است .

ماده ۱۹۵۸ -

حقوق مشترکه متقاسمین بر اعیان تحت قسمت هنگام تقسیم رعایت میشود .

ماده ۱۹۵۴ -

باید چه مال دویشلو قابلیت - ولری ، او په ویشلو سره دهفی خخه غوبنتل شوی گته اخستل دمینخه لاهه نه شی .

ماده ۱۹۵۵ -

که مال دویشلو وپوی ، محکمه دویشلو دغوبنتنی په وخت کښی کولی شی چه دهر شریک دحصی دترتیب او ویش دپاره یو یاخشو پوهان مؤظف کی .

ماده ۱۹۵۶ -

پوهان به دهیری وپی برخی په اساس حصی ویشی ، که خه هم ویش جزوی . که دی کار امکان نه لرلو نو دهر شریک حصه به تاگی او جلا کوی به یی .

ماده ۱۹۵۷ -

داستحقاق په اندازی دحصو معادله کول چه په هفی کښی فاحش کموالی نه وی ، هرو مردو دی .

ماده ۱۹۵۸ -

دویش لاندی اعیانو بانسدی ، دویشونکو شریک حقوق ، دویش به وخت کښی مراعت کېږي .

# رسمی جستار

ماده ۱۹۵۹ -

تقسیم بندو شکل صورت میگیرد،  
یکی به جمع حصة مشاع در هر فرد  
از افراد مال اعیان مشترک که تقسیم  
جمع یاد میشود و دیگری به تعیین  
حصص مشاع در یک عین مشترک  
که تقسیم تفرقی نا میده میشود .

ماده ۱۹۶۰ -

معادل کمبود حصص به پرداخت  
مال اضافی از جانب کسیکه حصه  
بیشتر گرفته است ، جواز دارد.

ماده ۱۹۶۱ -

در تقسیم رضائی خیار شرط ،  
خیار رویت و خیار عیب ، طبق  
موافقه طرفین و احکام قانون تطبیق  
می گردد .

ماده ۱۹۶۲ -

هرگاه یکی از شرکاء در ملک  
مشترک بدون اجازه باقی شرکاء  
برای خود تعمیری بسازد و در تقسیم  
به حصه دیگری اصابت کند به  
انهدام آن مکلف میشود .

ماده ۱۹۶۳ -

در دعوى تقسیم محکمه ابتدائیه  
که اعیان مورد تقسیم در حوزه آن  
قرار دارد ، ذیصلاح شناخته میشود .

ماده ۱۹۵۹ -

داعیانو ویش په دوه دوله دی ،  
یوداچه دشريکو اعیانو دمالونو په  
هر فرد کبنسی شریکه حصه جمجمه شی  
چه دجماعی دویش په نامه یادبیری ،  
بل داچه په یوه شریک عین کبنسی  
شریکی حصی و تاکلشی چه دتفريق  
دویش په نامه یادبیری .

ماده ۱۹۶۰ -

دحصو دکموالی معادله دهقه چاله  
خوا چه زیاته حصه ئی اخستی ده  
داضافی مال په اداء کولو سره ،  
جواز لری .

ماده ۱۹۶۱ -

په رضائی ویش کبنسی ددواپو  
خواوو په موافقی او دقانون دحکمنو  
سره سه دشرط خیار ، دلیلو خیار  
او دعیب خیار تطبیقی بری .

ماده ۱۹۶۲ -

که یوه شریک بی دنورو شریکانو  
داجازی په شریک ملکیت کبنسی  
تعمیر جوی کی او په ویش کبنسی دبل  
شریک په حصی کبنسی راشی ، نو په  
نره ولو ئی مکلف کیبری .

ماده ۱۹۶۳ -

دویش په دعوى کبنسی هفه  
محکمه دواک لرونکی ده چه دتقسیم  
لاندی اعیان دهقی په حوزی کبنسی  
واقع دی .

# رسیج جریل

ماده ۱۹۶۴ - ماده

۱۹۶۴ - ماده

محکمه ابتدائیه مندرج ماده ۱۹۶۳ (۱۹۶۲) این قانون منازعات ناشی از تعیین حصص و سایر منازعات مربوط را که قانون اساسی صلاحیت آن داخل باشد، حل و فصل می‌نماید.

ماده ۱۹۶۵ -

هرگاه هنگام رسیدگی محکمه ابتدائیه بدعوى تقسیم منازعات دیگری بروز نماید، محکمه مکلف است دعوا تقسیم را تازه‌مان انصاص قطعی منازعات مذکور متوقف‌سازد.

ماده ۱۹۶۶ -

(۱) هرگاه منازعه قطع شود و حصص بطريق رضائی تعیین گردد، محکمه باعطاً حصة مفرزه هر یک از شرکاء حکم می‌نماید.

(۲) در صورتیکه حصص بطريق رضائی تعیین نگردد، تقسیم بین شرکاء باساس قرعه صورت گرفته و در محضر محکمه درج گردیده و باعطاً حصة مفرزه هر شریک حکم صادر می‌گردد.

دادی قانون د (۱۹۶۳) مادی درج شوی محکمه به دھصو دتاکلو خخه پیدا شوی منازعی اونوری مربوطی منازعی چه دقانون له حیثه دھسی دواک په ساحی کښی داخلی وي، حل اوفصل کوي.

ماده ۱۹۶۵ -

که کوم وخت چه ابتدائیه محکمه دویش خخه په پیدا شوو منازع غور کوي په دی وخت کښی نوری منازعی را خرگندی شي، نو محکمه مکلفه ده چه دویش دعوا تر هغئي پوری متوققه کي ترخو چه د ذکر شوو منازعو قطعی انصاص راشي.

ماده ۱۹۶۶ -

(۱) که جگری پري شي او حصى په رضائی صورت و تاکلی شي، نو محکمه به دھر شریک په جلا شوی حصى حکم کوي.

(۲) په هغئي صورت کښي چه حصى په رضائی توگه و نه تاکلی شي، نو ویش به دھریکانو ترمنځ دېچي په اچهولو سره ترسره کېږي، دمحکمې په محضر کښي به درجیږي او دھر شریک دجله شوی حصى په ورکولو به حکم صادرېږي.

# رسمنی جریلب

ماده ۱۹۶۷ -

هرگاه تقسیم عین مال متعذر بوده یا مال که تقسیم آن مطلوب است در اثر تقسیم قیمت آن بسیار زیاد تنزیل نماید ، مال طبق احکام قانون اصول محاکمات مدنی به فروش میرسد .

ماده ۱۹۶۸ -

در دعوی تقسیم ادخال ، دائنينیکه حقوق آنها مقید است و دائنينیکه در انجام تقسیم عین یابفروش مال طور مزایده اعتراض مینمایند ، حتمی شمرده میشود . در غیر آن تقسیم در حق آنها نافذ نمیگردد .

ماده ۱۹۶۹ -

هرگاه علیه میت بعد از تقسیم متروکه او دین ظاهرشود ، فسخ تقسیم جواز دارد . مگر اینکه ورثه دین را تادیه یاداين از دین خود بورثه ابراء نماید و یا از میت مال دیگری غیر از مال تقسیم شده باقیمانده باشد که دین را تکافو نماید .

ماده ۱۹۷۰ -

متقاسم از مملکتیت مال مشاع ،

که دمال دعین ویش متغیره وو یا هفه مال چه ویش بی مطلوبی دویشلو په ائر ثی قیمت دیر تبیزی ، نر مال به دمدنی محاکمو داصول دقانون دحکمونو سره سم خرخول کبیری .

ماده ۱۹۶۸ -

دویش په دعوی کبیسی دهفو پور ورکونکو داخله ول چه حقوق ئی قیدشوی او دهفو پورور کونکو داخلول چه دعین دویش په ترسره کولو یا دمزایدی په توگه دمال په خرخولو اعتراض لری ، هرو مرودی . دهفی په غیر دهفوی په حق کبیسی ویش نافذ نه گنبل کبیری .

ماده ۱۹۶۹ -

که دمپری دترکی دویش خخه وروسته پرهفه پور ظاهره شی نو دویش فسخ کول جواز لری ، مگر داچه وارثان پورداده یا پورور کونکی دخپل پور خخه هفوی ته ابراء وکی یا داچه دمپری خخه دویشل شوی مال خخه غیر نور دومره مال پاتی شوی وی چه دبور داداء کولو دباره کفايت کوي .

ماده ۱۹۷۰ -

ویشونکی دشريك مال دملکتیت خخه دهفی حصی مالک گنبل کبیری

## رسمی جریمه

تقسیم باو تعلق گرفته و در خصوص  
با قیمانده مالک چیزی نمی باشد.

چه په ویش کتبی یی دهقه په روی  
تعلق نیولی او په پاتی حصو کتبی  
دهیخ شی مالک نه گنل کیری .

ماده ۱۹۷۱ -

متقاسمان در برابر یکدیگر از  
تعرض یا استحقاق که بنا به سبب  
قبل از تقسیم واقع شود ، ضا من  
می باشند . هر یک آنها بتنا سبب  
حصة خود باعتبار قیمت روز تقسیم  
مال به تادیه تعویض به مستحق  
ضمان مکلف می باشد . اگر یکی  
از متقاسمان نا دار باشد ، مقدار  
ضمان که بر اولاد ز است بر تمام  
متقاسمان دارنده و مستحق ضمان ،  
توزیع میگردد .

ماده ۱۹۷۲ -

تضمين در حالات آتی مسو رد  
ندارد :

- ۱- اگر بموجب موافقه صریح  
بنابر موجبه خاص که ضمان از آن  
نشأت گرده تضمين عفو شده باشد .
- ۲- استحقاق به خطاء شخص  
متقاسم راجع باشد .

ماده ۱۹۷۳ -

(۱) نقض تقسیم رضائی پشرطی  
جواز دارد که یکی از متقا سمان  
ثابت نماید که از تقسیم بالرغبن  
باندازه بیش از خمس قیمت به او

ویشونکی یو دبل په مقابل کتبی  
دهفی تعرض یا استحقاق خخه  
ضامن دی چه دویش خخه تر مخه  
سبب باندی واقع شی . دهفوی هر یو  
دخبلی حصی په تناسب دمال دضمان  
دورخی دقيمت په اساس دضمان  
مستحق ته دتعويض په ور کولو  
مکلف دی . که کوم یو ویشونکی بی  
وخلی وی ، نوکومه اندازه ضمان چه  
برهقه لازم دی په قولو شتمنو اود  
ضمان مستحقو باندی ویشل کیری .

ماده ۱۹۷۴ -

په لاندینیو حالونو کتبی تضمين  
موردنده لری :

- ۱- که دصریحی موافقی په اساس  
دادسی موجبی په بنا چه ضمان  
ورخخه پیدا شوی وی ، تضمين عفو  
شوی وی .
- ۲- که استحقاق پخبله دویشونکی  
خطا ته راجع وی .

ماده ۱۹۷۵ -

(۱) در رضائی ویش نقضه ول په  
دی شرط جواز لری چه دویشو نکو  
خخه کوم یو ثابته کی چه دویش  
خخه دغبن په اثر دپنختمی حصی

# رسمنی جریمه

ضرر عاید شده است . در تعیین اندازه غبن قیمت روز تقسیم مال اعتبار داده میشود .

(۲) بعد از انقضای سال مابعد تقسیم دعوی شنیده نمیشود و مدعی علیه میتواند با پرداخت نقد یا عین که کمبود حصه مدعی را پوره کند ، دعوی را متوقف نماید .

## قسمت پنجم

### تقسیم منافع

ماده ۱۹۷۴ -

تقسیم منافع یازمانی میباشد و یا مکانی و هردوی آن بصورت رضائی یا رضائی انجام میگردد .

ماده ۱۹۷۵ -

در تقسیم منافع مکانی ، شرکاء موافقه مینمایند که هر یک آن از جزء معین منفعت مال که با حصه او در مال مشترک مشاع مساوی باشد، استفاده نموده و در مقابل آن از استفاده کردن اجزاء با قیما نده حصه خود به شرکاء دیگر تنازی نماید . مدت این موافقه از پنج سال تجاوز کرده نمیتواند . اگر مدت تعیین نشده باشد ، موافقه تا مدت یکسال دوام میکند و در

دقیمت داندازی خخه زیات ضررورته رسیدلی دی . دغبین داندازی پنهانکلو کبیسی دمال دویش دو رخصی قیمت اعتبار لری .

(۲) دویش دکال پسی کمال پنهانکلو سره دویش دعوی نه اوریدله کبیری ، مدعی علیه کولی شی دنقدو پیسو یا دعین په ورکلو سره چه دمدعی حصی کموالی پوره کی ، دعوی متوقفه کی .

## پنجم قسمت

### دگتو ویش

ماده ۱۹۷۴

دگتو ویش یا زمانی وی او یا مکانی . دواوه چوله ثی په رضائی او رضائی صورت ترسره کیدای شی .

ماده ۱۹۷۵

دمکانی گتو په ویش کبیسی شریکان موافقه کوی چه هریو به دمال دگتو دناکلی جزء خخه چه دشریک مال حصی سره مساوی دی ، گته اخلي او دھنی په بدل کبیسی به دخپلی پاتی حصی داجزا و دگتی اخستلو خخه نورو شریکانو ته تیریزی . ددی موافقی مده دپنخو کلونو خخه نه شی زیا تیدلی . که مده نه وی تاکل شوی نو موافقه تر یه کاله پوری دوام کوی ، نوکه دکال

## رسیج جریبه

صورتیکه قبل از سه ماه از مtarیخ ختم سال شریک عدم رضایت خودرا بسایر شرکاء ابلاغ ننماید، موافقه برای سال آینده نیز تجدید شده تلقی میگردد . اگر این تقسیم بهمین وضع تا مدت پانزده سال دوام کند . تقسیم نهانی شمرده میشود .

ماده ۱۹۷۶ -

(۱) تقسیم منافع زمانی، آن است که شرکاء موافقه نمایند بصورت متنابع از منافع تمام مال مشترک هر یک آن برای مدتی که متناسب حصة او باشد ، استفاده نمایند .

(۲) اگر یکی از شرکاء در مال غیر قابل قسمت ، مطالبه تقسیم منافع نماید و شرکاء دیگر از آن امتیاع آورند، تقسیم منافع بصورت جبری صورت میگیرد .

ماده ۱۹۷۷ -

تقسیم منافع از حیث جواز تمیسک به آن بر غیر واژ حیث اهليت مقامان ، حقوق و تعهدات آنها و طرق اثبات تابع احکام عقد اجاره شناخته میشود ، مشروط بر اینکه احکام مذکور باطیعت این تقسیم .

دپای ته رسیدو دنیمه خخه دری میاشتی ، تر مخه شریک دخبله نارضائیت خخه نورو شریکانو ته خبرتیا ورنه کی، موافقه دبل کال دیاره هم نوی شوی گنل کیزی . که دا ویش په همدی ترتیب دبنخلسو کلونو پوري دوام وکی، ویش بشپر گنل کیزی .

ماده ۱۹۷۶ -

(۱) دزماني گتو ویش هفه دی چه شریکان داسی موافقه وکی چاهریو به ددموره مدلی دیاره دبول شریک مال دگتو خخه په نوبتی توگه گتهه اخلي، چه دهنه دحصی سره متناسب وی .

(۲) که یوشریک په داسی شریک مال کنی دگتو دویشلو غوبنتنه وکی چه دویشلو قابلیت نه لری او نور شریکان ورخخه خان و زغوری، نو دگتو ویش په جبری توگاصورت مومی .

ماده ۱۹۷۷ -

دگتو ویش په بل چا باندی دتمسک دجوان، دویشلو نکـو داهليت، دهفوی دحقوقو اوالتزامونو او داثبات دطريقو له حینه، داجاري عقد دحکمونو تابع گنل کیزی، خوبه دی شرط چه ذکر شوی حکمونه ددی ویش دطبيعت سره معارض نه وی . معارض نباشد .

# رسئی جنگل

## قسمت ششم

مشاع اجباری و ملکیت

طبقات منازل

مبحث اول - مشاع اجباری

ماده ۱۹۷۸ -

هرگاه از منظور تهیه مال مشاع

چنین معلوم گردد که مال مذ کور

باید بصورت دائم باقی ماند، شرکاء

نمی توانند تقسیم آنرا مطالبه نمایند.

مبحث دوم - ملکیت طبقات

ماده ۱۹۷۹ -

هرگاه یکی مالک طبقه بالا و دیگری

مالک طبقه پائین عمارت باشد، مالک

طبقه بالا حق قرار را بر سقف

داشته و سقف ملکیت مالک طبقه

پائین شناخته میشود.

مالک طبقه بالا از سطح آن

بصورت معتمد حق استفاده را دارد

مالک طبقه پائین عمارت در طبقه

بالا در حدود صیانت حق خود حق

دارد.

ماده ۱۹۸۰ -

هرگاه در واژه مدخل طبقه بالا

و تلو دروازه یوه وی، ددواو و طبقو

و پائین عمارت یکی باشد، مالکین

مالکان په شریکه توگه دهگی هردو طبقه حق استعمال آ نرا

داستعماله ولو حق لری. هیچ یو بصورت مشترک داشته هیچ یک

## شیپرم قسمت

اجباری شرکت او و کوروونو

طبقو ملکیت

لمهی مبحث - اجباری شرکت

لاده ۱۹۷۸ -

که دشیریک مال دبرا بره ولو خخه

دامقصدوی چه ذکر شوی مال دی

باید چه په دائمی توگه پاتنی شی،

نو شریکان نه شی کولی چه دهگی

دویشلو غوبنسته و کی .

دومه مبحث - دکوروونو طبقو ملکیت

لاده ۱۹۷۹ -

که یو دعمارت دبورتنی طبقی اوبل

دلاندنی طبقی مالک وی، نو دبورتنی

طبقی مالک په چت باندی داوسيده

حق لری، خوچت دلاندنی طبقی

دمالک ملکیت گنل کیری. دبورتنی

طبقی مالک په عادی صورت دهگی

دسطوحی شخه دگنی اخستلو حق

لری. دعمارت دلاندنی طبقی مالک

په پورتنی طبقی کنی دخیل حق

وصیانت په حدود دو کنی، حق لری.

لاده ۱۹۸۰ -

که دبورتنی او لاندنی طبقی دنه

وتلو دروازه یوه وی، ددواو و طبقو

و پائین عمارت یکی باشد، مالکین

مالکان په شریکه توگه دهگی هردو طبقه حق استعمال آ نرا

داستعماله ولو حق لری. هیچ یو بصورت مشترک داشته هیچ یک

# رسیج تذکرہ

نه شی کولی چه بل دھفی دگتے۔ دیگری را از استفاده از آن منع کرده نمیتواند۔

## مادہ ۱۹۸۱ -

هر گاه مالک طبقہ پائین عمارت طبقہ مذکور را تجاوز آتھریب نماید، بہ تجدید بنا بصورت جبری مکلف می باشد۔

## مادہ ۱۹۸۲ -

(۱) هر گاه طبقہ پائین عما رت بدون فعل مالک آن منهدم گردد بہ بناء آن مکلف می باشد۔

اگر مالک منزل پائین از اعمار مجدد آن امتناع آورد و مالک طبقہ بالا بہ اجازہ مالک طبقہ پائین یا اجازہ محکمہ باعمار آن بپردازد، میتواند مصارف اعمار را از مالک طبقہ پائین حاصل نماید۔

(۲) اگر مالک طبقہ بالا بدون اجازہ مالک طبقہ پائین یا بدون اجازہ محکمہ باعمار اقدام کند، حق مراجعہ او بر مالک طبقہ پائین منحصر بہ قیمت بنا میباشد و قیمت به اساس نرخ گذاری ا هل خبرہ بہ قیمت روز اعمار تعیین میشود نہ قیمت روز مراجعہ۔

## مادہ ۱۹۸۳ -

مالک طبقہ بالا در هردو حالت مندرج مادہ (۱۹۸۲) این قانون،

## مادہ ۱۹۸۱

کہ دعمارت دلاندنی طبقی مالک ذکر شوی طبقہ پہ تیری کولو سره خرابہ کی، نو دبنا پہ بیا جو پولو پہ جبری صورت مکلف دی۔

## مادہ ۱۹۸۲

(۱) کہ دعمارت لاندنی طبقہ بی دھفے دمالک دفعل خنہ پونگہ شی دھفی پہ بناء مکلف دی۔ کہ دلاندنی طبقی مالک دھفی دنوی جو پولو خانہ خان و زغوری، او دبورتنی طبقی مالک دلاندنی طبقی دمالک پہ اجازی یا دمحکمی پہ اجازی هفہ آبادہ کی، نو کولی شی چہ دآبا دولو مصر فونه دلاندنی طبقی دمالک خنہ و غواپی۔

(۲) کہ دبورتنی طبقی مالک بی دلاندنی طبقی دمالک داجازی یا بی دمحکمی داجازی دھفی جو پولو ته اقدام و کی، نو دلاندنی طبقی بہ مالک باندی دھفی درجوع کولو حق بناء دقیمت پوری منحصر کیبری او دپوہانو درخ اینبودلو پہ اساس دجوپولو دورخی پہ قیمت تاکل کیبری نہ درجوع کولو دورخی پہ قیمت۔

## مادہ ۱۹۸۳

دبورتنی طبقی مالک ددی قانون  
۱۹۸۲) مادی پہ دواپو حالونو

# رسئی جریل با

میتواند مالک طبقه پائین را از سکونت و استفاده طبقه مذکور تا زمانی منع نماید که حق اورا تادیه کند . همچنان میتواند به اجازه محکمه آنرا به اجاره داده و اجرت آن حق خو درا بگیرد .

ماده ۱۹۸۴ -

مالک طبقه بالا نمیتواند بدون اجازه مالک طبقه پائین در بالای منزل بنا جدید اعمار یا به ارتفاع منزل خود اقدام کند ، مگر اینکه ثابت شود عمل مذکور به طبقه پائین ضرر عاید نمیکند . در اینصورت میتواند بدون اجازه مالک طبقه پائین به اعمار یا ارتفاع آن اقدام کند .

## فصل د و م

اسباب کسب ملکیت

قسمت اول

تصا حسب

ماده ۱۹۸۵ -

شخصیکه مال منقول مباح را قبل از دیگران بدست آرد ، مالک آن شناخته میشود .

(۶۳۱)

کتبی کولی شی چه دلاندنی طبقی مالک ترهقی پوری ذکر شوی طبقی داوسيدل او گتی اخستلو خخه منع کی ترخو چه دهقه حق اداء کی . همدارنگه کولی شی چه دمحکمی په اجازی هفه په اجاری ورکی او داجاری خخه ئی خپل حق تراسه کی .

ماده ۱۹۸۴ -

دپورتنی طبقی مالک بی دلاندنی طبقی دمالک داجازی خخه نه شی کولی چه دپورتنی طبقی دپاسه نوی آبادی وکی او یا دخیل پورتنی کور نوی والی ته اقدام وکی ، مگر داچه ثابت شی چه دهقه دا کار لاندنی طبقی ته ضرر نه رسوبی . په دی صورت کتبی کولی شی چه بسی دلاندنی طبقی دمالک داجازی خخه دهقی آبادولو یا لوی والی ته اقدام وکی .

## دوهم فصل

ملکیت دکسپولو سببونه

لمپری قسمت

دتسلط لاندی راپل

ماده ۱۹۸۰

که خوک مباح مال تر نورودمخه تراسه کی ، دهقی مالک پیژنسل کیزی .

# رسمنی جریمه

ماده ۱۹۸۶ -

هرگاه مالک مال منقول ازملکیت آن صرف نظر نماید ، به مال مباح تبدیل می گردد .

ماده ۱۹۸۷ -

احراز ، یا حقیقی است که با گذاشتن دست فعلی بر شی یا حکمی است که به تهیه سبب آن محقق می گردد .

ماده ۱۹۸۸ -

هرگاه معدن ، خزانه یا آثار باستانی در اراضی مملوکه شخصی کشف گردد ، ملکیت آن از دو لت بوده علاوه بر اعطای مكافات برای مالک زمین مطابق به قانون استتملاک می گردد .

ماده ۱۹۸۹ -

کسیکه در اراضی دولتی معدن ، خزانه دفن شده یا اثر باستانی را بیابد ، ملک دولت شمرده شده مقامات باصلاحیت در مقابل به او مكافات مناسب تعیین میکند .

ماده ۱۹۹۰ -

حقوق در شکارآبی و زمینی ، لقطه و آثار تاریخی توسط قوانین دخاص و قوانین په وسیلی تنظیمیزی . خاص تنظیم می گردد .

ماده ۱۹۸۶ -

که دمنقول مال مالک دھفی دملکیت خخه صرف نظر وکی ، نوبه مباح مال بدليزی .

ماده ۱۹۸۷ -

دضرر لاندی را پول به یا حقیقی وی چه په شی باندی دفعی لاس اينبودلو په وسیلی محقق کيزی او یا به حکمی وی چه دسبب په برابرولو تحقیق پیدا کوی .

ماده ۱۹۸۸ -

که دچا دملکیت لاندی مخلوکبندی معدن ، خزانه یا تاریخی آثار کشف شی ، دھفی ملکیت ددولت دی ، په مكافات ور کولو علاوه ، داستتملاک شقانون سره سم مخلکه استتملاک کيزی .

ماده ۱۹۸۹ -

که خوک په دولتی خمکو کښی معدن ، خنبه کپری خزانه یا تاریخی اثر پیدا کمی ، ددو لت مال دی او واک لرونکی مقا مونه به دھفی په بدل کښی ورته مناسب مكافات تاکی .

ماده ۱۹۹۰ -

داوبو او خمکی په بشکار کښی ، لقطه او تاریخی آثارو کښی حقوق دخاص و قوانین په وسیلی تنظیمیزی . خاص تنظیم می گردد .

# رسیج بیلدا

ماده ۱۹۹۱ - ماده ۱۹۹۱

اراضی زراعتی لا مالک ملکیت  
دو لت بوده تملک آن بدون اجازه  
دو لت و خلاف احکام قانون، جواز  
ندارد .

ماده ۱۹۹۲

اراضی بایر غیر قابل انتفاع که  
لامالک باشد ، ملک شخصی شناخته  
میشود که به اجازه حکومت آن را  
تصرف و آباد نموده باشد . ۱ گز  
اراضی بایر و لامالک به اجازه حکومت  
آباد گردد و در آن کشت ز راعت  
و بنا آباد کند آباد کننده مالک آن  
شناخته شده و به تادیه مالیات مکلف  
میشود ، مگر اینکه قانون خاص طور  
دیگر حکم کرده باشد .

قسمت د و م

انتقال ملکیت به سبب وفات

مبحث او ل میراث

فرع اویل - احکام عمومی

ماده ۱۹۹۳ -

ملکیت اموال منقول و عقار  
و حقوقیکه از مورث به ارث گذاشته  
شود ، مطابق قواعد و حصص مندرج  
مواد ذیل بورئه انتقال می یابد :

بی مالکه زراعتی ملکی ددولت  
ملکیت دی ، بی ددولت داجازی اود  
قانون دحکمونو په خلاف دھفی تملک  
جواز نه لری .

ماده ۱۹۹۲

وچی ملکی چه دگتی اخستلو  
قابلیت نه لری او مالک ونه لری ،  
دھفه چا ملکیت گنل کیزی چه  
حکومت په اجازی هغه تصرف او  
آبادی کی . که بی له مالکه وچی ملکی  
دحکومت په اجازی آبادی شی او به  
ھفی کنسی کنیت شی یا بنا آباده شی ،  
آباده وونکی دھفی مالک گنل کیزی  
او دمالیو په ورکولو مکلف کیزی ،  
مگر داچخاص قانون بل رنگه حکم  
کپری وی .

د وهم قسمت

دمیرینی په سبب دملکیت نقلیدل

لمپری مبحث - میراث

لمپری فرعه - عمومی حکمونه

ماده ۱۹۹۳

دمنقولو او عقاری ، مالو نوملکیت  
او هغه حقوق چه دمورث خخه په  
میراث پرینبودل کیزی دلاند نیودرج  
شبوو مادو دقاعدو او حصوسره سم  
وارثانو ته انتقالیبری :

# رسیج بنیاد

ماده ۱۹۹۴

ماده ۱۹۹۴

استحقاق ارث بمرگ مورث  
یابه اعتبار اینکه به حکم قضایی  
مرد شمرده شده ، تحقق می‌یابد.

ماده ۱۹۹۵

برای تثبیت استحقاق ارث ، تحقق  
حیات حقیقی یا حکمی وارث هنگام  
مرگ مورث یا هنگام صدور حکم  
به مرگ مورث ، حتمی شمرده  
میشود .

ماده ۱۹۹۶

هر گاه دو نفر بمیرد و معلوم شده  
نتواند که کدام یکی از آنها اول مرده  
در مترو که دیگری مستحق شده  
نمی‌تواند ، اعم از اینکه مرگ آنها  
دریک حادثه باشد یا در حادثه  
مختلف .

فرع دوم - مترو که

و توزیع آن

ماده ۱۹۹۷

از متروکه به ترتیب ذیل تادیه  
میشود :

۱- مصارف تکفین و تجهیز میت  
تازمان دفن .  
۲- اداء دیونیکه بر ذمہ او واجب  
است .

۳- وصیت میت از ثلث ما بقی  
متروکه بعد از تادیه دین .

دمیراث استحقاق دمیراث په میرینی  
یا په دی اعتبار چه دقضیی په حکم  
مر شمارل شوی ، تحقق پیداکوی .

ماده ۱۹۹۵

دمیراث داستحقاق دلابتلو لو  
دپاره دمیراث دمیرینی یا دهقه دمیرینی  
دحکم دصا دریدو په وخت کتبی  
دوارث دحیقی یا حکمی ژونس  
تحقیق ، هرو مرو دی .

ماده ۱۹۹۶

که دوه نفره مره شی او معلومه  
نه کپری شی چه کوم یو لمپی مره  
شوی نو یو دبل په متروکی کتبی  
نه شی مستحق کیدلی ، عام له دی  
چه دهفوی مرگ په یوی حادثی کتبی  
وی یا په مختلفو حادثو کتبی .

دوهمه فرعه - متروکه اودهغی

تو ذیع

ماده ۱۹۹۷

دمتروکی خخه به لاندنی چو  
تادیه کپری :

- ۱- دینخه ولو تروخته پوری  
دکن ورکولو او تجهیز مصروفه .
- ۲- دهغی پورونو اداء کول چه  
دمپی په ذمی لازم دی .
- ۳- دپور اداء کولو وروسته  
دپاتی متروکی دریمی حصی خخه  
دمپی وصیت .

# وسمی جریبه

۴- تقسیم باقیمانده مترو که به ورثه مطابق احکام میراث .

## ماده ۱۹۹۸

(۱) هرگاه طبق حکم فقره (۴) ماده (۱۹۹۷) در این قانون مستحق میراث موجود نگردد ، میراث متروکه متباقی حسب ذیل تو زیع میشود :

۱- استحقاق شخصیکه میت به نسب او به غیر از خود اقرار نموده باشد .

۲- وصیت زاید از حدودیکه وصیت در آن تنفیذ میشود .

(۲) در صورتیکه اشخاص فوق این ماده موجود نشوند مترو که یا آنچه از آن باقی مانده ، به دولت تعلق می گیرد .

## فرع سوم - اموانع میراث

### ماده ۱۹۹۹

از موانع میراث قتل عمدى مورث است ، اعم از اینکه قاتل فاعل اصلی یا شریک یا شاهد ناحق باشد که شهادت ناحق او موجب حکم اعدام داد عدم حکم او دهی تنفیذ موجب و تنفیذ آن گردیده باشد . مشروط بر اینکه قتل بدون حق و بدون عذر بوده و قاتل عاقل و سن هجده سالگی را تکمیل نموده باشد .

۴- دمیراث دحکمونو سره سم په وارثانو باندی دپاتی مترو که ویشل .

## ماده ۱۹۹۸

(۱) که ددی قانون (۱۹۹۷) مادی د (۴) فقره ی د درج شوی حکم سره سم دمیراث مستحق پیدانه شی نو دمتروکی میراث پاتی حصه په لاندنی چول توزیع کیزی :

- دهجه چا استحقاق چه مهی دهجه په نسب بی دخبله خانه اقرار کپری وی .

- دهی حدود دو شخه زیات وصیت چه وصیت په گنی تنفیذ بزی .

(۲) په هغه صورت کنی چه ددی مادی پورتنی اشخاص موجود نه شنی ، متروکه یا هغه خه چهده شخه پاتی شوی دولت پوری تعلق نیسی .

## دریمه فرعه - دمیراث موانت

### ماده ۱۹۹۹

دمیراث دموانعو شخه دموزرث عمدى قتل دی عام له دی چه قاتل اصلی فاعل یا شریک یا داسی دنا حقوق شاهدوی چه دهجه ناحقه شهادت داد عدم حکم او دهی تنفیذ موجب شوی وی ، خو په دی شرط چه قتل ناحقه او بی دعذر شخه وی ، اوقاتل عاقل اوداتلس گلنی عمر نی پوره کپری وی .

# رسمنج جریده

## ۲۰۰۰ - ماده

ماده ۲۰۰۰ -

(۱) استحقاق ارث بین مسلمان وغیر مسلمان نیست . ۱ ما غیر مسلمان از یکدیگر مستحق میراث شنده می توانند . اختلاف دوکشور در بین مسلمین و غیر مسلمین مانع میراث نمی گردد ، مگر اینکه قانون مملکت بیکانه میراث بر دنبیگانه را منع نموده باشد .

(۲) اجانب نمی توانند بر اساس ارث مندرج فقره (۱) این ماده ، حق ملکیت را در اموال عقاری تمسیک نماید .

### فرع چهارم - اسباب میراث

ماده ۲۰۰۱ -

(۱) اسباب میراث - زوجیت و قرابت است .

ماده ۲۰۰۲ -

ارث به اساس زوجیت تنها به طریقه فرض بوده و در قرابت به طریقه فرض عصوبت یا به هردو یا رحم یاراعیت قواعد حجب و رد می باشد .

ماده ۲۰۰۳ -

هرگاه یکی از ورثه از دو جهت مستحق ارث باشد ، با رعایت احکام این فصل از هردو جهت میراث برده می تواند .

(۱) دمیراث او نا مسلمان ترمنج دمیراث استحقاق نه شته . خسو دنا مسلمانانو ترمنج دمیراث استحقاق شته . دمسلمان نانو او نا مسلمانانو ترمنج دهیوادونو اختلاف دمیراث مانع نه گرخی ، مگر داچه دپردی هیواد قانون د پر دو میراث و پل منع کری وی .

(۲) پرداز نه شی کولی دپورتنی فقری در درج شوی میراث داستحقاق په اساس په عقاری مالونو کښی دملکیت حق کسب کی .

### خلورمه فرعه - دمیراث سببونه

ماده ۲۰۰۱ -

دمیراث سببونه : زوجیت او خبلوی ده .

ماده ۲۰۰۲ -

زووجیت دمیراث و پلو استحقاق یواخی دفرض په طریقی دی ، او په خبلوی کښی دفرض ، عصوبت یا په دواهه یا رحم دحجب اورد دقاعدو دماعت کولو سره دی .

ماده ۲۰۰۳ -

که یو وارث ددوه پلوو دمیراث حق مستحق وی ، ددی فصل دحکمونو دماعت سره ددواهه پلوو شیخه میراث و پلی شی .

# رسمی جریده

جزء اول - میراث بطریق

فرض

ماده ۲۰۰۴ -

لمپی جزء - دفرض په طریقی

میراث

ماده ۲۰۰۴ -

فرض سهم معین وارث است . در توزیع متروکه و در میراث سهام صاحبان فروض مقدم به دیگرانداده میشود . صاحبان فروض عبارت اند از پدر ، جد صحیح گرچه مرا تب آن بالارود ، برادر مادری ، خواهر مادری ، زوج ، زوجه ، دختر یا دختران دختر یادختران پسر گرچه مراتب آنها تنزیل نماید خواهر عینی ، خواهر پدری مادر جد صحیحه گرچه مراتب آنها با لا رود .

ماده ۲۰۰۵ -

فرض دمتروکی په توزیع کنیسی دهر وارث ټاکلی اندازی ته وايی ، او په میراث کنیسی دفروض دخاوندانو حصی پر نور و پراندی دی . دفروض خاوندان عبارت دی دیلار او صحیح نیکه که خه هم دنیکه مرتبی پورته لایپی شی ، مورنی ورور ، مورنی خور ، میره ، بنخه ، لور یا لورگانی ، دزوی لوریا لورگانی که خه هم دھفوی مرتبی تیتی شی . خکنی خور ، پلارنی خور ، مور ، صحیحه نیا که خه هم دھفوی مرتبی پورته لایپی شی .

ماده ۲۰۰۵ -

(۱) بازاعایت حکم ماده (۲۰۲۲) مادی این قانون اگر از متوفی پدر و پسر یا پسر پسر گرچه مراتب او تنزیل یابد موجود شود ، حصه پدرسیدس میباشد .

(۲) جد صحیح کسی است که درنسبت وی به میت انان دا خل نشود و حصه وی به ترتیبیکه در ماده (۲۰۰۴) این قانون درج است سهیں میباشد .

(۱) ددی قانون د (۲۰۲۲) مادی حکم په نظر کنیسی نیو لو سره که دمپی پلار او زوی یا دزوی زوی که خه هم دھفه مرتبی تیتی شی ، موجود شی نو شپرمه حصه دپلارده .

(۲) صحیح نیکه هفه چاته ویل کیبری چه لمپی ته دھفه په نسب کی مؤنشی داخلی نه شی او دھفه حصه په هفی ترتیب چه ددی قانون په (۲۰۰۴) مادی کنیسی درج شوی شپرمه ده .

# رسਮی جریلبلا

۲۰۰۶ - ماده

۲۰۰۶ - ماده

اولاد مادری اعم از پسر و دختر در صورتیکه تنها یک فرد باشد، حصة او سدس و در حالیکه متعدد باشند حصة آنها ثلث می باشد، ذکور و اناث آنها در تقسیم برابر اند.

در حالت دوم اگر ذوی الفروض تمام متروکه را در بر گیرد یا اولاد مادری برادر یا برادران عینی، بصورت جداگانه یا همراه باخواهر یا خواهران عینی، شریک میشوند و در بین آنها ثلث به ترتیب فوق تقسیم میشود.

۲۰۰۷ - ماده

(۱) برای زوج در حال نداشتن اولاد یا اولاد پسر گرچه مراتب او تنزیل نماید، نصف میراث میرسد و در حال موجودیت اولاد یا اولاد پسر گرچه مراتب او تنزیل کند، چهارم حصه میراث میرسد.

(۲) زوجه گرچه مطلقه ر جمعی باشد در صورتیکه شوهر در حال بقای عدت او وفات نماید، یا زوجات در صورت نداشتن اولاد یا اولاد پسر گرچه مراتب او تنزیل نماید، چهارم حصه میراث و در صورت وجود اولاد یا اولاد پسر گرچه مرا تب

مورنی اولاد عام له دی چه نارینه وی او که مؤنثه په هفتم صورت کنیه چه یواخی یو نفوی نو دهقه شپرمه حصه ده، که متعدد وی نو دهفوی دریمه حصه ده، دهفوی نارینه او مؤنثی په ویش کنیه برابری. په دوهم حالت کنیه که دفترض و خاوندان ټوله متروکه واخلي، نو دمورنی اولاد سره شکنی ورور یا ورونه په څانګړی صورت یاد شکنی خور یا خویندو سره یو څای شریکیزی او دهفوی ترمنځ دریمه حصه په پورتني ترتیب و یشله کېږي.

۲۰۰۷ - ماده

(۱) که بنجنه مړه شوه که ئی اولاد یا دزوی اولاد که خه هم مرتبی ئی تیمه شی نو دمیره یې دمیراث نیماټی حصه رسپری. که یې اولاد یا دزوی اولاد موجودو که خه هم مرتبی ئی تیمه وی نو دمیره دمیراث خلورمه حصه رسپری.

(۲) بنجنه که خه هم درجعی طلاق، طلاقه کړه شوی وی په هفتم صورت کنیه چه میره دهفوی دعدت په دوام کنیه مړ شی یا بنجنه که میره اولاد یا دزوی اولاد که خه هم مرتبی ئی تیمه وی ونه لري دمیراث خلورمه حصه اوکه اولاد یا دزوی.

# رسیح بیل

تنزیل کند ، هشتم حصه میراث را مستحق میشوند .

(۳) مطلقه طلاق باین در مرض موت حکم زوجه را دارد ، مشروط براینکه زوجه برطلاق راضی نبوده وطلاق کننده در همان مرض بمیرد و مطلقه هنوز در عدت باشد .

ماده ۲۰۰۸

دختران بارعایت حکم ماده (۲۰۱۹) این قانون حسب ذیل مستحق میراث میگردند :

۱- یکدختر نصف دو یا بیشتر از آن ثلثان میراث را مستحق میگردد .

۲- دختران پسر در حال نداشتن دختر یا دختر پسر که از حیث درجه ازوی بالاتر باشد ، مستحق میراث مندرج فقره فوق میگردد . دختران پسر یکی باشند یا بیشتر از آن ، در صورت موجودیت دختر یادداختر پسر که در درجه بالاتر ازوی قرار داشته باشد ، مستحق ششم حصه میراث میگردد .

ماده ۲۰۰۹

خواهران عینی بارعایت حکم مواد (۲۰۱۹) و (۲۰۲۰) این قانون حسب

اولاد موجودو که خه هم مرتبی ائی تهمی وی ، نو دمیراث داتمی حصی مستحق کیزی .

(۳) دمپینی په مرض کبندی دبان طلاق طلاقه کره شوی دینجی حکم لری ، خو په دی شرط چه بنخه په طلاق راضی نه وی او طلاق کوونکی په همی مرض کبندی مرسنی او طلاقه کری شوی لا په عدت کبندی وی .

ماده ۲۰۰۸

دیدی قانون د (۲۰۱۹) مادی درج شوی حکم په مراعت کولو سره ، لور گانی په لاندی چول دمیراث

مستحق دی :  
۱- یوه لور نیمائی ، دوه یاده هی خخه زیاتی دمیراث ددهو ثلثه و مستحق کیزی .

۲- دزوی لور گانی عام له دی چه یوه وی یا تره هی زیاتی که هری لور یا دزوی لور چه در درجه دینجی دهی هی خخه پورته وی و نه لری ، نو دپورتنی فقری درج شوی میراث مستحق کیزی . په هغی صورت کبندی چه لور موجوده شی یا دزوی داسی لور موجوده شی چه په در درجه کبندی دهی پورته وی نو دزوی لو رگانی دشپرمنی حصی مستحق کیزی .

ماده ۲۰۰۹

دیدی قانون د (۲۰۱۹) - (۲۰۲۰) مادو درج شو و حکمو نو په مراعت کولو

# رسنی خوبند

سره خکنی خوبندی په لانه دو ل آتى مستحق میراث می باشد:  
دمیراث مستحقی دی :

- ۱- يك خواهر عیني نصف ودو  
يا بيشتر ازا آن ثلثان ميراث را مستحق  
مي گردد .

۲- خواهران پدری در حال نداشتن  
خواهر عینی ، حصص مندرج فقره  
فوق را وبا موجودیت يك خواهر  
عینی ، ششم حصه میراث را مستحق  
میشوند . اعم از اينکه خواهران  
پدری يك نفر باشد يا بيشتر ازا آن .

ماده ۲۰۱۰ -

(۱) مادر باموجودیت اولاد یا دزوی داولاد  
پسر گرچه مراتب او تنزيل نماید.  
ياد و يا بيشتر ازا دو برا دران و  
خواهران عینی باشند يا پدری يا  
ما دری و يا مختلط ششم حصه  
ميراث را و در غير ازا اين احوال  
ثلث میراث کل ترکه را مستحق  
میشود . باستثنای حالتیکه تنها  
با يکی از زوجین و پدر يکجا شود ،  
درین حالت ثلث باقیمانده ترکه را  
بعد از حصه زوج يازوجه مستحق  
میشود .

(۲) جده صحیحه بمادر يکی از  
والدین ياجد صحیح اطلاق میشود ،

۱- يوه خکنی خور نیمائی او دوه  
يا زیاتی خکنی خوبندی دمیراث دده  
تلشو مستحقی دی .

۲- که خونکنی خوبندی ونه  
لري نو پلارنی خوبندی دپور تني  
فقری درج شوی حصی او که ورسه  
يوه مورنی خور موجوده شوه دمیراث  
دشپرمی حصی مستحقی کیزی . عام  
له دی چه پلارنی خوبندی يوه وی  
اوکه تر هغی زیاتی .

ماده ۲۰۱۰

مور داولاد یا دزوی داولاد  
دم موجودیت سره که خه هم مرتبی ئی  
تیمه شی ، يا ددهه يا زیاتو ورونو  
او خوبندو دم موجودیت سره عام له  
دي چه عینی وی يا پلارنی یاموزنی  
اویا مختلط وی ، دشپرمی حصی  
مستحق کیزی ، او ددی حالونه  
غير دیولی ترکی ددریمی حصی  
ميراث مستحق کیزی . په استثنی  
دهغی حالت چه ددواړو زوجینو خونه  
یواخی دیوه سره ۱ و دپلار سره  
يو خای شی نو په دی حالت کښی  
دمیره يا دېنځی حصی و روسته  
دېباتی دریمی حصی دمتروکی مستحق  
کیزی .

(۲) صحیحه نیادوالدینو دهريوه  
مور يا دصحیح نیکه مور ته ویل

# رسیح جریلہ

گرچه مراتب بالا رود، جده یکی باشد یا متعدد مستحق ششم حصه میراث می باشند و در بین آنها بصورت مساوی تقسیم می گردد.

ماده ۲۰۱۱ -

هر گاه حصص صاحبان فروض بر متروکه بیشتر گردد، تر که بتناسب حصص آنها در میراث تقسیم می گردد.

## جزء دوم میراث به طریقه عطایوت عصوبت

ماده ۲۰۱۲ -

عصبه شرعاً بالای کسی اطلاق می شود که در صورت نبودن صاحبان فروض تمام متروکه و در صورت موجودیت اصحاب فروض در حالیکه از میراث محجوب نباشد، باقیمانده اصحاب فروض را از متروکه مستحق می شود.

ماده ۲۰۱۳ -

هر گاه هیچ یک از صاحبان فرض موجود نبوده یا باوجود آنها تمام متروکه شامل حصص فروض نشود، تمام متروکه با آنچه از اصحاب فروض باقیماند، به عصبه نسبی داده می شود.

کیبری که خه هم مرتبی پورتلارپی شی، جده یوه وی او که زیاتی دشپزمه حصی مستحقی دی او دا شپزمه حصه دهفوی ترمنځ په مساوی صورت ویشل کیبری.

ماده ۲۰۱۱ -

که دفروضو دخاوندانو حصی په متروکی زیاتی شی نو مساله عول کوی په دی چوی چه په میراث کنیتی دهفوی دحصویه تناسب ویشل کیبری.

دوم جزء - دعصوبت په

طریقی میراث

ماده ۲۰۱۲ -

په شرعی کنیتی دعاصب اطلاق په هغه چاکیبری چه که دفروضو خاوندان نه یې نو ټوله تر که او که دفروضو خاوندان موجود وو نو که دمیراث خخه حجب کړی شوی نهوي دفروضو دخاوندانو خخه دپاتی دشپزمه حصی مستحق کیبری.

ماده ۲۰۱۳ -

که دفروضو دخاوندانو خخه هیڅ یو موجودنه وو او یا دهفوی وجود ده سره ټوله متروکه دفروضو حصوته شامله نه شی، نو ټوله متروکه یا هغه چه دفروضو دخاوندانو خخه پاتی شوی، نسبی عصبه وو ته ورکوله کیبری.

# رسمنی جریده

ماده ۲۰۱۴

ماده ۲۰۱۴

عصبه نسبی به سه دسته تقسیم میشوند : عصبه بنفسه ، عصبه به سبب غیر ، عصبه مع غیر .

ماده ۲۰۱۵

عصبه بنفسه ، کسی است که در قرابت او بیت بغیر محتاج نیوده و در نسبت او بیت انان دا خل نمی گردد .

ماده ۲۰۱۶

عصبه بنفسه به ترتیب ذیل دارای چار جمیت است :

۱- بتوت ، که شامل پسران و پسران پسر میشود ، گرچه درجه آنها تنزیل یابد .  
۲- ابوت ، که شام مل پدر وجد صحیح میشود ، گرچه درجه آنها بالا رود .

۳- اخوت ، که شامل برا دران عینی پدری و پسران آنها میگردد ، گرچه درجات آنها پایان رود .

۴- عمومت ، که شامل کاکاهای میت ، کاکاهای پدر میت و کاکاهای جد صحیح میشود ، گرچه درجات آنها بالا رود . اعم از اینکه عینی باشند یا پدری و همچنان شامل پسران و پسران پسر آنها میشود ، گرچه درجات آنها پائین رود .

نسبی عصبه په دریو دستوویشن کیزی : پخچله عصبه ، دبل په سبب عصبه او دبل چاسره عصبه .

ماده ۲۰۱۵

پخچله عاصب هفه شوک دی چه پخچله عصوبت کبیسی بل چانه محتاج ذ شی ، او هری ته دهفه په نسبت کبیسی مؤنثه داخله نه شی .

ماده ۲۰۱۶

پخچله عصبه په راتلونکی ترتیب سره خلور پلوونه لری :  
۱- زوی ولی چه زامنو او دازامنو زامنو ته شامل دی که خه همدھفوی درجی تیمی شی .  
۲- پلار ولی چه پلار او صحیح نیکه ته شامل دی ، که خه هم درجی نی پورته وی .  
۳- وزوروولی چه "خکنیو ورونو ، پلارنیو ورونو او دھفوی زامنو ته شامل دی ، که خه هم درجی نی تیمی شی .

۴- ترهولی چه دمپری ترونون ، دپلار ترونون ، او دهفه دصحیح نیکه ترونون ته شامل دی که خه هم درجی نی پورته شی . عام له دی چه خکنی وی یا پلارنی وی . همدارنگه دھفوی زامنو او دھفوی دزمونه ، زامنوتنه شامل دی که خه هم درجی نی تیمی شی .

# رسمی جریل‌لا

ماده ۲۰۱۷ -

هر گاه عصبه بنفسه از نظر جمیت یکی باشند، قریب ترین آنها از لحاظ درجه به میت مستحق شمرده میشود، اگر در جمیت و درجه یکی باشند، حق اولیت به قرابت داده میشود. واگر شخص دارای دو قرابت به میت باشد، بر شخصیکه دارای یک قرابت استحق اولیت دارد. واگر از لحاظ جمیت درجه وقت قرابت مساوی باشد، میراث در بین آنها مساویانه تقسیم می‌گردد.

ماده ۲۰۱۸ -

عصبه به سبب غیر، به مؤثر اطلاق میشود که در عصبات بمیت محتاج بغير بوده و یا با غیر در عصوبت شریک باشد.

ماده ۲۰۱۹ -

- (۱) عصبه به غیر عبارت‌اند از:  
۱- دختران یا پسران .
- ۲- دختران پسر، گرچه درجات آن پائین رود با پسران پسر، گرچه تنزیل نماید. درحالیکه پسران در درجه متوازی با دختران یا پائین‌تر از آنها قرار داشته و از طریق دیگر مستحق ارث نشوند .

ماده ۲۰۱۷ -

که پچله عصبه په پلو گنی یو خای شو، نو دمیراث مستحق هفه دی چه په درجی گنی، میری ته چه نزدی خپلوي ته ورکول گیری. که خوک میری ته ددوه نزدی خپلوي یو لرونکی وو نو په هفه چادوپا زندی والی حق لری چه میری ته دیوی نزدی خپلوي لرونکی وی . که په پلو، درجی، او دخپلوي په نزدی بیوالی گنی مساوی وو، نو دهفوی ترمنع میراث په مساوی توگه ویشل گیری.

ماده ۲۰۱۸ -

په بل چا عصبه هر هفه مؤثره ده چه پچل عصوبت گنی بل چاته محتاجه وی او په عصوبت گنی ورسره شریکه شی .

ماده ۲۰۱۹ -

- (۱) په بل چا عصبي عبارت‌دي له:  
۱- لورگانی دざامنو سره .
- ۲- دزوی لورگانی که خه هم درجی ثئیقی شی دزوی دざامنو سره که خه هم درجی ثئیقی شی خوپه دی شرط چه دهفوی سره مطلقاً به یوی درجی گنی وی یا داچه دزوی زامن دزوی دلورگانی خخه په ثئیقی درجی گنی وی او ددی په غیر دبلی خوا دمیراث مستحقی نهادی.

# رسَمِيْ جَرِيْلَه

۳- خواهران عینی با برادران عینی و خواهران پدری با برادران پدری سره او پلارنی خویندی دپلار نیو ورونو سره .

(۲) در احوال مندرج فقره فوق این ماده مرد دوچندزن از میراث حصه میگیرد .

ماده ۲۰۲۰

عصبه مع غیر، به مؤنثی اطلاق میشود که در عصوبت خود به مونث دیگر محتاج بوده و مونث دیگر در عصوبت با او شرکت نسأ ۱ شته باشد .

ماده ۲۰۲۱

(۱) عصبه مع غیر، عبارت انداز: خواهران عینی یا پدری با دختران یادختران پسر ، گرچه درجه آنها تنزیل نماید . درین صورت باقی متروکه را بعد از ادائی حصه فروض مستحق میشوند .

(۲) به اشخاص مندرج فقره فوق این ماده نسبت به سایر عصبه مانند برادران عینی و پدری اعتبار داده شده در حق تقدیم، درجه وقوت، تابع احکام آنها میباشد .

ماده ۲۰۲۲

هرگاه پدر یا نیکه دلور یا دخوی ددلور سره ، گرچه هم درجه بی‌تیقه یادختر پسر ، گرچه درجه تنز یل

دبل چا سره عصبی عبارت دهی مؤنثی خخه دی چه پخشیل عصوبت کبنتی بلی مؤنثی ته محتاج وی او دابله مؤنثه ورسره په عصوبت کبنتی شریکه نه وی .

ماده ۲۰۲۰

دبل چا سره عصبی عبارت دهی مؤنثی خخه دی چه پخشیل عصوبت کبنتی بلی مؤنثی ته محتاج وی او دابله مؤنثه ورسره په عصوبت کبنتی شریکه نه وی .

ماده ۲۰۲۱

(۱) دبل چا سره عصبی عبارت دلیله : خکنیو یا پلار نیو خویندو خخه دلور گانو سره یا دزماندو دلور گانو خخه ، که خه هم درجه نی تیقی شی نو په دی صورت کبنتی دفرو ضو دحصو و روسته پاتی تر که دهغونی ده .

(۲) ددی مادی دپورتنی فقره درج شوی اشخاصو ته دنورو عصبو په تناسب لکه خکنی ورونه یا پلارنی ورونه اهمیت ورکول کیبری پسه وراندی والی، درجه ۱ و دخیلوی دزدی والی له لحاظه دهفه وی دحکمونو تابع دی .

ماده ۲۰۲۲

که پلار یا نیکه دلور یا دخوی ددلور سره ، گرچه هم درجه بی‌تیقه

# رسمنی جدیدیه

یابد یکجا شود، حصة متروکه را بطریق فرض و باقیمانده را به طریق عصیت مستحق می‌گردد.

ماده ۲۰۳۳ - ماده

(۱) هرگاه جد با برادران و خواهران عینی یا پدری جمع شود، دارای دو حالت ارثی می‌باشد:

۱- سهم یک برادر را مستحق می‌گردد، در صورتیکه تنها باذکور یا با ذکور و انان و یا تنها با انانی که با فرع وارث در میراث عصبه شده باشند، جمع شده باشد.

۲- در حالتیکه جد با خواهرانیکه به ذکور یا با فرع وارث از انان عصبه نشده باشد، در اینصورت بعد از اصحاب فروض به طریقه عصیت مستحق میراث با قیمانده میگردد.

(۲) هرگاه حالت مقامه یا وراثت به عصیت به ترتیب که در فقره فوق این ماده درج گردیده جد را از میراث محروم نماید و یا حصة او را از ششم حصه کم نماید به طریقه فرض مستحق ششم حصه می‌گردد.

(۳) در حالت مقاسمه به اولادپدری که محجوب شده باشند، اعتبار داده نمیشود.

شی. یو خای شی نو شپرمه حصه دفرض به اساس او پاتی دعصوبت دلاری مستحق کیزی.

ماده ۲۰۲۳

(۱) که نیکه دخنینیو ورونو یا خویندو یا دبلنیو ورونو یاخویندو سره یو خای شی نو دوه ارثی حالتونه لری:

۱- دورور حصه وپی که یواخی نارینه وو یا نارینه او مؤنشی وی اویا مؤنشی وی چه دوارث دفرعی سره دمیراث خخه عصی شوی وی.

۲- که دخویندو سره چه په نارینه وو نه وی عصی شوی، یا دوارث په فرعی چه دموئننو خخه وی نه وی عصی شوی، که نیکه یوخای شی، دفروضو دخاوندانو د حصو وروسته دباتی میراث دعصوبت دلاری مستحق کیزی.

(۲) که مقاسمه یا دمیراث پول په عصوبت سره په هفی ترتیب چه ددی مادی په پورتنی فقری کبنی درج شوی صورت و موی اویکه دمیراث خخه محروم کی یائی حصه دشپرمی حصی خخه کمه شی، نو دفرض په طریقی دشپرمی حصی مستحق کیزی.

(۳) که پلارنی ورونه یا خویندی په مقاسمی کبنی حجب کری شوی وو دمیراث استحقاق نه پیداکوی.

# رسیح جریدة

دریم جزء - حجب

۲۰۲۴ - ماده

جزء سوم - حجب

ماده ۲۰۲۴ -

حجب ، آن است که شخص اهلیت ارث را داشته مگر نسبت موجودیت وارث دیگر مستحق ارث نمی‌گردد. محجوب باعث محجویت وارث دیگر میگردد.

ماده ۲۰۲۵ -

حجب بدو نوع است :

۱ - حجب نقصان که باعث تقلیل حصة مستحقه ارث میشود .

۲ - حجب حرمان که بصورت کلی از میراث محروم میشود .

ماده ۲۰۲۶ -

کسیکه به سبب یکی از موانع میراث از ارث محروم گردد ، باعث حجب هیچ یک از ورته شده نمیتواند .

ماده ۲۰۲۷ -

شش نفر از ورته هیچ گاه به حجب حرمان مواجه نمی‌شوند اگر آنها عبارتند از پدر ، مادر ، پسر ، دختر ، زوج و زوجه .

ماده ۲۰۲۸ -

حجب نقصان بر پنج نفر از ورته وارد میشود که آنها عبارتند از مادر

حجب دی ته وائی چه خشوك دمیراث وپلو اهلیت ولری مگر دبل وارت دموجویت له امله دمیراث وپلو نه مستحق کیزی . حجب کره شوی بل وارت ججه وی .

ماده ۲۰۲۵ -

حجب په دوه نوعو دی :

۱ - دنقسان حجب چه دمیراث وپلو دمستحقی حصی دکموالی باعث کیزی .

۲ - دمحرو میدو حجب ، چه وارت په کلی صورت دمیراث وپلو خخه محروم وی .

ماده ۲۰۲۶ -

که خشوك دمیراث دموانعو خخه دیوه مانع په سبب دمیراث وپلو خخه محروم شی دهیخ وارت دحجب باعث کیدای نه شی .

ماده ۲۰۲۷ -

دوارانو خخه شپر نفره هیخ وخت دمحرو میدو دحجب سره نه مخامنگ کیزی چه عبارت دی د : پلار ، مور ، زوی ، لور ، میره اوښخی خخه .

ماده ۲۰۲۸ -

دنقصان حجب دوارانو خخه په پنځو نفرو واردیزی چه عبارت دی :

# رسਮی جویندگان

دختر ، پسر ، خواهر پدری، زوج از زوجه .

ماده ۲۰۲۹ -

پدر باعث حجب جد می گردد، خواه از طریق فرض مستحق ارت شود یا از طریق عصیت یا هردو.

ماده ۲۰۳۰ -

مادر میت باعث حجب جدات از میراث نمیشود ، اعم از اینکه جده پدری باشد یا مادری یا ازطرف جد.

ماده ۲۰۳۱ -

پسر باعث حجب پسر پسر و همچنان هر پسر پسر که درجه او قریب تر باشد ، باعث حجب پسر پسری نمیگردد که درجه او بعیدتر باشد.

ماده ۲۰۳۲ -

خواهران و برادران عینی باشند یا پدری یا مادری بوجود دیت پلارزو جده و پسر و پسر پسر گرچه درجه شان تنزیل یابد ، از میراث محروم نمیشوند همین من بجز درجه خواهران مادری ای محدودیت صدر

ماده ۲۰۳۳ -

برادر پدری بوجود دیت برادر عینی و خواهر عینی ایکه عصبه با غیر گردد، محجوب نمیشود .

دمور، دزوی لور، دبلارنی خور، دمیره او بنیختی خخه .

ماده ۲۰۲۹ -

پلار، نیکه دمیراث خخه حجب کوی، عام له دی چه دعصوبت په سبب یا دفرض په سبب یا ددواپو په سبب، میراث ویسی .

ماده ۲۰۳۰ -

دمپی مور ، نیاگانی دمیراث خخه حجب کوی عام له دی چه پلارنی نیاوی یا مورنی اویا نیکنی .

ماده ۲۰۳۱ -

زوی، دزوی زوی حجب کوی همدارنگه دهر زوی زوی چه درجه یی نزدی وی دهقه زوی زوی دحجب باعث کیزی چه درجه یی لری وی .

ماده ۲۰۳۲ -

په پلار، نیکه ، په زامنواود زامنوا که خه هم درجه ئی تیته وی، خویندی او ورونه دمیراث خخه ساقطیزی عام له دی چه خکنی وی یا پلارنی او یا مورنی .

ماده ۲۰۳۳ -

پلارنی ورور په پلار، په زوی ، دزوی په زوی ، په خکنی و رور ، او په خکنی خور حجب کیزی، خوپه دی شرط چه خکنی خور دبل چاسره عصبه شی .

# رسَمَّى جَرِيدَة

ماده ۲۰۳۴

دخکنی ورور زوی داود نفسرو  
وارثانو په وسیلی حجب کېږي چه  
عبارت دی: دپلار، نیکه، زوی، دزوی  
زوی، خکنی ورور، او په پلار نی  
ورور، په خکنی خور، یا په پلار نی  
خور خو په دی شرط چه دری  
وروستنی ذکر شوی دبل چا سره  
عصبه شي .

ماده ۲۰۳۵

ددی قانون د (۲۰۳۴) مادی په  
درج شوو اوو نفو علاوه پلار نی  
ورور په خکنی ورآره هم حجب کېږي.

ماده ۲۰۳۶

مورنی ورونه په شپږ نفو حجب  
کېږي چه عبارت دی له : پلار، نیکه،  
زوی، دزوی زوی، صلبی لور، او  
دزوی لور .

ماده ۲۰۳۷

خکنی تره په لس نفو حجب  
کېږي چه عبارت دی له : پلار، نیکه،  
زوی، دزوی زوی، خکنی ورور، پلار نی  
ورور. او په خکنی خور یا پلار نی خور  
خو په دی شرط چه دواوه نوعی  
خویندی عصبی شي، دخکنی ورور  
په زوی او دپلار نی ورور په زوی .

ماده ۲۰۳۴

پسر برادر عینی بواسطه هفت  
نفر از ورثه محجوب میشود و عبارت  
اند از : پدر، جد، پسر، پسر  
پسر، برادر عینی، برادر پدری  
خواهر عینی یابدري. ایکه عصبه  
باغیر ګردد .

ماده ۲۰۳۵

پسر برادر پدری علاوه بر هفت  
نفر مندرج ماده (۲۰۳۴) این قا نون  
بموجودیت پسر برادر عینی، نیز  
محجوب میشود .

ماده ۲۰۳۶

برادران مادری بمو جودیت شش  
نفر از ورثه محجوب میشوند که  
عبارتند از : پدر، جد، پسر .  
پسر پسر دختر صلبی و دختر پسر.

ماده ۲۰۳۷

کاکای عینی بوجود ده نفر از  
ورثه محجوب میشود که عبارتنداز:  
پدر، جد، پسر، پسر پسر، برادر  
عینی، برادر پدری، خواهر عینی  
یابدري، مشروط بر اینکه هر دو  
نوع خواهر عصبه شوند و پسر  
برادر عینی یابدري .

# رسمی جریل ۸

ماده ۲۰۳۸ -

پسر کاکای عینی با مو جودیت وارثین مندرج مواد ( ۲۰۳۶ و ۲۰۳۷ ) این قانون محبوبیگردد. وهمچنان باوجود کاکای عینی محبوب می گردد و پسر کاکای پدری علاوه بر اشخاص مندرج این ماده با پسر کاکای عینی محبوب بیشود .

ماده ۲۰۳۹ -

هرگاه دختران صلبی میت با دختران پسر میت اجتماع نمایند و دختران حایز دو ثلث ارث شوند، دختران پسر ساقط میشوند . مگر اینکه پسر پسر مو جود گردد . در اینصورت پسر پسر آنرا عصبه میسازد . مشروط بر اینکه در درجه آنها یا در درجات پائین تر باشد، واين پسر پسر دختران پسر را که در درجه پایانتر از او قرار دارند، محبوب میسازد .

ماده ۲۰۴۰ -

هرگاه خواهران عینی دو ثلث متروکه یابیشتر از آن را حاصل شوند ، خواهران پدری ساقط میشوند . مگر اینکه با آنها برادر پدری وجود داشته باشد ، در این صورت به واسطه آن عصبه میگردند.

ماده ۲۰۳۸ -

دخکنی تره زوی ددی قانوون ( ۲۰۳۶-۲۰۳۷ ) مادو په درج شوو حجب کوونکو وارثانو علاوه په شکنی تره هم حجب کیبری . دپلارنی تره زوی ددی مادی په ذکر شهو اشخاصو علاوه دخکنی تره په زوی هم حجب کیبری .

ماده ۲۰۳۹ -

که دمری صلبی لور گانی دهقه دزوی دلور گانو سره یو خای شی او صلبی لور گانی ددوه لاثو میراث حایزی شی نو دزوی لور گانی ساقطیبری، مگر داچه دزوی زوی موجودی، خکه چه دزوی زوی هفوی عصبه کوی که چیرته دهفوی په درجی کبنتی وی او یا دهفوی خخه به تیقی درجی کبنتی وی، همدارنگه دا دزوی زوی دزوی لور گانی چه دهقه خخه په تیقی درجی کبنتی وی حجبه وی .

ماده ۲۰۴۰ -

که شکنی خویندی دوه ثلثه یاتر هفی زیات میراث واخلی نو پلارنی خویندی ورسره ساقطیبری، مگرداچه ورسره پلارنی وروروی په دی صورت کبنتی په هفه عصبه کیبری .

# رسمی جریل ل

۲۰۴۱ - ماده

۲۰۴۱ - ماده

هر گاه خواهر عینی نصف متروکه را حایز گردد ، خواهران پد ری ساقط نگردیده ، ششم حصه متروکه را مستحق میشوند .

جزء چارم - رد

۲۰۴۲ - ماده

(۱) هر گاه ذوی الفروض تمامی متروکه را در بر نگیرد و عصبه وجود نداشته باشد ، باقیمانده فروض باستثنای ذو جین متناسب به حصص فروض بالای ذوی الفروض توزیع میشود .

(۲) اگر یکی از عصبه نسبی یا یکی از ذوی الفروض یا ذوی الاراحم موجود نباشد ، باقی مانده متروکه بیکی از زوجین رد میگردد .

جزء پنجم - اوٹ

ذوی الاراحم

۲۰۴۳ - ماده

(۱) هر گاه هیچ یک از عصبات واصحاب فروض نسبی او جسد نداشته باشند ، تمام متروکه یا باقیمانده آن به ذوی الاراحم پرداخته می شود .

(۲) ذوی الاراحم را چار صنف ذیل تشکیل میدهد که بالترتیب یکی بر دیگری در ازث مقدم شناخته میشود :

که حکمی خور نیمایی متروکه و اخلى ، نو پلارنى خویندی نامه حجبه وی بلکه ورسه دشپنمسی حصی میراث مستحقی کیبری .

خلودم جزء - رد

۲۰۴۲ - ماده

(۱) که فروضو توله ترکه مستغرقه نه کره او نسبی عصبه موجود نه شی نو پاتی متروکه بی له زوجینو فروضو خاوندانو ته دهفوی دھصو په اندازی ردیبری .

(۲) که کوم نسبی عصبه یا کوم دنسپی فروضو خاوند یا کوم در حم خاوند پیدانه شو نو پاتی متروکه دزو جینو خخه یوه ته ردیبری .

پنجم جزء - در حم خاوندانو

میراث و پل

۲۰۴۳ - ماده

(۱) که کوم نسبی عصبه یا کوم یو دنسپی فروضو خاوندانو خخه موجود نه شو نو ترکه یا دترکی پاتی حصه در حم خاوندانو ته ورکول کیبری .

(۲) در حم خاوندان خلور صنفه دی چه خینی به خینی نورو په لاندنی ترتیب په میراث و پلو کسی دوپاندی والی حق لری :

# رسمی جریده

- ۱- اولاد دختران ، گرچه مراتب آنها تنزيل نماید و اولاد دختران بسمر ، گرچه تنزيل درجه نمایند .
- ۲- جد غیر صحيح، گرچه درجه او بالا بود و جده غیر صحیحه ، گرچه درجه او بالا شود .
- ۳- پسران برادران مادری و اولاد آنها ، گرچه درجه آنها تنزيل نماید واولاد خوا هران عینی یا پدری یا مادری ، گرچه مراتب آنها تنزيل نماید کند و دختران برادران عینی یا پدری یامادری واولاد آنها ، گرچه مراتب تنزيل نماید . و دختران پسران برادر عینی یا پدری ، گرچه مراتب آنها تنزيل نماید واولاد آ نهاد .
- ۴- مشمولین شش طائفه آ تی بعضی بر بعضی دیگر به ترتیب ذیل در استحقاق ارد ، مقدم می باشند :
- الف - کاکا های مادری میت و عمه های او و ماما های او ، خاله های عینی یا پدری یا مادری او .
- ب- اولاد طایفه ها ظیکه درجع (الف) درج گردیده گرچه مرا تب آنها تنزيل نماید و دختران کاکا های میت عینی یا پدری با شند و دختران پسران آنها ، گرچه درجه
- ۱- دلورگانو اولاده که خه هم درجه بی تیته شی ، او دزوی دلورگانو اولاده که خه هم در جه بی تیته شی .
- ۲- نا صحیح نیکه که خه هم درجه بی پورته شی ، نا صحیحه نیاکه خه هم درجه ئی پورته شی .
- ۳- دمورنی ورور زامن او دهفوی اولاد که خه هم درجه بی تیته شی . دخکنی خور ، پلارنی خور او مورنی خور اولادونه که خه هم درجی بی تیته شی . دخکنیو پلارنیو اومورنیو ورونو لورگانی او دهفوی اولا دونه ، که خه هم درجی ئی تیته شی . دخکنیو اوپلارنیو ورونو دزامنیو لورگانی که خه هم درجی ئی تیته شی او دهفوی اولا دونه که خه هم درجی ئی تیته شی .
- ۴- دشپیرو راتلو نکو طانفسو شاملین په لاندنی ترتیب سره دمیراث په استحقاق کښی خینی برخینو نورو و پاندی گنل کیری : الف - دمری مورنی تروننے ، خکنی یا پلارنی یا مورنی ترورگانی (عمی) ماما گان او ترورگانی (حالی) . ب- دهفو اشخاصو اولادونه چه د (الف) په جزء کښی درج شوی که خه هم درجی ئی تیته شی ، دمری دخکنیو اوپلارنیو ترونو لور گانی او دهفوی دزامنیو لورگانی که خه هم

## رسیح جریل ۸

آنها تنزیل نماید . و او لاد همه آنها که درین تصریح ذکر شدند، گرچه در جه آنها تنزیل کند .

ج - کاکا های مادری پدر میت ، عمه ها ، ماما ها و خاله های پدر میت اعم از اینکه عینی یا پدری یا ما دری باشند و کاکا های مادر میت ، عمهها ، ماماهما و خاله های مادر میت ، اعم از اینکه عینی یا پدری یا مادری باشند .

د - اولاد طایفه های مندرج جزء (ج) گرچه مراتب آنها تنزیل نماید و دختران کاکا های عینی یا پدری میت و دختران پسران آنها، گرچه درجه ۲ نه تنزیل نمایند و اولاد دختران اشخاص مذکور ، گرچه تنزیل یابند .

ه - کاکا های پدر، پدر مادرمیت و کاکا های پدر مادر میت و کاکا های مادر مادر میت و کاکاهای مادر پدر میت و عمه ها و ما ماهما و خاله های همه آنها ، اعم از اینکه عینی یا پدری یا مادری باشند .

و - اولاد طایفه های مندرج جزء (ه) گرچه تنزیل نمایند و دختران کاکاهای عینی یا پدری پدر ، پدر متوفی ، و دختران پسران آنها گرچه تنزیل درجه نمایند و اولاد اشخاصیکه

درجی ثی تیقی شی . او دھفو بسخو اولادونه چه په دی فقری گبنی ذکر شوی که خه هم درجی ثی تیقی شی .

ج - دمری دپلار مورنی ترونه ، عمنی ، ماماگان او ترور گانی عام له دی چه خکنی وی یا پلارنی اویا مورنی . دمری دمور ترونه ، عمنی ، ماماگان ، او ترور گانی ، عامله دی چه خکنی ، پلارنی او یا مورنی وی .

د - دھفو اشخاصو اولا دونه چه (د) چه فقری گبنی درج شوی ، که خه هم درجی ثی تیقی شی . دمری دخکنیو یا پلارنیو ترونو لو رگانی او دھفوی دزانمنو لو رگانی که خه هم درجی ثی تیقی شی او دھفو بسخو اولادونه چه ذکر شوی که خه هم درجی ثی تیقی شی .

ه - دمری دمور دپلار دپلار ترونه او دمری دمور دپلار ترونه او دمری دپلار دمور ترونه او ددی تولو عمنی ، ماما گان او ترور گانی عام له دی چه خکنی ، پلارنی او یا مورنی وی .

و - دھفو اشخاصو اولا دونه چه (و) چه جزء گبنی درج شوی ، که خه هم درجی ثی تیقی شی . دمری دپلار دپلار ، خکنی یا پلارنی ترونه او دھفوی دزانمنو لو رگانی که خه هم درجی بی تیقی شی . دھفو اشخاصو

# رسمی جریده

در این جزء درج گردیده اند، گرچه در درجه پائین قرار داشته باشند.

ماده ۲۰۴۴ -

در صنف اول ذوی الارحام ترجیح باخذ میراث به کسانی داده میشود که درجه قرابت او به متوفی نزدیکتر باشد، اگر در درجه مساوی باشند، اگر در درجه فرزند و ولد اگر در درجه مساوی باشند و ولد صاحب فرض وجود نداشته یا همه اولاد اصحاب فروض باشند، در میراث شریک می گردد.

ماده ۲۰۴۵ -

در صنف دوم ذوی الارحام، حق تقدیم در ارث به کسی داده میشود که درجه قرابت او بنه متوفی نزدیکتر باشد، در حالیکه در درجه قرابت باهم مساوی باشند، کسیکه به صاحب فرض منسوب میگردد، مقدم شناخته میشود. اگر با وجود تساوی درجه هیچ یک بصاحب فرض منسوب نباشد یا همه بصاص حبان فروض منسوب گرددند، به جهت قرابت اعتبار داده میشود. در صورت اتحاد جهت، در ارث شریک

اولادونه چه په دی جزء کتبی درج شموی، که خه هم درجه ثی تیته وی.

ماده ۲۰۴۴

در حرم دخاوندانو په لمپنی صنف کی دمیراث په اخستلو کتبی هفه چاته ترجیح ورکول کیبری چه مهی ته دهقه دخیلوي درجه نزدی وی، که په درجی کتبی مساوی وو نو در حرم په خاوندانو کتبی دفرضن دخاوندانو اولاد ته ترجیح ورکول کیبری. که په درجی کتبی مساوی وو او دفرض دخاوند و لد نه وو او بیا ټول دفرض دخاوندانو اولا دونه وو، په میراث کتبی شریک دی.

ماده ۲۰۴۵

در حرم دخاوندانو په دوهم صنف کتبی دمیراث په اخستلو کتبی هفه چاته ترجیح ورکول کیبری چه مهی ته دهقه دخیلوي درجه نزدی وی. که دخیلوي په درجی کتبی سره مساوی وو نو هفه خوک چه دفرض خاوند ته منسوبی بری، وړاندی ګنبل کیبری، که ددرجی دمساوات سره هیش یودفرض خاوند ته منسوب نه وی یا داچه ټول دفرض خاوند ته منسوب وی، نو دخیلوي پلوتنه اعتبار ورکول کیبری. که دخیلوي په پلو کتبی هم سره یو وو په میراث کتبی شریک دی. په هفی صورت

# رسمی جریده

شناخته میشوند و در صورت اختلاف جمیت، دو ثلث بصل حب جمیت قرابت پدر و یک ثلث بـ صاحب جمیت قرابت مادر، برداخته میشود.

ماده ۲۰۴۶ -

(۱) در صنف سوم ذوی الازحام بکسانی حق تقدم داده میشود که از لحاظ درجه قرابت به متوفی نزدیکتر باشند. در صورت تساوی در رجه قرابت، اولاد عصبه نسبت به اولاد ذوی الازحام مقدم شناخته میشوند و در صورت عدم اختلاف ازین ناحیه به قوت قرابت به متوفی اعتبار داده میشود و کسیکه اصل از پدر و مادر باشد، نسبت به صاحب اصل پدری و صاحب اصل پدری نسبت بصاحب اصل مادری ترجیح داده میشود.

(۲) اگر از لحاظ درجه و قوت قرابت مساوی باشند، مساو یانه در ا Rath شرکت میورزند.

ماده ۲۰۴۷ -

(۱) در طایفه اول از طوابیف صنف چارم مندرج ماده (۲۰۴۳) این قانون اگر اقارب جمیت پدر منفرد شوند

کتبی چه په پلو کتبی اختلاف موجود وی نو دپلار دخیلوی دپلار خاوند ته دوه لله او دمور دخیلوی دپلار خاوند ته دریمه حصه ورکول کیزی.

ماده ۲۰۴۶ -

(۱) در حم خاوندانو په دریم صنف کتبی دمیراث په اختستلو کتبی هفه چاته ترجیح ورکول کیزی، چه مړی ته دخیلوی په درجی کتبی نزدی وی. که مړی ته دخیلوی په درجی کتبی مساوی وو نو عصبه نسبت در حم خاوندانو اولا دونوته و پراندی دی. که ددی پلوه یې اختلاف نه لرلو، نو خوک چه مړی ته په خیلوی کتبی دیر نزدی وو هفه ته اعتبار ورکول کیزی. که شوک دپلار اومور خخه په یوه اصل کتبی وی، نسبت په پلارنی اصل او دپلار نی اصل خاوند نسبت دمورنی اصل خاوند ته ترجیح لري.

(۲) که دخیلوی دنز دیوالی په درجی کتبی مساوی وو، نو میراث به دهفوی ترمنځ په مساوی ډول ویشنل کیزی.

ماده ۲۰۴۷ -

(۱) که ددی قانون (۲۰۴۳) مادی درج شوی خلورم صنف په لمونی طایفی کتبی دپلارنی پلو خیلوان

## وسمی جریل

که عبارت از کاکلهای مادری و عمه‌های میت است یا اقارب جمیت مادری منفرد شوند که عبارت از ما ماهای متوفی و خاله‌های او است، بقوت قرابت اعتبار داده میشود و به این اساس کسیکه از پدر و مادر باشد، نسبت به پدری و پدری نسبت به مادری مقدم شناخته میشود . اگر در قرابت مساوی باشند در میراث شریک می‌گردند .

(۲) اگر اقارب هر دو جمیت موجود باشد ، به اقارب جمیت پدر دوئل و به اقارب جمیت مادر یک ثلث از میراث داده میشود و حصص هر جمیت حسب تفصیل فقره (۱) این ماده در بین آنها تقسیم میشود .  
 (۳) احکام فقرات (۱) و (۲) این ماده بر طوایف سوم و پنجم نیز تطبیق میشود .

ماده ۲۰۴۸

(۱) در طایفه دوم نزدیکی در جه قرابت با متوفی مدار اعتبار قرار داده میشود ، گرچه ازیک جمیت نباشند و در صورت برابری درجه و اتحاد جمیت قوت قرابت مدنظر گرفته میشود ، اگر اولاد عصبه یا اولاد ذوی الارحام باشد .

خانگری شی چه عبارت دی: دمری دمورنی ترونو او عمود خخه اویا دمورنی پلو خپلوان خانگری شی چه دمری دماما گانو او ترور گانو خخه عبارت دی. نو دخپلوي نزدی والی ته اعتبار ورکول کیزی. پهدی اساس که خوک دمور اوپلاره نسبت پلرنی ته اوپلرنی، نسبت مورنی ته پاندی گنل کیزی. که په خپلوي کنبی مساوی وو نو په میراث کنبی شریک دی .

(۲) که ددواپو پلوونو خپلوان موجود وو نودپلار دخپلوانو پلوته دوه ٹله او دمور دخپلوانو پلو ته دمیراث دریمه حصه ورکول کیزی. ددی مادی (۱) فقری دتفصیل سره سم دهر پلو حصی دهفوی ترمنځ یشلى کیزی .

(۳) ددی مادی (۱) او (۲) فقره درج شوی حکمونه پر دریمی او پنځمی طایفی هم تطبیقیزی .

ماده ۲۰۴۸

(۱) په دوهم طایفی کنبی مهی ته دخپلوي دنzedیوالی درجی ته ترجیح ورکول کیزی، که خه هم دیوه پله نه وي. که په درجی او پلوکنبی سره یووونو که عصبه یا در حم دخاوندانو اولا دونه وو ، ډیره نزدی خپلوي په نظر کنبی نیوله کیزی .

## رسمنی گریله

(۲) اگر بعضی اولاد غصبه و بعضی اولاد ذوی الارحام باشند به اولاد غصبه ترجیح داده میشود و در صورت اختلاف جمیع، دو ثلث به جمیع پدری و یک ثلث به جمیع مادری پر داخته شده و حصص هر یک از جهات حسب طریقه فوق بین آنها تقسیم میشود.

(۳) احکام فقرات (۱) و (۲) این ماده بر طوابیف چهارم و ششم نیز تطبیق میشود.

ماده ۲۰۴۹ -

هر گاه وارث از ذوی الارحام باشد، تعدد درجات قرابت اعتبار ندارد. مگر در صورتیکه اختلاف جمیع ثابت شود.

ماده ۲۰۵۰ -

درارث ذوی الارحام، قاعده‌ای حصة ذکور دوچند حصة انان را عایت میشود.

جزء ششم - مقر له

به نسب

ماده ۲۰۵۱ -

(۱) هر گاه متوفی به نسب کسیکه نسب او مجہول باشد، اعتراف، نموده باشد و نسب شخص منه کور از غیر ثابت نگردیده

(۲) که خینی دعصبه او خینی در حرم دخاوندانو اولا دونه و، نو دعصبه و او لا دونونه ترجیح ورکول کیبری. دبلو اختلاف په صورت کنی، دوه لله دبلارنی پلو نه او دریمه حصه مورنی پلونه ورکول کیبری. او دهرپلو حصه دھفوی ترمنغ دبورتنی طریقی په اساس ویشله کیبری.

(۳) ددی مادی د(۱۱۲) فقری درج شوی حکمونه، په خلورمی او پنځمی طایفی هم تطبیقیری.

ماده ۲۰۴۹ -

که وارث در حرم دخاوندانو دبلو خخه وونو دخپلوي در جي اعتبارنه لري، مگر داچه دبلو اختلاف ثابت شمي.

ماده ۲۰۵۰ -

در حرم دخاوندانو په میراث ورلو کنی، ديو ناريئه حصه ددوه مؤننو دھصی په اندازی ده، تطبیقیری.

شپرم جزء - چانه چه په نسب

اقرار شوی وي

ماده ۲۰۵۱ -

(۱) که مری دھفه چا په نسب اقرار کړی وي چه نسب ئی مجہول وي، او دذکر شوی نسب دبل چا خخه ثابت نه شی او اقرار کونکی

# رسئی جریب

ومقر نیز از اقرار خود منصر ف نشود ، مقرله مستحق مترو که شناخته میشود .

(۲) برای کسب استحقاق ارث، درین حالت حیات شخص مقر له حین وفات یا هنگام حکم به وفات حکمی شخص مقر حتمی است. در غیر آن موانع ارث مقدم شناخته میشود .

## جزء هفتم - احکام متفرق

### اول - حمل

ماده ۲۰۵۲ -

هرگاه حمل باسایر ورثه شرکت نماید یا باعث حجب نقصان و راثه شود ، حصة یک پسر یا یک دختر هریکی که بیشتر باشد به او گذاشته میشود . و در صورتیکه حمل موجب حجب حرمان گردد ، تمام مترو که به او گذاشته میشود .

ماده ۲۰۵۳ -

هرگاه حمل زنده و فعل تولد شود یا الی خروج اکثر حصة بدن زنده باشد ، مستحق ارث شناخته میشود . اگر وضع حمل با اثر جنایت صورت گیرد ، در هر حال مستحق ارث شده وهم از او میراث برده میشود .

هم دخپل اقرار خخه ونه گرخی ، نو چاته چه اقرار شوی دی دمترو کی مستحق دی .

(۲) په دی حالت کښی شرط ده چه چاته اقرار شوی وي ، داقرار کوونکی دمرینی په وخت کښی اویا په هغه وخت کښی چه مری گنهل شوی او حکم پری صادر شوی ، ژوندی وي . اوکه داسی نه وه نو دمیراث دموانعو خخه یو مانعه ورباندی وپاندی کېږي .

### اووم جزء - متفرقه حکمونه

### لمپری - حمل

ماده ۲۰۵۲ -

که حمل دنورو وارثانو سره شریک شنی او یائني دکموالی په حجب ، حجب کی ، نو حمل ته دمری دتر کی خخه ڈزوی یادلور چه دهر یوه حصه زیاته وي پریښو دله کېږي . که حمل دمحرو میدو دحجب موجب بشی ټوله تر که ورته ساتل کېږي .

ماده ۲۰۵۳ -

که حمل ژوندی و زیگینی او یا داچه زیاته حصه یې ژوندی راوو خی نو دمیراث مستحق دی . او که په جنایت را وستل شو نو په هر حال هم میراث وړی او هم ورڅه میراث وړل کېږي .

## رسیح جریلہ

ماده ۲۰۵۴

ماده ۲۰۵۴

(۱) هر گاه زوجه یا معتقده متوفی بعد از مرگ او موجود باشد ، حمل او در صورتی مستحق میراث شناخته میشود که حد اکثر در خلال مدت سه صد و شصت و پنج روز از تاریخ وفات یافرقت ، زنده تولد شود .

(۲) حمل بغیر از پدر از شخص دیگری میراث برده نمیتواند ، مگر در دو حالت آتی :

۱ - حد اکثر در خلال مدت (۳۶۵) روز از تاریخ وفات یا فرقت زنده متولد گردد ، در حالیکه مادر او معتقد وفات یافرقت بوده و مورث هنگام عدت وفات نموده باشد .

۲ - حد اکثر در خلال مدت (۲۷۰) روز از تاریخ وفات مورث زنده متولد گردد ، مشروط بر اینکه زو جیت بین پدر و مادر او حین وفات پدر قایم باشد .

ماده ۲۰۵۵ -

هر گاه حصة تخصیص داده شده به حمل ، از حصة مستحقه او کمتر باشد ، مقدار کمبود از حصة کسانی که از استحقاق خود اضافه گرفته اند ، اخذ میشود . واگر حصة تخصیص داده شده از استحقاق

(۱) که دمپری دمپرینی و روسته دهنه بنده یا معتقد پیدا شی نتحمل ئی په هغی صورت کبئی دمپر ای مستحق گنل کبیری چه دمپرینی دنیتی خخه اکثرآ دری سوه اوینخه شبیته ورخو په مدی کبئی وزیگبیری .

(۲) حمل دبلار خخه غیر دبل چا خخه میراث نه شی ورلی ، مگر په دووه راتلونکو حالونو کبئی :

۱ - چه دمپرینی یا جدایی دنیتی خخه اکثرآ (۳۶۵) ورخو په اوبردو کبئی وزیگبیری . او داسی حالت وی چه مورئی دمپرینی یا جدائی معتقد وی او مورث دعدت په وخت کبئی هر شوی وی .

۲ - که دمپری دمپرینی په وخت کبئی دزوجیت رابطه قابمه وی او دهنه دمپرینی دنیتی و روسته اکثرآ (۲۷۰) ورخو په اوبردو کبئی وزیگبیری .

ماده ۲۰۵۵ -

که حمل ته تخصیص شوی حصه دهنه حق خخه کمه وی ، نوکمه شوی اندازه دهنه چاشخه اخستل کبیری چه دخیل استحقاق خخه بی زیاته اخستی ده . که تخصیص کره شوی حصه دحمل داستحقاق خخه زیاته

# رسمنی جریمه

زیادتر باشد ، حصه مازاد استحقاق  
به مستحقین توزیع میشود .

دوم - مفقود  
ماده ۲۰۵۶ -

(۱) حصه مستحقه مفهود یکه  
مطابق ماده (۳۲۶) مندرج این قانون  
به وفات وی حکم نشده باشد از  
متروکه مورث تخصیص داده میشود .  
در صورت ظهر حیات آنرا اخذ  
و در صورت صدور حکم به مرگ او ،  
بر سایر ورثه مستحق هنگام وفات  
مورث توزیع میشود .

(۲) اگر مفقود بعد از حکم به  
مرگ او زنده ظاهر شود ، آنچه  
که از حصه او نزد ورثه موجود  
شود اخذ مینماید .

سوم - خنثی  
ماده ۲۰۵۷ -

خنثائیکه ذکوریت و وانوئلت او  
فهمیده شده نتواند ، اقل نصیبین  
را مستحق گردیده و باقیمانده  
متروکه به ورثه دیگر داده میشود .

چارم - ولد زنا و ولد لعان  
ماده ۲۰۵۸ -

ولد زنا و ولد لعان از مادر

وه نو داستحقاق خخه زیاته اندازه  
په مستحقینو ویشه کیری .

دوهم - ورک شوی  
ماده ۲۰۵۶ -

(۱) په کوم ورک شوی چه ددی  
قانون د(۳۲۶) مادی دحکم سره سم  
دهقه په مینی حکم نه وی شوی ،  
نو دهقه دمستحقی حصی تخصیص  
دمورث دمتروکی خخه ورکول کیری .  
که ژوند بین ثابت شو نو خپله  
مستحقه حصه به وانلی او که په  
مینی ئی حکم صادر شوی وونویه  
نورووارثانو باندی چهدمورث دمینی  
په وخت کتبی دمیراث مستحق وو  
ویشه کیری .

(۲) که ورک شوی دمینی دحکم  
دصادره ولووروسته ژوندی پیداشو ،  
نو کوم شی چه دهقه دحصی خخه  
دوارانو سره پیداشی همغه به انلی .

دریم - خنثی  
ماده ۲۰۵۷ -

دهقه خنثی چه نارینه توب او  
مؤنثیت توب ئی نه پیژندل کیری ،  
ددواپو حصو خخه دكمی حصی  
مستحق کیری او پاتی متروکه نورو  
وارثانو ته ورکول کیری .

خلودم - دزنا او دلغان ولد  
ماده ۲۰۵۸ -

دزنا او دلغان ولد دخپلی مورا

## رسیج روایت

واقارب او همچنان مادر و اقارب او از آنها مستحق ارث میشوند، مگر پدر و اقارب او از اولاد مذکور ارث برده نمی توانند.

**پنجم - حوادث غرق ، حریق و انهدام.**

ماده ۲۰۵۹ -

فوت شدگان حوادث غرق ، حریق و انهدام که تقدم و تآخر وفات هیچ یک معلوم نباشد ، از همدیگر ارث برده نمیتوانند و حصص شان به ورثه احیای آنها تقسیم میشود .

**ششم - تخارج**

ماده ۲۰۶۰ -

تخارج ، آن است که ورثه به اخراج بعضی از ورثه بمقابل شی معین مصالحه نمایند . اگر یکی از ورثه پاورثه دیگر تخارج نماید ، قایم مقام او قرار گرفته مستحق حصه او از متروکه میگردد ، اگر یکی از ورثه همراه باقی وارثین تخارج نماید ، در حالیکه شی از جمله متروکه باشد ، حصه‌یی بین باقی وارثین بتناسب حصص هریک در متروکه تقسیم

دهنی دخلوانو خخه او همدار نگه دهنی مور او دهنی خبلوان دهنی خخه دمیراث و پلو مستحق کیزی . مگر پلار او دهنی خبلوان د ذکر شوو اولا دونو خخه میراث نه شی و پلی .

**پنجم - سوختیدل شوی ، غرق شوی او نپیدل شوی**

ماده ۲۰۵۹

دغرق شوو ، نپیدل شوو او سوختیدل شوو ترمنیخ یو دبل خخه دمیراث و پل نه شته ، خو په دی شرط چه معلومه نه شی چه کوم یو لمیزی من شوی . دهنوی دهلو حصی یه ژوندیو وارثانو ویشلی کیزی .

**شیشم - تخارج**

ماده ۲۰۶۰

تخارج دی ته ویل کیزی چه دیو تاکلی شی په بدل کبسی وارثان دخینو وارثانو په ویستلو یو تربله صلحه و کی . که کوم وارت دبل کوم وارت سره تخارج و کی دهنه ده حصی مستحق کیزی او په ترکی کبسی دهنی مقام کیزی . که یوه وارت دباتی نورو وارثانو سره تخارج و که ، نوکه ورکول شوی شی دمتروکی خخه ورکول شوی وو نو دهنی حصه دنورو وارثانو ترمنیخ دهنوی ده حصی په اندازی ویشلی کیزی . کهورکول

# رسمی جریل‌لا

میشود و اگر شی مذکور از مال شخصی آنها بوده و در عقد تخارج به طریقه تقسیم شخص خارج تصريح نشده باشد، حصه خارج شده، مساویانه درین وا روین تقسیم میشود.

فرع پنجم - تصفیه متروگه  
ماده ۲۰۶۱

هرگاه مورث برای متروگه اموال خویش وصی تعیین نه نماید و یکی ازورته تصفیه متروگه را مطا لبه نماید، محکمه شخصی را انتخاب می نماید. در صورت عدم توافق تمام ورثه در انتخاب شخص، محکمه میتواند بعد از استماع دلایل ورثه، به انتخاب خود شخص را تعیین نماید که تاحد امکان از جمله ورثه باشد.

ماده ۲۰۶۲

(۱) هرگاه مورث برای متروگه وصی تعیین نموده باشد، محکمه مکلف است تعیین مورث را تا تائید نماید.

(۲) تمام احکام متعلق به تصفیه کننده، بر وصی متروگه تطبیق می شود.

ماده ۲۰۶۳

موظف امور مالی محکمه، عربتاً اوامر محکمه را مبنی بر تعیین تصفیه

شوی شی دهفوی دخیل مال خم خه وو او دنخارج په عقد کبندی دویستلی دبرخی دویشنلو په طریقی تصریح نه وی شوی، نو دویستلی برخه دهفوی ترمنٹ په مساوی توگه ویشنله کیزی.

پنجمه فرعه - دمتروگه تصفیه  
ماده ۲۰۶۱

که مری دخیلی ترکی دپاره وصی نه وی تاکلی اویو وارث دمتروگه دتصفیی غوبنتنه وکی نو وارثان چه خوک ددی کار دپاره اختیاره وی، محکمه به هفه تاکی. که دوارثانو موافقه په چارانه غله، نو قاضی به تصفیه کوونکی غوره کوی، خوتخر چه ممکنه وی دهفوی ددلیلو نسو داوریدو وروسته به ئی پخیله دوارثانو خخه غوره کوی.

ماده ۲۰۶۲

(۱) که مورث دمتروگه دپاره وصی تاکلی وونو محکمه مکلفه ده چه دهفه تاکل شوی وصی تائیدکی.  
(۲) کوم حکمونه چه دمتروگه په تصفیه کوونکی تطبیقیزی همچه حکمونه دترکی یه وصی باندی هم تطبیقیزی.

ماده ۲۰۶۳

دمحکمی دمالی چارو موظف به دتصفیه کوونکو په باره کبندی دمحکمی

## رسمی جریده

کننده ، در دفتر مخصوص قید نموده و شهرت وصی متوجه را به شمول اسمای مورثین بحروف ابجده در سجل مخصوص ثبت می نماید، موظف مذکور مكلف است تما می اوامر مربوط به عزل و تنازل را در ستون ملاحظات سجل برساند .

ماده ۲۰۶۴ -

قید اوامر صادره مبنی بر تعیین تصفیه کننده ، در مورد اشخاص که راجع به عقار متوجه با ورثه معامله میکنند ، عین اثر آتی را باز میآورد که اجرآت مندرج ماده (۲۱۰۲) این قانون درقبال دارد .

ماده ۲۰۶۵ -

(۱) تصفیه کننده بمجرد تعیین اموال متوجه را تسليم گردیده تحت نظر و مراقبت محکمه ، به تصفیه آن مبادرت میورزد .

(۲) مصارف امور تصفیه بشمول حق الزحمه تصفیه کننده ایکه از جانب محکمه تعیین میشود ، از مجموع متوجه پرداخته میشود.

ماده ۲۰۶۶ -

محکمه مكلف است در وقت اقتضاء به اجرآت عاجل بنابر مطالبه اشخاص

صادر شوی امرone ورخ په ورخ په خاص دفتر کتبی قیده وی اودتر کی دوصیانو دشهرت په شمول دوارثانو دنومونو دأبجدو دحروفه په ترتیب په خاص سجل کتبی ثبته وی ، ذکر شوی مؤلف مكلف دی چه دعزل او تیریدو پوری قول مربوط امرone دسجل دملاظاتو په ستون کتبی ورسوی .

۲۰۶۴ - ماده

تصفیه کوونکی دتاکلو په باری کتبی صادر شوو امرone قیدول دهقه چا په باره کتبی تائیر لری چه دوارثانو سره دتر کی دعقارونو په هکله معامله کوی او داتائیر په همغی اندازی دی چه ددی قانون د (۲۱۰۲) مادی اجرآت ثی لری .

۲۰۶۵ - ماده

(۱) تصفیه کوونکی به دتاکلو سره سم دمتروکی مالونه تسليمبری او دمحکمی دمراقبت لاندی به دهقه تصفیی ته اقدام کوی .

(۲) دتصفیی دکارونو مصرفونه او دتصفیه کوونکی حق الزحمه چه دمحکمی له خوا تاکل کیبری دقولی ترکی شخه ورگول کیبری .

۲۰۶۶ - ماده

محکمه مخلف ده داقضاء په وخت کتبی دعلاقی لرونکو یادخانوالي په

# رسکی جریده

ذیعلاقه یا خارنوالی یا صوابدید خود اقدام نماید ، مخصوصاً در گذاشتن مهر بر اموال و امانت گذاشتن پول نقد و اوراق بهادر و اشیای قیمتی در بانک .

## ماده ۲۰۶۷

(۱) تصفیه کننده مکلف است ، فی الحال به تبدیل مقداری از مال متروکه به پول نقد بپردازد تا تکافوی مصارف تجهیز و مصارف تعزیه دار میت را بتناسب حالت او بنماید . همچنان مکلف است از قاضی امور معجله صدور امر مبنی بر مصارف نفقة عیال متوفی که وارث باشند ، با اندازه معتمد از مال متروکه‌الی زمان انتهاه تصفیه مطالبه نماید . نفقة هر یک از ورثه از حصه مستحق ارثی او وضع می‌گردد .

(۲) تمام منازعات ناشی از یعنی مصارف ، توسط قاضی رسیدگی میشود .

### فرع ششم - تحرید ترکه

## ماده ۲۰۶۸

(۱) دائنین از تاریخ صدور امر مبنی بر تعیین تصفیه کنند به بعد ، نمی‌توانند دربرابر متروکه به هیچ

غوبتنه یا پخپل تصمیم دمتروکی دساتنی دپاره عاجلو اجرا آتو ته اقدام وکی خصوصاً په هغی باندی مهر لگول ، دنقدو پیسو ، قیمتی پانو اوشیانو په بانک کبی په ودیعت اینبودل .

## ماده ۲۰۶۷

(۱) تصفیه کوونکی مکلف دی چه دمربی دتجهیزاتو او تعزیزی دپاره دهله دحالت سره مناسب ، سمدستی دمتروکی شخه یوه اندازه مال په نقدو پیسو بدل کی . همدارنگه مکلف دی چه دمعجلی محکمی شخه دمربی دهله وارثانو دکافی نفقی دپاره چه مورث ئی په عادی توگه ورکوله ددی مال شخه دامر دصادرولو غوبتنه وکی ، او دانفقه به دترکی شخه ترهفی ورکوله کیری ترخوچه تصفیه پای ته ورسیبری . دهرووارث نفقه دهله دمیراث داستحقاق شخه وضع کیری .

(۲) دمعجلی محکمی قاضی به تولی همه منازعی فیصله گوی چه ددی نفقی پوری مربوطی وی .

### شپرمه فرعه - دترکی تحریدهول

## ماده ۲۰۶۸

(۱) کوم وخت چه دتصفیه کوونکی دتاکلو ، قید شوی امر صادر شی ، پور ورکوونکی نه شی

# رسمی جریده

نوع اجرآتی بپردازند و یا به اجرآت  
اتخاذ شده قبلی ادامه دهند، مگر  
بحضور تصفیه کننده.

(۲) اجرآت توضیح که به ضد  
مورث افتتاح گردیده و هنوز لست  
نهایی آن مسدود نشده باشد، در اثر  
تقاضای یکی از اشخاص ذعلا قه  
تازمان تسویه تمام دیو ن مترو که  
متوقف میشود.

ماده ۲۰۶۹

وارث نمیتواند قبل از تسلیمی  
سند استحقاق ارث در مال مترو که  
تصرف نماید، همچنان نمی تواند  
دیون ترکه را بگیرد یا دینیکه براو  
است. به دین مترو که مجرأ نماید.

ماده ۲۰۷۰

تصفیه کننده مکلف است به  
اتخاذ ندایبری بپردازد که حفاظت  
اموال متروکه ایجاد نماید و به اجرای  
اعمالی قیام ورزد که اداره اموال  
مذکور مقتضی آن باشد. همچنان  
مکلف است در مقابل دعاوی دایری

کولی چه په ترکی کتبی هیچ نوع  
اجرآت وکی، همدارنگه نه شی  
کولی چه هفه اجرا آتو ته دوام ورگی  
چه ترمخه یی پیل کپری دی مگر  
تصفیه کوونکی په حضور کتبی.  
(۲) هره نوعه توزیع چه دمورث  
په ضد واژه شوی وی او آخر نی  
لست یی نه وی بندشوی نو متوقف  
کول یی ترهفی پوری لازم دی ترخو  
چه دترکی دهولو پورونو تسویه  
کتبی دی چه کوم علاقه لرونکی ئی  
غوبتننه وکی.

ماده ۲۰۶۹

ترخو چه وارت ته دمیراث وپلو  
داستحقاق سندنه وی ورکولشوي،  
نه شی کولی چه په متروکی کتبی  
تصرف وکی. همدارنگه نه شی کولی  
چه دترکی پورونه واخلي یا داچه  
کوم پورونه ور باندی دی هفه دترکی  
په پور مجرأکی.

ماده ۲۰۷۰

تصفیه کوونکی مکلف دی چه  
دادسی وسیلو نیولو ته اقدام وکی  
چه دترکی دمالونوساته یی ایجا بوی،  
همدارنگه هفه اجرا آتو ته اقدام وکی  
چه ذذکر شوو مالونو داداری دپاره  
لازمدي. باید چه دھفی دعوو نیابت  
وکی چه په ترکی باندی دایری دی

# رسمنجربه‌با

او هفه پورونه واخلى چه متروکه بر متروکه نیابت نموده و در گرفتن  
دیون متروکه اقدام نماید .  
ئى پە خلکو لرى .

ماده ۲۰۷۱ -

تصفیه کننده از لحاظ مسؤولیت ،  
حیثیت وکیل بالاجرت را دارد . گرچه  
در مقابل اجرت نگیرد ، قاضی مکلف  
است از تصفیه کننده ، تقدیم حساب  
اداری در مواعید دورانی مطالبه  
نماید .

ماده ۲۰۷۲ -

تصفیه کننده ، مکلف است دائمین  
ومدیونین متروکه را بتوضیح حقوق  
ووجایب شان در برابر متروکه توسط  
ابلاغیه ایکه در یکی از روزنامه ها  
نشر و در لوحه اعلانات محکمه و مدخل  
مراکز پولیس تعليق میشود ، دعوت  
نماید ، دا ئئین مکلفند در خلال دو ماہ  
از تاریخ نشر ابلاغیه بتوضیح مطلوب  
بپردازاند .

ماده ۲۰۷۳ -

تصفیه کننده ، مکلف است در  
خلال سه ماہ از تاریخ معینه لست  
توضیح حقوق ووجایب دائمین و مدیونین  
متروکه را به اختیار موظف محکمه  
گذاشته و تمام اشخاص ذیعلاوه را

ماده ۲۰۷۱ -

تصفیه کوونکی داجوری اخستونکی  
وکیل مسؤولیت لرى ، که خە مەم  
اجوزه وانه خلی ، قاضی مکلف دی  
چە دتصفیه کوونکی خخە پە دورانی  
وختونو کبىنى دھفه داداری حساب  
غۇشتىنە وکى .

ماده ۲۰۷۲ -

تصفیه کوونکی مکلف دی دمتروکى  
پور ورکوونکی او پور وپى پە  
متروکى باندى ذھفوی حقوق او  
وجىبو دبيانولو دپاره دخېرىتىا پە  
وسىلى چە پە يوي ورخ پانى كېنى  
خېرە او دمحكمى داعلا نونو پەللوسى  
كېنى او دپوليسو دەرگۈزۈپەمدخل  
باندى زېرە ول كېرى ، را وپولى ،  
پور ورکوونکى مکلف دی چە دخېرىتىا  
دخېرىدو دنيتى خخە ددوه مياشتو  
پە اوپزىدو كېنى ، غۇشتىل شىسى  
توضیحات ورکى .

ماده ۲۰۷۳ -

تصفیه کوونکى مکلف دی دتاڭلى  
نیتى خخە ددرى مياشتو پە اوپزىدو  
كېنى پە متروکى دپور ورکوونکى او  
پورپۇ حقوق او وجىبى دمحكمى  
دمۇظف پە اختیار كېنى كېنېر دى  
او ېپول علاقە لرونکى اشخاصى

# رسیح جریه

به آن خبر نماید ، تصفیه کننده می تواند تمدید این مدت را در صورت ایجاب از محکمه مطالبه نماید .

ماده ۲۰۷۴ -

تصفیه کننده ، میتواند در مورد تشریع متروکه و تقدیر قیمت اموال آن از اهل خبره و اشخاص ماهر استمداد جوید .

ماده ۲۰۷۵ -

هر شخصیکه از طریق غش ، چیزی از اموال متروکه را بست .  
گرچه ورثه باشد ، بجزای خیا نت در امانت محکوم میشود .

ماده ۲۰۷۶ -

منازعات مربوط به صحبت تشریع ، در خام سی روز از تاریخ صد و اعلان از تسليمی لست به محکمه اقامه میشود . در صورتیکه محکمه بعد از تحقیق ، نزاع را جدی تشخیص دهد ، آنرا قبول نموده ، رسیدگی طبق احکام مربوط باصول محاکمات مدنی صورت میگیرد .

فرع هفتم - تسویه :

دیون متروکه

ماده ۲۰۷۷ -

تصفیه کننده ، بعد از انقضای

ورباندی خبر کی . تصفیه کوونکی کولی شی دایجاب په وخت کبنسی دمحکمی خخه ددی مدی داور دوالی غربتننه وکی .

ماده ۲۰۷۴ -

تصفیه کوونکی کولی شی چه دمتروکی دتجریده ولو او دمتروکی دمانونو دقیمت داندازی کولو دپاره دپهانو خخه مرسته وغواپی .

ماده ۲۰۷۵ -

که خوک په غش سره دمترو کی په مال که خه هم وارث وی تسلط پیدا کی ، په امانت کبنسی دخیانت په جزاء محکو میبی .

ماده ۲۰۷۶ -

دتجریده ولو دصححت پهوری مربوطی منازعی ، محکمی ته دلست دتسليمولو داعلان د صا دريدلو دنيقى خخه دديرش ورخو په او بدو کبنسی اقامه كيرى ، كه محکممه دتحقيق خخه وروسته ، نزاع جدی و گئى ، هفه به قبله وی او دمدنى محاکمو داصول دقانون دحکمونسو سره سم به غور کوي .

اومه فرعه - دمتروکى

دبورونو ورکول

ماده ۲۰۷۷ -

تصفیه کوونکی به دمنازعی دمدی

# رسیج جریبه

میعاد منازعه به اجازه محکمه بتادیه دیونی میبردازد که در خصوص آن نزاع وجود نداشته باشد ، دیون متنازع فیه بعد از حکم نهائی تادیه میشود .

## ماده ۲۰۷۸

هرگاه تصفیه کننده ، به اعسار متروکه متین شده یا احتمال آن متصور باشد امور تادیه دیون را الى زمان صبور حکم نهائی در منا زعات متعلق بدیون متروکه متوقف میسازد . گرچه در خصوص بعضی دیون نزاع وجود نداشته باشد .

## ماده ۲۰۷۹

تصفیه کننده ، دیون متروکه را بالترتیب از عواید حقوق متروکه بول و ثمن اموال منقول شامل متروکه تادیه میکند ، در صورت عدم کفايت دیون از ثمن اموال عقاری متروکه تادیه میشود .

## ماده ۲۰۸۰

فروش اموال منقول و عقار متروکه در صورت ایجاد اموال به مزایده علنی

دیریدو و روسته دمحکمی په اجازی دهغی پورونو ورکولو ته اقدام کوی چه دهغی په باره کبنسی نزاع موجوده نه وی ، په کومو پورونو کبنسی چه نزاع موجوده وی هفه به دورostenی حکم دسا دریدلو و روسته ورکول کیبری .

## ماده ۲۰۷۸

که تصفیه کوونکی دمتروکی په فقر متین شن او یائی دفتر تصوروشی ، نوکلک دی چه دمتروکی دپورونو دمربوطه منazu دوروستنی حکم دسا دریدو پوری دپورونو دورکولو چاری متوفی کی ، که خه هم دخینو پورونو په باره کبنسی نزاع موجوده نه وی .

## ماده ۲۰۷۹

تصفیه کوونکی به په ترتیب سره دمتروکی پورونه دمتروکی دحقوقو دعايداتو خخه ، متروکی ته دشا ملو پیسو خخه او هفه منقول مالونه چه په ترکی کبنسی دی دهغی دثمن خخه ، اداء کوی . که داپول دمتروکی دپورونو دپاره کافی نه وو نو دمتروکی دعقاری مالونودلمن خخه به ورکول کیبری .

## ماده ۲۰۸۰

دحالونو سره سم به دمتروکی منقول او عقاری مالونه په علنی

# رسیح بیت‌الله

مطابق قواعد مربوط به فروخته اجباری صورت میگیرد ، مگر اینکه تمام ورثه بفروش آن از طریق دیگری موافقه و کی چه بیعه دی په بله طریقه صورت نیسی . که متوجه که په پور مستفرقه وه نو دپورور کوونکو موافقه هم هرو مرو ده ، وارثان کولی شی چه په عنی مزایدی کبی گلوبون وکی .

ماده ۱۰۸۱ -

محکمه میتواند ، بنابر مطالبه تمام ورثه به تعجیل دیو ن موّجل و تعیین مبلغیکه داین مستحق میشود حکم نماید .

ماده ۲۰۸۲ -

هرگاه تمام ورثه به مطالبه تعجیل دیو ن موّجل موافقه نه نمایند ، محکمه امر توزیع دیوں مذکور و تو زیع اموال متوجه که را بدست گرفته بسر یک ازورثه مقداری از دین و مقداری از مال متوجه که را طوری تخصیص میدهد که درنتیجه با حصة خالص وی از میراث معادل گردد .

ماده ۲۰۸۳ -

محکمه برای هر یک از دا ئئین متروکه ، تا مینات کافی بر عقار یا موال منقول طوری ترتیب می نماید

ماده ۲۰۸۱ -

محکمه کولی شی چه دقولو پور ورکوونکو په موافقی دمعجلو پورونو په تعجیل او دهی پیسو په تاکلو چه پور ورکوونکی یی مستحق دی حکم وکی .

ماده ۲۰۸۲ -

که بول وارثان دمؤجلو پو رونو دتعجیل په غوبنتنه موافقه ونه کی ، نو محکمه به ذکر شو پورونو دتوزیع کار او دمتروکی دما لونو توزیع کول په لاس کبی اخلي ، هر وارث ته به دپور او دترکی دمال خخه دومره اندازه تخصیصه وی چه دمیراث خخه دهله دخالصی حصی معادل وی .

ماده ۲۰۸۳ -

محکمه به دمترو کی دهريو پور ورکوونکی دپاره په عقار یامنقولو مالونو کافی تامینات په داسی توگه

# رسمی جریل

که تامینات مختص بهر یک از دانیین بهمان حالت قبلی حفظ شود . در صورت عدم امکان چنین تجویز محکمه بر همه اموال متروکه تا مین را مرتب میسازد .

ماده ۲۰۸۴

هر یک از ورثه میتواند بعد از توزیع دیون موجل اندازه که با او تخصیص یافته ، قبل از رسیدن موعد تادیه بیرون دارد .

ماده ۲۰۸۵

دانیکه حقوق خود را نسبت عدم اندرج لست تشریح بدهست آ ورده نشواند و تا مینات عینی بر مال متروکه نیز نداشته باشد، نمیتواند بر اشخاصیکه باحسن نیت حقوق عینی را بر اموال مذکور کسب نموده اند مراجعت نماید ، مگر بر ورثه به سبب غنا آنها مراجعت کسر ده میتواند .

ماده ۲۰۸۶

تصفیه کننده ، بعد از تادیه تسویه دیون متروکه ، تنفیذ وصیت و تکالیف دیگر را بعهده میگیرد .

تریبوی چه دهربیو پور ور کوونکی پوری مختص تا مینات په همگی پخوانی حالت وسائل شی ، که داکار ممکن نه وو ، تو محکمه به دمتروکی په ټولو مالونو تا مین مرتبه وی .

ماده ۲۰۸۴

هر وارث کولی شی چه دمؤجلو بپرزو نو دتوزیع خخه و روسته ، گومه اندازه مؤجل پور چه هغه تمه تخصیص شوی په معجل صورت اداء کی .

ماده ۲۰۸۵

کوم پور ور کوونکی چه خپل حقوق دتجریده ولو په لست کننی دنه داخلیدو له امله تر لاسه نهشی کری او درگی په مال باندی عینی تامینات هم ونه لری نونه شی کولی چه کومو اشخاصو په بنه نیتسره په ذکر شوو مالونو عینی حقوق کسب کری هفوی ته رجوع وکی ، مگر په وارثانو دهفوی دشتمنی په سبب رجوع کولی شی .

ماده ۲۰۸۶

تصفیه کوونکی به دمتروکی دبورونو دور کولو و روسته ، دوصیت تنفیذهول او نور تکلیفونه په غایه اخلاقی .

# رسمی جریلب

فرع هشتم- تسليم اموال متروکه  
و تقسیم آن  
- ماده ۲۰۸۷

بعد از تنفيذ التزا مات مترو که  
باقیمانده اموال آن طبق حصص  
شرعي بورثه تعلق ميگيرد .

- ماده ۲۰۸۸

تصفيه کننده ، مكلف است آنچه  
را که از اموال متروکه بهر يك از  
ورثه تعلق ميگيرد ، به او تسليم  
نماید .

- ماده ۲۰۸۹

ورثه ميتوانند بعد از انقضاي  
مواعيد معينه ، منازعات مندرج ليست  
تشريح آنده از اشیاء و نقودی را  
که در تصفيه متروکه به آن ضرورت  
احساس نشود بطور موقت تسليم .  
گردیده يا بعضی از آنرا در مقابل  
اعطاء تضمین يابدون آن بكاراندازد .

- ماده ۲۰۹۰

محکمه بهريک از ورنه که دليل  
شرعی به وراثت خود را ويا آ نچه  
قائم مقام آن باشد تقدیم نماید .  
ستدي را اعطای ميکند که حاوی ثبیت

اتمه فرعه- د متروکى د مالونو  
تسليمول او دهفی ويسل  
- ماده ۲۰۸۷

دمتروکى دالتزا ماتو د تنفيذخخه  
وروسته دهفی پاتی مالونه دشروعی  
حصو سره دورانو پوري تعلق  
نيسي .

- ماده ۲۰۸۸

تصفيه کونکى مكلف دی دمتروکى  
کوم مالونه چه دهر يوه وارت پوري  
تعلق نيسی ، ورته ئى تسليم کي .

- ماده ۲۰۸۹

وارثان کو لى شى دمناز عات-  
دهفی تاکلی مدو دتیريدو و روسسته  
چه دتجريده ولو په لست کبني درج  
شوي ، هفه شيان او پيسى چه  
دمتروکى په تصفيي کبني ورته  
ضرورت نه احساسېرى ، په مؤقتى  
توگه تسليم شى او يا دهفی خخه  
خينى دتعويض په وركولو يابى له  
هفی په کار واچوی .

- ماده ۲۰۹۰

کوم وارثان چه دخپل وراثت  
دثبتوت دپاره شرعی دليل يا داسى  
دليل چه دهفی قايم مقام کيداي شى ،  
وراثتى کي نو محکمه به ورته داسى  
سنند وركوي چه په ميراث کبني

## رسمی جریل

حقوق او در ارث و توصیحات مربوط  
بمقدار حصه و تعیین آنچه از اموال  
ترکه به او تعلق گرفته میباشد .

- ۲۰۹۱ - ماده

هر یک از ورثه میتواند از تصفیه کننده تقاضا نماید تا حصة او را از ارث بصورت جداگانه باو تسليم نماید ، مگر اینکه وارث مذکور را بمحض موافقه قبای یا حکم قانون به باقی ماندن طور مشترک مکاف باشد .

- ۲۰۹۲ - ماده

هر گاه قبول مطالبه قسمت حتمی باشد ، تصفیه کننده به طریق دوستانه به اجرآت تقسیم بپردازد . مگر این تقسیم الی زمانیکه بصورت دسته جمعی از طرف ورثه تائید نشود ، نهایی شمرده نمیشود .

- ۲۰۹۳ - ماده

هر گاه ورثه بصورت دسته جمعی به تقسیم موافقت نه نماید تصفیه کننده مکلف است به مصرف متروکه دعوى تقسیم را مطابق احکام قانون اقامه نماید . مصارف دعوى از حصص تقسیم کنندگان کاسته میشود .

دهنه حقوقو ثابتنه وونکی او دهنه دحصی داندازی بیانه وونکی او در ترکی دهنه مالونو پاکل وکی چه دهنه پوری ثی تعلق نیولی دی .

- ۲۰۹۱ - ماده

هر وارث حق لری چه له تصفیه کوونکی خخه په میراث کنی دخپلی حصی په جلا شوی توگه غوبنتنه وکی ، مگر داچه ذکر شوی وارث دموافقی یا دقانون دحکم په اساس په شراکت پاتی کیدو مکلف وي .

- ۲۰۹۳ - ماده

که دویشلو دغوبنتنه قبله ول لازمی وي نو تصفیه کوونکی به دویشلو اجرا آتو ته په دوستانه توگه اقدام کوي ، مگر تر خوچه داویش دقولو وارثانو دخوا تائید نه شي ، آخر نبي نه گنبل کمیري .

- ۲۰۹۳ - ماده

که وارثان په قوله نیزه توگه په ویشلو موافقه ونه کي ، نو تصفیه کوونکی مکلف دي چه دمترو کسي خخه په مصرف کولو دقانون دحکم ونو سره سم دویشلو دعوى اقامه کي ، ددعوى مصرفونه دویشو نکودحصو خخه کمیري .

## رسیحه بیلله

- ۲۰۹۴ ماده

- ۲۰۹۴ ماده

در مورد قسمت متروکه قواعد  
مربوط قسمت خصوصا آنچه متعلق  
بضمان تعرض واستحقاق غبن است  
تطبیق میشود.

- ۲۰۹۵ ماده

هرگاه یکی از ورثه در وقت  
تقسیم به دین متروکه تخصیص داده  
شود سایر ورثه در حالیکه مد یون  
بعد از تقسیم افلاس نماید ضا من  
شخص تخصیص شده شناخته  
نمیشوند مگر اینکه بخلاف آن موافقه  
صوت گرفته باشد.

- ۲۰۹۶ ماده

وصیت به تقسیم اعیان مترو که  
برای ورثه وصیت کننده به ترتیبیکه  
برای تمام ورثه باندازه حصه  
آنها تعیین نماید جواز دارد.

- ۲۰۹۷ ماده

تقسیمیکه به بعد از مرگ منسوب  
شود رجوع ازان جواز دارد مگر بعد  
از وفات وصیت کننده لا ز می  
شناخته میشود.

- ۲۰۹۸ ماده

هرگاه تقسیم هنگام وفات شامل  
تمام اموال میراث نباشد اموال خارج

دترکی په ویشلو دویشلو پوری  
مربوطی قاعده خصوصاً هفه شه چه  
د تعرض ، استحقاق، غبن او  
دویشونکی دضمان پوری تعلق اری  
تطبیقی بری .

- ۲۰۹۵ ماده

که دویشلو په وخت کننی  
يو وأرث دترکی په پور مختص شی ،  
نوکه پوروپه دترکی دویشلو وروسته  
مفلس شی ، نوروز اثان دبور تخصیص  
شوی شخص ضامن نه گتیل کبری ،  
مگر دا چه دهغی په خلاف موافقه  
شوی وي .

- ۲۰۹۶ ماده

دوصیت کوونکی دور اثانو دپاره  
دمتروکی داعیانو په ویشلو وصیت  
صحیح دی په دی ترتیب چه دهر  
وارث دپاره یا دخینو وارثانو دپاره  
دهغوي دحصو په اندازی و تاکی .

- ۲۰۹۷ ماده

کوم ویش چه دمپینی و روسته  
زماني ته مضاف وي ، دهغی خخه په  
هر وخت کننی رجوع کول جواز لبری .  
که وصی مرسو او دوصیت خخه بی  
رجوع نهوه کپری نولازمی بری .

- ۲۰۹۸ ماده

که دمورث دمپینی په وخت کننی  
دویش وصیت دهغه ټولو مالونو ته

## رسَمَّيْ جَرِيدَة

تقسیم بصورت متساع مطابق قواعد  
میراث بتمام ورثه تعلق میگیرد .

ماده ۲۰۹۹ -

هرگاه یکی یا چند نفر از ورثه  
احتمالی وصیت کننده شامل تقسیم  
باشند و قبل از وفات مورث فوت  
نماید حصة معینه ایکه به سهم او  
رسیده بصورت متساع مطابق قواعد  
میراث به سایر ورثه تعلق میگیرد .

ماده ۲۱۰۰ -

در مورد تقسیمنسب به بعدازمرگ  
تمام احکام مربوط به تقسیم عمومی  
با استثنای احکام غبن تطبیق میشود .

ماده ۲۱۰۱ -

هرگاه تقسیم شامل دیون متروکه  
نبوده یا در صورت شمو لیت دیون  
دادنیین به تقسیم مذکور موافقه  
نداشته باشند هریک از ورثه میتواند  
در حالیکه ادائی دیون باتفاق بادا نین  
صورت نگرفته باشد رعایت تقسیمی  
را که مورث وصیت نموده و اعتباراتی  
را که به اساس آن تقسیم مذکور  
بنایافته در حدود امکان در تقسیم  
چه دویش وصیت ور باندی بنادی .

(۶۷۳)

شامل نهاده، نوکوم مالونه چه دویش  
په وصیت کبنتی داخل نه دی دهولو  
وارثانو ترمنع دمیراث دقائعدو  
سره سم شریک گنل کیبری .

ماده ۲۰۹۹

که یو یا خو احتمالی وارثان دویش  
په وصیت کبنتی داخل وی او دمیراث  
دمیرینی ترمه موه شی، نو دهفوی  
دویش په وصیت سره جلا شیوی  
حصه دنورو وارثانو دپاره دمیراث  
دقائعدو سره سم شریکه گنل کیبری .

ماده ۲۱۰۰

کوم ویش چه دمیرینی وروسته  
ضمانی ته منسوب وی دغبن په  
استثنی، نور دویش قول عمو می  
حکمونه ور باندی تطبیقیری .

ماده ۲۱۰۱

که ویش په متروکی باندی پورونو  
ته شامل نه وو یا داچه شامل ورخو  
پور ورکوونکی په ذکر شوی ویش  
موافقه ونه کبی، نو که پورونه دبور  
ورکوونکو په موافقی اداء نه شی،  
هر وارت حق لری چه دترکی دویش  
غوبنکنه وکی خو په دی شرط چه  
ترخو امکان لری د هفی ویش مراعت  
وشی چه مورث بیری وصیت کپری  
او هفه هدفونه دنظر لاندی ونیول شی  
چه دویش وصیت ور باندی بنادی .

# رسمی جریلله

ماده ۲۱۰۲

ماده ۲۱۰۲ -

هر گاه متروکه مطابق احکام گذشته تصفیه نشده باشد دائینین عادی متروکه میتوانند حقوق خود را یا آنچه به آنها رجعت شده است بر عقارات مترو که که تصرف بران حاصل گردیده یا عقا را تیکه حقوق عینی به مصلحت غیر بران مرتب شده است نافذ میسازند مشروط براینکه توثیق دین مطابق به احکام قانون صورت گرفته باشد.

مبحث دوم - وصیت

فرع اول - احکام عمومی

ماده ۲۱۰۳ -

وصیت عبارتست از تصرف در ترکه بتجوییکه اثر آن به مدت بعد از اوفات وصیت‌کننده منسوب باشد.

ماده ۲۱۰۴ -

وصیت توسط قول یا کتا بست منعقد میگردد . در صور تیکه وصیت کننده قادر بکتابت و گفتار نباشد به اشارت معروف نیز منعقد شده میتواند .

ماده ۲۱۰۵ -

شرط صحت و صیت آن است که بمعصیت نبوده و باعث برآن منافی مقاصد شارع نباشد .

که متروکه دستیروکی سمنه وه تصفیه شوی دستیروکی عادی پور ور کوونکی کولی شی چه خپل حقوق اویا هفه حقوق چه په هفه ورته وصیت شوی در کمی به هفه عقار ونو تنفیذه کمی چه تصرف په کښی شوی اویا داچه دبل دنبیگنهو دپاره ور باندی عینی حقوق مرتب شوی ، په دی شرط چه خپل پورونه په هفه ترتیب و اخلى چه قانون پری تصریح کړی .

دوهم مبحث - وصیت

لمپی فرعه - عمومی حکمونه

ماده ۲۱۰۳ -

وصیت په ترکی کښی ددادسی تصرف خخه عبارت دی چه اثر ئی دوصیت کوونکی دمپینې وروسته، زمانی ته مضاف وي .

ماده ۲۱۰۴ -

وصیت دوینا یا لیک په وسیلی منعقد کېږي، که وصیت کوونکی دلیک او وینا توان نه لرلو نودهغه په معلومو اشارو هم منعقد کیدا شی .

ماده ۲۱۰۵ -

دوصیت دصحبت دپاره شرط ده چه په ګناه کولو دی نه وي، او ده غئی باعث دی دمشارع دمقصد و تومنافی نه وي .

# رس‌می‌حریف‌با

ماده ۲۱۰۶ -

وصیت غیر مسلمان صحت دارد  
مگر اینکه وصیت مذکور بأساس  
احکام شریعت او ، و شریعت اسلام  
حرام باشد و یا قانون به عدم صحت  
ونفاذ آن تصریح نموده باشد .

ماده ۲۱۰۷ -

(۲۱۰۵-۲۱۰۶) بارعایت احکام مواد  
این قانون وصیت منسوب یا معلق  
به شرط یا متصل بشرط صحت  
دارد .

ماده ۲۱۰۸ -

وصیت کننده لازم است قانونا  
اهل تبرع بوده و به سن رشد  
رسیده باشد .

ماده ۲۱۰۹ -

شخصیکه باو وصیت میشود لازم  
است هنگام وصیت معلوم بوده  
و معین باشد .

ماده ۲۱۱۰ -

وصیت در راه خداوند (ج) و اعمال  
خیریه بدون تعیین جهت صحت  
داشته و در امور خیریه بمصر ف  
میرسد ، همچنان وصیت برای  
مساجد موسسات خیریه و جهات

ماده ۲۱۰۶ -

دنی مسلمان وصیت صحیح دی  
مگر همه وصیت ئی صحیح نه دی چه  
دهمه په شریعت کننی یا داسلام په  
شریعت کننی حرام وي . یا داچه  
قانون دهمنی په نه نافذیدو او نه  
صحت باندی تصریح کری وي .

ماده ۲۱۰۷ -

(۲۱۰۵-۲۱۰۶) ددی قانون داده  
دحکمونو په نظر کننی نیولو سره  
مضاف وصیت یا دشرط پوری معلق  
یا دشرط سره یو خای ، صحت لری .

ماده ۲۱۰۸ -

وصیت کوونکی باید چدقانوئی  
لحاظه دتبرع اهلیت ولری او درشد  
عمر ته رسیدلی وي .

ماده ۲۱۰۹ -

چاته چه وصیت کیری باید چه  
معلوم وي او که تاکل شوي و و نو  
باید چه دوصیت په وخت کننی  
موجود وي .

ماده ۲۱۱۰ -

ددای دپاره وصیت او دنیکو  
کارونو دپاره بی له دی چه دنیکو  
کارونو دپاره پلو او تصرف و تاکل  
شی ، صحیح دی . همدار نگه وصیت  
دجمانونو ، خیریه موسسو او دعلمی  
او عمومی بنیگنپو دموسسو نورو

## رسکی جریده

دیگر موسسات علمی و مصالح عاوه صحبت دارد درین احوال مال وصیت شده بر عمارت ، مصالح فقراء وغیره امور مربوط به آن بمصرف رسانیده میشود مگر اینکه طرق مصرف باساس عرف یا دلالت تعیین شده بتواند .

ماده ۲۱۱۱ -

وصیت بجهت معینه از جهات خیریه که درآینده بوجود می آید صحبت دارد در صورت تعذر وجود آن مال وصیت شده به جهات خیریه مماثل آن داده میشود .

ماده ۲۱۱۲ -

(۱) وصیت باوجود اختلاف دین وملیت صحیح بوده همچنان اختلاف مملکت باعث عدم صحبت وصیت نمیشود مگر اینکه وصیت کننده تابع مملکت اسلامی بوده و شخصیتکه به او وصیت میشود غیر مسلمان وتابع مملکت غیر اسلامی باشد و قانون مملکت او، وصیت او را در چنین احوال اجازه ندهد.

(۲) اجانب نمی توانند بر اساس وصیت مندرج فقره (۱) این ماده حق ملکیت را در اموال عقاری کسب نمایند.

پلوونو ته صحبت لری، په دی حالتونو کبیسی په وصیت کره شوی مال دهفی په عمارتونو، بنیگهونو، فقیرانو او دهفی په نورو مربوطو چارو، صرفیری، مگر دا چه دعرف یا دلالت په اساس ، دمصرف لازم تاکل شوی وی .

ماده ۲۱۱۱ -

دنیکی دکارونو یو داسی تاکلی پلوته چه په راتلونکی وخت کبیسی پیداکبینی وصیت کول صحبت لری، که ئی وجود متعدد شونو وصیت کره شوی مال دهفی مماثل دنیکی دجارو پلوونو ته ورکول کیزی .

ماده ۲۱۱۲ -

(۱) وصیت ددين او مليت د توپير سره صحيح دی. همدارنگه دهيوادونو توپير دو وصیت د صحت نه مانع كيزي. مگر داچه وصیت کرونکی داسلامی هيواد تابع وی او وصیت کره شوی نا مسلمان او دغیر اسلامی هيواد تابع وی او دهفه دهيواد قانون په داسی حالونو کی اجازه ورنه کې.

(۲) دنورو هيوادونو خلق ددي مادی دپورتنی فقری ددرج شـوی وصیت په اساس نه شـی کولی چه په افغانستان کبیسی په عقاری مالونو پاندي دملکيت حق پیدا کـی .

# رسئی جریده

ماده ۲۱۱۳ -

چیزیکه به آن وصیت میشود باید  
دارای شرایط آتی باشد :

- ۱ - از جمله اشیائی باشد که ارث دران جاری شده یا قرارگرفتن آن بحیث موضوع عقد درحال حیات وصیت کننده صحت داشته باشد.
- ۲ - اگر موضوع وصیت را مال تشکیل میداد نزد وصیت کننده متقوم باشد .

۳ - اگر موضوع وصیت شی معین بالذات باشد باید هنگام وصیت در ملکیت وصیت کننده مو جود باشد .

ماده ۲۱۱۴ -

(۱) وصیت بحقو قیکه توسط ارث انتقال می یابد صحت دارد .

(۲) وصیت به منافع اعیان اجاره داده شده، گرچه بعد ازوفات مستأجر باشد صحت دارد .

ماده ۲۱۱۵ -

وصیت بفرض دادن اندازه معین مال به شخصیکه باو وصیت میشود صحت داشته و در مقدار مازاد آن از ثلث متروکه بدون اجازه ورثه هنگام وفات وصیت کننده که به سن رشد رسیده باشند، تنفیذ شده نمیتواند .

ماده ۲۱۱۳ -

په وصیت کره شوی شی کنی راتلونکی شرطونه هرو مرودی :

۱ - دهقه شیانو دجملی خخه وی چه میراث ورل په کنی تطبیق بیری، یاداچه دوصیت کوونکی په ژوند کنی عقد کول ور باندی صحیح وی .

۲ - که دوصیت موضوع مال وی نوباید چه دوصیت کوونکی په نزد دوام لرونکی وی .

۳ - که دوصیت موضوع بالذات تاکل شوی وی نو باید چه دوصیت په وخت کنی دوصیت کوونکی په ملکیت کنی موجود وی .

ماده ۲۱۱۴ -

(۱) وصیت په هغی حقوقو کنی چه په میراث ورلو نقیبی، جواز لری .

(۲) وصیت داجاری ور کره شوو اعیانو په گتیو که خه هم داجاری اخستونکی دمپینی و روسته جواز لری .

ماده ۲۱۱۵ -

وصیت ، وصیت کره شوی ته دیوه تاکلی مال په قرض ور کولو جوازلری، که دا اندازه دتر کی دریمی حصی خخه زیاته شوو نو په هغی کنی وصیت نه تنفیذ بیری، مگر دوارثانو په اجازی .

# رسمنی جریل لاه

ماده ۲۱۱۶

ماده ۲۱۱۶

هر گاه وصیت کننده به جنو ن  
کامل مبتلا گردیده و در جنون فوت  
شود وصیت باطل میگردد همچنان  
در مرورد شخصیکه به او وصیت شده  
است اگر قبل از وفات وصیت  
کننده وفات نماید وصیت باطل  
میشود.

ماده ۲۱۱۷

هر گاه موضوع وصیت شی معین  
بوده و قبل از قبولی شخصیکه به او  
وصیت شده از بین برود وصیت  
باطل میگردد.

ماده ۲۱۱۸

وصیت کسیکه مال او مستغرق  
بدین باشد باطل شناخته میشود  
مگر اینکه دانئین از دین ابراء گرده  
یابه وصیت اجازه دهد.

ماده ۲۱۱۹

(۱) وصیت بقاتل عمدی وصیت  
کنده، اختیاری باشد یا واجبی باطل  
شمرده میشود اعم از اینکه قاتل  
فاعل اصلی یا شریک یا شاهد  
زوری باشد که شهادت او موجب  
حکم باعدام وصیت کننده گردیده  
و تنفیذ گردد مشروط بر اینکه قتل

که وصیت کوونکی به پوزه  
لیونتوب اخته شی او به همدمی  
لیونتوب کبی مه شی نو وصیت  
باطلیزی. همدارنگه که وصیت و کره  
شوی دو وصیت کوونکی خخه ترمخه  
مرشی، وصیت باطلیزی.

ماده ۲۱۱۷

که دو وصیت موضوع یو تاکلی  
شی وو او دو وصیت کره شسوی  
دقبله ولو ترمخه هلاک شی، وصیت  
باطلیزی.

ماده ۲۱۱۸

دهقه چا وصیت باطل دی چه  
مال یی په پور مستغرق وی، مگر  
داقه پور ور کوونکی ورته دپور شخه  
ابراء وکی یا داقه دهفوی په اجازی  
وصیت وکی.

ماده ۲۱۱۹

(۱) که وصیت کوونکی دو وصیت  
کره شوی له خوا عمدآ ووژل شی نو  
وصیت باطلیزی عام له دی چه  
وصیت اختیاری وی او یا واجبی.  
او عام له دی چه قاتل اصلی فاعل وی  
یاشریک او یا داداسی دروغواونا حقو  
شناهیوی چه دهقه شاهدی دو وصیت  
کوونکی داعدام دحکم موجب شی او  
حکم تنفیذ شی، خو په دی شرط چه

# رسیج دینه

بسون حق و بدونه عنز بوده قاتل عاقل او داتلس گلتی عمر یی پوره کپری وی .

(۲) محرومیت قاتل از استحقاق وصیت مندرج فقره یکم این ماده به اجازه وزنه و رضائیت مقتول قبل از وفات از بین نمیرود .

ماده ۲۱۲۰ -

حجر بر وصیت کننده نسبت سفاهت یا غفلت موجب بطلان وصیت او نمیشود .

فرع دوم - رجوع از وصیت

ماده ۲۱۲۱ -

وصیت کننده از تمامی یا بعضی وصیت صراحتاً یا دلا لتاً عدول نموده می تواند .

فرع سوم - قبول یارده وصیت

ماده ۲۱۲۲ -

(۱) وصیت یاقبولي صریح یا ضمنی شخصیکه به او وصیت میشود بعد از وفات وصیت کننده لازم میگردد .

(۲) هرگاه شخصیکه به او وصیت میشود جنین، قاصر یا محجور عليه باشد، قبول یارده وصیت از طرف

قتل ناحقه او بی له عذر هوی، قاتل عاقل او داتلس گلتی عمر یی پوره کپری وی .

(۲) ددی مادی دپورتنی فقره درج شوی محرومیت دوارثانو په اجازی ۱ ودمقتوں دمپینی تر مخه رضائیت باندی دمنجه نه خی .

ماده ۲۱۲۰ -

که په وصیت کوونکی باندی دهله دسفاخت یا غفلت له امله، حجر واقع شو ، تو وصیت یی نه باطلیبری .

دوهمه فرعه - دوصیت

خخه رجوع کول

ماده ۲۱۲۱ -

وصیت کوونکی کولی شی چه دوصیت کولو وروسته دبول یاخینی وصیت شخه په صراحت یا دلالت رجوع وکی .

دویمه فرعه - دوصیت

قبله ول یارده ول

ماده ۲۱۲۲ -

(۱) که دوصیت کوونکی دمپینی وروسته وصیت کره شوی، وصیت په صریح یا ضمنی چول قبول که، نو وصیت لازمیزی .

(۲) که وصیت کره شوی جنین، قاصر یا حجر کره شوی وی، تو دوصیت قبله ول یارده ول دهله چاله

# رسکی جریده

شخصی صورت می گیرد که بـ<sup>۱</sup> اساس استیندان محکمه حق و لایت را برمال او دارا باشد.

(۳) اگر وصیت به مو سیما ت تصدیمها، شرکتها و امثال آن باشد قبول یارد از طرف اشخاصی صورت میگیرد که آنرا تمثیل می نمایند. در صورت عدم وجودیت ممثل وصیت بدون توقف به قبول ، لازم میشود .

ماده ۲۱۲۳ -

هر گاه شخصیکه به او و صیت صورت گرفته قبل از قبولی یارد وصیت فوت شود ورثه مو صی لـه قایم مقام او شناخته میشود .

ماده ۲۱۲۴ -

هر گاه ورثه و صیت کننده یا شخصیکه صلاحیت تنفیذ و صیت را دارد توسط اعلان رسمی مشتمل بر تمام توضیحات مربوط بوصیت به شخصیکه باو و صیت شده ۱ سنت ابلاغ نموده و دران اظهار اراده او را مبتنی بر قبول یارد وصیت مطالبه نماید . اگر شخص مذکور در خلال سی روز از تاریخ اعلان بدون عذر معقول بصورت تحریری بجواب آن نیز دارد، وصیت باطل شمرده میشود.

خوا صورت مومی چه دمحکمی داجازی په اساس دهقه په مالونو دولایت دحق لرونکی وي .

(۳) که وصیت موسسون، تصدیم، شرکتونو او داسی نورو ته شوی وو نو دهقی قبله ول یارده ول دهقی اشخاصو له خوا کیزی چه هفه تمثیلوی. که ئى مثل نه لرلو نـو وصیت بـی له دـی چه دقـبله ولو بـورـی متوقف شـی، لـازمـیزـی .

ماده ۲۱۲۴ -

که وصیت کـره شـوـی دـوـصـیـت دقـبلـوـیـارـدـهـولـوـترـمـخـمـهـشـیـنوـدـهـقـهـ وـارـثـانـ دـهـقـهـ قـایـمـ مقـامـ کـیـزـیـ .

ماده ۲۱۲۴ -

که دوصیت کـوـونـکـیـ وـارـثـانـ یـاـ هـفـهـ شـوـکـ چـهـ دـوـصـیـتـ دـتـنـفـیـذـ حـقـ وـصـیـتـ کـرـهـ شـوـیـ تـهـ لـرـیـ، دـیـوـهـ رـسـمـیـ اـعـلـانـ پـهـ وـسـیـلـهـ چـهـ دـوـصـیـتـ کـرـهـشـوـیـ دـپـارـهـ دـوـصـیـتـ پـورـیـ دـهـلـوـلـوـ مـرـبـوـطـ تـوـضـيـحـاتـوـ مشـتـمـلـ وـیـ خـبـرـتـیـاـ وـرـگـیـ اوـ پـهـ هـفـیـ کـنـبـیـ وـرـخـخـهـ وـغـوـأـپـیـ چـهـ دـوـصـیـتـ دقـبلـوـلـوـ یـارـدـهـوـلـوـ پـهـ بـارـهـ کـنـبـیـ خـبـلـهـ اـرـادـهـ ظـاهـرـهـ کـیـ، خـوـذـکـرـ شـوـیـ وـصـیـتـ کـرـهـیـ شـوـیـ دـاعـلـانـ دـنـیـقـیـ خـخـهـدـدـیرـشـ وـرـخـوـ پـهـ اوـبـرـدـوـ کـنـبـیـ بـیـ دـمـعـقـوـلـ عـذـرـ خـخـهـ لـیـکـلـیـ خـوـابـ وـرـنـهـ کـیـ، وـصـیـتـ باـطـلـ گـنـلـ کـیـزـیـ .

# رسیح جریبه

ماده ۲۱۲۵ -

هر گاه شخصیکه به او و صیت شده است بعضی وصیت را قبول و بعضی دیگر را رد نماید و صیت در مقدار قبول شده لازم گر دیده و در مقدار رد شده باطل شناخته میشود.

همچنان در صورتیکه بعضی از اشخاصیکه به آنها وصیت شده آنرا قبول و بعضی دیگر آن را رد نماید وصیت برای اشخاصیکه آن را قبول نموده اند لازم و نسبت به اشخاصی که آن را رد نموده اند باطل میگردد.

ماده ۲۱۲۶ -

(۱) و صیت برد آن قبل ازوفات وصیت کننده باطل نمیگردد.  
 (۲) هر گاه شخصیکه به او وصیت شده بعد از وفات و صیت کننده تمام یابعضاً و صیت را رد نموده ویکی از ورثه رد را پسذیرد وصیت فسخ واگر هیچ یک ازورثه آنرا قبول ننماید رد کردن شخصیکه به او وصیت شده باطل شناخته میشود.

ماده ۲۱۲۷ -

(۱) هر گاه شخصیکه به او وصیت شده هنگام وفات وصیت کننده موجود باشد از همان لحظه و فات شی وصیت شده را مستحق میگردد

ماده ۲۱۲۵ -

که وصیت کره شوی خینی وصیت قبول اوخینی نورئی ردکارلو، نووصیت په قبول کره شوی کبی کبی لازم او په رد شوی کبی باطل دی. همدان زنگه که خینی هفه اشخاص چه ورته وصیت شوی هفه قبول اوخینی نورئی ردکاری، نوچا چه وصیت قبول کپری دهفوی دپاره لازم او هفه اشخاصو چه رد کپری دهفوی په باره کبی باطل دی.

ماده ۲۱۲۶ -

(۱) وصیت دو صیت کوونکی دمرینی ترمخه ردهولو باندی نه باطليبری .  
 (۲) که وصیت کره شوی دو وصیت کوونکی دمرینی وروسته، هول یا خینی وصیت ردکاری، او دوارثانو خخه کوم یو دارد قبول کی، وصیت فسخ کپری او که یی هیچ یو وارث قبول نه کی، نو چاته چه وصیت شوی دهفعه ردهول باطل دی .

ماده ۲۱۲۷ -

(۱) که وصیت کره شوی دو وصیت کوونکی دمرینی په وخت کبی م وجود وو نو دهفعه دمرینی سره سمن دو وصیت کره شوی شی مستحق

# رسیح جریده

مگر اینکه در متن وصیت استحقاق شی وصیت شده بوقت معین بعداز مرگ ثبیت شده باشد .

(۲) زواید شی وصیت شده از زمان قبول ، ملک شخصیکه بـوی وصیت شده تلقی میشود و شخصی مذکور از همان لحظه به بعد مكافف به مصارف شی وصیت شده میگردد زواید شی در محاسبه اخراج وصیت از ثبت داخل نمی باشد .

فرع چهارم - آثار و صیت  
جزء اول - شخصیکه بـوی  
وصیت شده  
ماده ۲۱۲۸ -

(۱) وصیت بعدة غیر محصور صحیح بوده و به اشخاص محتاج تخصیص می یابد، ۱ مور توزیع مال وصیت شده بر محتاجان از صلاحیت وصی مختار و یا میکمه مربوطه می باشد .

(۲) در حالت فوق وصی و یا میکمه مربوطه به رعایت قیام تعمیم یا مساوات مکلف نمی باشد .

ماده ۲۱۲۹

هرگاه بیک قوم معین با لفا ظی وصیت شود که بدون تخصص اسماء شامل همه افراد قوم مذکور گردد

کیبری، مگر داچه په وصیت کنی تصریح شوی وی چه دمیرینی و روسته دی په یوتاکلی وخت کنی دوصیت کره شوی شی استحقاق ورتنه ثابتنه شی .

(۲) دوصیت کره شوی شی زواید دقیله ولو دوخته دوصیت کره شوی ملکیت دی او دهمغی وخت و روسته دوصیت کره شوی شی په مصرفونو مکلف دی. دشی زواید در یمی حصی خخنه دوصیت دایستلو په محاسبی کنی دا خل نه دی .

خلورمه فرعه - دوصیت آثار  
لهری جزء - وصیت کره شوی  
شخص  
۲۱۲۸ - ماده

(۱) وصیت بـی شماره خلکو ته صحیح دی او بـوای دهفوی محتاجو ته تخصیص پیدا کرو. په محتاجو و بـاندی دوصیت کره شوی مال توزیع کول دمختار وصی او یا دمحکمی په واک کـی دی .

(۲) دپورتني فقری په حالت کنی وصی یا مربوطه میکمه دتعمیم یا مساوات دقید په مراعت کولو مکلف نه دی .

۲۱۲۹ - ماده

که وصیت دیوه قوم دپاره په داسی الفاظو وشو چه قولو ته شامل وو او په نو مونو ئی ونه تاکل، او

# رسیح جریلله

ودر بین آنها افرادی موجود شود که حین وفات وصیت گننده اهل وصیت نباشد تمام اشیاء و صیت شده به اشخاصی تعلق می‌گیرد که حین وفات وصیت گننده، اهل وصیت باشند.

- ۲۱۳۰ - ماده

هر گاه وصیت بین اشخاص معین یا یک جمیعت یا یک جمیع یا بین یک جمیعت و یک جمیع، یا بین اشخاص معین و جمیعت و جمیع مشترک باشد هر یک از اشخاص معین و افراد جمیعت منحصر باشد یا غیر منحصر و هر جمیع از شی وصیت شده حصه میگیرند.

- ۲۱۳۱ - ماده

هر گاه و صیت برای اشخاص معین صورت گرفته باشد حصه اشخاصیکه اهل وصیت نباشند بمترکه وصیت گننده، اعاده میشود.

- ۲۱۳۲ - ماده

هر گاه به وصیت به اشخاص معین یا یک جمیعت باطل شود آنچه و صیت شده است به متوجه که متوفی اعاده میشود.

دهفوی خخه خینی داسی اشخاص وو چه دوصیت کوونکی دمهینی په وخت کینی یی دوصیت اهليت نه لرلو، نو قول وصیت شوی شیان دهفه اشخاصو پوری تعلق نیسی چه دوصیت کوونکی دمهینی په وخت کینی یی دوصیت اهليت لرلو.

- ۲۱۳۰ - ماده

که وصیت دتاکلو اشخاصو او یو جمیعت یا یو پلو ترمنش، یا دی و جمیعت او یو پلو ترمنش، یا دتاکلو اشخاصو، جمیعت او پلو ترمنش شریک وو، نو هر تاکلی شخص او دجمیعت افراد عام له دی چه منحصر وی او که منحصر نهوى او هر پلو دوصیت شوی شی خخه خپله حصه اخستی شی.

- ۲۱۳۱ - ماده

که وصیت دتاکلو اشخاصو دپاره شوی وو، نو د هفو اشخاصو حصه چه دهفوی دجملی خخه دوصیت اهليت ونه لری، متوجه کی ته اعاده کیری.

- ۲۱۳۲ - ماده

که وصیت دتاکلو اشخاصو یا دجمیعت دپاره باطل شی، نو وصیت کره شوی شی ترکی ته اعاده کیری.

## رسئی جریل‌ه

ماده ۲۱۳۳ -

وصیت برای حمل در احوال آتی صحیح شمرده میشود :

- ۱ - در حالیکه وصیت کننده بوجود حمل هنگام و صیت اقرار نکرده مدت سه صد و حمل در خلال مدت سه صد و شصت و پنج روز یا کمتر از آن از وقت و صیت زنده فعل متولد شود .

- ۲ - در حالیکه و صیت کننده بوجود حمل اقرار نکرده مگر حمل حد اکثر در خلال مدت دو صد و هفتاد روز از وقت وصیت زنده متولد گردد مشروط براینکه حامله هنگام وصیت در عدت وفات یا تفرقی با این نباشند در غیر آن اگر حامل در خلال مدت سه صد و شصت و پنج روز از وقت وفات یافرقت با این زنده فعل متولد شود وصیت صحیح تلقی میشود .

ماده ۲۱۳۴ -

هر گاه وصیت بحمل از شخص معین باشد علاوه بر شروط مندرج ماده (۲۱۳۳) این قانون ثبوت نسبت آن از همان شخص معین نیز شرط صحت و صیت شناخته میشود .

ماده ۲۱۳۳ -

په راتلونکو حالونو کتبی دحمل دباره وصیت صحیح دی :  
 ۱ - په هغی حالت کتبی چه وصیت کوونکی دو صیت په وخت کتبی دحمل په وجود اقرار اوکی او دو وصیت کوونکی دمیرینی دنیمه خخه د دری سوه او پنجه شپیتو ورخو په او بدو کتبی او یا دهغی خخه په کمی مدي کتبی زوندی فعل وزیگیری .

۲ - په هغی حالت کتبی چه وصیت کوونکی دحمل په وجود اقرار نه وی کپری، مگر دو وصیت له وخته اکثر آ ددوه سوه او اوایا ورخو په او بدو کتبی زوندی وزیگیری، خو په دی شرط چه حامله دو وصیت په وخت کتبی دمیرینی یا با این تفرقی په عدت کتبی نه وی، دهغی په غیر که حمل دمیرینی یا با این جلا والی دنیمه خخه ددری سوه او پنجه شپیتو ورخوبه او بدو کتبی فعل زوندی وزیگیری نو وصیت صحیح دی .

ماده ۲۱۳۴ -

که وصیت حمل ته دیو تاکلی شخص خخه وی نو ددی قانون د (۲۱۳۳) مادی په درج شو و شرط نو علاوه دهمگی تاکلی شخص خخه د هغه د نسب ثابتول هم د و صیت د صحت شرط دی .

# رسمی جستابه

ماده ۲۱۳۵ -

حاصلات شی و صیت شده ا لی  
زمان زنده وفعال متولد شدن حمل  
نگهداشته میشود و بعداً باو تعلق  
میگیرد .

ماده ۲۱۳۶ -

(۱) هر گاه حامله همزمان یا در  
خلال مدت اقل از شش ماه دو یا  
زیاده اولاد زنده بدینا آورد وصیت  
در بین آنها بطور مساوی توزیع  
میشود . مگر اینکه دروصیت صراحتاً  
بخلاف آن حکم شده باشد .

(۲) اگر یکی از دو گانگی یا  
زیاده، مرد متولد گردد تمام وصیت  
باولاد زنده تعلق میگیرد .

(۳) درصورتیکه یکی از اولاد بعد  
از ولادت بمیرد اگر وصیت براعیان  
صورت گرفته باشد حصه او بورثه  
وی و اگر وصیت بر منافع صورت  
گرفته باشد حصه او بورثه وصیت  
کننده تعلق میگیرد .

**جزء دوم- شی وصیت شده**

(موصی به)

ماده ۲۱۳۷ -

وصیت در حدود ثلث متروکه  
بوارث و غیر وارث صحت داشته  
بدون اجازه ورثه تنفیذ میگردد و در  
دباره صحت لری او بی دوار ثانو

ماده ۲۱۳۵ -

دوصیت کره شوی شی حاصلات  
حمل دفعال غوندی زیگیدو تروخته  
پوری ساتل کیبری او ترهفی و روسنه  
دهقه پوری تعلق نیسی .

ماده ۲۱۳۶ -

(۱) که حامله پهیوه و خت کتبی  
یا دشپرو میاشتو خخه دکمی مدي  
په او بودو کتبی دوه یا زیات ژوندی  
اولادونه وزیگوی ، نو وصیت دهفوی  
ترمنځ په مساوی توګه ویشل کیبری ،  
مگر داچه په وصیت کتبی پهصراحت  
سره دهغی په خلاف حکم شوی وی .  
(۲) که ددوه گانو یا دهفوی خخه  
زیاتو دجملی خخه یو په تولد شی ،  
نو تول وصیت ژوندی اولادونو پوری  
تعلق نیسی .

(۳) که کوم اولاد دزیگیدو و روسنه  
مې شېی ، نوکه وصیت په اعیانسو  
صورت موندلی وی نو حصه ئی دهغه  
دوارثانو پوری او که وصیت په گهلو  
اخستلو باندی صورت موندلی وی  
نو دهغه حصه دووصیت کونکی  
دوارثانو پوری تعلق نیسی .

**دوهم جزء - وصیت کړه شوی شی**

( مومنی به )

ماده ۲۱۳۷ -

وصیت دمتروکی ددریمی حصی  
په حدو دو کتبی دوارث او غیر وارث  
دباره صحت لری او بی دوار ثانو

## رسَمَّيْ جَرِيدَة

حدود زاید از ثلث مترو که نیز  
صحت داشته مگر نفاذ آن موقوف  
به اجازه ورثه بعد از وفات وصیت  
کننده می باشد مشروط بر اینکه  
اجازه دهنده دارای اهلیت تبرع بوده  
و به آنچه که اجازه داده علم داشته  
باشد .

ماده ۲۱۳۸ -

وصیت شخصیکه وارث نداشته  
ومدیون هم نباشد به تمام مال یا  
بعضی آن بدون توقف به اجازه  
ممثل خزانه دولت نافذ میگردد .

ماده ۲۱۳۹ -

وصیت مدیونیکه مال او مستغرق  
بدین باشد صحیح بوده مگر بدون  
برائت ذمه او از دین تنفید نمیگردد  
درصورتیکه مدیون از یک قسمت دین  
بری الذمه گردد یامال او مستغرق  
به دین نباشد وصیت در مقدار  
باقیمانده بعد از تادیه دین تنفید  
میشود .

ماده ۲۱۴۰ -

هر گاه دین غیر مستغرق بوده  
و تمام یابعضی آن از شی و صیت  
شده تادیه شده باشد شخصیکه  
به او وصیت شده است میتواند به

داجازی خخه تنفیدیزی . دمتروکی  
ددزیمی حصی خخه په زیاتی اندازی  
کننی هم صحت لری مگر دوصیت  
کوونکی دمهینی و روسته دهفی  
نافذیدل دوارثانو داجازی پوری  
موقوف دی . خو په دی شرط چه  
اجازه ور کوونکی دتبیع اهلیت  
ولری او دهغه خه چه اجازه یی  
ورکوی په هغی علم ولری .

ماده ۲۱۳۸ -

دهغه چا وصیت چه وارث نهاری  
او پورپوری همنه وی په قول یاخینی  
مال کننی نافذیدیزی او ددو لست  
دخرانی دممثل داجازی پوری موقوف  
نه دی .

ماده ۲۱۳۹ -

دهغه پورپوری وصیت چه مال یی  
په پور مستغرق وی صحیح دی، مگر  
ترخو چه دبورخخه بری الذمه شوی  
نه وی، نه تنفیدیزی . که پورپوری  
دیوی برخی پورخخه بری الذمه شی  
او یائی مال په پور مستغرق نهوی  
نووصیت دبور داداء کولو وروسته  
په پاتی مال کننی نافذیدیزی .

ماده ۲۱۴۰ -

که پور مستغرق نه وو اودوصیت  
کپری شوی مال خخه قول یا خینی  
اداء کپری شو . وصیت کپری شوی  
کولی شی داداء کپری شوی پور په  
اندازی دترکی په دریمی پاتی حصی

## رسکی جریده

کبئی دپور داداء کولو وروسته اندازه دین تادیه شده بر ثلث ترکه بعد از پرداخت دین مراجعه نماید.

ماده ۲۱۴۱ -

۲۱۴۱ - ماده

هر گاه وصیت به اندازه حصه یکی از ورثه معین و صیت کننده صورت گرفته باشد شخصیکه بخیلی تاکلی حصی علاوه دهفه وارث حصی په اندازی مستحق فرضی مستحق مقدار حصه همان وارث شناخته میشود .

ماده ۲۱۴۲ -

۲۱۴۲ - ماده

هر گاه وصیت باندازه حصه یکی از ورثه غیر معین صورت گرفته باشد در حال تساوی ورثه در حقوق شخص مذکور علاوه برفرض مستحق حصه یکی از آنها میگردد و در حال اختلاف حقوق علاوه برفرض مستحق حصه شخصی میگردد که در میراث حق او کمتر است .

ماده ۲۱۴۳ -

۲۱۴۳ - ماده

هر گاه وصیت باندازه معین از پول یا عین صورت گرفته ودرتر که دین یا مال غایب باشد . اگر شی که به آن وصیت صورت گرفته از ثلث مال حاضر متزو که خارج شود . کسیکه برای او و صیت

که وصیت دوصیت کوونکی دیوه تاکلی وارث حصی په اندازی صورت موندلی وی، نوچاته چه وصیت شوی پخیلی تاکلی حصی علاوه دهفه وارث حصی په اندازی مستحق فرضی مستحق وارث شناخته میشود .

که وصیت دیوه نا تاکلی وارث حصی په اندازی شوی وو، نو که وارثان په حصو کبئی مساوی وو، وصیت کره شوی پخیل استحقاقی حصی علاوه دیوه وارث حصی مستحق کبیری . که دوارثانو حصو توپیر لرلو نو دخیلی تاکلی حصی علاوه دهفه شخص حصه اخلى چه په میراث کبئی ئی حصه کمه ده .

که وصیت په تاکلی اندازی پیسو یاعین شوی وی او په تر کی کبئی غایب پور یا مال وی . که وصیت کپری شوی مال دمتروکی د دریمی حاضری حصی خخه اداء شی، نو وصیت کره شوی دهفی مستحق

## رسکی جریله

شده مستحق آن میگردد و در غیر آن به اندازه همین ثلث مستحق میگردد و باقیمانده بر ورثه تعلق میگیرد و هر وقت که شی حاضر شد شخصیکه به او وصیت شده مستحق ثلث آن میگردد تا حق او کاملاً تادیه شود.

ماده ۲۱۴۴ -

هرگاه وصیت صورت گرفته و در آن دین یامال غایب وجود داشته باشد شخصیکه به او وصیت شده حصه خودرا از مال حاضر بدست آورده و هر وقت که مال غایب حاضر شد حق خودرا از آن میگیرد.

ماده ۲۱۴۵ -

هرگاه وصیت طور سهم مشاع در نوع معین مال ترکه صورت گیرد و دران دین یا مال غایب و جسود داشته باشد شخصیکه به او وصیت شده حصه خودرا ازین نوع حاضر بدلست می آورد. مشروط بر اینکه حصه مذکور از ثلث حاضر متوجه خارج شده بتواند در غیرآن شخصیکه به او وصیت شده به اندازه این ثلث مستحق حصه خود شده و باقیمانده حق ورثه می باشد. هر وقت که شبی حاضر شد، شخصیکه برای او وصیت شده به اندازه ثلث

کیزی ، دھنی په غیر دھمدى حاضر ثلث په اندازى مستحق کیزی اوپاتی دوه ثلثه دوارثانو دی. او هر وخت چه غایب شی حاضر شو وصیت کره شوی دھنی دریمی حصی مستحق کیزی ترخو چه خپل حق پوره واخلي .

ماده ۲۱۴۴ -

که وصیت دترکی په شریکی حصی کبندی وو او په هنی کبندی غایب پور یا مال وو، نو وصیت کره شوی به خپله حصه دحاضر مال خخه ترلاسه کوی ۱ وهر وخت چه کومه اندازه مال حاضر یله. په هنی کبندی مستحق دی .

ماده ۲۱۴۵ -

که وصیت دترکی په تاکلی نوعی کبندی دیوی شریکی حصی په توگه صورت موندلی وو او په هنی کبندی غایب پور یا مال موجود وی نو وصیت کره شوی ددی حاضری نوعی خخه دخپلی حصی مستحق کیزی خو په دی شرط چه دھنے حصه دحاضری ترکی دریمی حصی خخه وویستله شی د هنی په غیر وصیت کره شوی دھمدى ثلث په اندازى دخپلی حصی مستحق کیزی اوپاتی دوارثانو حق دی، هر وخت چه غایب شی حاضر شو نو وصیت

## رسیج بولیده

از نوع و صیت شده مستحق حصه میگردد مشروط بر اینکه ورثه ازان متضرر نگردند و اگر آنها ازان متضرر گردند شخصیکه با او و صیت شده قیمت باقیمانده حصه خود را تاتکمیل حق خود از ثلث نوع و صیت شده میگیرد.

ماده ۲۱۴۶ -

(۱) هر گاه در احوال متفاوت مواد فوق متروکه شامل دین قابل تادیه بر یکی از ورثه بوده و دین مذکور از جمله تمام یا بعضی جنس حاضر متروکه باشد دران باندازه حصة وارث مذکور از همان جنس مجرایی صورت میگیرد و باین ترتیب دین مذکور از جمله اموال حاصل محسوب میشود.

(۲) اگر دین مستحق تا دیه بروارث از غیر جنس حاضر باشد مجرایی صورت نگرفته درین صورت اگر دین مساوی حصه وارث مذکور در مال حاصل متروکه که یا کمتر از آن باشد در جمله اموال حاضر محسوب میشود و اگر از آن بیشتر باشد به آن اندازه

که شوی دهی نوعی دریمی حصه مستحق کیپری چه ورته په کتبی دھصی و صیت شوی خو په دی شرط چه وارثان ورخخه ضررونہ گوری، که هفوی ورخخه متضرر کیدل و صیت کپره شوی به دخپلی پاتی حصی قیمت دخپل حق دبوره کولو پوری دوصیت کپره شوی، نوعی دللت خخه اخلی.

۲۱۴۶ - ماده

(۱) که دنیرو مادو په درج شبوو حالونو کتبی، ترکه داسی پورته شامله وه چه په یوه وارث بی اداء کول لازم وو او داپور دتولی یاخینی ترکی دحاضر جنس خخه وو، نوپه هفی کتبی دھمغی بوروپه وارث دھصی په اندازی دھمغی جنس خخه مجرایی صورت مومنی او په دی ترتیب ذکر شوی پور دحاضر و مالونو دجملی خخه حسابیبری.

(۲) که هفه پور چه په وارث باندی ئی اداء کول لازم دی دحاضر مال جنس خخه نه وو، مجرما ئی صورت نه نیسی، په دی صورت کی که پور دمتروکی په حاضر مال کتبی ذذکر شوی وارث دھصی سرمه مساوی او یا دھفی خخه کم وو، نو دحاضر و مالونو په جملی کتبی حسابیبری، او که دھفی خخه زیات وو نو په هفی اندازی حاضر

## رسیج جزیل

حاضر دانسته میشود که با حصه  
وارث مذکور مساوی باشد.

(۳) در حالت فقره (۲) این ماده  
وارث تازمان تادیه دین خود بر حصه  
خود در مال حاضر و متروکه تسلط  
پیدا کرده نمیتواند در حالیکه وارث  
مذکور دین خود را تادیه نکند،  
قاضی حصه او را فروخته واز ثمن  
آن دین را تادیه مینماید.

ماده ۲۱۴۷

هر گاه و صیت بعین از متروکه  
یانوع معین از آن صورت گرفته و  
شی وصیت شده از بین برود یابه  
استحقاق برده شود شخصیتکه بوی  
وصیت شده است مستحق چیزی  
شناخته نمیشود. در صورتیکه  
بعضی ازان از بین برود یا به  
استحقاق برده شود، شخص مذکور  
باقیمانده را در حالیکه از ثبات  
متروکه تجاوز نکند مستحق میگردد  
و اگر از ثلث متروکه تجاوز کند  
دران به اندازه ثلث مستحق میشود.

ماده ۲۱۴۸

هر گاه و صیت بحصه مشاع  
معین صورت گیرد و شی مذکور از  
بین برود یا به استحقاق بسر ده  
شود شخصیتکه بوی وصیت صورت

حسابی بری چه ذکر شوی وارث د  
حصی سره مساوی وی.

(۳) ددی مادی (۲) فقری په حالت  
کبیسی تر خو چه وارث خپل پور نه وی  
اداء کری تر هفی پوری دحااضری  
متروکی په مال کبیسی پغچلی حصی  
تسلط نه شی پیدا کولی، نوکه ذکر  
شوی وارث خپل پور اداء نه کی،  
قاضی به دهنه حصه خرخه وی او  
دهنه دلمن خخه به پور اداء کوی.

۲۱۴۷ - ماده

که چیرته وصیت دترکی په یوه  
عین او یا دهنه په یوه تاکلی نوعی  
صورت موندلی وو او وصیت کری  
شوی شی هلاک شی یا په استحقاق  
ویوپوشی، وصیت کری شوی دهیش  
شی نه مستحق کیپری. که بی خینی  
هلاک شو یا په استحقاق ویوپ شو  
ذکر شوی شخص دیاتی مستحق  
کیپری خو په دی شرط چه دمتروکی  
ددربیعی حصی خخه زیات نه وی، او که  
دمتروکی ددریبی حصی خخه زیات  
وو، نوبه هفی کبیسی ددریبی حصی  
په اندازی مستحق کیپری.

۲۱۴۸ - ماده

که وصیت په شریکی حصی سره  
په تاکلی شی کی وو او ذکر شوی  
شی هلاک یا په استحقاق ویوپ شی  
وصیت کری شوی دهیش شی نه

## رسئی جریمه

گرفته مستحق هیچ چیزی نمی - گردد . واگر بعضی از آن از بین برود یا به استحقاق برده شود شخص مذکور تمام وصیت را از مقدار با قیمانده بدست می آورد مشروط بر اینکه باقیمانده آنرا تکافو نموده و در حدود ثلث مال متروکه باشد در غیر آن تمام مقدار باقیمانده را که از ثلث مال بدست آمده بتواند مستحق میشود یا از آن به اندازه مستحق میگردد که از ثلث متروکه تجاوز نکند .

- ۲۱۴۹ ماده

هرگاه وصیت بحصة مشاع و نوعی از اموال متروکه بوده و از بین برود یا به استحقاق برده شود شخصیکه به او وصیت شده مستحق چیزی شناخته نمی شود و در صور تیکه بعضی از آن از بین برود یا به استحقاق برده شود شخص مذکور حصه خود را از باقیمانده حاصل میدارد مشروط بر اینکه از ثلث مال حاصل شده بتواند در غیر آن به اندازه ثلث از آن مستحق میگردد .

- ۲۱۵۰ ماده

وصیت به عدد مشاع در یکنوع از اموال مانند وصیت به حصه مشاع در آن شمرده میشود .

مستحق کیبری . که نی خینی هلاک یا په استحقاق ویوړ شی نو وصیت کپری شوی به ټول وصیت دپاتسی اندازی خخه په لاس راوړی، خوبه دی دی شرط چه پاتی حصه، وصیت بوره کی او دریمی حصی متروکی خخه ووځی، او که داسی نه وه توکه پاتی اندازه دریمی حصی خخه په لاس راتللي شو مستحق کیبری یا ده ګه خخه په دومره اندازی مستحق کیبری چه متروکی دریمی حصی خخه زیات نه وي .

- ۲۱۵۰ ماده

که وصیت په شریکی حصی سره دمتروکی په یوی نوعی مالونو کېښی وو او دانوونه هلاکه او یا په استحقاق ویوړه شی ، وصیت کپری شوی دهیش شی نه مستحق کیبری . به ګه صورت کېښی چه خینی یې هلاکه او یا په استحقاق ویوړه شی نو وصیت کپری شوی به خپله حصه دپاتسی اندازی خخه اخلى، خو په دی شرط چه دمال دریمی حصی خخه وویستل شی ده ګه په غیر به یې دریمی حصی په اندازی اخلى .

- ۲۱۵۰ ماده

که وصیت په خو شریکو حصو سره دمتروکی په یوی نوعی مالونو کېښی وو، نو دا وصیت ده ګه وصیت په شان دی چه په هغه کېښی په یوی شریکی حصی شوی وي .

# رسمنی حبر بیل

دومین جزء - په گتهو اخستلو وصیت

۲۱۵۱ - ماده

جزء سوم - وصیت بمنافع

ماده ۲۱۵۱ -

(۱) هر گاه وصیت بمنفعت برای شخص معین برای مدته که آغاز و انجام آن معلوم باشد صورت گرفته باشد شخص مذکور از منفعت موصوف در خلال همان مدت مستفید، میشود اگر میعاد مذکور قبل از وفات وصیت کنده سپری شود، وصیت کان لم یکن شمرده میشود، در صورت انقضای بعضی از مدت مذکور شخص از مدت باقیمانده استفاده کرده میتواند.

(۲) هر گاه مدت منفعت معین بوده مگر تاریخ آغاز آن غیر معلوم باشد مدت مذکور از تاریخ وفات وصیت کننده آغاز میگردد.

ماده ۲۱۵۲ -

(۱) هر گاه یکی از ورثه در طول مدت یا بعضی مدت از منفعت گرفتن بر عین، مانع شخص وصیت شده گردد بضمان بدل منفعت مکلف میشود. مگر اینکه تمام ورثه به تعویض منفعت از عین بو قلت دیگری مساوی به مدت وصیت شده موافقه نمایند.

(۱) که په گتهو اخستلو وصیت دیوه تاکلی شخص دباره دیوه معلومی مدعی دباره چه پیل او پایانی معلومه وی، شوی وی. وصیت که شوی په دی مدعی کتبی دگتهو اخستلو مستحق کیزی. که دو وصیت کوونکی دمیرینی ترجمه ذکر شوی مده تیره شوی نو وصیت داسی فرض کیزی چه دسره نه و شوی. که دو وصیت کوونکی دمیرینی ترجمه خینی مده تیره شوی و نو وصیت که شوی په پایانی مدعی کتبی دگتهو اخستلو مستحق کیزی.

(۲) که دملی اندازه تاکل شوی و خو پیل بی معلومه و نو دو وصیت کوونکی دمیرینی دنیمه خخه پیل کیزی.

۲۱۵۲ - ماده

(۱) که کوم یو وارث وصیت کپی شوی دعین دگتهو اخستلو خخه په تولی یا خینی مدعی کتبی، منعی کپرو، نو ذکر شوی وارث و رثه دگتهو اخستلو بدل ضامن کیزی، مگر داچه ټول وارثان په بل وخت کتبی چه دو وصیت شوی مدعی مساوی وی دعین خخه دگتهو اخستلو په تعویض موافقه وکی.

# رسیج‌بیلّه

- (۲) اگر ممانعت از طرف عmom ورثه صورت گیرد شخصیکه بسوی اختیار لری چه دعین خخه په بلی مدي کتبی گته اخلى او يا ورخخه دگته اخستلو په بدل کتبی تضمین مختار میباشد .
- (۳) هر گاه ممانعت از منفعت از جانب وصیت کننده ويا به سبب عنرى باشد که بین انتفاع از عین وشخصیکه به او و صیت شده است حايل واقع گردد تعویض آن بمدت دیگری بعد از رفع ما نع حتمی است .

## ماده ۲۱۵۳ -

(۱) هرگاه وصیت بمنفعت برای قومی که تحت حصر آ مده نتوانند وانقطاع ایشان متصور نباشد ويا به یکی از طرق خیریه بصورت مؤید یا مطلق صورت بگیرد . وصیت شدگان موصوف بصورت دا ئسمی از منفعت مستفید میشوند .

(۲) اگر وصیت بمنفعت طور دایمی یا موقت برای یك قوم بدون حصر صورت گیرد که انقطاع آن متصور باشد استحقاق انتفاع وصیت شده گان الى زمان انقرابش آنها ادامه می یابد .

(۳) اگر وصیت برای مدت معلوم

(۲) که ممانعت دقولو وار ئانو له خوا وو نو وصیت کپری شوی اختیار لری چه دعین خخه په بلی مدي کتبی گته اخلى او يا ورخخه دگته اخستلو په بدل کتبی تضمین اخلى .

(۳) که دگته اخستلو خخه ممانعت دو صیت کوونکی له خواو اويا يي داسى عذر لرلو چه دوصیت کپری شوی او گته اخستلو ترمنځ حائل وو، نو دممانعت دلري کيدو له وخته ورته په بلی مدي کتبی گته اخستل هرو مرو دي .

## ماده ۲۱۵۴ -

(۱) که په گته اخستلو وصیت ددادسی قوم دپاره وو چه تعداد ئى معلوم نه وو او دقتعه کيدو گمان ئى نه کيدلو او دنيکو کارونو دپلوبونو خخه په یو پلو کتبی وو او په دایمی یا مطلق صورت وو، نو وصیت کره شوی ترابده پوري دگته اخستلو مستحق دي .

(۲) که وصیت دایمی یا مطلق وو او ددادسی قوم دپاره وو چه تعداد يي معلوم وو او دقتعه کيدو گمان ئى کيدلو نو وصیت کپری شوی چه ترڅو منقرض شوی نه وي ترهې پوري دگته اخستلو مستحق دي .

(۳) که وصیت دمعلو می مدي

## رسمی جریلدۀ

بوده باشد و تاریخ آغاز و انجام آن  
توضیح شده باشد یا نباشد احکام  
مواد (۲۱۵۱ و ۲۱۵۲) این قانون  
قابل رعایت میباشد.

ماده ۲۱۵۴ -

هرگاه وصیت بمنفعت برای مدت  
معین و برای یک قوم معین وبعداً به  
کسانیکه قایم مقام آنها میگردد ند  
صورت گیرد و انقطاع قوم مذکور  
متصور نباشد یا برای یکی از طرق  
خیریه وصیت شود مگر در خلال  
۳۳ سال از تاریخ وفات و صیت  
کننده یا در خلال مدت معینه انتفاع  
هیچ یک از افراد تعین شده، موجود  
نگرددند یاد را خالی مدت مذکور  
موجود شده و قبل از انتها مدت  
منقرض گردند متف适用 در تمامی این  
مدت و یا بعض آن حسب احوال  
بر جهتیکه نفع آن در طرق خیر عالم  
باشد تعلق میگیرد.

ماده ۲۱۵۵ -

هرگاه عینی که به متف适用 آن وصیت  
شده احتمال انتفاع و بهره بر داری  
را بغیر از طریقیکه وصیت شده

دپاره وو چه پیل آوبای ئی تاکل شوی  
وه یا مده تاکل شوی وو خو پیل او  
پای ئی معلومه نوه نو ددی قانون  
د(۱۵۲-۲۱۵۲) مادو د حکمو نو  
مراعت لازم دی .

ماده ۲۱۵۴

که په گتی اخستلو وصیت دیوی  
تاکلی مدي او دتاکلی قوم دپاره چه  
تعداد ئی معلوموی او تر هغى و روسته  
هفو اشخاصو ته شوی وی چه  
دهفوی قایم مقام دی او دقطع کيدلو  
گمان ئی نه کيروي اويا دنيکو كارونو  
دپلوونو خخه يو پلو ته وصیت شوی  
وی او دوصیت کوونکی دمپینسی  
دنیتی خخه دری دیرش گلو نو په  
او بدو گبئی او یا دگتی اخستلو په  
تاکلی مدي گبئی دتاکل شوو افرادو  
خخه يو هم پیدانه شو او یا ددی  
مدي په او بدو گبئی پیدا شو خود پای  
ته رسیدو ترمه منقرض شو، نو په  
تولی دی مدي یا خینی گتیه اخستل  
دحالونو سره سه دهقه پلو پوری  
تعلق نیسی چه په نیکو کارونو گبئی بی  
منفعت عام وی .

ماده ۲۱۵۵

هغه عین چه په گتی اخستلو ئی  
وصیت شوی که دهفو طریقی خخه  
په غیر چه پری وصیت شوی په بله  
طریقی دگتی اخستلو او بهره برداری

## رسمی جزیل ۸

داشته باشد شخصیکه بوى وصیت شده است میتواند از آن بطریق مطلوب استفاده نماید مشروط بر اینکه از این ناحیه بعین مذکور ضرری عاید نگردد .

ماده ۲۱۵۶ -

هر گاه و صیت به غله یا انمر صورت گرفته باشد شخصیکه بوى وصیت شده مستحق غله یا ژمرة میگردد که در وقت مرگ و صیت کننده موجود بوده و آنچه در آینده موجود می گردد . مگر اینکه دلیلی بغير آن موجود شود .

ماده ۲۱۵۷ -

(۱) هر گاه وصیت بفروش یا اجاره عین در مدت معین و به اجره مسمی برای وصیت شده صورت گرفته باشد و ثمن یا اجرت مذکور از مقدار ثمن مثل به غبن فا خشن که از ثلث حاصل شده بتواند یاغبن بسیط باشد ، وصیت نافذ میگردد .

(۲) هر گاه غبن فا خشن از حدود ثلث مت加وز باشد و صیت بسدون اجازه ورثه در مقدار زاید نافذ نمیگردد مگر اینکه شخصیکه بوى وصیت شده تفاوت زیادت را پردازد

امکان ولی ، نو وصیت کپری شوی کولی شی چه په هری طریقی ئی خوبنده وی ورخخه گنه واخلي ، خو په دی شرط چه هفه عین ته چه په گتی اخستلو بی وصیت شوی ، ضررونہ رسوی .

ماده ۲۱۵۶ -

که وصیت په غلی یائمر شوی وو نو وصیت کپری شوی دهغی غلی او ئیر مستحق کیبری چه دو صیت کوونکی دمهینی په وخت کنبی موجود وو او یا په راتلونکی وخت کنبی موجودیری ، مگر دا چه ددی په غیر بل دلیل اقامه شی .

ماده ۲۱۵۷ -

(۱) که چیرته وصیت کپری شوی ته په تاکلی ئمن دعین دخربو لو ، یا دنهاکلی مدی دپاره دهغی داجاري ورکولو په مسمی شوی اجسوری وصیت شوی وو او ئمن او اجوره په فا خشن غبن سره دمثل خخه کمه وه خو دردیمی حصی خخه نه وتله ، یا په کم غبن سره دمثل خخه کمه وه ، نو وصیت نافذیری .

(۲) که فا خشن غبن دردیمی حصی خخه وتلو او وارثانو دزیادت اجازه ورنه کره ، نو وصیت نافذیری ، مگر داچه وصیت کپری شوی ددی زیادت ور کول قبول کی .

# رسیح جریده

ماده ۲۱۵۸ -

حصول منفعت به اساس تقسیم غله یائمه بین ورثه و شخصیکه بوی وصیت شده به تناسب حصة هریک رعایت میگردد یا از لحاظ تقسیم زمان و مکان یا از طریق تقسیم عین صورت میگیرد مشروط براینکه عین مذکور بدون الحاق ضرر قابل قسمت باشد .

ماده ۲۱۵۹ -

هر گاه منفعت عین به یکی و خود عین بدیگری و صیت شده باشد تکالیف مالیات عین مذکور و چیزیکه برای حصول منفعت ازان لا زم شمرده میشود بر شخص میباشد که وصیت منفعت برای او شده .

ماده ۲۱۶۰ -

وصیت بمنفعت با وفات شخصیکه بوی ، وصیت شده قبل از حصول تمام یا بعضی منفعت وصیت شده و به خریدن عین مذکور از طرف شخصیکه به منفعت آن برای او وصیت شده و با سقط حق برای ورثه بمقابل عوض یابدون عوض وهمچنان به استحقاق بردن عین ساقط میگردد .

ماده ۲۱۵۸ -

دگنه اخستلو تر لاسه کسول دوصیت کپه شوی او دوصیت کوونکی دوارثانو تر منع دغلی یائمه دویشلو په اساس په هفی نسبت صورت مومی چه هر یوه ته تخصیص شوی، یا دزمانی او خای په اساس صورت مومی یا دعین دویشلو په اساس صورت مومی خو په دی شرط چه بی له ضرره دویشلو تحمل ولری.

ماده ۲۱۵۹ -

که دعین خخه گته اخستلو یوه تاکلی شخص ته ، اودبل شخص دپاره پخپله دعین وصیت شوی وی، نو دمالیو تکلیفونه او هفه خه چه دعین خخه دگنه اخستلو دپاره لازم دی دهفه چاپه غاپه دی چه ورته په گته اخستلو وصیت کپه شوی وی.

ماده ۲۱۶۰ -

په گته اخستلو وصیت هفه وخت ساقطیری چه وصیت کپه شوی دهولی یاخینی گته اخستلو خخه ترمخه هر شی ، یا وصیت کپه شوی هفه عین واخلي چه دهفه خخه په گته اخستلو ورته وصیت شوی وی یا په هفی کبنی دخپل حق خخه دعوض په بدل کبنی یا بی له عوضه دوصیت کوونکی وارثانو ته تیرشی اویا داچه عین په استحقاق ویورشی .

# رسیج رسیده

- ۲۱۶۱ - ماده

ورثه و صیت کننده میتوانند حصه خود را از عین با منفعت آن بدون اجازه شخصیکه به او وصیت شده است بفروشد.

- ۲۱۶۲ - ماده

هر گاه وصیت بمنفعت بصورت موبد یامطلق یا مقید بطول حیات شخص معین صورت گیرد شخص مذکور در طول حیات از منفعت مذکوراستفاده کرده میتواند مشروط بر اینکه استحقاق او بر منفعت وصیت شده در خلال مدت سی و سه سال از تاریخ وفات وصیت کننده نشست نماید.

- ۲۱۶۳ - ماده

(۱) هر گاه وصیت تمام منافع عین یا بعضی آن بصورت مو بد یا مطلق یا طول مدت حیات شخصیکه بوی و صیت میشود یابرای مدت اضافه از ده سال صورت گیرد به قیمت تمام یابعضی منافع عین وصیت شده سنجش میشود.

(۲) اگر وصیت برای مدت کمتر از ده سال صورت گرفته باشد به

وصیت کوونکی وارثان کولی شی چه په عین کبئی خپلی حصی دهغی دگه تو سره بی له دی چه دوصیت کپری شوی خخه اجازه والخلسی خرخی کی.

- ۲۱۶۲ - ماده

که په گتی اخستلو وصیت دیوه تاکلی شخص دپاره دهمیشه دپاره یاده گه دژونه پوری اویا په مطلق صورت، شوی وو، نو وصیت کپری شوی دخپل ټول عمر دپاره دگتی اخستلو مستحق دی، خو په دی شرط چه دوصیت کوونکی دمرینی دنیتی خخه ددری دیرش ګلونو په مدی کبئی دهغه دگتی اخستلو استحقاق پیدا شی.

- ۲۱۶۳ - ماده

(۱) که وصیت دعین په ټولو یا څینو گتهو شوی وو. او داوصیت دهمیشه دپاره یا په مطلق صورت یا دوصیت کپری شوی دقول ژوند دپاره او یا ددومره مدی دپاره وو چه دلسو ګلونو خخه زیاته وه، نو دوصیت کپری شوی شی دعین په ډیمت دهغی ټولو یا څینو گتهو سره سنجول کیږي.

(۲) که وصیت ددومره مدی دپاره وو چه دلسو ګلونو خخه نه زیاتیده

## رسیح جریلہ

اندازه قیمت منفعت عین وصیت شده به اعتبار ارزش منفعت مذکور در خلال همان مدت سنجیده میشود.

ماده - ۲۱۶۴

هرگاه وصیت بحقی از حقوق عین راجع باشد ارزش آن به اساس فرق بین قیمت عین با حقوق و قیمت آن بدون حقوق وصیت شده تثبیت میشود.

جزء چارم - وصیت به معاش

ماده - ۲۱۶۵

(۱) وصیت بمعاش از سر ما یه برای مدت معین صحت دارد و از مال وصیت کننده به اندازه ایکه تنفيذ وصیت را تضمین گرده بتواند و به ترتیبیکه ورثه ازان متضرر نگردد تادیه می گردد.

(۲) هرگاه آنچه برای تضمین تنفيذ وصیت موقوف گذاشته از ثلث متروکه بیشتر باشد و ورثه مقدار زاید را اجازه ند هد در حدود مقدار ثلث گذاشته میشود. و وصیت دران و در حاصلات آن تا زمانی نافذ میگردد که شخص وصیت شده تا

نویه همدی کبیسی دوصیت کپری شوی شی دعین په گتو په قیمت سنجول کیری .

ماده - ۲۱۶۴

که وصیت دعین حقوق خخه په یوه حق شوی وو، نو دهی دقیمت سنجول په هغی توپر سره کپری چه په عین باندی وصیت کپه شوی حق وی قیمت یی خومره دی اوکه ورباندی وصیت کپه شوی حق نه وی نو قیمت ئی خومره دی .

خلورم جزء - په معاش وصیت

ماده - ۲۱۶۵

(۱) دپانگی خخه دیوی تاکلی مدنی دپاره دمعاش وصیت صحیح دی. دوصیت کوونکی دمال خخه په هغی اندازی چه دوصیت تضمین وکی وقف کپری خو په داسی ترتیب سره چه وارثانو ته ضررونی رسوبی .

(۲) که هفه اندازه مال چه دوصیت لاتنفيذ دپاره وقف شوی دترکی دریمی حصی خخه زیات وی او وارثانو دزیادات اجازه ورنه کپه، نو دهی خخه دریمی حصی په اندازی وقف کپری ، او وصیت په همدی دریمی حصی او ودهی په حاصلا تو کبیسی نافذی بری ترخو چه وصیت کپه شوی ته دترکی دهی دریمی حصی دقیمت ور کول پوره

## رسمنی حجری لایه

مقدار قیمت ثلث متروکه حق خود را  
بگیرد یا مدت وصیت سپری گردد  
و یا شخص وصیت شده فوت شود.

ماده ۲۱۶۶ -

هر گاه و صیت بمعاش از حاصل  
متروکه یا حاصل عینی از اعیان  
متروکه برای مدت معینی صورت  
گرفته باشد متروکه یا عین مذکور  
اولاً بدون معاش وصیت شده و ثانیاً  
با معاش مذکور قیمت شده مقدار  
تفاوت هر دو قیمت اندازه شنی وصیت  
شده تشییت گردیده در حالیکه از ثلث  
مال تجاوز نکند و صیت نافذ و در  
حال تجاوز از ثلث و عدم اجازه  
ورثه به اندازه ثلث نافذ میگردد و  
مقدار زاید معاش و آنچه از متروکه  
یاعین در مقابل آن قرار میگیرد حق  
ورثه وصیت کننده شناخته میشود.

ماده ۲۱۶۷ -

هر گاه وصیت بمعاش برای شخص  
معینی از سر مايه یا حاصل بصورت  
مطلق یا دائمی یابه طول حیات  
شخصیکه بوی و صیت شده صورت

شی چه دوصیت کوونکی دمپینی به  
وخت گنبی بی لرلو، یا داچه مده پای  
ته ورسیبری او یا داچه مده دوصیت  
کپری شوی په مهینی پای ته ورسیبری.

ماده ۲۱۶۶ -

که دمعاش وصیت دترکی دحاصلاتو  
شخه او یا دترکی دیوه عین دحاصلاتو  
شخه دیوه تاکلی مدلی دباره صورت  
موندلی وو، نو ذکر شوی متروکه  
یاعین به لمپری بی دذکر شوی معاش  
شخه قیمت کپری او دوهم گرتی به  
دوصیت کپری شوی معاش سره  
قیمت کپری، ددواپو قیمتونو  
دتوپیر اندازه دوصیت کپری شوی  
نشی اندازه تاکی، نوگه ددریمی  
حصی متروکی شخه زیاته نه وی،  
وصیت نافذیبری او که دمتروکی  
ددریمی حصی شخه زیاته و او  
وارثانو دزیاتی اندازی اجازه ورنه  
کپری نو ددریمی حصی په اندازی  
نافذیبری. دمعاش زیاته اندازه او هغه  
شخه چه دمتروکی یاعین شخه دهفی  
په مقابل کنبی واقع شوی، دوصیت  
کوونکی دوارثانو حق دی .

ماده ۲۱۶۷ -

که په معاش وصیت دیوه تاکلی  
شخص دپاره دپانگی یا دحاصلاتو  
شخه په مطلق، یا دائمی یا دوصیت  
کپری شوی دعم پوری، صورت

# رسَمِي جُرْجِيله

گرفته باشد مدت حیات شخص از طرف اطباء سنجش شده در حالیکه وصیت از سر مایه باشد از مال وصیت کننده در حدود حکم ماده (۲۱۶۵) این قانون تا مقدار یک هزار تنفیذ وصیت را تضمین نموده میتواند موقوف گذاشته و در حالیکه وصیت بمعاش از حاصلات باشد در حدود حکم ماده (۲۱۶۶) این قانون به اندازه که معاش وصیت شده را کفایت نماید گذاشته میشود.

## ماده -۲۱۶۸

درحالت مندرج ماده (۲۱۶۷) این قانون هر گاه شخصیکه بوی وصیت شده قبل از مدتبی که از طرف اطباء سنجش شده وفات نماید مقدار باقیمانده وصیت بورژه مستحق او یا کسیکه بعد از خود به او و صیت نموده باشد، اعطای میشود. و در صورتیکه مال موقوف گذاشته شده با تمام برسد و یا شخص بیشتر از میعاد تثبیت شده ز نه ماند حق رجوع را ورثه نه دارد.

## ماده -۲۱۶۹

هر گاه حاصل مترو که مو قوف گذاشته شده بمنظور تنفیذ وصیت

موندلی وو، نو چاکتران به دهفه دژوند سنجش کوی. که په معاش وصیت دپانگی خخه وونو دوصیت کوونکی دمال خخه به په دومره اندازی وقف کیزی چه ددی قانون د (۲۱۶۵) مادی په حدودو کبنی دوصیت دتنفیذیدلو تضمین و کی اوکه په معاش وصیت دحاصلاتو خخه وو، نو ددی قانون د (۲۱۶۶) مادی په حدودو کبنی به دومره اندازه وقف کیزی چه دوصیت کره شوی معاش دپاره کفایت و کی.

## ماده -۲۱۶۸

که ددی قانون د (۲۱۶۷) مادی په درج شوی حالت کبنی وصیت کره شوی تر هغی مدي دمخه مر شوچه چاکترانو سنجولی، دوصیت پا تی برخه مستحقو وارثانو ته ور کوله کیزی او یا هفه چا ته ورگوله کیزی چه دهفه دمینی وروسته ورتے وصیت شوی. که دوصیت دتنفیذ دپاره وقف کره شوی مال خلاصن شو یا وصیت کره شوی د چاکترانو دسنجش خخه دزیاتی مدي دپاره ژوندی پاتی شو، نو وصیت کره شوی په وارثانو باندی درجوع کولو حق نه لری.

## ماده -۲۱۶۹

که دپانگی خخه په معاش وصیت دوصیت دتنفیذ دپاره وقف کره

# رسکتی جنگل

معاش از سر مایه کفایت نکند در حدود کفایت معاش ازان فروخته میشود . و در صورتیکه حاصل مذکور از معاش افزود گردد مازاد بورثه و صیت کننده تعلق میگیرد.

ماده ۲۱۷۰ -

هرگاه در حاصلات از اندازه معاش و صیت شده افزودی آمد باشد مقدار مازاد الى زمان انتها مدت انتفاع نگهداشته میشود در صورتیکه مترو که موقوف گذاشته شده بمنظور تنفيذ وصیت نسبت خشک سالی با عوامل مشابه در سالهای دیگر چنان حاصلی ندهد که وصیت را تکافو نماید با قیمانده استحقاق شخص از حاصل نگهداشته شده تادیه میشود .

ماده ۲۱۷۱ -

هرگاه در وصیت تصريح شده باشد یا از قرینه چنین معلوم شود که معاش سال به سال پرداخته میشود مازاد سالانه بورثه و صیت کننده تادیه میشود .

ماده ۲۱۷۲ -

(۱) هرگاه وصیت بمعاش برای داداسی پلو دپاره وی چه په مطلق جهتی صورت گرفته باشد که صفت

شوی مترو کی حاصلاتو کفایتونه که ، نو په هغه اندازی دی و رخخه خرخه کپری شی چه دمعاش دپاره کفایت وکی . که حاصلات دمعاش شخه زیات وو نو زیاته اندازه دوصیت کونکی وار ثانو تهورکوله کیزی .

ماده ۲۱۷۰ -

که په حاصلاتو کبئی دوصیت کپه شوی معاش داندازی خخه زیاتوالی راغی ، نو زیاته اندازه دفعی اخستلو دوخت ترپایه پوری ساتل کیزی . که دوصیت دتفیذ دپاره وقف کپه شوی مترو که په وچو گلونو کبئی دومره حاصلات ونه کی چه دهفه دپاره کفایت وکی ، نووصیت کپه شوی ته به دزیاتی اندازی ساتل شوو حاصلاتو خخه دومره ورکول کیزی چه دهفه کمه اندازه معاش پوره کی .

ماده ۲۱۷۱ -

که په وصیت کبئی تصريح شوی وی اویا قرینه په دی موجوده وی چه معاش دی کال په کال ور کولشی ، نو کلنی زیات والی دوصیت کونکی وارثانو ته ورکول کیزی .

ماده ۲۱۷۲ -

(۱) که په معاشو نو باندی وصیت

## رسمنی جزویت لای

ددام را طور مطلق با مؤید دارا باشد ازمال وصیت کننده به مقدار یکه حاصل آن تنفیذ وصیت را تضمین کرده بتواند موقوف گذاشته میشود مشروط بر اینکه از حدود ثالث تجاوز نکند . در صورت تجاوز از ثالث در مقدار زاید از ثالث اجازه ورثه شرط می باشد .

(۲) اگر مال موقوف شده بیشتر از معاش وصیت شده حاصل بدهد جمیع مذکور آنرا مستحق می گردد و در صورت نقصان حاصل ، حق رجوع را بر ورثه ندارد .

ماده ۲۱۷۳ -

در احوال مندرج مواد (۲۱۶۵ تا ۲۱۷۱)، ورثه وصیت کننده میتواند بر اموال موقوف گذاشته شده بمنظور تنفیذ وصیت سلط حاصل ، یا بران تصرف نماید مشروط بر اینکه بر ضائیت شخصیکه برای او وصیت شده یا به تعین قاضی تمام معاش وصیت شده را نقداً در جهتی طور امانت بگذارد که به تنفیذ وصیت اینبودل شوی پیسی دوصیت دتفیذ دپاره تخصیص داده شود . واگر شخصی که برای او وصیت شده قبل از تمام

یا ابدی صورت ددام صفت ولری، نو دوصیت کوونکی دمال خخه دمره وقف کیری چه دهقی حاصل دوصیت تنفیذ تضمین کی . خو په دی شرط چه وقف کره شوی مال دوصیت کوونکی ددریمی حصی مال خخه زیات نه وی، او که زیات وو نو دوارثانو داجازی پوری تعلق لری .

(۲) که وقف کره شوی مال دوصیت کره شوی معاش داندازی خخه زیات حاصل ورکه ، نو ذکر شوی پلوئی مستحق کیری او که حاصلات دعاش خخه کم شونسو دوصیت کوونکی به وارثانو درجوع کولو حق نه لری .

ماده ۲۱۷۴

ندی قانون د (۲۱۷۱ تر ۲۱۶۵) مادو په درج شوو حالونو کبنی دوصیت کوونکی وارثان کولی شی چه په وقف کری شوی مال باندی، په معاش دوصیت دتفیذ دپاره اویا به هغی کبنی دتصرف کولو دپاره تسلط حاصل ، خو په دی شرط چه دوصیت کرپی شوی په رضاءه تبول معاشوونه نقد په یو خای کبنی اویا په هغی خای کبنی چه قاضی بی تاکی په و دیعت کبنی پردی، او په و دیعت اینبودل شوی پیسی دوصیت دتفیذ دپاره تخصیص شی . که وصیت کرپی شوی په و دیعت اینبودل شوو پیسی

## رسمنی جریان

دخلاصیدو تر مخه می شو، نو پاتی شدن مبلغ امانت گذاشته شده وفات پیسی دوصیت کوونکی وارثانو ته خماید مبلغ باقیمانده بورله و صیت ورکول کیری .

ماهه ۲۱۷۴

ماهه ۲۱۷۴

په ودیعت اینبندلو او تخصیص تمام حقوق شخصیکه برای ۱ و سره په متروکی کبنی دوصیت کره وصیت شده بمیرد، گذاشتن امانت شوی قول حق زاللیری .

ماهه ۲۱۷۵

ماهه ۲۱۷۵

که دوصیت کوونکی دمرینی په وخت کبنی دوصیت کری شوو ددوه لمرنیو طبقو خخه خوک موجودنوه، نو دپانگی یا حاصلاتو خخه ورته په معاد وصیت صحیح نه دی، هاگتران به دموجودو دژوند سنجش کوی او وصیت به دهقه حکمونو سره سم چه دتاکل شوو دپاره په وصیتونو کبنی درج شوی تنفیذپیری .

وصیت بمعاش در سر ما یسه باحاصل برای غیر از اشخا صه موجود از نظر طبقه اول اشخاصیکه برای آنها و صیت میشود. هنگام وفات وصیت کننده صحت ندارد. مدت حیات اشخاص موجود از طرف اطباء سنجش گر دیده وصیت مریوط طبق احکام و صیت به اشخاص معین تنفیذ می یابد .

جزء پنجم - احکام زیادت درمال

پنجم جزء - په وصیت گریه شوی

وصیت شده

مال کبنی زیات والی

ماهه ۲۱۷۶

ماهه ۲۱۷۶

که وصیت کوونکی دوصیت کره شوی عین په علامو کبنی تغیر راوپی وصیت شده را تغیر دهد یا دران اویا دھنی په عمارت کبنی داسی زیادتی را از قبیل تر میم به عمل زیاتوالی راوپی چه پخچله خانگری آرد که مستقبل بنفسه نباشد. عین وجود ونه لری لکه ترمیمول، نو قول مذکور بازیادت وارد، مال وصیت شده شناخته میشود .

عین وصیت گنل کیری .

# رسمی جریلتا

۲۱۷۷ - ماده

- ۲۱۷۷ ماده

هرگاه زیادت در عین مستقل  
بنفسه باشد مانند درختان و عمارت.  
ورثه وصیت کننده یا شخصیکه  
برای او وصیت شده است در حدود  
قیمت زیادت وارده در تمام عین  
مذکور شریک میشوند.

- ۲۱۷۸ ماده

(۱) هر گاه وصیت کننده عین  
وصیت شده را منهدم گر دانیده و  
آنرا مجددا بهمان حالت سا بسقه  
ولو که با تغییر علایم باشد ا عماد  
نماید عین مذکور حالت جدید مال  
وصیت شنا خته میشود.

(۲) اگر بنا بغیر از حالت سابقه  
اعمار شود ورثه در حدود قیمت  
زیادت با شخصیکه برای او وصیت  
شده در تمام عمارت شریک شمرده  
میشوند.

- ۲۱۷۹ ماده

هرگاه و صیت کننده عین وصیت  
شده را منهدم گر دانیده ز مین آنرا  
با ز مین دیگر ملکیت خود ضم و  
دران عمارتی بنا نماید شخصیکه  
برای او وصیت شده باوره در تمام  
بنا و زمین در حدود قیمت ز مین  
وصیت شده شریک شمرده میشود.

که په عین کنی داسی زیارات  
راوپل شو چه پخپله ئی خانگکی  
وجود لرلو لکه ونی اوینا، نواوارثان  
دوصیت کری شوی سره په قول  
عین کنی دهی زیادت په اندازی  
شریکان کینی چه موجود دی.

- ۲۱۷۸ ماده

(۱) که وصیت کوونکی وصیت  
کوه شوی عین ونره ولو او پهلمرنی  
حالت یی دهی بنا لوره کوله ، که  
خه هم علاموئی تغییر کری وی، نو  
عین پخپله نوی حالت سره وصیت  
دی .

(۲) که بنا په بل حالت جووه کری  
شوو نو دوصیت کوونکی وارثان  
دوصیت کری شوی سره په قول  
عمارت کنی دزیادت دقیمت په  
حدود کنی شریکان کینی .

- ۲۱۷۹ ماده

که وصیت کوونکی دوصیت کوه  
شوی شی عین پونگ او خمکه ئی  
دخپل ملکیت دبلی خمکی سره  
یو خای کی او په هفی کنی عمارت  
بناكی . نو وصیت کری شوی  
دوصیت کری شوی خمکی دقیمت  
په حدود کنی دوطنیت . کوونکی  
دواوارثانو سره په قوله خمکه اوبناء  
کنی شریک دی .

# رسمنی جریده

ماده ۲۱۸۰ -

به استثنای احکام مواد سا بهقه آنچه از طرف وصیت کننده بر عین وصیت پر داخته میشود . یا بر عین مذکور افزود میگردد و عرف بر آن جاری است و یا از قرائی چنین استنباط شود که زیادت بران از طرف و صیت کننده صورت گرفته است زیادت مذکور با وصیت یکجا میگردد .

ماده ۲۱۸۱ -

هرگاه وصیت کننده از بنا عین وصیت و بنا دیگر ملکیت خود بنا واحدی را تشکیل دهد که باسas توحید مذکور بیع و تسليم عین وصیت شده بتنها ای ناممکن گردد شخصیکه برای او وصیت شناه است باوره در حدود قیمت وصیت شریک شناخته میشود .

فرع پنجم - و صیت واجبه

ماده ۲۱۸۲ -

هرگاه متوفی برای فرع ولد خود که در زندگی او فوت شده یا با متوفی یکجا حقیقتاً با حکماً وفات نموده باشد به مثل آنچه و لد

ماده ۲۱۸۰ -

دیترو ماو دحکمنو په استثنی، که وصیت کوونکی دوصیت کره شوی عین ته خه شی ورکی او یا په کتبی زیات والی راوه کیرو او په عرف کتبی په دی عادت جاری وی، نو زیادت دوصیت په عین علاوه کیرو . همدارنگه که عرف ور باندی جاری نه وی ولیکن دقیرینو خده داسی معلومه شی چه وصیت کوونکی ورسه دا زیاتوالی یو خای کپری نو ذکر شوی زیاتوالی دوصیت سره یو خای کیرو .

ماده ۲۱۸۱ -

که وصیت کوونکی دو صیت کره شوی بنا دعین خخه او دخلملکیت دبناء خخه، یوه داسی بناء جو به کی تو گه ممکن نه وی، نو وصیت کره بنا خرخول او تسليمول په خانگری شوی دوصیت کوونکی دوارنانوسره دوصیت کره شوی بنا دقیمت په اندازی شریکیرو .

پنجمه فرعه - واجبشوی وصیت

ماده ۲۱۸۲ -

که می ی دخلی فرع عیی هفی ولد ته چه دهفه په ژوند کتبی حقیقتاً می شوی یا ورسه یو خای که خه هم حکماً وی می شوی وی

## رسیح جریل ۸

مذکور اگر در وقت مرگ او ز نده میبود در متروکه او مستحق میراث میگردید و صیت نکرده باشد برای فرع مذکوردر ترکه باندازه استحقاق ارث مذکور در حدود ثلث ترکه وصیت واجب میگردد مشروط بر اینکه فرع غیر ارث بوده و متوفی درحیات خود بلاعوض به او مالی را طریق تصرف دیگری به اندازه حصه واجبه نداده باشد و در صور تیکه مال را به او اعطا کرده باشد، مگر از اندازه واجبه کمتر باشد باندازه که حصه مذکور را تکمیل نماید به طریقه وصیت واجبه مستحق میگردد.

ماده ۲۱۸۳ -

ماده ۲۱۸۳

وصیت مندرج ماده (۲۱۸۲) این قانون برای اهل طبقه اول از اولاد دختری و برای اولاد پسری از اولاد ظهورگرچه مراتب آنها تنزیل نماید. میباشد به ترتیبیکه هر اصل فرع خودرا بدون فرع دیگر محجو ب گردانید و حصه هر اصل بر فرع او تقسیم می گردد گرچه تقسیم میراث تنزیل نماید مانند آ نکه اصل با اصولیکه بواسطه آ نهاد شخص به متوفا منسوب میشود بعد از او وفات نموده باشند ووفات نموده باشند ووفات آنها مرتب

دادی قانون د (۲۱۸۲) مادی درج شوی وصیت دلمپری طبقی داصلی لورگانو اولا دونو ته او اصلی زامنوا اولادونو دباره چه دملاخخه وی دی، که خه هم درجی آنی تیجه شی، خو په دی ترتیب چه هر اصل خپله فرعه حجبه وی ته دبل فرعه او دهر اصل حصه دفعه په فرعی باندی لکه دمیراث دویش په شبان ویشله کیبری، که خه هم درجی آنی تیجه شی او داترتیب داسی حکم لری چه هفه یا اصول چه دهفوی په وسیلی فرعی هری ته منسویبری دفعه دمرینی وروسته مه شوی وی او دهفوی

# رسیح جریبه

مرینی دطبقو دترتیب په شان مرتب بترتیب طبقات صورت گرفته صورت موندلی وي .

ماده ۲۱۸۴ -

په واجب شوی وصیت کښی ددی  
دروصیت واجبه رعایت ۱ حکام  
مواد (۱۹۹۹ و ۲۰۰۰) این قا نون  
حتمی می باشد .

ماده ۲۱۸۴

په واجب شوی وصیت کښی ددی  
قانون د (۱۹۹۹-۲۰۰۰) مادود حکمونو  
مراقبت هرومرودي .

ماده ۲۱۸۵ -

در استحقاق وصیت واجبه، فرع  
از استحقاق آنچه که اصل وی  
بششرط حیات بعد از وفات میراث  
مستحق میگرددی، سهم بیشتر گرفته  
نمی تواند . همچنان صاحب وصیت  
واجبه سهم بیشتری را از اشخاصی  
که در درجه قرابت باوی یـسـکـانـ  
باشند مستحق شده نمیتواند .

ماده ۲۱۸۵

دوابج شوی وصیت په استحقاق  
کښی فرعه دهغه استحقاق داندازی  
شخه چه دهغه مستقیم اصل دژوندی  
او سیدلو په ششرط دخپل میراث  
دمهینی وروسته مستحق گیده، زیاته  
حصه نه شی اخستنی . همدارنگه  
دوابج شوی وصیت خاوند دهغه  
اشخاصو شخه زیاته حصه نه شی  
اخستنلی چه دهغه سره دخبلو په  
درجی کښی مساوی دی .

ماده ۲۱۸۶ -

(۱) هر گاه شخصی برای کسی  
که وصیت با او واجب است ببیشتر  
از حصه او وصیت نماید مقدار زاید  
وصیت اختیاری تلقی میشود و اگر  
وصیت به کمتر از حصه او صورت  
گرفته باشد به اندازه ایکه حصه او  
را تکمیل نماید واجب میشود .

ماده ۲۱۸۶

(۱) که مری دهغه چا دپاره چه  
وصیت ورته واجب شوی دهغه  
دحصی شخه په زیاته اندازه وصیت  
گپری وو، نو دا زیادات اختیاری  
وصیت دی . او که ئی ورته دهغه  
دحصی شخه په کمی اندازی وصیت  
گپری وو نو دهغه دپاره دومره اندازه  
وصیت واجبیزی چه دهغه حصه پوره  
کی .

(۲) اگر برای بعضی از اشخاص  
که وصیت برای آنها واجب است  
ته چه وصیت ورته واجب دی وصیت

## رسیح جریبد

وصیت شده و به بعضی دیگر وصیت  
نشود باشخاصیکه و صیت شده ،  
بانداز ه حصه او واجب میشود .  
(۳) حصه کسیکه به او وصیت  
نشده است و انداز ه باقیما ند ه  
حصه کسانیکه به آنها کمتر از حصه  
واجبه شان وصیت شده است از  
باقی ثلث پرداخته میشود و اگر  
ثلث تکافو نکند از ثلث باز آنچه  
برای وصیت اختیاری تخصیص  
داده شده باشد پرداخته میشو د .

ماده -۲۱۸۷

وصیت واجبه برسایر و صایا  
مقدم شناخته میشود .

ماده -۲۱۸۸

هر گاه برای اشخاصیکه وصیت  
برای آنها واجب است و صیت  
نشده برای دیگری و صیت شو د  
اشخاصیکه وصیت برای آنها واجب  
است به اندازه حصه خود از ثلث  
باقیمانده متوجه اگر آنرا پوره  
کنده طریقه وصیت واجبه مستحق  
میشوند و اگر ثلث باقیما ند ، حصه  
آنها را پوره نکند از ثلث باقیمانده  
واز آنچه به غیر وصیت شده حصه  
آنها تکمیل میگردد .

کپری و او خینو نورو ته یی نه وو  
کپری ، نو چاته چه وصیت شوی ،  
دهفه دھصی به اندازی ورتاوجیبی .  
(۳) دچا دپاره چه وصیت نه دی  
شوی او دھفه چا دپاره چه دھفه  
دواجی حصی داندازی خخه ورته کم  
وصیت شوی دپاتی دریمی حصی  
میراث خخه دھفوی واجب شوی  
میراث پوره کول کیبری . که دریمی  
حصی پوره نه که نو پاتی به دھفه  
خه نه ورکول کیبری چه داختیاری  
وصیت دپاره تخصیص شوی .

ماده -۲۱۸۷

واجب شوی وصیت په نورو  
وصیتونو وراندی دی .

ماده -۲۱۸۸

که مپری دھفه اشخاصو دپاره چه  
وصیت ورته واجب شوی وصیتونه  
کی او دنورو دپاره نی وکی ، نو  
دکومو اشخاصو دپاره چه وصیت  
واجب دی ، که دمتروکی پاتی دریمه  
برخه واجب شوی وصیت پوره کوی ،  
واجب شوی وصیت به دھفی خخه  
اداعکیبری ، که دمتروکی پاتی دریمی  
حصی واجب شوی وصیت پوره  
نه که ، نو دپاتی دریمی حصی او  
دهفی خخه چه دبل چا دپاره بروی  
وصیت شوی دھفوی حصه به پوره  
کیبری .

# رسمنی جریئله

ماده ۲۱۸۹ -

در تمام احوال مندرج مسواد  
۲۱۸۶ - ۲۱۸۷ - ۲۱۸۸) این قانون  
آنچه ازو صیت اختیاری باقیمانده  
با مراعات احکام مربوط بود صیت  
اختیاری بین مستحقین مطا بمق  
به حصص آنها تقسیم میشود.

فرع ششم - تزاحم و صایا

ماده ۲۱۹۰ -

هر گاه وصیت متجاوز از ثلث  
بوده وورثه آنرا اجازه نماید مگر  
مترو که تمام و صایا راتکافو نکند  
یاورثه اجازه نهد و ثلث مال، تمام  
وصیت راکفایت نکند حسب احوال  
ثلث با مترو که بین اشخاصیکه به  
آنها وصیت شده است مطابق  
به حصص، بین آنها تقسیم میشود  
شرط بر اینکه شخص وصیت  
شده عین، از همان عین معینه  
وصیت شده، حصه خود را دریافت  
بدارد.

ماده ۲۱۹۱ -

هر گاه وصیت بوجه ثواب  
صورت گرفته باشد و تمام فرایض  
یا اجرایات یانوافل باشد و و صیت  
کننده برای هر یک از جهات حصه را

ماده ۲۱۸۹ -

ددی قانون د (۲۱۸۸، ۲۱۸۷، ۲۱۸۶)  
مادو په ټولو درج شوو حالونو کنې  
داختیاری وصیت دھکمونو بھه مراعت  
کولو سره هر خه چه داختیاری  
وصیت خخه پاتی کیېزی دمیراث  
دمستحقینو ترمنځ دھفوی دھصویه  
اندازو، ویشل کیېزی.

شپږمه فرعه - دوصیتونو تزاحم

ماده ۲۱۹۰ -

که وصیتونه دتر کی ددریمی حصی  
شخه زیات وو او وارثانو دھفی اجازه  
ور کړه یا دا چه تر کی دو صیتو نو  
دپاره کفایت نه ګولو او یائی وارثانو  
اجازه ورنه کړه او دریمی حصی  
وصیتونه، نه پوره ګول نو دحالونو  
سره سم دی تر که یا دریمی حصه  
دوصیت کړه شوو ترمنځ دھفوی  
دھصو په اندازی وویشله شی. خو  
په دی شرط چه چاته په یوه عین  
وصیت کړه شوی وی دهمه وصیت  
کړه شوی عین خخه خپله حصه  
واخلي.

ماده ۲۱۹۱ -

که وصیتونه دثوابونو دباره شوی  
وی او ټول فرائض، واجبات یانوافل  
وی او وصیت کوونکی دھر پلو دپاره  
خاصه حصه نه وی تاکلی، نو وصیت  
دپلو نو ترمنځ مساوی ویشل

## رسمنی جریل ل

معین نکرده باشد، وصیت بیهـن  
جهات مذکور بصورت مساوی تقسیم  
میشود اگر برای هر یک  
حصه متفاوت تعیین نمود و تماـم  
وصیت آن را تکافو نکند بتناسب  
حصه هر جهت تقسیم میشود.

ماده ۲۱۹۲ -

هر گاه وصیت بانواع مختلفـ فـ  
وجه ثواب بصورت مساوی تقسیم  
شود و اگر برای هر یکی انسـواع  
ثواب خاص تعیین گردیده و مال  
وصیت شده کفایت همه انسـواع را  
کرده نتواند فرایض نسبت بهـ  
واجبات و واجبات نسبت بنوائلـ  
ترجیح داده شده، و حصه هر نوع  
بین افراد آن بصورت مساوی تقسیم  
میشود .

ماده ۲۱۹۳ -

هر گاه و صیت بوجوه انسـواب  
باوصیت بطرق دیگر بدون تخصیص  
شخص یکجا شود، مال وصیت شده  
بصورت مساوی بین جهات مذکور  
تقسیم میشود .

ماده ۲۱۹۴ -

هر گاه در وصیت بمعاش مزاحمت  
ایجاد شود و بعضی اشخاص مستحق

کیزی. که نی دهر پلو دپاره دومره  
اندازه حصه تاکلی وه چه دنورو  
حصو سره یو برابر نهوه اوهـول  
وصیت دهـنی دپاره کفایتونهـ که، نو  
وصیت دهر پلو دحصی په تناسب  
ویشل کیزی .

ماده ۲۱۹۲

که وصیت دثوا بونو دمختلفـ  
نوعـ دپاره شـوی وـ او وصیت  
کـونکـی یـولـ یـو بـرابـرـ کـرـیـ وـیـ، نـوـ  
وصـیـتـ دـیـ پـهـ مـساـوـیـ چـوـلـ وـوـیـشـلـ  
شـیـ. کـهـ بـیـ دـثـوـابـ دـهـرـیـ نـوـعـیـ دـپـارـهـ  
خـاـصـیـ حـصـیـ تـاـکـلـیـ وـیـ اوـوـصـیـتـ  
کـرـهـ شـوـیـ مـالـ دـهـنـیـ دـپـارـهـ کـفـایـتـ  
وـنـهـ کـهـ نـوـ فـرـائـضـ دـیـ پـهـ وـاجـبـاتـوـاوـ  
وـاجـبـاتـ دـیـ پـهـ نـوـافـلـ وـپـانـدـیـ شـیـ  
اوـ دـهـرـیـ نـوـعـیـ حصـهـ دـیـ دـهـفـیـ  
دـافـرـادـوـ تـرـمـنـشـ پـهـ مـساـوـیـ چـوـلـ  
وـوـیـشـلـهـ شـیـ .

ماده ۲۱۹۳

کـهـ دـثـوـابـونـوـ دـپـارـهـ وـصـیـتـدنـرـوـ  
وـصـیـتـنـوـ سـرـهـ یـوـ خـایـ شـوـ، اوـ دـهـرـ  
پـلوـ حـصـیـ بـیـ نـهـ وـیـ تـاـکـلـیـ نـوـصـیـتـ  
کـرـهـ شـوـیـ شـیـ دـیـ دـهـفـوـیـ تـرـمـنـشـ  
پـهـ مـساـوـیـ چـوـلـ وـوـیـشـلـ شـیـ .

ماده ۲۱۹۴

کـهـ پـهـ مـعاـشـونـوـ بـانـدـیـ وـصـیـتـنـوـ  
تـزاـحـمـ وـکـهـ اوـ خـینـیـ وـصـیـتـ کـرـیـ  
شـوـیـ مـهـ شـوـ اوـ یـاـ دـوـصـیـتـ کـرـیـ

# رسمی جریمه

وفات نموده یا یکی از جهات مستحق  
انقطاع نماید حصص مذکور بو رله  
وصیت گننده تعلق میگیرد .

فرع هفتم - احکام متفرق  
ماده ۳۱۹۵ -

(۱) هر عمل قانونی ایکه از شخص  
هنگام مرض موت او صادر گردیده  
و منظور از آن تبرع باشد نسبت آن  
به بعد از مرگ اعتبار داده شده و  
احکام و صیت برآن تطبیق میشود،  
 بصیغه والفاظ اعتبار داده نمیشود.  
(۲) اثبات اینکه عمل قانونی  
هنگام مرض موت صورت گرفته  
است بدوش ورثه است و میتوانند  
درین مورد از تمام وسایل و طرق  
اثبات استفاده نمایند . تمسک بر  
تاریخ سند علیه ورثه در صورتیکه  
این تاریخ ثابت نباشد ا عستبار  
ندارد .

ماده ۳۱۹۶ -

هر گاه ورثه به اثبات برساند که تصرف  
قانونی از مورث آنها در مرض موت  
صادر گردیده تصرف مذکور تبرع  
شناسنخه میشود، مگر اینکه شخصیکه  
برای او تصرف صادر گردیده عکس  
آنرا بالبات برساند ، این امر در  
حالتنی است که احکام دیگری بخلاف  
آن وجود نداشته باشد .

شوو پلوونو خخه یو پلو چه په  
ماعاشونو ورته وصیت شوی قطع  
شو، نو دهفه برخه دوصیت گوونکی  
وارثانو پوری تعلق نیسي .

اووهه فرعه - متفرقه حکمونه  
ماده ۳۱۹۵ -

(۱) هر قانونی عمل چه دچاخخه  
دمپینی په رنخ کبینی صادرینی او  
دهفی خخه تبرع مقصد وی نو داعمل  
دمپینی خخه وروسته زمانی ته  
مضافیری که داعمل هر نوم ولری،  
دوصیت حکمونه ور باند تطبیقیری.

(۲) دچاخخه چه دمپینی بدانخ  
کبینی قانونی عمل صادر شوی دهفی  
ثابتول دوارثانو به غاپری دی، هفوی  
کولی شی چه په دی باره کبینی  
دانبات دهولو وسیلو خخه کارواخلي،  
په وارثانو باندی دستند په نیتی،  
که دانیتیه ثابتنه نه وی، تمسک نهشی  
کیدلی .

ماده ۳۱۹۶ -

که وارثانو ثابتکره چه قانونی  
تصرف دهفوی دمورث له خوادمپینی  
په رنخ کبینی صادر شوی، نو ذکر  
شوی تصرف تبرع گهل کپری، مگر  
داقه دهفه چا دباره چه تصرف شوی  
دهفی عکس ثابت کی . تول دا حکم  
په هفی حالت کبینی دی چه دهفی  
په خلاف حکمونه موجودنه وشی .

# رسیح بریلک

ماده ۲۱۹۷ -

هر گاه شخص بنفع یکی از وزنه خود تصرفی را انجام داده و حیازت و انتفاع عین مذکور را بیکی از طرق الى زمان حیات خود حفظ نماید، تصرف مذکور به بعد از مرگ منسوب بوده و احکام وصیت بر آن تطبیق میگردد مگر اینکه دلیل دیگری برآن قایم گردد.

مبحث سوم - النصاق

فرع اول - النصاق برغیر عقار

ماده ۲۱۹۸ -

اگر از اثرآب خیزی دریا، زمین جدیدی بوجود آید و بزمین مملوکه شخص دیگری اتصال یابد زمین جدید ملکیت دولت شمرده میشود.

ماده ۲۱۹۹ -

اراضی ایکه در اطراف آبها می ایستاده جدیداً مکشوف می شود به همچ صورت ملکیت مالکین همچوار شناخته نمیشود مگر ملکیت زمینی را که در اثر ارتفاع آب زیر آب شده است از دست نمید هند.

ماده ۲۲۰۰ -

اراضی ایکه در دوطرف در یا ها منکشف میگردد ملک دو لشناخته میشود.

ماده ۲۱۹۷ -

که خوک دخیل یوه وارث په کته یو تصرف وکی، او دعین دھیافت او دھفی دگتمی اخستلو حق په هری طریقی چه وی پخیل ټول عمر کتبی و ساتی، داتصرف دمرگ خخه وروسته زمانی ته مضانیبری او دوصیت حکمونه ور باندی تطبیقیری، مگر دا چه دھفی په خلاف کوم دلیل قایم شی .

دریم مبحث - نخلیدل

لمپی فرعه - دعقارپور نخلیدل

ماده ۲۱۹۸ -

که دسین داوبو پورته کیدو په اثر نوی خمکه پیدا شی اودبل چا دملکیت لاندی خمکی سره یو خای شی نونوی خمکه ددولت ملکیت دی .

ماده ۲۱۹۹ -

کومی خمکی چه دولابو او بوا په شا او خوا کتبی را ظاهرینی، په هیخ صورت دگاونه یو مالکینو ملکیت نه ګنل کیبری. خو دھفه خمکو ملکیت دلاسه نه ورکوی چه داوبو دلوروالی په اثر داوبو لاندی شوی دی.

ماده ۲۲۰۰ -

ھفه خمکی چه دسیندونو په دواوو خواوو کتبی ظاهرینی، ددولت ملکیت دی .

# رسانی جزیره

ماده ۲۲۰۱ -

ملکیت اراضی ایکه در اثر تغییر مسیر دریا بوجود می آید و جزیره های که در مسیر آن تشکیل میگردد توسط قانون خاص تنظیم میشود.

ماده ۲۲۰۲ -

تمام بناء ها، اشجار غرس شده و تاسیسات دیگری که از عمل مالک زمین بوجود آمده باشد ملک او شناخته میشود.

ماده ۲۲۰۳ -

هر بناء یا غرس اشجار یا تاسیساتیکه جدیدا از طرف مالک زمین بوسیله مواد مملوکه غیر احداث میگردد ملک صاحب زمین محسوب شده به تادیده قیمت مواد و در صورت موجودیت دلیل موجه به پرداخت تعویض نیز مکلف میشود. مشروط بر اینکه کشیدن مواد بدون الحاق ضرر بزرگ به تاسیسات مذکور ممکن نباشد.

ماده ۲۲۰۴ -

هر گاه شخص توسط مواد شخصی خود، بنا یا تاسیسات دیگری را باوجود علم به ملکیت غیر در زمین شخص دیگری بدون رضایت او احداث نماید مالک زمین می تواند

ماده ۲۲۰۱ -

دهفو خمکو ملکیت چه دسیندونو در یان دتفییر په اثر پیدا کیزی او کومی جزیری چه دهفو په یان کنبی پیدا کیزی، دخاصل قانون په وسیلی تنظیمیزی.

ماده ۲۲۰۲ -

تونی بنا گانی، دونو کرهنه او نور تاسیسات چه دخمکی دمالک دکار کولو خخه پیدا کیزی، دهفو ملکیت گنل کیزی.

ماده ۲۲۰۳ -

هره بناء یا دونو کرهنه یا نور تاسیسات چه دنورو خلکو په مواد سره دخمکی دمالک له خوا نسو جو پریزی، دخمکی دخاوند ملکیت گنل کیزی، دمواد دقدیمت په ورکولو او دقانع کونکی دلیل دیدا کیدو په صورت کنبی دتفویض په ورکولو هم مکلف کیزی. خو په دی شرط چه دمواد ویستل بیله دی چه تاسیساتو ته لوی ضرر و رسپری ممکن نه وی.

ماده ۲۲۰۴ -

که خوک دخبلو موادو په وسیلی دبل جا په ملکیت کنبی بی له دی چه هنچه بری راضی وی، بنا یا تاسیسات جو پر کی، دخمکی خاوند کولی شی چه دجوهه وونکی په

## رسمنی جزویت

ازاله آنرا بمصارف احداث کننده مطالبه نموده در صورت موجودیت دلیل موجه تعویض را نیز مطابه نماید . در صورتیکه از الله آن بدون عائد شدن ضرر بز مین ممکن‌تر نباشد مالک ز مین می تواند اشیاء قابل از الله را در مقابل تادیه قیمت آن تصاحب نماید .

ماده ۲۲۰۵ -

هرگاه شخص احداث کننده بنا یاتاسیسات مندرج ماده ( ۲۲۰۴ ) این قانون باحسن نیت معتقد باشد که در احداث انشآت مذکور ذیعین می باشد مالک ز مین از الله آن را مطالبه کرده نتوانسته بلکه میتواند یاقیمت مواد را باجرت کارگران یا آنچه که بسبب احداث در ثمن زمین افزایش بعمل آمده هریک را که خواسته باشد پیر دارد مشروط براینکه مالک تاسیسات ، از الله آنرا مطالبه نه نماید .

ماده ۲۲۰۶ -

هرگاه بنا یا تاسیسات مندرج ماده ( ۲۲۰۵ ) این قانون بحدی بزرگ باشد که پر داخت استحقاق آن در توان مالک زمین نباشد، مالک

صرف دهگی دلری کیدو غوبنتنه وکی . په هفت صورت کبندی چه دهگی لری کیدل بی له دی چه خمکی ته ضرر و رسپیری ممکن نه وی، دخمکی خاوند کولی شی چه دلری کولو ور شیان دقیمت دور کولو په بدل کبندی پخچل ملکیت کبندی راوی .

ماده ۲۲۰۵ -

که ددی قانون ( ۲۲۰۴ ) مادی دبنا یا تاسیساتو درج شود جویه وونکی شخص په بنه نیست سره عقیده ولری چه ذکر شود بنا گاتو او تا سیساتو په جویه ولو کبندی حق خاوند دی ، نو دخمکی خاوند دهگی دلری کولو غوبنتنه نه شی کولی ، بلکه داسی کولی شی چه دموادو قیمت دکارگراندا جوری سره ، یا دهه قیمت چه دجویه ولو په سبب دخمکی په ثمن کبندی زیات والی راغلی دی، ورکی . خوبه دی شرط چه دبنا یا تاسیساتومالک دهگی دلری کولو غوبنتنه ونه کی .

ماده ۲۲۰۶ -

که ددی قانون د ( ۲۲۰۵ ) مادی درج شوی بنا یا تاسیسات دومره لوی وی، چه دهگی داستحقاق ورکول دخمکی خاوند په توان کبندی نهادی، نو دخمکی خاوند کولی شی چه

# رسਮی جریمه

زمین می تواند تملیک ز مین را در مقابل تعویض عادلانه برای احداث کننده تاسیسات تقاضاء نماید.

ماده ۲۲۰۷ -

هرگاه تاسیسات بوسیله مواد احداث کننده به اجازه مالک ز می‌بن صورت گرفته باشد گرچه در مشخصات این تاسیسات موافقه به عمل نیامده باشد مالک زمین نمیتواند از الله آنرا مطالبه کند بلکه مکلف است قیمت آنرا بحال بقای آن پیر دا ز د مگر اینکه احداث کننده از الله آنرا مطالبه نماید.

ماده ۲۲۰۸ -

هرگاه شخص ز مین شخص دیگری را بدون اجازه مالک آن بنز نماید و بنز مذکور سبز شود زرع به مالک ز مین تعلق میگیرد.

فرع دوم- النصاق، اتصال بر منقول

ماده ۲۲۰۹ -

هرگاه دو جنس منقول ملکیت دو شخص مختلف باحسن نیت و بدون موافقة قبلی مالکین آن طوری با هم یکجا شود که بدون تلف شدن از هم مجرزا شده نتواند مالک منقول اکثر

جوهه وونکی ته دخمکی دتملیک کولو دعادلانه تعویض په بدل کنی غوبنتنه وکی .

ماده ۲۲۰۷

که تاسیسات دجوهه وونکی په مواد او دخمکی دمالک په اجازی صورت موندلی وي، که خه هم ددي تاسیساتو په مشخصاتو کنی موافقه نه وي شوی نو دخمکی خاوندنه بشی کولی چه دهفي دلري کولو غوبنتنه وکی بلکه مکلف دي چه دپاتی کيدو په حالت کنی دهفي قیمت ورکي ، مگر داچه جوهره وونکی دهفي دلري کيدو غوبنتنه وکی .

ماده ۲۲۰۸ -

که خوک دبل چا خمکه بي دهفي دمالک داجازی خخه وکری او په خمکی کنی کرل شوی تخم راشین شی، نوکرهنه دخمکی دمالک پوري تعلق نیسي .

دوهمه فرعه - دمنقولو پوری نخلیدل

ماده ۲۲۰۹ -

که دوه منقول جنسونه چه ددوه مختلفو اشخاصو ملکیت دي، په بشه نیت او بي له دي چه مالکینو ورباندي ترمهخه موافقه کری وي، په داسی توگه سره يو تربله يو خای شی چه دتلفیدو په غیر يو تربله نه شی جلاکیدی، نو دمنقول دزیات مصال

# رسمی جریده

در برابر قیمت منقول دیگر مالک مال  
یو خای شوی دقیقت په بدل کنیتی  
یکجا شده محسوب میگردد .

مبحث چارم - عقد  
ماده ۲۲۱۰ -

ملکیت وساایر حقوق عینی در عقار و  
منقول بوسیله عقد انتقال می یابد  
شرط بر اینکه عقد بصورت  
صحیح ، قاطع ، نافذ و لازم منعقد  
گردد .

ماده ۲۲۱۱ -

منقولیکه بدون توضیح نوع تعیین  
شده نتواند بغیر از افزای آن مطابق  
احكام قانون ملکیت آن انتقال  
نمی یابد .

ماده ۲۲۱۲ -

ملکیت عقار وساایر حقوق عینی  
که در آن شرایط مقرر قانون مبینی  
بر ثبت استناد رعایت نشود انتقال  
نمی نماید .

مبحث پنجم - شفعت  
فرع اول - احکام عمومی  
ماده ۲۲۱۳ -

شفع عبارت از حق تملک تمام  
یا بعضی از عقار فروخته شده است  
بر مشتری بمقابل ثمن و مصا رفیکه  
صورت گرفته و لو بصورت اجبار  
باشد .

مالک دلیل منقول چه دمال سره یی  
یو خای شوی دقیقت په بدل کنیتی  
مالک گنبل کبری .

خلورم مبحث - عقد  
ماده ۲۲۱۰ -

عقد په وسیلی ، په عقار او منقول  
کنیتی اونور عینی حقوق  
انتقال پیدا کوی ، خو په دی شرط  
چه عقد په صحیح ، نافذ او قاطع  
صورت منعقد شوی وی .

ماده ۲۲۱۱ -

کوم منقول چه بی دنو عی د توضیح  
کولو خخه نه شی تاکل کیدای نو  
دقانون حکمونو سره سم بی  
دجلوالی خخه دھنی ملکیت نه شی  
نقیلیدلی .

ماده ۲۲۱۲ -

دفعار اونورو عینی حقوق ملکیت  
جه په کنیتی دستندونو دلیت دقانون  
تاکل شوی - شرطونه مرااعت شوی  
نه وی ، نه نقیلیری .

پنجم مبحث - شفعت

لمیری فرعه - عمومی حکمونه

ماده ۲۲۱۳ -

شفع په اخستونکی باندی دبول  
یاخینی خرچ شوی عقار دتملک دحق  
خخه دلمن او هغه مصروفونه بدل  
کنیتی چه صورت ئی موندلی عبارت  
دە ، کە خەم په جبری صورت وی .

# رسمی جریلہ

ماده ۲۲۱۴ -

سبب شفع اتصال ملک شفیع است با عقار فروخته شده ۱۰ سال از اینکه اتصال از رهگذر شرکت باشد یا جوار .

ماده ۲۲۱۵ -

شرکت در شفع دو نوع است یکی شرکت در نفس عقار فروخته شده و دیگری شرکت در حقوق آن .

ماده ۲۲۱۶ -

شرکت در نفس عقار فروخته شده آن است که شفیع دران حصه مشترک داشته باشد .

ماده ۲۲۱۷ -

شریک در زمین دیوار احاطه شریک ، شریک در نفس عقار شمرده عمارت ، شریک در نفس عقار شمرده میشود .

ماده ۲۲۱۸ -

شرکت در حقوق عقار فروخته شده عبارت از شرکت دحققه خاص و راه خاص میباشد خواه تخصیص مذکور منحصر بیکی باشد بامتداد .

ماده ۲۲۱۴ -

دشفعی سبب دادی چه : دشفعی و پونکی ملکیت دخوش کره شوی عقار سره متصل وی . عام له دی چه یوخای والی دشراکت له لاری وی اویا دگاونه یوتوب .

ماده ۲۲۱۵ -

په شفعی کبندی شرآکت دوه نوعی دی : یو پخپله په خوش کره شوی عقار کبندی شرکت اوبل دھنی په حقوقو کبندی شرکت .

ماده ۲۲۱۶ -

پخپله په خوش کره شوی عقار کبندی شرکت دی ته واپسی چه شفع و پونکی په هنی کبندی شریکه حصه ولری .

ماده ۲۲۱۷ -

دعمارت داحاطی ددیوال په خمکی کبندی شریک ، پخپله عقار کبندی شریک گنهل کیری .

ماده ۲۲۱۸ -

دخوش کره شوی عقار په حقوقو کبندی شرکت عبارت دی دخا صنی حقابی او خاص لاری دشراکت خخه عام له دی چه ذکر شوی تخصیص دیوه پوری منحصر وی اوکه دمتعددو پوری .

# رسکمی جریمه

۲۲۱۹ - ماده

همجوار متصل عقار فرو خته شده  
شفعی شناخته میشود .

۲۲۲۰ - ماده

هرگاه منزل تختانی ملک یکی و  
منزل فوقانی ملک دیگری باشد یکی  
همسایه متصل دیگری شناخته  
میشود .

۲۲۲۱ - ماده

(۱) در صورت اجتماع ۱ سبای ب  
شفع به سبب قویتر ترجیح دارد  
میشود به این اساس به شریک در  
نفس عقار بعد ازان به شریک دز  
زمین احاطه مترک بعد ازان به شریک  
در حقوق خاص عقار فروخته شده  
بعد ازان به همجوار متصل حق تقدیم  
داده میشود .

(۲) اگر یکی از اشخاص مندرج  
فقره فوق این ماده شفع را ترک نماید  
ویا حق او ساقط گردد حق شفع به  
دیگری که در مرتبه بالاتر اصله بعد تر  
از ازان قرار دارد انتقال می نماید .

۲۲۲۲ - ماده

استحقاق شفع برای شرکاء به  
اساس تعداد شرکاء اعتبار داده  
میشود ته به اساس مقدار حصص  
آنها در ملکیت . باین صورت ۱ گر  
یک شریک حصه خود را بیکی از شرکاء  
دیگر بفروش برساند، شخص مذکور

دخلخ کره شوی عقار متصل  
گاونهی دشفعی و پرونکی گنل کیزی .

۲۲۲۰ - ماده

که لاندنی منزل دیوه ملکیت او  
پاسنی منزل دبل چا ملکیت وی،  
نویو دبل متصل گاونهی گنل کیزی .

۲۲۲۱ - ماده

(۱) که دشفعی سببونه یو خای  
شو، نو قوی سبب ته ترجیح و رکول  
کیزی، په دی اساس خوک چه بغله  
عقار کبی شریک وی، ترهفے  
وروسته هفه شریک ته چه تر خمکه  
شریکه احاطه ولری ترهفے و روسته  
چه دخلخ کره شوی عقار په خاصی  
حقوق کبی شریک وی او تر هفی  
وروسته متصل گاونهی ته دلمه وی  
والی حق و رکول کیزی .

(۲) که ددی مادی دبورتی فقری  
کوم یو درج شوی شخص شفع  
بریزدی او یائی حق ساقط شی نو  
دهله دشفعی حق بل چاته چه ترهفے  
وروسته مرتبی کبی بی له فاصلی  
خخه واقع دی نقلیزی .

۲۲۲۲ - ماده

شریکانو ته دشفعی استحقاق  
دشیریکانو دتعداد په اساس اعتبار  
ورکول کیزی نه په ملکیت کبی  
دهله دحصو په اندازی . په دی  
صورت کبی که کوم شریک خپله

# رسکی حربه

یکی از جمله شرکاء شناخته شده  
و خصه فروخته شده در بین آنها  
 تقسیم میشود .

**فروع دوم - ثبوت شفع  
ماده ۲۲۲۳ -**

شفع بعد از بیع و در حال  
موجودیت اسباب موجبه آن، ثابت  
میشود .

**ماده ۲۲۲۴ -**

بیعیکه در آن شفع ثابت میشود،  
باید واجد شرایط آن باشد :

۱- باید عقار مملوک باشد، گرچه  
غیر قابل قسمت باشد .

۲- بیع صحیح و نافذ بوده یادر  
صورتیکه بیع فاسد باشد حق فسخ  
در آن ساقط گردیده و از اختیار  
شخص به نفع بایع عاری باشد .

**ماده ۲۲۲۵ -**

در عقاریکه توسط آن شفع ثابت  
میگردد ، شرط است که در وقت  
خریدن عقاریکه به شفع برده میشود،  
ملکیت شفیع باشد . و شرط است  
که از شفیع رضائیت به بیع صراحتاً  
یادلالتاً صادر نشده باشد .

حصه په بل شریک خرخه کی، نوذکر  
شوي شخص دشريکانو دجملی خجھ  
يو نفردي او خرخه کپه شوي حصه  
دهغوی ترمنخ ويشهه کپری .

**دوهمه فرعه - دشفعی ثبوت  
ماده ۲۲۲۳ -**

شفع دخربولوروسته او دموجبه  
سبیونو دموجویت په حالت کبني،  
ثابتیزی .

**ماده ۲۲۲۴ -**

په گومی بیعی کبني چه شفع  
ثابتیزی باید چه راتلونکی شرطونه  
ولری :

۱- باید چه عقار دیو چا ملکیت  
وی، که خه هم دویشلو ورنه وی .

۲- باید چه بیعه صحیح اونافندوی  
یا داچه بیعه فاسد وی خو دفسخ  
حق په کبني ساقط شوی او او  
دخرخه وونکی په گتهه دشرط دخیار  
شخه خالی وی .

۳- باید چه دمیبعی بدل مال وی .

**ماده ۲۲۲۵ -**

دکوم عقار په وسیلی چه شفع  
ثابتیزی په هغی کبني شرط دی چه  
دهقه عقار داخستلو په وخت کبني  
چه په شفعی و پل کپری، دشفعی  
و پونکی ملکیت وی او همدارنگه  
شرط ده چه دشفعی و پونکی له خوا  
په بیعی باندی صراحتاً یا دلاتاً  
رضائیت نه وی صادر شوی .

# رسیح جلیل

- ۲۲۲۶ - ماده

په لاندنيو مواردو کبى شفع

نه شته :

۱ - په بى عوضه هبى، صدقى، ميراث ورلو يا وصيت کبى اويا په هغى عقار کبى چه بدل ئى مال نه وي.

۲ - په هغى منقولاتو کبى چو په خمكى کبى نصب شوي وي، او په هغى ونوكبى چه په كومى خمكى کبى ولاپى دى بى دخنكى خر خى شى، كه منقولات اوونى دخنكى په تبعيت خرخ كپى شى نو شفع په کبى ثابتىپى .

۳ - په هغى بناء اوونو کبى چه ددولت په ملكيت کبى ولاپوى .

۴ - په وقف کبى او دوقىدىاره .

۵ - دشرييكانو ترمنځ دعقار په ويش کبى .

۶ - په هغى بيعى کبى چه خرڅه وونکى په کبى دشرط خيار ولرى، مگر داچه خرڅوونکى خيار ساقط كپى وي او بيعه لازمه شى.

۷ - په هغى مبييعى کبى چه په علنی مزايىدى ئى صورت موندلوي يائى دقانون مجوزاتوسره سم ددولت له خوا دهه خرڅولو صورت موندلوي وي .

۸ - په هغى مبييعى کبى چه داصولو او فروعو ترمنځ يادزو جينو ترمنځ يا دخلورمى درجي بسوري

- ۲۲۲۶ - ماده

در موارد آتى شفع نىست :

۱ - در هبە بلا عوض يا درصدقا يارىت ياوسيت ياعقارىكە بدل ئە آن مال نباشد .

۲ - در منقولات منصوب در زمين واسچار ، بدون ز مينيكە در آن استاده فروخته شود . واگر منقولات منصوبه واسچار ، بدون ز مينيكە در آن استاده فروخته شود . واگر منقولات منصوبه واسچار به تبعيت ز مين فروخته شود در آن شفع ثابت ميشود .

۳ - در بناء واسچاريکە در زمين ملكيت دولت استوار باشد .

۴ - در وقف وبراي و قف .

۵ - در تقسييم عقار بين شركاء .

۶ - در بيعيکە در آن بايع خيار شرط داشته باشد . مگر اينکە بايع خيار را ساقط نموده وبـيـع لازم گردد .

۷ - در مبييعه ايکە به مزايدە علنې يا مطابق اجرات مجوزه قانونى ، از طرف دولت فروش آن صورت ميگيرد .

۸ - در مبييعه ايکە بين اصول و فروع يابين زوجين يابين اقارب تا

# رسامی جزئیات

درجه چارم یا بین خوشایندان تا  
درجه دوم ، فروخته میشود .

۹- در مبیعه ایکه بمنظور ر  
استتمالک اعمار مسجد یا الحاق به  
آن ، فروخته میشود .

۱۰- سایر مواردیکه که قانون  
خاص پیشیبینی نموده باشد .

فرع سوم - طلب شفع  
ماده ۲۲۲۷

مطالبه شفع به سه طریقه صورت  
میگیرد :

- ۱- طلب موائبت ( مبادرت )
- ۲- طلب اشهاد ( تقدير )
- ۳- طلب تملک ( دعوی )

ماده ۲۲۲۸ -

طلب موائبت ، آن است که شفیع  
در مجلسیکه بیع و مشتری و ثمن  
علم حاصل می نماید ، فوراً بدون  
صدور آنچه به انصراف او دلالت  
کند بطلب شفع مبادرت ورزد . و به  
منظور خوف انکار مشتری برای طاب  
خود ، شهود بگیرد .

ماده ۲۲۲۹ -

(۱) طلب اشهاد ، آن است که  
شفیع برایع در صورتیکه عقار در

دخلوانو ترمنځ او یا ددوهمی درجی  
پوری دخیخانو ترمنځ خرڅول کېږي .  
۹- په هغی مبیعی کښی چه  
داستمالک ، دجامات جوړ ولو یاده  
سره دیوځای کیدو دپاره خرڅول  
کېږي .

۱۰- په نورو ټولو هفو موارد  
کښی چه خاص قانون یې پیشیبینی  
کړی ده .

دریمه فرعه - دشفعی غوبښته  
ماده ۲۲۲۷

دشفعی غوبښته په دریو طریقو  
صورت مومی :

- ۱- دټوپ وهلو غوبښته .
- ۲- دشاهدانو نیولو غوبښته .
- ۳- دتملک غوبښته .

ماده ۲۲۲۸ -

دټوپ وهلو غوبښته داده چه  
شفع وړونکی په هغی مجلس کښی  
چه په خرڅولو ، اخستونکی او ثمن  
باندی علم پیداکوي سمدستي بي دهه  
شی دصادریدلو چه په انصراف ئى  
دلالت وکی دشفعی غوبښلو ته اقدام  
وکی او دا خستونکی دمنکریدلو  
دويری په منظور دخپلی غوبښنى  
دپاره شاهدان و نيسى .

ماده ۲۲۲۹ -

(۱) دشاهدانو د شهادت داداء  
کولو غوبښته داده چه شفع وړونکی

## رسمی جریده

دست او باشد ، یا بر مشتری گرچه عقار در دست او نباشد ، یا هنکام بیع مبني بر طلب اخذ شففع ، شهود بگیرد . گرچه این مطالبه کتبی یاتوسط فرستنده صورت رت نگرفته باشد . و در صورتیکه به گرفتن شهود قادر شود و شهود نگیرد ، شفع باطل میشود .

(۲) هر گاه شفيع در طلب مواثبت بحضور یکی از بایع یا مشتری شاهد بگیرد ، این امر معنی هر نوع طلب را افاده میکند .

ماده ۲۲۳۰

(۱) طلب تملک عبارت از طاب مخاصمت است در پيشگاه محکمه .

(۲) هر گاه شفع به اساس طلب مبادرت و طلب اشهاد به گرفتن مبيعه قادر نگردد ، مكلف است در خلال يكمah از تاریخ علم او برای هریک از بایع و مشتری مبني بر رغبت خود به خریداری مبيعه به طریق شفع ، اخطار رسمی صادر نماید والا حق شفع او ساقط میشود .

په خرخوونکی باندی که عقار دهه په لاس کبني وی یا په اخستونکی باندی ، که خه هم عقار دهه په لاس کبني نه وی ، یا دبیعی په وخت کبني دشفعی داخستلو په غوبنتنه شاهدان و نیسی ، که خه هم دا غوبنتنه په لیکلی توگه یا داستازی په وسیلی نه وی شوی . که شفع وپونکی دشاهدانو په نیولو قادر شی او شاهدان ونه نیسی ، شفع باطلیوی . (۲) که شفع وپونکی دتوب و هلو په غوبنتنه کبني دخرخوونکی یا اخستونکی په حضور ، شاهد و نیسی ، نوداکار ددواهه نوع غوبنتنو معنی افاده کوی .

۲۲۳۰ - ماده

(۱) دتملک غوبنتنه دمحکمی په وپاندی دجگری کولو دغوبنتنه خخه عبارت دی .

(۲) که شفع وپونکی دتوب و هلو او دشاهدانو د شهادت داداع کولو دغوبنتنه په اساس دبیعی په اخستلو قادر نه شی ، نو مكلف دی چه دمبيعی دخرخولو دعلم دنيته خخه ديوی مياشتنه په او زدو کبني ، خرخه وونکی او اخستونکی تهر رسمي خبر تیا صادره کی چه دشفعی دلاري غواصی چه مبيعه واخلم . او که بی دا کارونه که نو دشفعی حق نسی ساقطیزی .

# رسمی جریل

## ماده ۲۲۳۱ -

اخطار رسمی مندرج ماده (۲۲۳۰) باید شامل مطالب ذیل باشد :

(۱) بیان کافی عقاریکه اخذ آن به شفع مد نظر است .

(۲) بیان ثمن و عطوف رسمی و شروط بیع و اسم هریک از بایع و مشتری بالقب و پیشه و سکونت آنها .

## ماده ۲۲۳۲ -

(۱) اعلان رغبت شخصی در گرفتن به شفع ، تاوقتیکه این اعلان به ثبت نرسیده باشد ، بر غیر حجت شده نمیتواند .

(۲) اگر مشتری قبولی شفعت را رد نمود ، شفیع مکلف است قبل از رفع دعوا به محکمه ، در ظرف سی روز بعد از اعلان ثمنی را که به آن بیع صورت گرفته ، در خزانه یا بانک طور امامت بگذارد که در حوزه آن عقار مورد نظر قرار دارد ، والحق شفیع در اخذ شفع ساقط میشود .

## ماده ۲۲۳۳ -

(۱) دعوا شفیع علیه بایع و مشتری در ظرف سی روز بعد از

## ماده ۲۲۳۱ -

دادی قانون د(۲۲۳۰) مادی درج شوی رسمی خبرتیا باید چه

در اتلونکو غوبشنو ته شامله وي :

(۱) دهقی عقار کافی بیان چه په شفعی باندی دهقی اخستل دنظر لاندی دی .

(۲) دلمن او رسمی مصروف نو ، دبیعی شرطونه ، دخرخونکی او اخستونکی نومونه ، لقبونه ، کسبونه او داستو گنجیو بیان .

## ماده ۲۲۳۲ -

(۱) په شفعی اخستلو کبنسی دشیخص درغبت اعلام تر هقی بوری په بل چا حجت کیدلی نه شی ترشو چه دا اعلام ثبت شوی نه وي .

(۲) که اخستونکی دشفعی قبلوی ردکرل نو شفع ورونکی مکلف دی ، محکمی ته ددعوی دواهندی کولو ترمه ، داعلام خخه و روسته ددیرش ورشو په اوپدو کبنسی هقه ثمن چه بری بیعی صورت موندلی په داسی خزانی یا بانک کبنسی په و دیست کبنسین دی چه دنظر لاندی عقاردهقی په حوزی کبنسی موجودی او که دا کارونه کی نو دشفعی په اخستلو کبنسی دشفع ورونکی حق ساقطیزی .

## ماده ۲۲۳۳ -

(۱) په خرخونکی او اخستونکی باندی دشفعی ورونکی دعوا د دی

# رسانی جریدة

اعلان متذکره ماده (۲۲۳۲) این قانون به محکمه تقدیم میشود که عتار مورد نظر در حوزه صلاحت آن قرار دارد . در غیر آن حق شفیع ساقط میگردد .

(۲) دعوى شفع بصورت عاجل تحت رسیدگی قرار داده میشود .

ماده ۲۲۳۴ -

هرگاه مبیعه دردست بایع باشد، تازمانیکه مشتری حاضر نشود شهادت بر او شنیده نمیشود. در صورتیکه شفع با تمام شرایط و اسباب آن ثابت شود ، قاضی خرید مشتری را فسخ و عقار مشفیع را برای شفیع حکم میکند .

ماده ۲۲۳۵ -

حکیمه بصورت نهائی بسرای ثبوت شفع صادر میشود ، سند ملکیت شفیع شناخته شده ، این امر قواعد مربوط به ثبت اسناد را اخلال نمیکند .

فرع چارم - احکام شفع

ماده ۲۲۳۶ -

شفیع در تمامی حقوق و جانب در برابر بایع ، قایم مقام مشتری قرار میگیرد .

قانون (۲۲۳۲) مادی درج شوی اعلام شخه و روسته دیرش ورخو په او بدو کبیسی هفی محکمی ته و رباندی کیزی چه دنظر لاندی عقار دهی دواک په حوزی کبیسی موجودوی . که داکارونه کي نو دشفعی و پونکی حق ساقطیپری .

(۲) دشفعی دعوى په عاجل صورت سره دغور لاندی نیوله کیزی .

ماده ۲۲۳۴

که مبیعه دخرخونکی په لاس کي وی نو ترخو چه اخستونکی حاضر نه شی، شهادت و رباندی نه اوریدل کیزی ، په هفی صورت کبیسی چه شفع په ټولو شرطونو او سببونو ثابتنه شی، نو قاضی به داخستونکی اخستل فسخ کوي او په پول شوی عقار حکم به په شفعی و پونکی ته کوي.

ماده ۲۲۳۵

کوم حکم چه په آخرني صورت دشفعی دثبوت دپاره صادر یېزی دشفعی و پونکی دملکیت سند ګنډل کیزی ، دا کار دسنندو دثبت پوري مربوطی قاعدي نه اخلاقه وي .

څلورمه فرعه - دشفعی حکمونه

ماده ۲۲۳۶

شفع و پونکی دخرخونکی په مقابل کبیسی په ټولو حقوقو او التزامونو کبیسی داخستونکی قایم مقام گرځی .

# رسیح جریان

۲۲۳۷ - ماده

تملک عقار اعم از اینکه قضا ئی باشد یارضائی در حق شفیع خرید جدید شمرده میشود . از خیار رویت و خیار عیب مستفید شده میتواند ، گرچه مشتری یا بایع خود برائت از این دو خیار را شرط کرده باشد .

۲۲۳۸ - ماده

هر گاه برای شفیع به مبیعه حکم شود و ثمن آن بالای مشتری موجل باشد ، شفیع مکلف است آنرا معجل ببردازد . در صورتیکه ثمن بایع تادیه شود از ذمہ مشتری ساقط میشود و در صورتیکه برای مشتری تادیه گردد ، بایع نمیتواند آنرا قبل از رسیدن موعد موا فقه شده از مشتری مطالبه نماید .

۲۲۳۹ - ماده

هر گاه عقار بعد از اخذ آن به شفع از طرف غیر به استحقاق برده شود ، شفیع تنها به بایع مراجعه گردد میتواند .

۲۲۴۰ - ماده

شفیع میتواند تمام تصرفات مشتری را به شمول وقوف نمودن عقار مشفوع یاقرار دادن آن بعیث مسجد

عام له دی چه دعقار تملک قضائی وی یا رضائی دشفعی و پرونکی په حق کبنی نوی اخستل گهل کیری ، نو دلیدلو او دعیب دخیارونو خخه گته اخستلی شی ، که خه هم اخستونکی دخپل خرخونکی سره ددی دواهو خیارونو خخه برائت شرط کپی وی .

۲۲۴۱ - ماده

که دشفعی و پرونکی دپاره په مبیعه حکم وشی او ثمن یی په اخستونکی مؤجل وی ، په شفیع و پرونکی مکلف دی چه هفه معجل اداء کی . په هفی صورت کبنی چه ثمن خرخونکی ته ورکول شی نو داخستونکی ذمہ خخه ساقطیبری او که اخستونکی ته ورکول شی نو خرخه وونکی نه شی کولی چه دموافقه شوی مدي درسیدو ترمه خه ئی داخستونکی خخه غوشتنه وکی .

۲۲۴۲ - ماده

که عقار په شفیع اخستلو خخه وروسته په استحقاق ویور شی نو شفع و پرونکی یواخی په خرخونکی رجوع کولی شی .

۲۲۴۳ - ماده

په شفیع و پرونکی کولی شی داخستونکی ټول تصرفونه په شمول ددی چه په شفیع و پل شوی عقار دهفه له خوا وقف شوی وی یا

## رسیج جوین ساک

نقض نماید . مگر اینکه عقد بیع  
در اول بهمین منظور صورت گرفته  
باشد .

ماده ۲۲۴۱ -

هر گاه مشتری بعد از ابلاغ رسماً  
شفیع در زمین یاخانه مشفیع و  
آبادی نماید ، یانهال غرس کند ،  
شفیع میتواند مشفووعه را ترک نموده  
یا آنرا در مقابل ثمن مسمی و پرداخت  
قیمت مواد بناء یا اشجار بگیرد و یا  
مشتری را به قلع بنا و اشجار مکلف  
نماید .

ماده ۲۲۴۲ -

هر گاه مشتری قبل از ابلاغ رسماً  
شفیع در عقار مشفووعه ز یادتی بعمل  
آرد ، شفیع در ترك عقار یا اخذ  
آن در مقابل ثمن و پرداخت قیمت  
زايد ، مخیر است .

ماده ۲۲۴۳ -

هر گاه مشتری یا شخص دیگری  
بناء عقار مشفووعه را منهدم نموده  
یا اشجار غرس شده آنرا قلع نماید ،  
شفیع عقار مذکور را به ثمن معادل  
حصة باقیمانده اخذ نموده میتواند .

دجمات دپاره تاکل شموی وی ، نقض  
کی ، مکرداچه داول خخه دبیع عقد  
دهمدی منظور دپاره شموی وی .

ماده ۲۲۴۱ -

که اخستونکی دشفعی و پونکی  
درسمی خبر تیا وروسته په شفعی  
لاندی شموی خمکی یاکور کتبی آبادی  
وکی یا نیالکی کتبیردی شفعی و پونکی  
کولی شی چه دشفعی لاندی عقار  
پربردی اویائی دعسمی شموی ثمن او  
دبناع دمواادو یادونو دقیمت داده  
کولو په بدل کتبی واخلي ، اویاداچه  
اخستونکی دبناع په نه و لو او  
دنیالکیو په ویستلو مکلف کی .

ماده ۲۲۴۲ -

که اخستونکی دشفعی و پونکی  
درسمی خبر تیا تر مخه دشفعی لاندی  
شوی عقار کتبی زیات والی راوی ،  
نو شفعی و پونکی اختیار لری چه  
عقار پربردی اویائی دثمن او دزیادت  
دقیمت داده کولو په بدل کتبی واخلي .

ماده ۲۲۴۳ -

که اخستونکی یابل خوک دشفعی  
لاندی شموی عقار نگ اویایی کیښو دل  
شوی ونی ونره وی نو دذگر شموی  
عقار شفع و پونکی کولی شی چه  
دباتی حصی دثمن په معادل هفه  
واخلي .

# رسَمَّيْ جَرْبَلَة

ماده ۲۴۴ -

(۱) هر گاه خانه مشفوعه خود بخود متهدم گردد یا درختان باغ مشفوعه بدون قصور خشک شود، شفیع آنرا در برابر ثمن مسمی اخذ نموده میتواند.

(۲) در صورتیکه مشتری از مواد تخریب شده یا چوب های خشک شده آن استفاده بعمل آورده باشد، به اندازه معادل قیمت آن از ۱ صل ثمن تنقیص میشود.

ماده ۲۴۵ -

هر گاه قسمتی از عقار مشفو عه باز حوادث طبیعی یا امثال آن تلف شود، حصة تلف شده از اصل ثمن کاسته میشود.

ماده ۲۴۶ -

هر گاه شفیع در عقار مشفو عه بعد از اخذ آن به شفع بناء اعمار نماید یا اشجار غرس کند و بعده عقار مذکور به استحقاق برده شود، تنها به طلب ثمن مراجعه کرده میتواند نه به نقصانیکه از لحاظ قلع و قمع بناء و اشجار به او متوجه میشود.

ماده ۲۴۴ -

(۱) که دشفعی لاندی شوی خمکه پچله پنگه شی یا دشفعی لاندی شوی باغ ونی بی له قصوره و چی شی نو شفعی و پونکی کولی شسی چه دسمی شوی ثمن به بدل کتبی یی واخلي .

(۲) به هفی صورت کتبی چه اخستونکی دهفی دخرباب شووموادو یا وچو شوو لرگیو خخه گته اخستی وی نو دهفی دقیمت دمدادل په اندازی داصلی ثمن خخه کمیبری.

ماده ۲۴۵ -

که دشفعی لاندی شوی عقاریوه برخه دطبیعی حوادث او دهفی دامثالو په سبب تلف شی، تلف شوی حصه داصلی ثمن خخه کمیبری.

ماده ۲۴۶ -

که شفعی و پونکی و روسته له دی چه دشفعی لاندی شوی عقار په شفعی واخلي په هفی کتبی بناء جوره کی یاونی و کری ترهفی و روسته ذکر شوی عقار به استحقاق ویور شی، نو یواخی دئن دغوبنتلو مراجعه کولی شی نه دهفه نقصان چه دبنا درنگیدو یا دونی دویستلو له در که ورته متوجه دی .

# رسمی جریلتا

ماده ۲۲۴۷

(۱) شفع تجزیه را نمی پذیرد،  
شفع نمیتواند باخذ قسمتی از عقار  
مشفوعه و ترک بعضی دیگر آن  
مشتری را مجبور سازد.

(۲) در صورتیکه بایع وارد  
و مشتری متعدد باشد، شفیع  
نمیتواند حصة بعضی را اخذ و از  
حصة بعضی دیگری منصرف شود.

فرع پنجم - سقوط شفع

ماده ۲۲۴۸

شفع به ترک طلب موائب مباردت  
و یا اخلاق شرطی از شروط صحت  
آن ساقط میگردد، همچنان به ترک  
طلب اشهاد و انتصای میعاد اخطار  
یادعوی ساقط میشود.

ماده ۲۲۴۹

هرگاه شفیعی که از جهت سبب  
بردیگران مقدم باشد، حق خودرا  
در شفیع ساقط نموده و قبل از صدور  
حکم آنرا ترک نماید، حق او ساقط  
شده سایر شفعا که بعدازوی قرار  
دارند، میتوانند در حالیکه با تمام  
شرایط طلب شفع نموده باشند،

ماده ۲۲۴۷

(۱) شفع تجزیه نه قبله وی،  
شفع پرونکی نه شی کولی چه  
اخستونکی دشفعی لاندی شوی عقار  
دیوی برخی په اخستلو او دخینی  
نوری په پرینبندلو مجبور کی.

(۲) په هفی صورت کنی چه  
خرشوونکی یو او اخستونکی متعدد  
وی، شفیعی و پونکی کو لی چه  
دخینو حصه واخلي او دخینود حصی  
خچه صرف نظر و کی.

پنجمه فرعه - دشفعی ساقطیل

ماده ۲۲۴۸

شفع دقوپ وهلو دغوبنتنی په  
پرینبندلو یا دهفی دصححت دشرطون  
خچه دیوه شرط په اخلاق ساقطیبری.  
همدارنگه دشاهدانو دشا هدی داداء  
کولو دغوبنتنی په پرینبندلو یا  
دخبرتیا یا ددعوی دمدی په تیریدلو  
ساقطیبری.

ماده ۲۲۴۹

کوم شفیع چه دسبب له بلوه بر  
نورو و پاندی وی په شفیعی کنی  
خبل حق ساقط کی او دحکم  
دصادریدلو ترمخه هفه پریزدی، نو  
دهفه حق ساقطیبری، نور شفیعان چه  
دهفه ورپسی درجی کنی قرارلری  
که یی دقوپو ششرطونو سره دشفعی  
غوبنتنے کپری وی، عقار اخستلی شی

# رسمی جریمه

عقار را اخذ نمایند به در صورتیکه شفیع بعد از صدور حکم حق خویش را ساقط سازد، حق ساقط نگردیده و سایر شفاعاً کسب حق کرده نمیتوانند.

ماده ۲۲۵۰ -

شفع بمرگ مشتری سا قط نمی گردد.

ماده ۲۲۵۱ -

شفع بمرگ شفیع قبل از نملک عقار مشفووع از طریق قضاء یارضا ساقط نمیشود، اعم از اینکه شفیع قبل از طلب یابعد از آن فوت شده باشد. حق شفیع درین صورت به ورثه او انتقال می یابد.

ماده ۲۲۵۲ -

هرگاه شفیع قوی، عقار مشفووعه را از مشتری خریداری نماید، حق شفع او و کسانیکه در درجه شفع ازاو بعد تر اند یا مثل او اند، ساقط می گردد.

ماده ۲۲۵۳ -

هرگاه شفیع عقار مشفووعه را به اجاره بگیرد یاد را مزایده نموده یا اجاره آن شرکت و رزد یا فروش آنرا از مشتری به مثل ثمن اول

په هغى صورت کښي چه په شفعي و پونکى خپل حق دحکم دصا دريدو وروسته ساقط کي، نو حق نه ساقطپيرى او نور شفيعان حق نهشى بيدا گولى.

ماده ۲۲۵۰ -

شفع داخستونکى په مړينې نه ساقطپيرى .

ماده ۲۲۵۱ -

شفع دشفعي و پونکى په مړينې په شفعي لاندی شوی عقار دتملك ترمحه عام له دی چه دقضاء یا رضاء دلاري وي، نه ساقطپيرى. عام له دی چه شفع و پونکى دغوبنتنى ترمحه یانز هغى وروسته مړ شوی وي. په دی صورت کښي دشفعي و پونکى حق دهقه وارثانو ته انتقالپيرى .

ماده ۲۲۵۲ -

که قوي شفع و پونکى دشفعى لاندی عقار داخستونکى خخه واخلى نو دهقه دشفعى حق او دهقه چاچو چه دشفعى په درجي کښي دهقه خخه وروسته دی یا دهقه سره مساوی دی ساقطپيرى .

ماده ۲۲۵۳ -

که شفع و پونکى دشفعى لاندی عقار په اجارى واخلى یا دهقسى دمزايدى په خرڅولو یا اجارى کښي ګيون وکي یا داخستونکى خخه

## رسمی جریده

مطالبه نماید ، شفع او سما قط  
غوبنننه وکی ، نوشفعی ساقطیری.

ماده ۲۲۵۴ -

(۱) هرگاه شفیع بمقدار ثمن بیش از حد واقعی مطلع ساخته شود و او از شفع صرف نظر نماید ، و بعداً به او ثابت شود که مقدار ثمن کمتر از آن است که قبلاً باو اطلاع داده شده ، حق شفع او ساقط نمیشود .

(۲) اگر شفیع با اسم مشتری معرفت حاصل نماید واز شفع صرف نظر نکند و بعداً ثابت شود که مشتری غیر از آن شخصیست که قبلاً به او معرفی شده بود ، یا از فروش قسمتی از عقار مشفووعه به او ابلاغ گردد و او شفع را واگذار شود و بعداً ظاهر شود که تمام عقار مشفووعه فروخته شده است ، حق شفع سما قط نمی گردد .

(۳) در تمامی احوال مندرج فقرات فوق این ماده ، مواعید اخطار و رفع دعوى مندرج این فصل دعايت میشود .

ماده ۲۲۵۵ -

در تمامی احوال حق شفع به انقضای مدت چهار ماه از تاریخ ثبت عقدبیع ، ساقط میشود .

دلمنی ثمن په مثل دهگی دخرخولو غوبنننه وکی ، نوشفعی ساقطیری.

ماده ۲۲۵۴

(۱) که شفع وپونکی دلمن په هفی اندازی چه دواعی اندازی شخه زیات دی ، خبر کری شی او هفه دشفعی شخه تیر شی بیا و روسته ورته ثابته شی چه حقیقی ثمن ترهی دیر کم دی چه ترمخه ورته پری ورته خبر ورکول شوی دی ، نو دهگه دشفعی حق نه ساقطیری .

(۲) که شفع وپونکی داخستونکی په نوم معرفت پیدا کی او دشفعی شخه تیر شی بیا ثابته شی چه اخستونکی غیر دهگه چابل خوک دی چه ورته معرفی شوی دی . یا داچه دشفعی لاندی عقار دیوی برخی دخرخولو شخه ورته خبر تیا ورکول شی ، بیا معلومه شی چه دشفعی لاندی ټول عقار خرخول شوی دی ، دشفعی حق نه ساقطیری .

(۳) ددی مادی دپور تیبو فقو په ټولو حالونو کښی دخرب تیا اود ددعوی دوپراندی ګولو میعا دونه چه په دی فصل کښی درج شوی مراعت کیږي .

ماده ۲۲۵۵

په ټولو حالونو کښی ، که دبیعی دثبت په نیتی خلور میاشتی تیری شوی ، دشفعی حق ساقطیری .

# رسمی جریبدلا

مبخت ششم - حیازت

فرع اول - کسب ، انتقال

وزوال حیا زت

۲۲۵۶ ماده

حیازت ، حالت واقعی است که از سلطه شخصی بر شی ، یا بر حقی از حقوق بر شی بصفت مالک شی یا صاحب حق بر شی نشأت میکند .

۲۲۵۷ ماده -

کسیکه چیزی را مباح سازد ، میتواند از آن رجوع نماید . این اباحث دلیل عدم حیازت شخص مباح کننده شناخته نمیشود .

۲۲۵۸ ماده -

هرگاه حیازت با اکراه مقرنون گردد یا بصورت خفیه واقع و یا در آن التباس موجود باشد ، اثر آن بر شخصیکه علیه او اکراه صورت گرفته یا حیازت از او اخفاء شده یا بر او التباس واقع شده است ، مرتب نمی گردد . مگر از تاریخ زوال عیوب مذکور .

۲۲۵۹ ماده -

صغری ، غیر ممیز از طریق کسیکه قانوناً قایم مقام او شناخته میشود ، کسب حیازت نموده می تواند .

شیپرم مبحث - حیازت

لمپری فرعه - لحیازت کسبول ،

نقلول او ذا یلیدل

۲۲۵۶ ماده

حیازت داسی واقعی حالت دی چه دیوچا دسلطی خخه پریوه شی یادآچه په شی باندی حقوقوق خخه یوحق لری په دی صفت سره چه شخص دشی مالک دی یا په شی باندی حقوق خاوند دی ، پیدا کیبری .

۲۲۵۷ ماده

که خوک یو شی مباح کی کولی شی چه ورخخه رجوع وکی . دا اباحت ددی دلیل نه دی چه مباح کوونکی په شی باندی حیازت دلاسه ورکوی .

۲۲۵۸ ماده

که حیازت دзор سره یو خای شی یا په پته واقع شی یا په کښی التباس موجودوی ، نو پر هغه چاچه زور شوی یاور خخه حیازت پت کپری شوی او یا ور باندی حیازت ملتبس شوی وی هیچ تاثیر نه لری ، مگرددی عیبونو دلری کیدلو دوخته .

۲۲۵۹ ماده

ممیز صغیر کولی شی دهقه چا دلاری حیازت کسب کی چه دهقه قانونی نائب وی .

# رسنی جریل

ماده ۲۲۶۰ -

ماده ۲۲۶۰ -

هرگاه شخص دیگری بصورت مستقیم در حیازت باسم حايز مبادرت نماید ، حیازت بحال خود باقیمانده ، شخص مذکور حیثیت تابع را داشته و متابعت ۱ و ۱ مر حایز در امور متعلق به شی یا حقوق تحت حیازت مکلف میباشد .

ماده ۲۲۶۱ -

حیازت از شخص حایز به شخص دیگر ، در صورتی انتقال مینما ید که طرفین به آن موافقه نموده و شخص مذکور اهلیت تصاحب را برشی یا حقوق مورد حیازت را باشد .

ماده ۲۲۶۲ -

انتقال حیازت بدون تسلیم مادی هم جواز دارد . در صورتیکه حایز بنوالیدی خود بحساب کسیکه از او نیابت میکند ، دوام دهدیا شخصی که به او انتقال حیازت میشود ، به حساب خود بنوالیدی ادامه دهد .

ماده ۲۲۶۳ -

ذوالید عقار میتواند با مدت ذوالید خود مدت ذوالید کسی را که عقار از طرف او بوی انتقال

که خوک په مستقیم دول دحایز په نامه حیازت ته اقدام وکی ، حیازت پچل حال پاتی کیبری اوذکر شوی شخص دتابع حیثیت لری ، کومی چاری چه دشی پوری یا دهقه حق پوری چه په حیازت واردیبری ، مربوطی وی په هغی کتبی مکلف دی چه دحایز داومرو پیروی و کی .

ماده ۲۲۶۱ -

که حایز اوبل خوک دحیازت په نقلیدو موافقه وکی ، نوکه هغه خوک چه حیازت ورته نقلیزی ددی قدرت ولری چه پرشی او یا په هغه حق چه حیازت پری مرتبیبری ، تسلط پیدا کپری شی ، دحیازت نقلیدل و رته صحت لری .

ماده ۲۲۶۲ -

دحیازت نقلیدل بی دمادی تسلیمی هم جواز لری ، خو په دی شرط چه حایز پچلی ذوالیدی ته دهقه چا په حساب چه په حیازت کتبی بی خلف کیبری دوام ورکی یا داچه خلف پچل حساب ذوالیدی ته دوام ورکی .

ماده ۲۲۶۳ -

دعقار ذوالید کولی شی چه دخیلی ذوالیدی دمدی سره دهقه چا دذوالیدی مده یو خای کی چه دهقه خخه ورته عقار انتقال شوی دی عام

## رسمی جریل

نموده ، ضم نماید . اعم از اینکه  
انتقال به سبب شرا باشد یا همه  
یاوصیت یارث یاسایر اسباب .  
درینصورت اگر مجموع مدت ذوالیدی  
بعدی بالغ شود که مانع سماع  
دعوی گردد ، علیه ذوا لید دعوی  
ملک مطلق ، دعوی ارت و دعوی  
وقف شنیده نمیشود .

ماده ۲۲۶۴

طلب مزايده ، وديعت ، اجاره ،  
عاريت و هبه ، اقرار بعدم ملكيت  
مطلوبه کننده شناخته شده ، دعوی  
موصوف برای نفس خود شی بالای  
ذوالیدی سمع نمیشود . گرچه  
بر ذوالیدی ميعاديکه مانع سماع  
دعوی گردد ، منقضی نشده باشد .

ماده ۲۲۶۵

(۱) ذوالید یکه به اساس اجاره  
يارعایت در عقار منصرف باشد ،  
نمی تواند بمورد زمان ذوا لسیدی  
راجح بمنع استماع دعوی علیه  
اجاره دهنده يارعایت دهنده تمیك  
نماید .

(۲) درصورتیکه شخص از اجاره  
عارضت در طول مدت ذوالیدی منکر  
بوده و مدعی باوجود حضور و امکانات

له دی چه دا انتقال په اخستلو وي  
ياهبي یاوصیت يا په میراث ورلو  
يا په بل کوم سبب . په دی  
صورت کبني که دواوه مدي جمع  
شی او ددعوی دنه اوريدلو تاکلسي  
مدي ته ورسيدله ، نو په ذوالید  
باندی نه دمطلق ملكيت دعوی نه  
دميراث ورلو اونه دوقت دعوی  
اوريدله کيري .

ماده ۲۲۶۴

دمزايدي ، وديعت ، اجارى ،  
عارضت او هبي غوبنتنه دغونښتونکي  
دمستقيم ملكيت په نشتوا لي ، اقرار  
ګهل کيري نو دهقه دعوی دخپل  
خان دپاره په ذوالیدنه اوريدله کيري ،  
که خه هم په ذوالیدي باندی ددعوی  
دانه اوريدلو تحديد شوي دعوی نهوي  
تيره شوي .

ماده ۲۲۶۵

(۱) که خوک داجاري يا رعایت  
دلاري دعقار ذواليدوي او پري اقرار  
هم وکي ، نونه شی کولي چه پيخپلي  
دي ذواليدی په اجارى ور کونکي  
او عاريت ور کونکي باندی دزماني په  
تيريدو ددعوی دنه اوريدلو تمیك  
وکي .

(۲) که خوک ذواليدی په دی  
توله مده کبني داجاري يا دعارضت  
شخه منکر وي سره ددى چه مدعى  
حاضر و رو او دامکانات او اقتضاء

# رسمی جریمه

وموجودیت مقتضی ترک دعوی نماید،  
بعد از انقضای مدت مذکور دعوی او  
شنیده نمیشود.

ماده ۲۲۶۶ -

هرگاه حایز از تسلط فعلی خود  
بر شی یا حق منصرف گردد و یا این  
تسلط را به طریقه دیگری از دست  
بدهد، حیازت زایل میگردد.

ماده ۲۲۶۷ -

حیازت به اثر مانع موقت از بین  
نمی رود، مگر اینکه مانع مسد کور  
مدت یکسال کامل ادامه پیدا کرده  
و نتیجه حیازت جدیدی باشد که  
با خلاف اراده حایز یابدون علم او  
واقع شده باشد. آغاز سال درحالیکه  
حیازت بصورت عینی واقع شده باشد،  
از تاریخ آغاز حیازت جدید درحالیکه  
بصورت خفیه واقع شده باشد، از  
تاریخ علم حا یزاول به آن حساب  
میشود.

فرع دوم - حمایت حیازت

ماده ۲۲۶۸ -

(۱) هر گاه شخصی حیازت عقار  
را از دست بدهد، میتواند در خلال  
یکسال بعد از فقدان حیازت زد آنرا  
مطلوبه نماید. در صورتیکه فقدان

دموجود یت سره په ذوالید باندی  
دعوی ترک کی، نو ددکر شوی مدي  
دتبیردو وروسته دهجه دعوی نه  
اور یدله کیزی .

ماده ۲۲۶۶ -

که حایز دخپلی فعلی سلطی خخه  
پرشی یا حق منصرف شی یا داچه  
داسلطه دبلی لاری دلاسه ورکی، نو  
حیازت زایلیزی .

ماده ۲۲۶۷ -

حیازت دمؤقتی مانع په سبب  
دمینخه نه خی مکر داچه ذکر شوی  
مانع پوره یو کا ل دواه وکی او  
دنوی حیازت خخه پیدا شوی وی او  
دانوی حیازت دحایز دارادی په خلاف  
یابی دهجه دعلم خخه واقع شوی وی،  
کال دهغی وخته خخه پیل کیزی چه  
په کنبی نوی حیازت په علنی توگه  
پیل شوی وی، که حیازت په پته  
واقع شوی وی نو کال دهغی نیتی  
خخه پیل کیزی چه لمزنی حایز  
ورباندی علم پیدا کری وی .

دوهمه فرعه - دحیازت ساتنه

ماده ۲۲۶۸ -

(۱) که خوک دعقار حیازت دلاسه  
ورکی نو کوای شی چه دحیازت  
دلاسه ور کولو دنیتهی خخه دیوه کال  
په او بردو کنبی دهغی دبیرته ردھولو  
غوبنتنه وکی. که دحیازت نشتوا لی

# رسمنی حبس و بدل

حیاژت طور خفیه بعمل آمده باشد، شروع سال از تاریخ کشف فقدان حیاژت شروع میشود.

(۲) شخصیکه بصورت نیابت از غیر حیاژت را بدست داشته باشد، نیز میتواند رد حیاژت را مطالبه نماید.

ماده ۲۲۶۹ -

شخصیکه هنگام از دست دن حیاژت کمتر از یکسال ، حیا زت را بدست داشته باشد ، نمی تواند رد حیاژت را از شخصی مطالبه نماید که حیاژت او متکی به سند قانونی باشد.

ماده ۲۲۷۰ -

(۱) هرگاه هیچ یک از حایزین دارای سند قانونی نبوده یا استناد آنها معادل یکدیگر باشد ، ترجیح حیاژت به شخصی داده میشود که سند او تاریخ مقدم داشته باشد.

(۲) درحالت مندرج فقره فوق، اگر استناد قانونی دارای عین تاریخ باشد ، به حیاژتیکه از لحاظ تاریخ مقدم است ، امتیاز داده میشود.

ماده ۲۲۷۱ -

حایز میتواند دعوی استرداد حیاژت را در خلال میعاد قانونی علیه

په پنه شوی وی نو دکال پیلده‌ی نیتی خخه شروع کیبری چه دھیاژت نشتوالی کشف کی .

(۲) که خوک دبل چا په نیابت سره حیاژت په لاس کتبی ولری، هغه هم کولی شی چه دھیاژت درده ولو غوبنتنه وکی .

ماده ۲۲۶۹ -

که خوک دیوه کال خخه دکمی مدنی دپاره دیوه شی حیاژت په لاس کتبی ولری او هغه دلاسه ورکی ، نونه شی کولی چه دھیاژت درده ولو غوبنتنه دھغه چاخخه وکی چه حیاژت ئی په قانونی سند متکی وی .

ماده ۲۲۷۰ -

(۱) که دھایزوونو خخه هیچ یو دقانونی سند لرونکی نه وی یاداچه دھفوی سندونه یودبل معادل وی، نو دھیاژت ترجیح هغه چا تهورکول کیبری چه سندئی و پاندنی تاریخ و لری.

(۲) دپورتنی فقری په درج شوی حالت کتبی که قانونی سندونه دعين تاریخ لرونکی وی، نو هغه حیاژت ته ترجیح ورکول کیبری چه دتاریخ له لحاظه و پاندی والی ولری .

ماده ۲۲۷۱ -

حایز کولی شی دھیاژت دبیرته رده ولو دعوی دقانونی میعاد په او بردو

## رسیح جریل ل

کسیکه حیازت شی غصب شده باشد،  
کسب نموده است اقا مه نماید.  
گرچه شخص اخیر الذکرداری حسن  
نیت باشد .

ماده ۲۲۷۲ -

شخصیکه حیازت عقاری را بدست  
آورده و حیازت او مدت یک سال  
کامل دوام نماید و بعداً بر حیازتو او  
تعرض واقع شود ، میتواند در خلال  
مدت یکسال دعوا منع این تعارض  
را اقامه نماید .

ماده ۲۲۷۳ -

شخصیکه حیازت عقاری را در ظرف  
یکسال کامل بدست داشته و به علت  
اسباب معقول از اجرای اعمال  
تعرضی جدید که حیازت وی را تهدید  
میکند بتر سد ، میتواند مو ضوع را  
بعحکمه با صلاحیت تقديم نموده و  
توقف این اعمال را مطالبه نماید .  
مشروط بر اینکه اعمال مذکور  
به انجام نرسیده و از شروع بر اجرای  
اعمال مذکور که منجر بحدوث ضرر  
میشود ، یکسال منقضی نشده باشد ،  
در غیر آن میتواند دعوا منع تعارض  
را اقامه نماید .

ماده ۲۲۷۴ -

هرگاه اشخاص متعدد در حیازت  
حق واحدی تنافع نمایند ، بصورت

کبی نی په هفه چا اقامه کی چه دغصب  
شوی شی حیازت یی کسب کپری  
وی که خه هم و روستنی ذکر شوی  
شخص دنبه نیت لرونکی وی .

ماده ۲۲۷۲

که خوک دعقار حیازت لاس ته  
رأوپری او ودهنے حیازت پوره یو کال  
دوام وکی او ترهفی و روسته نی په  
حیازت تعرض واقع شی ، نو کولی  
شی چه دیوه کال په اوپردو کبی  
ددی تعرض دمنع کید و دعوا اقامه کی .

ماده ۲۲۷۳ -

که خوک پوره یو کال دیو عقار  
حیازت په لاس کی ولری او دمعقولو  
سبیونو په علت دنوی تعرض داعمالو  
دادجزاء کولو خخه چه حیازت نی  
تهدیده وی و ویرینی ، کولی شی چه  
موضوع واک لرونکی محکمی ته  
وپاندی کی ، او ددی اعمالو دتوقف  
غوبنتنه وکی ، خو په دی شرط چه  
ذکر شوی اعمال نه وی ترسمرشمی  
او ذکر شوو اعمالو په شروع چه  
دضرر په پیدا کیدو منجر کیری یو  
کال نه وی تیر شوی . دھنی یه غیر  
کولی شی چه دتعرض دمنع کیدو  
دعوى اقامه کی .

ماده ۲۲۷۴

که خو متعدد اشخاص دیوه حق  
په حیازت کبی نی جگره سره وکی ،

# رسمی جریل‌لا

موقت بحیازت غسی اعتبار دا ده  
میشود که حیازت مادی بر حق  
مذکور داشته باشد . مگر اینکه  
حیازت او معیوب ظاهر شود .

ماده ۲۲۷۵ -

شخصیکه حایز حق باشد، مالک  
آن شناخته میشود. مگر اینکه عکس  
آن ثابت شود .

ماده ۲۲۷۶ -

(۱) شخصیکه بدون علم از تجاوز  
بر حق غیر ، حایز حق گردد ، دارای  
حسن نیت شناخته میشود. مگر  
اینکه این جهل او ناشی از خطاء  
فاخلش باشد .

(۲) اگر حایز شخصیت حکمی  
باشد، به نیت ممثل قانونی او اعتبار  
داده میشود .

(۳) موجودیت حسن نیت همیشه  
فرض کرده میشود ، مگر اینکه  
دلیلی به نفی آن اقامه شود .

ماده ۲۲۷۷ -

حسن نیت وقتی نفی میشود که  
حایز بداند که حیازت او تعریض  
بر حق غیر میباشد ، یا اینکه عیوب  
حیازت او بر اساس اخطار یا  
صورت دعوای مدعی به او ابلاغ  
شود .

نوبه موقنی توگه دهقه چا حیازت ته  
اعتبار ور کول کیری چه په ذکر شوی  
حق مادی حیازت ولری، مگر داچه  
دهقه حیازت معیوب ظاهرشی .

ماده ۲۲۷۵ -

که خوک دیوه حق حایز وی دهقی  
مالک گنل کیری مگر دا چه دهقی  
عکس ثابت شی .

ماده ۲۲۷۶ -

(۱) که خوک بی له علمه او تیری  
خخه دبل چا په حق دیوه حق حایز  
شی، نو دنبه نیت لرو نکی گنل  
کیری، مگر داچه دهقه دا جهسل  
دفاخشی خطا خخه بیدا شوی وی .

(۲) که حایز حکمی شخصیت  
وی، نو دهقه دقانونی ممثل نیت ته  
اعتبار ور کول کیری .

(۳) دنبه نیت موجودیت همیشه  
فرض کول کیری، مگر داچه دهقه  
په نفی کوم دلیل اقامه شی .

ماده ۲۲۷۷ -

بنه نیت همه وخت نفی کیری چه  
حایز پوه شی چه دهقه حیازت دبل چا  
په حق تیری دی یا داچه دهقه  
دحیازت دعیبونو داعلان له وخته  
په خبرتیا سره یا مدعی ددعوی په  
صورت ورته ابلاغ شوی وی .

# رسیح دریابه

ماده ۲۲۷۸

ماده ۲۲۷۸ -

حیازت کماکان بهمان و صفوی که ابتداء زمان کسب بوجود آمده باقی میماند، تا اینکه دلیل عکس آن موجود شود.

فرع سوم - آثار حیازت

ماده ۲۲۷۹ -

دعوی ملکیت باستثنای ارث، بر شخصیکه در طول مدت پانزده سال متواتی بلا انقطاع ذوالید عقار یا اشیاء دیگر بوده و در آن پسون منازعه و معارضه تصریف مالکانه داشته باشد، سمع نمیشود.

ماده ۲۲۸۰ -

(۱) دعوی ارث بر شخصیکه ذوالید عقار بوده، در صورت مدت سی و سه سال بدون منازعه در آن تصرف مالکانه داشته باشد، بدون عندر شرعی شنیده نمیشود.  
(۲) تملک اموال دولت آثار باستانی، و عامل وقف بر اساس مرور زمان جواز ندارد.

ماده ۲۲۸۱ -

هرگاه ترک دعوی ملکیت یارث یا وقف به اساس عندر شرعی مثل غیبت، قصور یا جنون بوده و ولی یاوصی وجود نداشته باشد، سمع

حیازت په همغی صفت پاتی کیبری چه دهفی دکسبو لو په وخت کتبی پیری پیل شوی دی، ترڅو چه دهفی په عکس دلیل موجود شنی.

دریمه فرعه - دحیازت آثار

ماده ۲۲۷۹

دمیرات په استثنی که خوک بیله انقطع خخه دېنځلسو کلونو په اوږدو کتبی اوږدی او په هغې کتبی بل شی ذوالیدی او په هغې کتبی دی جګړی او معارضی مالکانه تصرف ولري، نو پر هغه باندی دملکیت دعوی نه اوږidle کیږي.

ماده ۲۲۸۰

(۱) که خوک په عقار باندی دری دیرش کلونو په اوږدو کتبی ذوالیدی او بی له جګړی په کتبی مالکانه تصرف ولري نو په هغه باندی بی دشرعي عندر خخه، دمیرات دعوی نه اوږidle کیږي.  
(۲) ددولت دمالونو، دتاریخی آثار او دوقف دمال تملک زمانی دتیریدو په اساس، جواز نه لري.

ماده ۲۲۸۱

که دملکیت، میراث یا دوقف ددعوی پرینسودل دشرعي عندر په اساس لکه غیابت، قصور یا لیونتوب، صورت مو ندلی وی او ولی او وصی

## رسمی حربه

میشود . مگر در صورتی شنیده نمیشود که غایب حاضر قاصر بالغ و مجنون هو شیار شود و بعد از آن در مدت تعیین شده دعوی را ترک نمایند .

ماده ۲۲۸۲ -

دعوی ملکیت بر ذوا لید ازطرف اولاد ، اقارب زوج و زوجه باایح که هنگام فروش عقار برای ذوالید حاضر بوده واز فروش مطلع گردیده سکوت اختیار نموده باشند ، سمع نمیشود . گرچه از وقت بیع مدت پانزده سال سپری نشده باشد .

ماده ۲۲۸۳ -

هر گاه ذوا لیدی شخص در طول مدت محدودی در سابق ثابت بوده و در حال نیز ثابت باشد ، این وضع برای ابقاء و قیام ذوالید در طول مدت بین دو زمان مذکور قرینه شمرده میشود . مگر اینکه دلیل بخلاف آن موجو دشود .

ماده ۲۲۸۴ -

هیچ کس نمی تواند به اساس مروزمان بخلاف سند خود کسب حق نماید ، به این اساس هیچ کس نمی تواند شخصاً بمفاد خود سبب

موجود نه وی ، نو دارنگه دعوی اوریدله کیری . مگر به هفه صورت کبنتی نه اوریدله کیری چه غایب حاضر ، قاصر ، بالغ اولیونی ، هوبنیار شی اوتر هنی و روسته په تاکل شوی مدب کبنتی دعوی پریندی .

ماده ۲۲۸۲ -

په ذوالید باندی دملکیت دعوی دخرخوونکی داولاد ، خپلوانو ، میره او بنیختی چه دعقار دخرخوولو به وخت کبنتی د ذوالید پاره حاضره وی او دخرخوولو خخه خبر شوی وی او چتیبا یی اختیار کری وی ، نه اوریدله کیری ، که شه هم دخرخوولو دوخته پنخلس کاله نه وی تیرشوی .

ماده ۲۲۸۳ -

که دچا ذوالیدی په تحدید شوی پخوانی وخت کبنتی ثابتنه شی او په حال کبنتی هم موجوده وی ، نو دا ذوالیدی په دی قرینه ده چه ددی دواپو مدو په مینځ کبنتی هسم ذوالیدی موجوده وه ، مگر داچه ده ګې په خلاف دلیل موجود شی .

ماده ۲۲۸۴ -

هیڅوک نه شی کولی چه دخیل سند په خلاف دزماني دتیریدو په اساس حق کسب کړي . نو هیڅوک نه شی کولی چه پخپله دخیل خان دباره دخیل حیات سبب ته تغیر ورکی او

# رسیح جریلله

حیازت خود یا اصلی را که این حیازت بر آن استوار است، تغییر دهد.

همدارنگه نه شی کولی چه هفی اصل ته تغییر ورکی چه دا حیازت ورباندی ولاپ دی.

## ماده ۲۲۸۵

احکام مرور زمان ساقط کننده دعوی بر مرور زمان کسب کننده حق در آنچه به حساب مدت و توقف آن و انقطاع آن واستناد به آن در پیشگاه قضاوه و همچنان به تناظل کننده از آن موافقه بر تعديل آن متعلق باشد، تطبیق می شود. مشروط بر اینکه احکام مذکور با طبیعت مرور زمان کسب کننده حق و رعایت احکام مواد (۲۲۸۶ و ۲۲۸۷)، این قانون متعارض واقع نشود.

دهفی زمانی دتیریدو قاعده چه ددعوی ساقطونکی دی، دهفی زمانی په تیریدو چه حق کسبه وونکی دی اودمدی دحساب، توقف، قطع کیدو او ترقضاع ترمخه دتمسک پسوری تعلق لری تطبیقیزی. همدارنگه چه دهفی خخه دتیریدونکی او دهفی به تعديل باندی په موافقی پوری متعلق وی تطبیقینی، خو په دی شرط چه ذکر شوی قاعده حق کسبه وونکی زمانی دتیریدو دطبیعت سره او ددی قانون (۲۲۸۷-۲۲۸۶) مادو په نظر کبندی نیو لو سره متعارض واقع نه شی.

## ماده ۲۲۸۶

مدت مرور زمان کسب کننده حق بهراندازه که باشد، باموجودیت اسباب موجبه متوقف میشود.

حق کسبه وونکی زمانی دتیریدو منه چه هر خومره وی دموجبه سببونو دموجودیت سره متوقف کیزی.

## ماده ۲۲۸۷

هر گاه حایز از حیازت خود صرف نظر نماید و یا آن را ازدست دهد، گرچه به فعل غیر باشند، مرور زمان کسب کننده حق قطع میشود. مگر اینکه حایز در خلال

که حایز دخیل حیازت خخه منصرف شو او یا یی هفه د لاسه ورکرو که خه هم دبل چا په فعل وی، نو حق کسبه وونکی زمانی دتیریدو مده قطع کیزی مگر داچه حایز دیوه کال په او بزدو کبندی دهفی نیتی خخه چه حیازت یی قطع شوی،

## ماده ۲۲۸۵

دهفی زمانی دتیریدو قاعده چه ددعوی ساقطونکی دی، دهفی زمانی په تیریدو چه حق کسبه وونکی دی او دمده دحساب، توقف، قطع کیدو او ترقضاع ترمخه دتمسک پسوری تعلق لری تطبیقیزی. همدارنگه چه دهفی خخه دتیریدونکی او دهفی به تعديل باندی په موافقی پوری متعلق وی تطبیقینی، خو په دی شرط چه ذکر شوی قاعده حق کسبه وونکی زمانی دتیریدو دطبیعت سره او ددی قانون (۲۲۸۷-۲۲۸۶) مادو په نظر کبندی نیو لو سره متعارض واقع نه شی.

## ماده ۲۲۸۶

حق کسبه وونکی زمانی دتیریدو منه چه هر خومره وی دموجبه سببونو دموجودیت سره متوقف کیزی.

## ماده ۲۲۸۷

# رسمی حبریله

یکسال از تاریخ انقطاع حیاگزت خویش را مسترد نموده یا راجع باسترداد آن در خلال همین مدت اقامه کی .

فرع چارم - تملک اشیاء منقول  
با اساس حیاگزت  
ماده ۲۲۸۸ -

(۱) شخصیکه مال منقول یا حق عینی را بر مال منقول یا سند یکه بنام حامل آن اعتبارداشته باشد، به استناد اسباب صحیح توام باحسن نیت حایز شود ، مالک آن شناخته میشود .

(۲) سبب صحیح به سندي اطلاق میشود که از طرف غیر مالک یا غیر صاحب حق ، صادر شده باشد .

ماده ۲۲۸۹ -

مالك مال منقول یا صاحب سنديکه برای حامل آن اعتبار داشته باشد ، می تواند در صورت فقدان یاسرقت از تاریخ ضیاع یا سرقت یا استرداد آن از نزد شخصیکه باحسن نیت آنرا حایز گردیده است، بپردازد .

ماده ۲۲۹۰ -

هرگاه مال مسروقه یا گم شده در حیاگزت شخص دستیاب شود و مال مذکور را باحسن نیت از بازار به

خپل حیاگزت بیرته مسترد کی یاداچه دهفی دبیرته رده ولو په باره کبنی دهمدی مدعی په او بدو کبنی دعوی اقامه کی .

خلورمه فرعه - دحیاگزت په اساس  
دمنو لو شیانو حیا ذت  
ماده ۲۲۸۸ -

(۱) که خوک په منقول مال یا په منقول مال باندی دعینی حق یادداشی سند چه دهفه دحامن په نامه اعتبار ولری او صحیح سبب او بنه نیت ته مستندوی ، حایز شی ، دهفی مالک گنبل کیزی .

(۲) صحیح سبب په هفی سند اطلاق کیزی چه دمالک خخه په غیر یادخواهند خخه په غیر دبل چاله خوا صادر شوی وی .

ماده ۲۲۸۹ -

دمنو لو مال مالک یا ددادسی سند خاوند چه دهفه دحامن دباره اعتبار ولری ، کولی شی چه که هفه ورک کی اویا ورخخه غلاکری شی دور کیدو یاغلاکیدو دنیمه خخه دری کلو نوبه او بدو کبنی دهفه چاخخه بیرته واخلي چه په بنه نیت سره دهفی حایز شوی .

ماده ۲۲۹۰ -

که غلا کره شوی یاورک شوی مال ددادسی شخص په حیاگزت کبنی پیدا شی چه بی په بازار کبنی یا بی به

# رسی جریل

مزایده علنی یا از تاجریکه در امناب آن تجارت دارد ، خریداری نموده باشد ، میتواند ثمن تادیه شده را در صورتیکه مال مسروقه باشد ، از فروشنده و در صورتیکه مال گم شده باشد ، از شخصیکه به استرداد آن میبردازد ، مطالبه نماید .

## فرع پنجم - ثملک ثمر

### به حیازت

ماده ۲۲۹۱ -

(۱) حایز به حسن نیت مالک ثمر و آنچه که در حیازت او است ، شناخته میشود .

(۲) ثمر طبیعی یا صنعتی از تاریخ جمع آوری آن قبض شده تلقی میگردد ، مگر ثمر مدنی روز بروز قبض شده شمرده میشود .

ماده ۲۲۹۲ -

حایزیکه دارای سوء نیت باشد ، از تاریخ بیان آمدن نیت سوء از تمامی ثمریکه قبض نموده و یا در قبض آن تقصیر بعمل آورده است ، مسئول پنداشته میشود .

## فرع ششم - استرداد

### مصارف

ماده ۲۲۹۳ -

مالکیکه ملکیت به او رد میشود ، مکلف است تمام مصارف ضروری را

علنی مزایدی کنی یا ددادسی شخص خنخه چه ددی په مثل شیانو کنی تجارت کوی اخستی وی ، نو کولی شی که مال غلا کپه شوی وو دخخونکی خنخه او که مال ور ک کپه شوی وو دهقه چا خنخه چه دهقی بیرته ورکولو ته اقدام کوی ، ورکول شوی ثمن وغایبی .

## پنجمه فرعه - په حیازت باندی دثملک

ماده ۲۲۹۱

(۱) حایز په بنه نیت سره دلمر او دهقه خه چه دهقه په حیازت کنی دی ، مالک گنبل کپزی .

(۲) طبیعی یا صنعتی ثمر دهقی در ا تو لولو دنیتی خنخه قبض شوی گنبل کپزی ، خو مدنی ثمر ورخ په ورخ قبض شوی حسابیزی .

ماده ۲۲۹۲

کوم حایز چه دبد نیت خاوندوی له هفی نیتی خنخه چه بدنتیت مینخ ته راغلی دقول هفه ثمرچه بی قبض کپزی او یا بی دهقه په قبضولو کنی تقصیر کپزی دی مسئول گنبل کپزی .

## شیپمه فرعه - دهصر فونو

### بیر ته اخستل

ماده ۲۲۹۳

کوم مالک ته چه ملکیت بیر ته ورکول کپزی ، نو مکلف دی چه دنبه

## رسنی جریده

که حایز به حسن نیت بمصر ف رسانیده است به او بپردازد، و در مورد مصارف نافع احکام می‌واد (۲۲۰۵-۲۲۰۶) این قانون تطبیق می‌شود.

ماده ۲۲۹۴ -

حایز نمی‌تواند مصارفی را که از جمله مالیات حساب می‌شود، از مالک مطالبه نماید، مگر حق آنرا دارد تا آنچه را جدیداً احداث نموده است دور ساخته وشی را بهمان حالت اولی آن بر گر داند. مگر اینکه مالک به ایفای آن در مقابل تادیه قیمت، موافقه نماید.

ماده ۲۲۹۵ -

هرگاه شخصی حیازت را از مالک یا حایز سابق حایز شده باشد، وابسته نماید که مصارف را به سلف خود پرداخته است، می‌تواند مصارف مذکور را از شخصیکه مال به وی سپرده می‌شود، عطا لبه کند.

ماده ۲۲۹۶ -

محکمه می‌تواند اندازه مصارف را تعیین و راجع به پرداخت آن اقساط دورانی را با تضمینات ضروری، تعیین نماید.

نیت حایز ته قول هفه ضروری مصروفونه چه په بنه نیت یی مصرف کپری دی، ورکی. دگتورو مصروفون په باره کبسی ددی قانون د (۲۲۰۵-۲۲۰۶) مادو درج شوی حکمونه تطبیقیری.

ماده ۲۲۹۴ -

حایز نه شی کولی چه دمالک خخه دهی مصروفون غوبنتنه وکی چه دما لیاتو دجملی خخه حسابیری، خو ددی حق لری چه کوم شیان یی نوی جویه کپری وی لری کی او شی خپل لمرنی حالت ته بیرته و گرخوی، مگر داچه مالک دقیمت په ورکولو سره دهی په پاتی کیدو موافقه وکی.

ماده ۲۲۹۵ -

که خوک دمالک خخه یا دپخوانی حایز خخه دیوشی حایز شوی وی او ثابته کی چه خپل سلف ته یی مصروفونه ورکپری دی، نو کولی شی چه ذکر شوی مصروفونه دهه چاچخه وغواپی چه مال ورته بیرته ورکول کیزی.

ماده ۲۲۹۶ -

محکمه کولی شی چه دمصارفونو اندازه وقاکی او دهی داداء کولو دپاره دضروری تضمیناتو سره دورانی قسطونه وقاکی.

# رسਮی جریده

فرع هفتم - مسئولیت از بین  
رفتن شی تحت حیازت  
ماده ۲۲۹۷ -

هرگاه حایز با حسن نیت از شی  
در حدود یکه حق خود پنداشد،  
استفاده نماید، در مقابل شخصیکه  
برد شی باو مکلف میشود از هر  
نوع تعویض به سبب این استفاده  
مسئول شناخته نمیشود، همچنان  
از عواقب از بین رفت و تلف شدن  
شی مذکور مسئول پنداشته نمیشود.  
مگر در حدود یکه از آن تا خیه به او  
مفادری تعلق گرفته باشد.

ماده ۲۲۹۸ -

هرگاه حایز دارای سوء نیت  
باشد، از بین رفت و تلف شدن شی  
گرچه از اسباب غیر مترقبه نشأت گردد  
باشد، مسئول شناخته میشود.  
مگر اینکه ثابت شود که اگر شی  
مذکور نزد مالک آن هم می بود، از  
بین می رفت و یاتلف میگردید.

فصل سوم  
حقوق متفرع از حق ملکیت  
قسمت اول  
حق انتفاع  
مبحث اول - احکام عمومی  
ماده ۲۲۹۹ -

انتفاع جایز، عبارت از حق نفع  
گیرنده است در استعمال او پکاراچول

اوومه فرعه - دھیازت لاندی  
شی دھلاکیدو مسئولیت  
ماده ۲۲۹۷ -

که حایز په بنه نیت د شی خخه  
په هغی حدو دو کتبی چه خپل حق  
یی گنی گته و اخلى نودھغه شخص  
په مقابل کتبی چه ورته دشی په  
رده ولو مکلف کیزی، ددی گتی  
اخستلو په سبب دهر نوع تعویض  
مسئول نه دی. همدارنگه دذکرشوی  
شی دھلاکیدو یا تلفیدو مسئول نه  
گنل کیزی مگر په هغی حدو دو کتبی  
چه ددی هلاکیدو یا تلفیدو خخه ورته  
گته رسیدلی ده .

ماده ۲۲۹۸ -

که حایز بدنبیت لرونکی وی نو  
دشی دھلاکیدو یا تلفیدو گه خه هم  
دناخاپی پیبنو خخه پیدا شوی وی  
مسئول دی، مگر داچه ثابته شی که  
ذکر شوی شی دخپل مالک سرهم  
وی نو هلاکیده یا تلفیده .

دریم فصل

ملکیت حق خخه متفرع حکمونه  
لمپری قسمت  
دگتی اخستلو حق  
لمپری مبحث - عمومی حکمونه  
ماده ۲۲۹۹ -

جایزه گته اخستل، دگتی اخستونکی  
حق خخه دعین داستعمال او پکاراچول

# رسمی جریلله

انداختن عین متازمانیکه به حالت خود باقیمانده . گرچه رقبه آن در مالکیت او نباشد .

ماده ۲۳۰۰ -

کسب منافع اعیان عقار باشد یا منقول ، بدون رقبه آن جواز دارد.

ماده ۲۳۰۱ -

کسب منفعت در مقابل عوض یا بدون آن جایز است .

ماده ۲۳۰۲ -

حق انتفاع به سبب عمل قانونی یا شفع یا مرور زمان ، کسب میشود .

ماده ۲۳۰۳ -

وصیت کردن به حق انتفاع مطابق احکام و قواعد مندرج فصل وصیت، جواز دارد .

ماده ۲۳۰۴ -

رعایت شروط عقد تبرعیکه برآن حق انتفاع مرتب میگردد، بامراعات حقوق و وجاایب نفع گیرنده ، حتمی است .

ماده ۲۳۰۵ -

ثمرشی که از آن نفع گرفته اخستل کیری، دگنه اخستلودمی میشود ، در طول مدت انتفاع حق

شخه عبارت دی، خو په دی شرطچه پخپل حال باقی پاتی وی که خه هم پخپله عین مملوک نه وی .

ماده ۲۳۰۰ -

داعیانو دگنه کسیبول بی دهغی در قبی شخه جواز لری، عام له دی چه دا اعیان عقاروی او که منقول .

ماده ۲۳۰۱ -

دگنه کسیبول دعوض په بدل کنېی او بی له هغی جواز لری .

ماده ۲۳۰۲ -

دگنه اخستلو حق دقانونی عمل په سبب یا شفعی او یا دزمانی په تیریدو ترلاسه کیدای شی .

ماده ۲۳۰۳ -

دگنه اخستلو په حق وصیت کول دو صیت دفصل درج شوو حکمونو او قاعدو سره سم جواز لری .

ماده ۲۳۰۴ -

په کومی تبرع چه دگنه اخستلو حق مرتب کیری نو په هغی کنېی دتبرع دعقد دشرطونو مراعت هرو مرودی او ددی سره سره گته اخستونکی حقوقو اوواجباتو مراعت حتمی دی .

ماده ۲۳۰۵ -

دکوم شی دمیوی شخه چه گته اخستل کیری، دگنه اخستلودمی

## رسیح جریلله

نفع گیر نده شمرده میشود. همچنان  
ثمر طبیعی موجود هنگام آغاز  
مدت انتفاع حق نفع گیر نده شناخته  
میشود، بدون اینکه حقوق کسب  
شده غیر را اخلال نماید، مگر آمری  
را که هنگام انتها مدت انتفاع  
موجود باشد، حق مالک تلقی  
میشود. مشروط بر اینکه هر یك  
صارف یکدیگر را بپردازند.

ماده ۲۳۰۶

(۱) هرگاه عقد منفعت بصورت رت  
مطلق غیر مقید صورت گرفته  
باشد، نفع گیر نده مکلف است ازشی که  
منفعت میگیرد آن را طور عادی  
استعمال نماید.

(۲) در صورت مقید بودن عقد،  
انتفاع گیر نده طبق دستور مالک  
یا مثل آن یا کمتر از آن حق استفاده  
را دارد و تجاوز از آن، جواز ندارد.

ماده ۲۳۰۷

مالکشی میتواند راجع به استعمال  
غیر مشروع یا مقایر طبیعت شی  
بر نفع گیر نده اعتراض نماید، اگر  
نفع گیر نده آن را قبول  
نماید، محکمه می تواند  
عین مذکور را از تصرف نفع گیر نده

په او بندو کتبی دگتی اخستونکی حق  
گنل کیزی، بی له دی چه دبل چا  
کسب شوی حق اخلال کی، مگر کوم  
ثمر چه دگتی اخستلو په پای کتبی  
موجود دوی دمالک حق دی، خو په دی  
شرط چه یو دبل پوره مصر فونه  
اداء کی.

ماده ۲۳۰۶

(۱) که دگتی اخستلو عقد مطلق  
وی او مقید نه وی نو گته اخستونکی  
مکلف دی چه دکوم شی خخه گته  
اخلي هفه په عادي توگه استعمال  
کی.

(۲) که عقد په کوم قید مقیدو  
نو گته اخستونکی به دمالک دتقید  
سره سم یا دهغی په مثل یا دهغی  
خخه په کمه اندازه گته اخلي، خو  
داحق نه لری چه دهغی خخه تیری  
وکی.

ماده ۲۳۰۷

که گتبی اخستونکی شی په  
نا مشروعه توگه یا په داسی توگه  
چه دهغی طبیعت سره موافق نه وی  
استعمال کی نو دشی مالک کولی  
شی چه په دی استعمال اعتراض وکی،  
که گتبه اخستونکی دا اعتراض قبوله  
نه کی نو محکمه گولی شی چه ذکر

## رس‌می‌ج‌ریل‌د

کشیده و به شخص دیگری آنرا  
تسیلیم نماید تا اداره آنرا به عهده  
گیرد . همچنان میتواند به انتهاي  
حق انتفاع بدون اخلال حقوق غیر،  
حکم صادر نماید .

— ۲۳۰۸ — ماده

(۱) مصارف لازمه سر پرستی و  
حافظت عینیکه از آن نفع گیر نماید  
میشود ، به ذمه نفع گیر نماید  
می باشد .

(۲) تکالیف غیر عادی و اصلاحات  
بزرگی که از قصور نفع گیر نماید  
نشأت نکرده باشد ، به ذمه مالک  
بوده و نفع گیر نماید به دادن مفادیکه  
از مصرف حاصل شده، مکلف میشود.  
واگر نفع گیر نماید مصارف مذکور را  
نموده باشد ، میتواند در وقت انتهاي  
مدت انتفاع استرداد آنرا از مالک،  
مطلوبه نماید .

— ۲۳۰۹ — ماده

هرگاه عینیکه از آن نفع بردا  
میشود بدون تجاوز و قصور نفع  
گیر نماید در نگهداری آن از بین  
برود ، ضامن نمیگردد .

شوی عین دگهی اخستونکی دتصرف  
شخه وباسی اوبل چاته یی تسیلیم  
کی چه اداره یی په غایه واخلى،  
همدارنگه کولی شی چه دگهی  
اخستلو دحق په پای ته رسیدو حکم  
وکی، بی له دی چه دنورو حقوق  
اخلال گی .

— ۲۳۰۸ — ماده

(۱) کوم مصرفونه چه دهفه  
عین دپالنی او ساتنی دپاره چه  
ورشخه گته اخستل کیزی لازم وی،  
دنفعی اخستونکی په غایه دی .

(۲) کوم تکلیفونه چه غیر عادی وی  
او هفه لوی اصلاحات چه دگهی  
اخستونکی دقصور شخه نه وی بیدا  
شوی دمالک په ذمی دی او گته  
اخستونکی دهفی گته یهور کولو چه  
ددی مصرف شخه حاصل شوی مکلف  
دی . که ذکر شوی مصرفونه گته  
اخستونکی کپر وی، نوکولی شی  
چه دگهی اخستلو دمدی په آخر گتبی  
دمالک شخه دهفی غوبننته وکی .

— ۲۳۰۹ — ماده

دکوم شی شخه چه گته اخستل  
کیزی، نوکه گته اخستونکی دهفی  
په ساتنه گتبی تیری او قصورونه  
کی او هلاک شی ، ضامن نه گنبل  
گیری .

# رسمنی جریمه

ماده ۲۳۱۰ -

هر گاه منفعت به مدت معلم و مقييد باشد و نفع گيرنده ب بعد از گذشت مدت مذكور عين را نزد خود نگهداشته وبمالك آن رد نکند وازبين برود ، نفع گيرنده بپرداخت قيمت آن مكلف ميشود . گرچه عين را بعد از انقضای مدت انتفاع استعمال نکرده و مالك نيز رد آنرا مطالبه ننموده باشد .

ماده ۲۳۱۱ -

نفع گيرنده مكلف است در حفاظت عينيکه از آن نفع ميگيرد ، تو جه نماید .

ماده ۲۳۱۲ -

هر گاه شى از بين برود يابه اصلاحات بزرگى محتاج گردد که اقدام به آن در وجايب مالك شمرده شود ياخذ تدابير لازم افتند که عين را از وقوع خطر غير منظره نجات دهد ، در اين صورت نفع گيرنده مكلف است به مالك فورا اطلاع دهد ، همچنان مكلف ۱ سنت در صورت ادعای غير مبنی بر حق بالاي عين مذكور ، مالك را مطلع گرداند .

ماده ۲۳۱۰ -

که گته اخستيل ديوی معلومي مدي پوري مقيدوي او گته اخستونكى ددى مدي دتيريدو وروسته عين دخان سره وساتي او مالك ته يى بيرته ورنه کي او هلاك شى ، نو گته اخستونكى دھفي دقيمت په ورگولو مكلف دى که خه هم عين ثي دذكر شوي مدي دتيريدو وروسته نهوي استعمال کري او مالك ئى هسم غوبنتنه نه وى کري .

ماده ۲۳۱۱ -

گته اخستونكى مكلف دى چه دھفه عين يه ساتنه کتبى توجه وکي چه ورخخه گته اخلي .

ماده ۲۳۱۲ -

که شى هلاك شى يا داسى لويو اصلا حاتو ته محتاج شى چه جو پول ئى په مالك لازم وى يا دداسى اجرا آتو گولو ته لزوم پيدا شى چه عين ته دغir منتظره خترونو خخه نجات وركى ، نو په دى صورت کتبى گته اخستونكى مكلف دى چه مالك ته سملستى خبر وركى . همدارنگه مكلف دى چه که بل خوش په ذگر شوي عين باندی دکوم حق دعوی وکى ، مالك ته خبرتيا وركى .

# رسیح جریلله

ماده ۲۳۱۳ -

نفع گیرنده میتواند مال منقول لی را که عاریت گرفته است ، از بین ببرد ، در حالیکه انتفاع از آن بدون از بین بردن آن ممکن نباشد ، درین صورت نفع گیرنده بعد از نفع گرفتن بر دمثل یا قیمت آن بمالک مکلف میشود ، همچنان در صورتیکه مال مذکور قبل از نفع گرفتن از بین برود ، نفع گیرنده پرداخت ضمان مکلف میشود . گرچه از بین رفتن در اثر قصور وی صورت نگرفته باشد .

## بحث دوم انتای حق انتفاع

ماده ۲۳۱۴ -

حق انتفاع بانقضای مدت معینه انتفاع و بوفات نفع گیرنده و یابه از بین رفتن عینیکه از آن نفع گرفته میشود ، خاتمه می یابد .

ماده ۲۳۱۵ -

هر گاه مدت معینه انتفاع سپری گردد یا نفع گیرنده در اثنای مدت مذکور وفات نماید ، و زمین بزرعی مشغول باشد که هنوز پخته نشده باشد ، زراعت تا وقت پخته شدن

ماده ۲۳۱۳ -

که گته اخستونکی منقول مال په عاریت واخلى او دھفى خخه گته اخستلو بى دھفى داستهلاک خخه ممکنه نه وي ، نو گولی شى چه هفه استهلاک کي ، په دى صورت کبنې گته اخستونکی مکلف دى چه دگته اخستلو خخه وروسته مالک ته دھفى مثل يا قیمت ورکي . همدارنگه که ذکر شوي مال دگته اخستلو ترمخه هلاک شى نو عاریت اخستونکی دضماني په ورکولو مکلف دى که خه هم دھفى هلاک دھفه دتیری په اثر نه وي .

دو هم بحث د گته ۱ خستلو

د حق پاي

ماده ۲۳۱۴ -

د گته اخستلو حق د گته اخستلو دتاکلى مدي په تيريدو ، دنفسى اخستونکي په مرینه يا دھفه عين په هلاکيدو چه ورخخه گته اخستل کبیري ، پاي ته رسبروي .

ماده ۲۳۱۵ -

که د گته اخستلو تاکلى مده تيره شى او يا داچه گته اخستونکي د گته اخستلو په مدي کبنې مهشى او خمکه کبنې داسى کرهنه وي چه لا پخلنى ته نه وي رسيدلى ، نو زراعت دى دھفى دپخلنى او لو گولو تروخته

# رس‌می‌ج‌ریل‌د

زرع و درو آن در مقابل اجرت مثُل  
به نفع گیرنده یاورثه او گذاشته  
میشود .

ماده ۲۳۱۶ -

حق انتفاع بگذشت مدت پانزده سال  
در حال عدم استعمال حق ، منتهی  
میشود .

قسمت دوم  
حق استعمال و سکونت

ماده ۲۳۱۷ -

حق انتفاع گاهی منحصر به  
استعمال یاسکونت و گاهی هردو  
میباشد .

ماده ۲۳۱۸ -

ساحة حق استعمال یا سکونت  
باندازه احتیاج صاحب حق واعضای  
فamilی او مقید شناخته میشود ،  
با آنهم آنچه را سند انشاء حق  
احتوا نماید ، رعایت میشود .

ماده ۲۳۱۹ -

(۱) کسی که حق سکونت منزلی  
را باساس عقد و صیت کسب نماید ،  
اگر رقبه منزل از ثلث مال و صیت  
کننده متجاوز نباشد ، شخص مذکور  
میتواند در صورت اطلاق وصیت در  
طول حیات خویش با فامیل خود در

پوری دمثی اجوری په بدل کتبی  
گقی اخستونکی ته یا دهقه وارثانو  
ته پرینبو دل کیبری .

ماده ۲۳۱۶ -

که دنفعی اخستلو حق پوره  
پنخلس کاله استعمال نه شو ، نوحق  
پای ته رسیروی .

دوهم قسمت  
داوسیدلو او استعمال حق

ماده ۲۳۱۷ -

دگقی اخستلو حق کله استعمال  
او کله داوسیدلو پوری منحصر وی  
او کله دواهه ته شامل وی .

ماده ۲۳۱۸ -

استعمال یا داوسیدلو دحق  
ساحه دحق دخاوند او هفه فامیل  
غزو و داحتیاج په اندازی مقیده گهیل  
کیبری بی له دی چه هفه حکمونه  
اخلال کی چه دحق انشاء شسوی  
سنندنی تائید کوی .

ماده ۲۳۱۹ -

(۱) که خوک دوصیت دعقد په  
اساس دیوه کور داوسیدلو دحق  
مستحق شی که دکور رقبه دوصیت  
کوونکی دریمی حصی مال شخنه  
زیاته نه وی نوکه وصیت مطلق و و  
وصیت کره شوی کولی شی چه دخبل  
ژوند تر پایه پوری دخبل فامیل سره

## رسمنی جریل‌با

آن سکونت اختیار نماید و در صورت تعیین مدت الی زمان انقضای مدت مذکور در آن سکونت کرده میتواند، و بعد از آن حق سکونت بسیار ثابت وصیت کننده انتقال می‌یابد . واگر رقبه منزل از ثلث مال وصیت کننده متجاوز باشد، شخصیکه به او وصیت شده ، میتواند در مقداریکه از حدود ثلث تجاوز نکند ، سکونت نماید. وازساحه خارج از حدود ثلث ورثه استفاده بعمل می آرد، مگر اینکه ورثه وصیت را در تمام منزل اجازه دهد .

(۲) در حالت مندرج فقره فوق، ورثه وصیت کننده نمی توانند آن قسمت منزل را که در دست دارند، بفروشند مگر تقسیم استفاده آنرا حسب زمان ، بصورت نوبت گرده میتوانند .

ماده ۲۳۶۰ -

هر گاه منزلیکه برای حق سکونت تشییت شده باشد باعمار ضرورت داشته باشد ، تعمیر آن به عهده کسی میباشد که حق سکونت را در آن حائز است ، تا از مال خود، به آن مبادرت نماید . و آنچه را که از مال خود بناعنماید، ملکیت او ورثه او شناخته میشود ، واگر صاحب حق

په هغى کبنى اوسيپري، او كه مده تاكل شوي وه نو دذكر شوي متى دتيريدو پوري په هغى کبنى حق نقلپري، او كه دكور رقبه دوصیت کونكى ددریمي حصى مال خخه زياته وي، وصیت کره شوي کولى شى په هغى حدو دوكبنى چه ددریمي حصى خخه زياته نه وي اوسيپري، او ددریمي حصى خخه په زيياتى آندازى ساحه کبنى وارثان اوسيپري. مگرداچه وارثان وصیت کره شوي ته په قول گور کبنى داوسيدلوا جازه وركى .

(۲) ددى مادى دبورتنى فقري په درج شوي حالت کبنى وصیت کونكى وارثان نهشى كولى دکور هغه برخه چه دهفوی په لاس کى ده خرخه کي خو کولى شى چه دهدى په حساب دههنى خخه گته اخستل په نوبت سره وويشى .

ماده ۲۳۶۰ -

په کوم گور چه داوسيدلوا حق ثابت شوي وي، او جو په ولو ته ضرورت ولرى، نو جو پول نى دهقه چا په غاهره دى چه په هغى کبنى اوسيپري او دا مصرف به هم دهقه دمال خخه وي. او کوم شى چه نى پخپل مال آباد کپری دهقه او دهقه دورثانو حق گهيل کيني. که دحق خاوند دهقى دجوپولو خخه خان

# رسیح بیلله

از اعمار آن امتناع ورزد شیخ شخص ذیعلاقه ، میتواند از محکمه الزام او را به تعییر مطالبه و یا اجازه محکمه را در خصوص اجاره منزل مذکور بگیر حاصل نماید . تا از پول اجاره آن باعمار مذکور پرداخته و بعد از انتهای مدت اجاره آنرا بصالح حق سکونت ردماید .

ماده ۲۳۲۱ -

تنازل از حق استعمال یا حق سکونت برای غیر جواز ندارد، مگر به اساس شرط صریح بدلیل قوی .

ماده ۲۳۲۲ -

احکام مربوط بحق انتفاع تأوقتی که مفاخر احکام مندرج این قسمت و منافی طبیعت این دو حق نباشد ، در مورد حق استعمال حق سکونت نیز تطبیق میشود .

## قسمت سوم حق حکمر

ماده ۲۳۲۳ -

حق حکمر ، عبارت از حق عینی است که منظور از آن ابقاء زمین برای بناء غرس یا یکی ازین دو در مقابل اجرت معین می باشد .

و زغوره ، تو علاقه لرونکی کولی شی چه دمحکمی خخه و غواصی چه هفه په جوپولو مکلف کی او یا داچه دمحکمی خخه اجازه واخلي چه کور بل چاته په اجاری ورکی او دهی داجاری خخه هفه جوپ کی او داجاری دمدی په پای کبنی کور ، داوسيدلو دحق خاوند ته تسليم کی .

ماده ۲۳۲۱ -

داستعمال یا داوسيدلو دحق خخه بل چاته تیریدل جواز نه لری ، مگر دیو صریح شرط یاقوی دلیل په اساس .

ماده ۲۳۲۲ -

دگتی اخستلو پوری خاص مربوط حکمونه ترخو چه ددی قسمت درج شور حکمونو او استعمال او اوسيدلو حق طبیعت منافی نه وی هم دتفیق وہ دی .

## دریم قسمت دحکر حق

ماده ۲۳۲۲ -

دحکر حق دادسی عینی حق خخه عبارت دی چه دهی خخه مقصده دیوی تاکلی اجوری په بدل کبنی خمکه دغرس او بناء دپاره ره یا ددی دوازو خخه دیوه دپاره پاتی کیدل وی .

# رسمی جریلتا

ماده ۲۳۲۴ -

مدت حکمر ، از پنجاه سال تجاوز نمیکند . در حالیکه مدت حکمر بیشتر از پنجاه سال تعیین ویا اصلا تعیین نگردیده باشد ، برای مدت پنجاه سال اعتبار داده میشود .

ماده ۲۳۲۵ -

عقد حکمر جو از ندارد ، مکر به اساس ضرورت یا مصلحت واجازه محکمه و لایتیکه تمام زمین یا قسمت اعظم آن از لحاظ قیمت در حوزه آن محکمه قراردادشته باشد . عقد بحضور رئیس محکمه یا عضوی که از طرف رئیس محکمه تعیین میشود ، تحریر میگردد . وثیقه بعداً طبق احکام قانون ترتیب میگردد .

ماده ۲۳۲۶ -

صاحب حق حکمر ، می تواند در زمین تحت حکمر خود تصرفات مبني بر انتقال ملکیت یا انتفاع را بعمل آورد ، در تمام این حالات زمین یابناء اشجار و سایر اموال غیرقابل انتقال بعد از انتها مدت حق حکمر ، به مالک اصلی یاورثه وی یا رعایت حکم ما ده (۲۳۲۴) ۱ یعنی قانون اعاده میشود .

ماده ۲۳۲۴ -

دحکمر مده دپنخو سو کلونو خخه نه شی زیانیدلی . که دحکمر مده دپنخوسو کلونو خخه زیاته تاکل شوی وی او یا داچه بیخی نه وی تاکل شوی ، دپنخوسو کلونو دپاره اعتبار لری .

ماده ۲۳۲۵ -

دحکمر عقد جوازنه لری مگر دیو ضرورت او بسیکنی په اساس او یا دولایت دھفی محکمی په اجازی چه دقیمت له لحاظه ھوله یا زیاته برخه حمکه دھفی په حوزی کبی نی واقع وی . دحکمر عقد دمحکمی درئیس په حضور کبی یا دھفه غیری په حضور کبی چه دمحکمی درئیس له خوا تاکل کبیری ، لیکل کبیری او ترهفی و روسته وثیقه دقانون دحکمونو سره سه تر تیبیری .

ماده ۲۳۲۶ -

دحکمر حق خاوند کولی شی چه دخپل حکمر لاندی خمکی کبی دملکیت دنقولو یاگتمی اخستلو تصرفونه وکی . په دی ھولو حالونو کبی خمکه دبناء ، ونو اوونورو ھولو نا منقولو مالونو سره دحکمر حق دمدی په پای کبی ددی قانون د (۲۳۲۴) مادی دحکم په مراعت کولوسبره ، اصلی مالک یا هفه وارثانو ته بیرته ور کول کبیری .

# رس‌می‌ج‌ری‌ل‌ب‌ا

ماده ۲۳۲۷

صاحب حق حکر ، میتواند در حیازت و غرس به تنهائی یا با حق حکر یکجا تصرف نماید.

ماده ۲۳۲۸

صاحب حق حکر ، مکلف است اجرت معینه را در مواعید یکه به آن موافقه صورت گرفته، بمالک پردازد.

ماده ۲۳۲۹

عقد حکر ، بمقدار کمتر از اجرت مثل جواز ندادار ، تزئید یا تنقیص اجرت زمانی صورت گرفته میتواند که در اجرت مثل متتجاوز از خمس ازحیث زیادت یانقصان تغیر وارد شده واز تاریخ آخرین سنجش پنج سال ، سپری شده باشد .

ماده ۲۳۳۰

در سنجش زیادات یانقصان بقیمت اجاره ز مین در هنگام سنجش مراجعه میشود و در آن مو قعیت زمین و اندازه تمایل مردم به آن رعایت میگردد . بمو جودیت بناء ، اشجار یا آنچه صاحب حق حکر در آن احداث نموده یا حقوق واضرار صاحب حق حکر در ز مین مذکور در سنجش اجرت اعتبارداده نمیشود

دحکر حق خاوند کولی شی چه په حیازت او غرس کبني یو اخی یاد حکر حق سره یوخای تصرف وکی.

ماده ۲۳۲۸

دحکر حق خاوند مکلف دی چه موافقه شوی اجوره په موافقه شوو میعادونو کبني مالک ته ورکی .

ماده ۲۳۲۹

دحکر عقد دمثی اجوری خخه په کمی اجوری جواز نه لری ، داجوری زیاتوالی یا کموالی هفه وخت صورت مومی چه په مثلی اجوری کبني دزیاتوالی یا کموالی له حیثه دپنختمی حصی خخه زیات تغیر راشی ، اود آخرنی سنجش نیتی خخه پنجه کاله تیر شوی وی .

ماده ۲۳۳۰

دسنجش په وخت کبني چه زیاتوالی یا کموالی اندازه کیزی دخمکی داجاری قیمت ته مراجعه کیزی او په هفه کبني دخمکی موقعیت او دخلکو تمامیل هفه ته مراعت کیزی . دھفی بنا ، ونویاهقه خه ته چه دحکر خاوند په کبني جویه کپری یا هفه خه ته چه دحکر خاوندی په خمکه باندی دضرر رسولو حق لری ، داجوری په سنجولو کبني اعتبار نه ورکول کیزی .

# رسیح جریمه

ماده ۲۳۳۱ -

سنجهش جدید از تاریخ موافقه طرفین یا از تاریخ اقامه دعوی مبنی به مطالبه سنجهش ، اعتبراً داده میشود .

ماده ۲۳۳۲ -

صاحب حق حکم ، مکلف است باتخاذ و سایلی اقدام نماید که برای حاصل دهنده زمین لازم باشد ، و با آنهم شروط موافقه شده ، طبیعت زمین ، غرضیکه زمین برای آن آماده شده واقتضای عرف منطقه رعایت میشود .

ماده ۲۳۳۳ -

(۱) حق حکم به انتهای مدت معینه ، منتهی میشود .

(۲) قبل از انتهای مدت ، حق حکم وقتی منتهی میگردد که صاحب حق حکم بیش از احداث بناء یا غرس اشجار در زمین مذکور وفات نماید . مگر اینکه تمامی ورثه بقای حکم را مطالبه نمایند .

ماده ۲۳۳۴ -

هرگاه حکم در زمین مو قو فـــ صورت گرفته باشد ، وصفت وقف از زمین مذکور به اساس رجوع وقف کننده از وقف زایل شود ،

ماده ۲۳۳۱ -

نوی سنجهش موافقی له وخته دتطبيق و پدی او که موافقه نه وه شوی دهفی وخته اعتبار لری چه دستجو لو دغوبنتنی دعوی اقامه شوی وی .

ماده ۲۳۳۲ -

دحکر حق خاوند مکلف دی هفی وسیلو ته اقدام وکی چه دخمکی حاصل ور کولودپاره ضروری وی ، سره ددی هم موافقه شوی شرطونه ، دخمکی طبیعت ، هفه غرض چه مخکه دهفی دپاره تیاره شوی اودمنطقی عرف مراعت کیزی .

ماده ۲۳۳۳ -

(۱) دحکر حق دهفی دتاکلی مدلی په سرته رسیدو سره پای ته رسیزی .

(۲) دمدی دسرته رسیدو ترخمه دحکر حق هفه وخت پای ته رسیزی چه دحکر حق خاوند په خمکی کنی دبنا یاونو اینبودلو تر مخه مه شنی مگرداجه تول وارثان دحکردپاتی کیدو غوبنتنه وکی .

ماده ۲۳۳۴ -

که حکم په وقف کرده شوی خمکی کنی صورت موندلی وی اود خمکی شخه دوقف کوونکی درجوع پـــ اساس دوقف صفت لری شی ، نو حکم پای ته رسیزی ، که دوقف

## رسیح جریمه

حکمر منتهی میگردد و اگر مدت وقف از طرف وقف کننده تنقیص یابد، در صورتیکه مدت با قیمانده از مدت حکمر کمتر باشد، حکمر الی زمان انتهای وقف ادامه می یابد و در غیر آن الی نهایت مدت حکمر طبق حکمر دوام داده میشود.

ماده ۲۲۳۵

هرگاه صاحب حق حکمر حقوق اجاره ز مین را در دو سال متواتر نپردازد، مالک ز مین میتواند دفسخ عقد را مطالبه کند.

ماده ۲۲۳۶

مالک ز مین هنگام دفسخ عنده یا انتهای مدت حکمر، بین ازالة بناء و اشجار غرس شده محتکر یابقای آن در مقابل اقل قیمت مستحقه ازاله یابقاء، معغیر است. مگر اینکه موافقه طور دیگری صورت گرفته باشد.

ماده ۲۲۳۷

هرگاه در ظرف مدت پانزده سال از حق حکراستفاده بعمل نیاید، حق حکمر منتهی شناخته میشود.

ماده ۲۲۳۸

الحکام عقد حکمر مندرج این قانون، به حکمر ز مینیکه هنگام نفاذ

کوونکی له خوا دوقف مده کمه شی، نوکه پاتی مده دحکمر دمنی خخه کمه وی نو دحکمر حکم دوقف دسر ته رسیدو تر و خته دوام کوی او ده غیر په غیر دحکمر دحکم سره سم دحکمر دمدی تربایه پوری حکرته دوام ور کول گیزی.

ماده ۲۲۳۵

که دحکمر حق خاوند دخمکسی داجاری حق دوه پرله پسی کلونه اداء نه کنی نو دخمکی خاوند کو لی شی چه دعقد دفسخ کیدو غوبستنه وکی.

ماده ۲۲۳۶

دخمکی مالک دحکمر دفسخ کیدو په وخت کبنسی یا دحکمر دمدی دپای ته رسیدو په وخت کبنسی اختیارلری چه دحکمر حق دخاوند بناء اوونی لری کی اویا یی دلری کولو د کم قیمت په بدل کبنسی پریندی. مگر داچه موافقه بل رنگه شوی وی.

ماده ۲۲۳۷

که دینچلسو کلونو په مدلی کبنسی دحکمر حق خخه گته وانه خستله شی، نو دحکمر حق پای ته رسیدی.

ماده ۲۲۳۸

په دی قانون کبنسی دحکمر دعقد درج شوی حکمونه دخمکی په هغی حکمر باندی هم تطبیقیری چه د دی

# رسمي جريمه

قانون دنافذیدو په وخت کښي ثابت اين قانون ثابت باشد، نيز تطبيق ميشود .

ماده ۲۳۳۹ -

(۱) از حق حکر مندرج ۱ ین قانون ، اشخاص خارجي ۱ عم از حقيقی وحکمی ، استفاده کرده نمی توانند .

(۲) رویه که دولت افغانستان در برابر نمایندگی های سیاسي دول متحابه و موسسات بين المللي مقیم افغانستان درمورد اموال عقاری اتخاذ میدارد ، تابع احکام حق حکر نمی باشد .

قسمت چارم  
حقوق مجرد  
بحث اول - حق ارتفاق

ماده ۲۳۴۰ -

ارتفاع ، عبارت از حقی است بالای عقار جمیت منفعت عقار شخص دیگر .

ماده ۲۳۴۱ -

حق ارتفاق بالای مال عام مرتب شده میتواند، مشروط براینکه به استعمال مال مذکور که به آن تخصیص یافته منافات نداشته باشد .

۲۳۳۹ - ماده

(۱) ددی قانون درج شوی حکر حق خخه دباندنی اشخاص عام له دی چه حقیقی وی یا حکمی، گتهه نه شی اختسلی .

(۲) کومه رویه چه دافغانستان دولت ئىددوستو هیوادونو دسياسي نمایندگی اوپه افغانستان کښي داوسيدونکو بين المللي مو سسوپه مقابل کښي دعقاری مالونو په باره کښي نيسی ، دحکر حق تابع نهده .

خلود م قسمت  
 مجرد حقوق  
لمپری مبحث - دارتفاق حق

۲۳۴۰ - ماده

ارتفاع په عقار باندی داداسی حق خخه عبارت دی چه دبل شخص دعقار دگهه دپاره وی .

۲۳۴۱ - ماده

دارتفاق حق په عام مال واقع گیدای شی، خو په دی شرط چه دهفي استعمال سره چه ورته دامال تخصیص شوی معارض واقع نه شی .

# رسਮی جریدة

ماده ۲۳۴۲

ماده ۲۳۴۲

حق از تفاقد باساس تعهد قانونی  
یا از حاصل شده میتواند ، مرور  
زمان باعث کسب حق از تفاقد  
نمی گردد . مگر در مورد از تفاقد  
از قبل حق مرور .

ماده ۲۳۴۳

ارتقاء ظاهر باساس تخصیص  
مالک اصلی نیز مرتب شده میواند.

ماده ۲۳۴۴

تخصیص از جانب مالک ۱ صلی  
وقتی موجود میشود که مالک دو عقار  
منفصل از هم در بین دو عقار مذکور  
علایم ظاهری احداث نماید که به  
اساس آن بین آن دو عقار چنین  
علامه تبعی ایجاد گردد که ۱ گر  
دو عقار مذکور ملک دونفر فرض شود ،  
بوجود حق ارتقاء دلالت نماید ، و  
این ۱ مربیکی از طرق اثبات ثابت  
گردد . درین حال اگر ملکیت دو  
عقار مذکور بدون تغیر بهمان حالت  
بدو نفر دیگر انتقال نماید ، حق  
ارتقاء بین دو عقار مذکور بنفع  
و ضرر مالکان جدید ، ثابت شمرده  
میشود . مگر اینکه شرط صریح  
مخالف آن باشد .

دارتفاق حق په قانونی عمل یابه  
میراث کسبیدلی شی ، خو دزمانی په  
تیریدو نه شی کسبیدلی ، مگر  
ظاهری ، ارتقاونه چه په هغی کښی  
دتلو راتلو حق هم شامل دی .

ماده ۲۳۴۳

ظاهری ارتقاونه داصلی مالک  
د تخصیص په اساس مرتبیدلی شی .

ماده ۲۳۴۴

داصلی مالک له خوا تخصیص هغه  
وخت موجودی په دالبات دطريقو  
خخه په یوی طريقي ثابت شی چه  
ددوه منفصلو عقارونو مالک ده گوی  
ترمنځ یوه ظاهری علامه قایمه کړي  
چه ده گوی په اساس ده گوی دواړو  
عقارونو ترمنځ داسی تبعی علامه  
پیدا شی که ذکر شوی دواړه عقارونه  
ددوه نفوړ ملکیت فرض شی ، نو  
دارتفاق د حق په وجود دلالت وکړي ،  
په دی حالت کښی که ذکر شوو  
ددوه عقارو نو ملکیت بی له ګوم تغیر  
خخه دارتفاق په همغه پخوانی حالت  
ددوه مختلفو مالکینو لاس ته انتقال  
وکړي ، ددوه ذکر شوو عقارونو ترمنځ  
دارتفاق حق دنوو مالکانو په ګټه او  
ضرر ثابت شمارل کېږي ، مگر دا چه  
صریح شرط ده گوی مخالف وي .

# رسمی جریده

۲۳۴۵ - ماده

(۱) هرگاه قیودی وضع شود که حق مالک عقار را در بناء تعمیر محدود سازد ، از قبیل تحدید در ارتفاع منزل یا در ساحه عمارت ، قیود مذکور بحیث حقوق از تفاق بر عقار به منفعت عقارات دیگری که بمنظور بهبود آن وضع شده ، شمرده میشود . مگر اینکه موافقه طور دیگری صورت گرفته باشد .

(۲) اگر از قیود وضع شده تخلف بعمل آید ، اصلاح آن عیناً از محکمه مطالبه شده میتواند و محکمه صلاحیت دارد در صورت دلایل موجبه بتعویض ، اکتفاء نماید .

بحث دو - حق به

ماده ۲۳۴۶ -

حقابه ، عبارت از نوبت استفاده از آب است بمنظور آبیاری زراعت یا اشجار .

ماده ۲۳۴۷ -

آب در یاهما و فروع آن ملک عامه شمرده شده ، هر کس حق دارد از آن اراضی خویش را آبیاری نموده یا از آن به این منظور جوی بکشد .

(۱) که داسی تاکلی قیود وضع شی چه دعقار دمالک حق و رسربه تحدید شی لکه دکور په لوپه والی کی تحدید یا دعمارت په ساخی کنسی تحدید ، نو ذکر شوی قیدونه په عقار باندی دارتفاق حقوق په بحیث دنورو عقارونو په گته چه دهخنی دنبه والی دپاره وضع شوی ، گنل کیبری ، مگر داچه موافقه بل رنگه شوی وی .

(۲) که دوضع شوی قیدونو خخه مخالفت وشی نو دهخنی اصلاح کول په عین شکل سره دمحکمی خخه غوبستل کیدای شی او محکمه واک لری چه دموجبه دلیلونو په صورت کنسی په تعویض اکتفاء وکی .

دوهم بحث - داوبو کولو حق

۲۳۴۶ - ماده

اویه کول دخمکی یاونی یا گرهنی داوبه کولو دپاره په اویه دگته اخستلو دنوبت خخه عبارت دی .

۲۳۴۷ - ماده

ددریا بونو او دهخنی دفرو عواوه دعامو خلکو ملکیت گنل کیبری ، هر خوک کولی شی چه ورخخه خپلی خمکی او به کمی او یا ورخخه ددی مقصد دپاره ویاله وباسی مگر داچه

# رسیج جریده

مگر اینکه این امر با مصلحت یا مه  
یاقواني خاص معارض واقع شود.

ماده ۲۳۴۸ -

کسیکه از مال خود جوی خاص به  
منظور آبیاری زمین خود احداث  
کند . از آن حق هر نوع استفاده را  
داشته و شخص دیگر از آن بدون اجازه  
احداث کننده ، استفاده کرده  
نمی تواند .

ماده ۲۳۴۹ -

حق استعمال آب از جوی عام  
و توزیع آن بارعايت عدم العاقض  
بمصالح عامه به اندازه از اراضی  
صورت میگیرد ، که آبیاری آن منظور  
نظر باشد .

ماده ۲۳۵۰ -

صاحب زمینیکه توسط آلات  
وسایل یا مستیماً از جوی  
آبیاری میکند ، نمی تواند صاحبان  
اراضی تحت آب را به مسیر آب در  
اراضی آنها مجبور سازد ، مگر اینکه  
حق جریان آب رادر آن داشته باشد.

بحث سوم - حق مرور

مجرا و مسیل

ماده ۲۳۵۱ -

(۱) حق مرور ، مجرا و مسیل  
اگر قدیمی باشد ، بحال خود

داکار دعمومی بنیگنهو یا خاص سو  
قوانین سره معارض واقع شی .

ماده ۲۳۴۸ -

که خون دخیل مال خخه دخیل و  
خمکو داوبه کولو دپاره خاصه ویله  
وباسی ، دھفی خخه دھری نوعی گتی  
اخستلو حق لری او بل خونه شی  
کولی چه بی دھفه داجازی خخه  
ورخخه گتیه واخلي .

ماده ۲۳۴۹ -

دعمومی ویالی خخه داوبو داستعمال  
او توزیع حق ، عمومی بنیگنهو ته  
ضرر نه رسولو په مراعت کولو سره  
دهفی خمکو په اندازی صورت مومی  
چه او به کول بی اقتضاء کوی .

ماده ۲۳۵۰ -

دهفی خمکی خاوند چه خپله خمکه  
دآللو ، وسیلو یا مستقیماً دویا لی  
خخه او به کوی ، نهشی کو لی چه  
داوبو لاندی خمکو خاوندا ندهفوی  
په خمکو کښی داوبو په جریان  
مجبوره کی ، مگر داچه په هفی کښی  
داوبو دجریان حق ولری .

دریم بحث - دتلو راتلو ، داوبو

دجریان او سیل حق

ماده ۲۳۵۱ -

(۱) که دتلو راتلو داوبو دجریان  
او سیل حق پخوانی وی ، پخبل حال

# رسمی جریده

گذاشته میشود ، مگر اینکه اصلاح نا مشروع باشد . درین صورت بقدامت اعتبار داده نمیشود و در صورت موجودیت ضرر واضح از بین برده میشود .

(۲) اگر مسیل منزلی در راه عام یا خاص کشیده شده باشد که از آن ضرری به مردم عاید باشد، ضرر مذکور رفع ساخته میشود گرچه قدیمی باشد .

ماده - ۲۳۵۲

هر گاه حق مرور، مجرماً یا مسیل شخصی بالای زمین شخص دیگری باشد ، صاحب زمین نمی تواند اورا ازین حقوق محروم نماید .

ماده - ۲۳۵۳

هیچ کس نمی تواند بدون حق مسیل محلی را که جدیداً حداد نموده بمنزل شخص دیگری بکشد، مگر اینکه اجازه او را حاصل کرده باشد .

ماده - ۲۳۵۴

احداث ناوه دان یا حفر بدر فت فاضله آب باران وغیره ، در راه عام در حالیکه از آن ضرری به عام تولید شود جواز ندارد ، و همچنان احداث امور فوق در راه خاص که غیر نافذ باشد، بدون اجازه بناروالی یا اهل کوچه، مجاز نمیباشد .

پرینسودل کیزی مگر داچه داخل خخه نا مشروع وی، که داخل خخه نا مشروع وی هیچ اعتبار نه لری نوکه په کښی بنیکاره ضرر و دمینځه وړل کیزی .

(۲) که دیوه کور سیل عا می یا خاصی لاری ته ویستل شوی وی او ده ځخه خلکو ته ضرر عایدوی، نو ذکر شوی ضرر که خه هم قدیمی وی لری کول کیزی .

ماده - ۲۳۵۲

که دیوه شخص دتلو راتلو، داوبو درجیان یا مسیل حق دبل چا پر څمکه وی دخمکی خاوند نه شی کولی چه هفه ددی حقوقو ځخه محروم کی.

ماده - ۲۳۵۳

هیشوک نه شی کولی چه دخبل نوی کور مسیل ته دبل چاکور ته بی ده ځخه داجازی جریان ورکی، خو په دی شرط چه په هغه کښی حق ونه لری .

ماده - ۲۳۵۴

هیشوک نه شی کولی چه عمومی لاری ته داسی ناوه یا بدرفت و باسی چه ده ځخه خلکو ته ضرر متوجه وی. همداونگه نه شی کولی چه بی دبناروالی یا دکوشی دخلکو داجازی ځخه ذکر شوی شیان په خاصی لاری کښی چه مجازه نه وی، جو په کی .

## رسیج جریل ۸

### مبحث چارم- احکام از تفاق

ماده ۲۳۵۵-

صاحب حق ارتفاق ، میتواند بچنان اعمالی مبادرت ورزد که برای استعمال حق او در ارتفاق ضروری باشد ، یا برای محافظت حق مذکور لازمی شناخته شود و باید حق مذکور را طوری استعمال نماید ، که از آن ضرری عاید نشود .

ماده ۲۳۵۶-

مالک عقار مر تفق با جراء هیچ نوع عملی مکلف نمی گردد ، مگر اینکه استعمال معتاد حق از تفاق آنرا اقتضاء نماید .

ماده ۲۳۵۷-

مصارف اعمالیکه بمنظور استعمال حق ارتفاق لازم شمرده شود یا تکالیف حفاظت آن بهذمه ای مرتفق می باشد ، مگر اینکه بخلاف آن شرط گذاشته شده باشد ، و اگر اعمال مذکور برای مالک عقار مرتყ نیز نافع باشد ، تکالیف صیانت آن بتناسب مفادیکه به هر یک عاید میگردد ، می باشد .

### خلورم مبحث - دارتفاق حکمونه

ماده ۲۳۵۵-

دارتفاق حق خاوند کولی شی داسی کارونو ته اقدام وکی چه په ارتافق کنیسی دهقه حق داستعماللو دپاره ضروری وی یاداچه ذذکرشوی حق دستانی دپاره لازمی و گنبل شی او باید چه ذکر شوی حق داسی استعمال کی چه دهقه خخه ضرر پیدا نه شی .

ماده ۲۳۵۶-

دعقار مالک چه دارتافق دحق خاوند وی په هیچ نوع کار نه مکلف کیپری مگر داچه دارتافق استعمال ئی په عادی توگه اقتضاء وکی .

ماده ۲۳۵۷-

کوم کارونه چه دارتافق دحق داستعمال او ساتنی دپاره لازم گنبل کیپری ، دهقه مصروفونه دارتافق دحق دخاوند دعقار په مالک باندی دی ، مگر داچه دهقه پهخلاف شرط اینبودل شویوی . که چیرته ذکر شوی کارونه دارتافق کره شوی عقار دمالک دپاره هم گتپور وی ، نو دصیانت مصروفونه په دواهبو خواوو دی او دا مصروفونه دهقه گتپی په تناسب دی چه دواهبو خواوو ته رسیپری .

# رسمی جریده

ماده ۲۳۵۸ -

هرگاه مالک عقار من تفق باجرای اعمال مندرج ماده (۲۳۵۷) این قانون بمصارف خود مکلف باشد ، هر وقت که خواسته باشد ، میتواند به انتقال ملکیت تمام یا قسمتی از عقار من تفق به ، برای صراحت حق ارتفاق ، خود را ازین تکلیف سبک دوش سازد .

ماده ۲۳۵۹ -

مالک عقار من تفق به ، نمی تواند به اجرای اعمماً لی ببر دارزد که منجر به نقصان استعمال حق ارتفاق شود ، همچنان نمی تواند مو ضع حق مذکور را تغییر دهد . مگر اینکه موقع مذکور باز حوادث طوری گردد که تکلیف ارتفاق را تزیید بخشد یا استعمال حق از مو ضع مذکور مانع آوردن تحسینات در عقار من تفق به شود ، درین صورت مالک عقار ، می تواند انتقال ارتفاق را به موضع دیگر مطالبه نماید .

ماده ۲۳۶۰ -

(۱) هرگاه عقار دارای حق ارتفاق تجزیه شود ، هریک از اجزاء مستحق ارتفاق شناخته میشود . مسروط بر اینکه این امر تکلیف اضافی را بر عقار من تفق به ، عاید نسازد .

ماده ۲۳۵۸ -

که چیرته ددی قانون (۲۳۵۷) مادی درج شوو کارونو په اجراء کولو دارتفاق کره شوی عقار مالک مکلف وي، هر وقت چه وغواپري کولي شي دخپل ټول ياخيني ارتفاق کره شوی عقار دملکیت په نقلیدو دارتفاق حق خاوند ته خپل خان ددی تکلیف خخه خلاص کي .

ماده ۲۳۵۹ -

دارتفاق کره شوی عقار مالک نه شي کولي چه داسی کارونو ته اقدام وکي چه دهفي په اثر دارتفاق حق استعمال کم شي، همدارنگه نه شي کولي چه دهفي خاي ته تغير ورکي، مگر داچه کومه خاي تاکل شوی وي په داسی حالت کبني واقع شي چه دهفي په اثر دارتفاق مصرفونه زيات شي يا داچه دارتفاق کره شوی عقار دتحسیناتو ديدا کيدو مانع و گرشي . په دی صورت کبني دعقار مالک کولي شي چه بل خاي ته دارتفاق نقلیدو غوبښتنه وکي .

ماده ۲۳۶۰ -

(۱) که دارتفاق حق لرونکسي عقار تجزیه شي، ارتفاق دهفي په هر جزء کبني استحقاق پيدا کوي، خويه دي شرط چه داکار په ارتفاق کره شوی عقار، واقع شوی تکلیفونه زيات نه کي .

## رسیح بیلله

(۲) اگر حق ارتفاق در وا قع تنها برای یک جزء مفید بوده و برای تمام اجزاء مفید نباشد ، مالک عقار میتواند زوال حق مذکور را از سایر اجزاء ، مطالبه نماید .

ماده ۲۳۶۱ -

(۱) هر گاه عقار مرتყ به ، تجزیه شود حق ارتفاق در تمام اجزاء آن باقی میماند .

(۲) اگر حق ارتفاق در وا قع بالای بعضی اجزاء عقار استعمال نمی گردد . امکان استعمال آن هم نباشد ، مالک اجزاء مذکور میتواند زوال حق مذکور را از جزء ملکیت خود مطالبه نمایند .

مبحث پنجم - انتهای ار تفاق

ماده ۲۳۶۲ -

(۱) حق ارتفاق ، به انقضای مدت معینه یا از بین رفتن کامل عقار مرتყ به یا عقار مرتყ ، و به اجتماع هر دو عقار دو ملکیت یک شخص منتهی میشود .

(۲) اگر حالت اجتماع ملکیت بنابر تأثیری زایل گردد که به زمان گذشته راجع میگردد ، حق ارتفاق عودت می نماید .

(۲) که دارتفاق حق یواخی په یوه جزء کنی مفیدوی او تو لوا جزا او ته مفید نه وی ، نو دارتفاق کرمه شوی عقار مالک کولی شی چه دذکر شوی حق لری کیدل دنورو اجزاو خخه وغواری .

ماده ۲۳۶۱ -

(۱) که ارتفاق کره شوی عقار تجزیه شی ، دھنی په تولو اجزاو کنی دارتفاق حق پاتی کینی .

(۲) که دارتفاق حق په واقع کنی دعقار په چینو اجزاو نه استعمالیدلو او داستعمال امکان ئی هم نه وو ، نو دذکر شوو اجزاو مالک کولی شی دخبل ملکیت دجزع خخه دذکر شوی حق دلری کیدلو غوبینته وکی .

پنجم مبحث - دارتفاق پای

ماده ۲۳۶۲ -

(۱) دارتفاق حقوق دتاکلی مدي په تیریدو او دارتفاق کره شوی عقار په هلاکیدو یا دارتفاق حق دهول عقار په هلاکیدو یا دیوه شخص په ملکیت کنی ددواهو عقارونو په یوه خای کیدو پای ته رسیری .

(۲) که دملکیت دیوه خای کیدو حالت په داسی تأثیری زوال پیدا کی چه تیری زمانی ته راجع وی ، نو دارتفاق حق عودت کوی .

## رسیح جزیل

ماده ۲۳۶۳ -

اگر حق ارتفاق در خلال مدت پانزده سال استعمال نشود ، منقضی میگردد .

ماده ۲۳۶۴ -

هرگاه عقار دارای حق ارتفاق درملکیت یکده شرکاء بتصویر مشترک داخل شود ، استفاده یکی از شرکاء از حق ارتفاق مرور زمان را در مورد سایر شرکاء قطع مینماید . همچنان وقف مرور زمان به منفعت یکی از شرکاء به منفعت شرکای با قیمانده ، موقوف میشود

ماده ۲۳۶۵ -

هرگاه وضع اشیاء طوری تغییر نماید که استفاده از حق ارتفاق غیر ممکن گردد ، حق ارتفاق منقضی شناخته میشود . در صورتیکه اشیاء به حالتی بر گردد که استفاده از حق مذکور ممکن شود ، حق ارتفاق نیز اعاده میگردد . مگر اینکه به اساس عدم استعمال تحت مرور زمان آمده باشد .

ماده ۲۳۶۶ -

مالک عقار مرتყق به ، وقتی میتواند که خود را از تمام یا بعضی از تفاقد خلاص کند که منفعت عقار مرتقا

ماده ۲۳۶۳ -

که دارتفاق حق دینخلس کلو نو په او بدو کبنسی استعمال نه شی ، پای ته رسیبری .

ماده ۲۳۶۴ -

که دارتفاق حق عقار خو نفره شریکان په شریکه مالکان شی ، نوکه یوه شریک دارتفاق حق خخه گته واخستله ، دنورو په گته دزمانی تیریدل قطع کیزی . همدارنگه که ذذکر شوو شریکانو خخه دیوه په گته دزمانی تیریدل متوقف شی ، نو دامنوقف کیدل دنورو شریکانو په گته هم موقوفیزی .

ماده ۲۳۶۵ -

که دشیانو وضع به داسی توگه تغیر و کی چه په هغی کبنسی دارتفاق حق استعمال ناممکن وی ، نو دارتفاق حق پای ته رسیبری . که شیانو داسی وضعی نه عودت و که چه ورسره دارتفاق حق استعمال ممکن وو ، نو دارتفاق حق هم ورسره عودت کوی ، مگر داچه دنه استعمال لاهمه دزمانی دتیریدو لاندی راغلی وی .

ماده ۲۳۶۶ -

دارتفاق کره شوی عقار مالک همه وخت کولی شی چه خپل خان دیول یاخینی ارتفاق خخه خلاص کی چه دارتفاق حق دعقار ټوله گته دمینځه

# رسخی جریلبا

کاملا از بین رفته یا منقعت محدودی از آن باقی مانده باشد ، که با تکالیف واقع بر عقار مرتყ به ، تناسب نداشته باشد .

تللى وی یا داچه دهگی خخه محدوده گته پاتی وی چه په ارتفاق کپه شوی عقار واقع شوو تکلیفونو سره متناسب نه وی .

**باب دوم**  
**حقوق عینی تبعی**  
**فصل اول**  
**حق حبس مال (قید)**  
**ماده ۲۳۶۷**

باستثنای احوا لیکه در این قانون در مبحث رهن حیازی و رسمی تصریح شده ، مانند عقدیکه با اث ایجاد حقوق عینی تبعی میشود ، و با استثنای احکما میکه در خصوص ص حق حبس مال بجیت و سیله از وسایل ضمانت تنفیذ تو ضیع گردیده ، در مورد حقوق حبس اختصاص و تقدم احکام آتی رعا یت میشود:

**ماده ۲۳۶۸**

حق حبس مال ، حق تبعی ای است که بمنظور تضمین دین بر مال مرتب میگردد .

**ماده ۲۳۶۹**

بایع ، میتواند بحق حبس مبیعه در مراجعته به مشتری و در برابر

**دوهم با ب**  
**تبعی عینی حقوق**  
**لهری فصل**  
**دمال دحبس حق**  
**ماده ۲۳۶۷**

دهگی حالو نو په استثنی چه په دی قانون کبنسی دحیازی او رسمی گروی په مبحث کبنسی تصریح شوی لکه همه عقد چه دتبیعی عینی حقوق و دپیدا کیدو باعث کیبری . او دهگی حکمونو په استثنی چه دمال دحبس په خصوص کبنسی چه دضمانت تنفیذ دوسیلو خخه دیوی و سیلی په حیث توضیح شوی ، نو دمال دحبس حق ، داختصاص حق او دوراندی والی دحقوقو په باره کبنسی راتلونکی حکمونه مراعت کیبری .

**ماده ۲۳۶۸**

دمال دحبس حق داسی تبعی حق دی چه دپور دتضمين دپاره پر مال مرتب کیبری .

**ماده ۲۳۶۹**

خرخونکی کولی شی چه داختستونکی په مقابل کبنسی دحبس په حق احتجاج وکی ، همدارنگه کولی

# رسیمی جریلتا

تمام دائینین باین حق استناد  
نماید .

ماده ۲۳۷۰ -

اجاره گیرنده ، میتواند در صورت  
فسخ اجاره و پرداخت اجرت و  
پیشکشی مال اجاره شده را تا وقت  
رد اجرت ، جبس نماید .

ماده ۲۳۷۱ -

رهن گیرنده ، میتواند رهن را  
تا وقت استیفای دینیکه در برابر آن  
رهن اخذ نموده است ، نزد خود  
نگهداشد ، گرچه عقد رهن فاسد  
باشد . او نمیتواند مال مر هو نه  
را در مقابل دین دیگری که سابق  
از عقد رهن بالای مال مر هو نه  
گیرنده داشت ، جبس نماید .

ماده ۲۳۷۲ -

شخصیکه نزد او مال به ۱ مانت  
گذاشته شده است ، میتواند مال را  
تا زمان حصول مصارفیکه در زاه  
حفظat آن بخرج رسانیده ، جبس  
نماید .

ماده ۲۳۷۳ -

اجیر مشترکی که اثر عمل اور دعین  
به عین کتبی موجود وی ، کولی شی موجود باشد ، میتواند عین مذکور

شی چه دلولو پور ور کوونکو په  
مقابل کتبی په دی حق استناد وکی .

ماده ۲۳۷۰ -

اجاره اخستونکی داجاری دفسخ  
کیدو په صورت کتبی کولی شی چه  
اجاره کپه شوی مال تر هفتی پوری  
حبس کی ترخو چه معجله اجسورة  
بیرته واخلى .

ماده ۲۳۷۱ -

گروی اخستونکی حق لری چه  
گرو کپه شوی مال دخبل هفه پور  
دبوره اخستولو دباره حبس کی چه  
دهفتی دباره گرو کپه شوی دی ، که  
خه هم عقد فاسد وی . خو گروی  
اخستونکی نهشی کولی چه گرو کپه  
شوی مال دبل پور په مقابله کتبی  
چه په گروی ور کوونکی ئى تر گروی  
دمخه لرلو او یائی دهفتی خخه و روسته  
ور کپری وی ، جبس کی .

ماده ۲۳۷۲ -

که دچاسره مال په ودیعت  
اینبودل شوی وی ، کولی شی چه  
په ودیعت اینبودل شوی مال تر هفتی  
پوری جبس کی ترخو چه هفه  
صرف پوره واخلى چه دهفتی په  
ساتنه ئى مصرف کپری .

ماده ۲۳۷۳ -

هفه شریک اجیر چه دکار اثرئی  
په عین کتبی موجود وی ، کولی شی

# رسیح جریده

چه هفه دکار دخاوند خخه ترهفی را تا وقت حصول اجرت از صاحب حبس کی ترخو چه ئی اجوره ورکی.

ماده ۲۳۷۴ -

شخصیکه وکیل به خرید باشد میتواند مال خریده شده راتا وقت پرداخت سند آن از طرف مؤکل حبس نماید.

ماده ۲۳۷۵ -

حق حبس باپر داخلت مسو رد حبس یا قیمت آن ، مطابق ۱ حکام قانون منتهی میشود .

که خوک دچا له خوا دیو شسی په اخستلو وکیل وی ، نو گولی شی چه اخستل شوی مال تر هفی پوری حبس کی ترخوچه ورته وکیل نیونکی دھفی ئمن ورکی

ماده ۲۳۷۵ -

دمال دحبس حق دقانون دحکمونو سره سم دحبس دمواضوع یا دھفی دقیمت په اداء کولو پای ته رسیبری .

## فصل د و م

### حق ا ختصاصی

### قسمت د و م

### إنشاء حق ا ختصاصی

ماده ۲۳۷۶ -

(۱) هر دانیکه حکم وا جب التنفيذ را مبني بر الزام مدييون به شی معین بdest داشته باشد ، میتواند حق اختصاصی را بر عقارات مدييون خود بمنظور تضمین ۱ صل دین و مصارف حاصل نماید .

(۲) داین نمی تواند بعد از وفات مدييون بر عقار متروکه ، به حق اختصاصی استناد نماید .

## دوهم فصل

### داختصاص حق

### لمپری قسمت

### داختصاص حق پیداینست

ماده ۲۳۷۶ -

(۱) هرپور ور کوونکی چه پهلاس کبني داسی واجبه النفاذ حکم ولری چه دھفی په موجب پوروپی په تاکلی شی مکلف شی ، نو گولی شی چه دخپل پوروپی په عقارونو داختصاص حق داصلی پوراو مصرفونو تضمین دپاره حاصل کی .

(۲) پور ورکونکی نه شی گولی دپوروپی دمهینی وروسته دمتر و کی په عقار داختصاص په حق استناد و کی .

# رسنی جریبه

ماده ۲۳۷۷ -

حصول حق اختصاص بنا بر حکم اصلاحی با تفاق طرفین متخاص جواز داشته، مگر حصول آن بنابر حکم در خصوص صحت امضاء جواز ندارد.

ماده ۲۳۷۸ -

حصول حق اختصاص، تنها بر عقاراً تی جواز دارد که هنگام قید حق مذکور معین و در ملکیت مدیون بوده و فروش آن بصورت بیع مزا یده علنی جواز داشته باشد.

ماده ۲۳۷۹ -

دانشیکه اراده اخذ اختصاص را بر عفا رات مد یون خود دارد، مکلف است توأم با سواد حکم در یعنی خصوص عریضه برئیس محکمه ولایتی تقديم نماید، که عفای رات موردنظر در حوزه آن ولایت قرار دارد. عریضه شامل اسم، لقب، کسب اقامتگاه داین و مدیون او بوده تاریخ صدور حکم و محکمه حاکم و مقدار دین در آن درج و عقارات مورد نظر در آن بادقت بالتفصیل تعین

ماده ۲۳۷۷ -

داختصاص حق حاصلول دادسی حکم به اساس چه صلح ثابتی یا دادسی موافقی په اساس چه دیگری ددواوو خواوو له خوا شوی وی جواز لری، مگر داختصاص حکم حصول چه دامضاء صحبت به باره کبینی صادر شوی وی جواز نه لری.

ماده ۲۳۷۸ -

داختصاص حق حصول یواحی په هفی عقارونو جواز لری چه دذکر شوی حق دقیق په وخت کبینی تاکلی وی، دپوروپی په ملکیت کبینی وی ارخر خول یی د علنی مزا ییدی دبیعی په صورت جواز ولری.

ماده ۲۳۷۹ -

کوم پور ور کوونکی چه اراده لری چه دخیل پوروپی په عقارونو اخلاقی، مکلف دی چه په دی باره کبینی دحکم دسوار سره یو خای دهی و لایت دمحکمی رئیس تسه عریضه و پاندی کی چه ذکر شوی عقارونه دهی دولایت په حوزی کبینی واقع وی. عریضه به نوم، لقب، کسب، او دپور ور کوونکی او دهی دپوروپی داویلدو خای ته شامله وی، همدارنگه به په کبینی د حکم دصادریدو نیته، حاکمه محکمه او دپور اندازه درجه وی. دنظر لاندی عقارونه به په غور او تفصیل او

## رسیح بیلله

و توضیح شده مو قعیت عقار  
ثبتیت با انصمام او را قیکه قیمت  
عقار از آن تعین شده بتلو اند ،  
تقدیم میشود .

ماده ۲۳۸۰

رئیس محکمه در ذیل عرضه  
امر خویش را مبنی بر اختصاص  
تحریر میدارد ، و مکلف است در  
زمینه تناسب اندازه دین و قیمت  
عقارات مورد نظر را رعایت نموده ،  
در صورت اقتضای احوال ، میتواند  
اختصاص را منحصر بر بعض از  
عقارات نماید . مشروط بر اینکه  
مقدار معینه در نظر او برای تادیه  
دین و مصارف آن کافی شمرده میشود .

ماده ۲۳۸۱

(۱) هیئت تحریر محکمه ، مکلف  
است امر صادره را در کاپی حکم که  
درضم عرضه تقدیم شده ۱ سنت ،  
درج نماید .

(۲) داین مکلف است مو ضوع  
امر مذکور را در خلال هفت روز از  
تاریخ صدور آن غرض اطلاع مديون ،  
اطلاع نماید .

ماده ۲۳۸۲

مديون ، میتواند در برابر ۱ مر  
دامر په مقابل کبندی هفه چاته چه صادره به اختصاص به نزد شخصی

وضاحت سره تاکنی ، همدارنگه به  
عقار موقعیت ثبیته وی او دهی  
پاپو سره به یی یو خای و پاندی کوی  
چه دهی خخه عقار دقیمت تاکل  
ممکن وی .

ماده ۲۳۸۰

دممحکمی رئیس به دعیریضی لاندی  
داخلصاص په باره کبندی خپل امر  
لیکی ، او مکلف دی چه دبور دقیمت  
او دعقار و نو دقیمت مرا عست و کی ،  
دممحکمی رئیس داقتضاء په حالت  
کبندی کولی شی چه اختصاص دخینو  
عقار و نو پوری منحصر کری ، خوبه  
دی شرط چه هفه دبور او مصروفونو  
دقیمین دپاره کافی و گنی .

ماده ۲۳۸۱

(۱) دممحکمی اداری دفتر مکلف  
دی چه صادر شوی امر ، دهی خخه  
په سواد کبندی چه دعیریضی سره یو  
خای و پاندی شوی درج کی .

(۲) پور و رکونکی مکلف دی چه  
داخلصاص دذکر شوی امر دموضع  
خخه دهی دصا دریلدو دنیهی خخه  
داوروه ورخو په او بدو کبندی ، پوروپی  
ته خبر تیا ورکی .

ماده ۲۳۸۲

پوروپی کولی شی چه داخلصاص  
دامر په مقابل کبندی هفه چاته چه صادره به نزد شخصی

# رسیح جریل‌لا

که امر را صادر نموده یا به محکمه اختصاصی و لایت اعتراض نماید، و تمام جریان در حاشیه ثبت امر رسائیده میشود، یا محکمه بالغای امر مذکور حکم صادر می نماید.

ماده ۲۳۸۳ -

داین می تواند در مقابل صدور امر مبنی بر رد طلب اختصاصی به محکمه اختصاصی ولايت مربوط، اعتراض نماید.

## قسمت د و م

### آثار تنقیص و انقضای اختصاص

ماده ۲۳۸۴ -

(۱) هرگاه اختصاص بر اعیانو مرتب شده باشد که قیمت آن از حدود تضمین مکفی بیشتر باشد، اشخاص ذیعلاقه می توانند تنقیص آنرا بعدود مناسبی مطالبه نمایند، تاتنهای بر جزئی از عقار یا عقا رات اختصاص یافته تخصیص داده شده یا بر عقار دیگری انتقال داده شود که قیمت آن برای ضمان دین، کافی باشد.

(۲) مصارف لازمی مطالبه تنقیص بر طلب کننده آن می باشد.

امری صادر کری یا دولایت اختصاصی محکمی ته اعتراض و پاندی کی، باید چه هر امر یا حکم چه داخل اخلاق دصادر شوی امر پهلغو گیدو بنای دثیت په حاشیه کښی درج شی .

ماده ۲۳۸۴

پور ورکونکی کولی شی کوم امرچه داخل اخلاق دغوبنتنی په رده ولو صادر شوی وی په هفسی پاندی دمربوطه ولايت اختصاصی محکمی ته اعتراض و پاندی کی .

## دوهم قسمت

### داخل اخلاق آثار، تنقیص او تیریدل

ماده ۲۳۸۴ -

(۱) که اختصاص په داسی اعیانو مرتب شوی وی چه قیمت بی دکافی تضمین دهدو دو خخه زیات وی، نو علاقه لرونکی اشخاص کولی شی چه مناسبی اندازی ته دهی دکموا لی غوبنتنی وکی ترخو چه دعقار یا عقار و نو یواخی یوجزع ته چه اختصاص ور پاندی مرتب شوی، منحصر شی یابل داسی عقار ته نقل ورکول شی چه قیمت بی دپسور دتضمین دپاره کافی وی .

(۲) دتنقیص لازمی مصر فونه دهی غوبنتونکی په غاهره دی .

# رسیج جلیل

ماده ۲۳۸۵

ماده ۲۳۸۵ -

داینیکه حق اختصاص را حاصل میدارد، دا رای عین حقوق دینی می باشد که رهن رسمنی را بدست می آورد. در مورد حق اختصاص، تمام احکامی رعایت میشود که در مورد رهن رسمنی رعایت میگردد. مشروط بر اینکه احکام مختص بحق اختصاص را اخلاق ننماید.

## فصل سوم

### حقوق تقدم

#### قسمت اول

##### احکام عمومی

ماده ۲۳۸۶ -

تقدم، عبارت از بر تری است که قانون برای حق معین به اساس وصف آن حکم مینماید. حق بر تری به اساس حکم صریح قانون ثابت میگردد.

ماده ۲۳۸۷ -

هرگاه قانون تعیین حق از حقوق را از لحاظ تقدم تحدید نکرده باشد، از تمام حقوقیکه درجه تقدم آن درین فصل تصریح یافته، متأخر شمرده میشود.

هفه پور ورگونکی چهداختصاص حق حاصلوی عیناً هفه پور ورگونکی حقوق قو لرونکی دی چه رسمنی گروی تراسه کوی. داختصاص دحق په باره کښی قول هفه حکمونه مراعت کیږی چه درسمنی گروی په باره کښی مراعت کیږی، خو په دی شرط چه داختصاص دحق پوری خاص حکمونه اخلال نه کې.

درین فصل  
دوراندی والی حقوق  
لړی قسمت  
عمو می حکمو نه

ماده ۲۳۸۶ -

وراندی والی دلمپریتوب دحق خخه عبارت دی چه قانون یې دهی دصفت په اساس دیو تاکلی حق دپاره حکم کوی. دلمپریتوب حق دقانون دصریح حکم په مقتضی ثابتیږی.

ماده ۲۳۸۷ -

که قانون په صراحت سره په وړاندی والی کښی دحق مرتبه نه وي تحدید کړي، نو دټولو هغه حقوقو خخه چه په دی فصل کښی دهفي دوراندی والی په درجي تصریح شوي وروسته والی لري.

# رسئی جریه

ماده ۲۳۸۸ -

هرگاه حقوق قیکه درجه تقدیم آن در مرتبه واحد در قانون تصریح شده اجتماع نماید، بتناسب اندازه هریک تادیه میشود. مگر اینکه قانون بخلاف آن حکم نموده باشد.

ماده ۲۳۸۹ -

حقوق تقدم عام بر تمام دارایی منقول وغیر منقول مدیون تعلق میگیرد، مگر حقوق خاص بسر مال معین راجع میشود.

ماده ۲۳۹۰ -

(۱) حق تقدم بر کسیکه با حسین نیت مال منقول را حایز شود، تأثیر وازد کرده نمیتواند.

(۲) اجازه گیرنده عقار درخصوص اموال منقول موجود، بعین اجازه داده شده و صاحب‌هول درخصوص اشیاییکه از طرف مسافر در هو تل امانت گذاشته میشود، حایزداری حسین نیت تلقی میشود.

ماده ۲۳۹۱ -

هرگاه بالای داین از تصریفات مدیون در شیاء منقولیکه بنفع داین

ماده ۲۳۸۸ -

که همه حقوق چه په قانون کبیتی دهگی دوراندی والی په درجی تصریح شوی وی، په یوی مرتبه کبیتی وی، نو دهربوه داندازی به تناسیبورکول کیزی، مگر داچه قانون دهگی په خلاف حکم کپی وی.

ماده ۲۳۸۹ -

دعامو خلکو دوراندی والی حقوق دبوروی دهولو منقولو او نا منقولو مالونو پوری تعلق نیسمی مگردخاصو خلکو حقوق دهاکلی مال پوری تعلق پیدا کوي.

ماده ۲۳۹۰ -

(۱) که خوک په بنه نیت سره په منقول مال باندی حیازت پیداکی، نو دوراندی والی حق ور باندی هیچ تأثیر نه لري.

(۲) دعقار اجاره اخستونکی نسبت همه منقولو مالونو ته چه داجاره کره شوی په عین کبیتی موجود دی او دهوتل خاوند دهگی مالونو په نسبت چه دمسافر له خوا په هوتل کبیتی په ودیعت اینبیودل کیزی، دبنه نیت حایز گپل کیزی.

ماده ۲۳۹۱ -

که چيرته پور ور گوونکی ته دمعقولو سبیبونو په اساس دبوروی دتصروفونو خخه په هغی منقولو

## رسمی جریمه

حق تقدم در آن تثبیت شده<sup>۱</sup>، بنابر موجبات معقول خوف تقسیم مال مستولی شود، میتواند تحت حراست گرفتن آنرا مطالبه نماید.

ماده ۲۳۹۲ -

در مورد حقوق تقدم بر عقار، احکام رهن رسماً تاجاییکه بـا طبیعت حقوق مذکور معارض نباشد، تطبیق میشود . و در مورد به نوع خاص تقدم احکام پاک کردن(تطهیر) و ثبت آثاریکه بر ثبت مرتب میگردد، و آنچه از قبیل تجدید و امحاء برآن وارد میشود رعایت میگردد .

ماده ۲۳۹۳ -

(۱) توثیق در حقوق تقدم عام لازم شمرده نمیشود گرچه موردان عقار باشد و نه در آن حق تتبع ثابت میگردد . همچنان توثیق حقوق تقدم عقاری که برای تضمین حقوق دولت وضع میشود ، حتمی دیده نمیشود.

(۲) این حقوق در مرتبه، از همه حقوق تقدم عقاری دیگر واژ هر نوع حق رهن رسماً بهر تا ریخیکه قید

مالونو کبی که دپور ور کوونکی په گته دوراندی والی حق په کبی تثبیت شوی ویره پیداشی، کولی شی چه دهفی دحراست لاندی نیولو غوبستنه وکی .

ماده ۲۳۹۳

په هغی عقارونو باندی چـه دوراندی والی حقوق ور باندی واقع شوی وی درسمی گروی حکمونه ورباندی ترهفی اندازی تطبیقیبری چـه ددی حقوق دطبیعت معارض نوی . په دی باره کبی په خاصی نوعی سره دپاکلو اوقيید حکمونه سره دهفی آثارو چـه په قید واردیوی او سره دهفی نوی والی او محـو کـیدو چـه دهفی پوری ارتباط پـیدا کـوي ، تطبیقیـری .

ماده ۲۳۹۳

(۱) داعمو خلکو دوراندی والی په حقوقو کبی دوراندی اخستـل لازم نه دی که خـه هـم موضوعـئی عقارـوی او په هـغـی کـبـی دـتـبـعـ حقـ نـهـ ثـابـتـیـرـیـ، هـمـدارـنـگـهـ دورـانـدـیـ والـیـ دـحـقـوقـوـ وـثـیـقـهـ اـخـسـتـلـ دـهـفـهـ عـقـارـ دـپـارـهـ چـهـ دـدـولـتـ دـپـیـسـوـ دـپـارـهـ تـضـمـینـ شـوـیـ وـیـ ضـرـورـتـ نـهـ شـتـهـ .

(۲) دـاـحـقـوقـ دـنـورـوـ ټـولـوـ عـقـارـیـ حقوقـوـ پـهـ دورـانـدـیـ والـیـ اوـدـهـرـیـ نوعـیـ رسـمـیـ گـرـوـیـ دـحـقـ خـخـهـ چـهـ پـهـ هـرـ تـارـیـخـ کـبـیـ ثـبـتـ شـوـیـ وـیـ پـهـ مرـتبـهـ

# رسمی جریانه

آن صورت گرفته باشد ، مقدم شناخته میشود . مگر در بین خود حق تقدیم که برا ی تضمین حق دولت وضع شده و سایر حقوق تقدم عام مقدم شمرده میشود .

ماده - ۲۳۹۴

احکامیکه در خصوص از بین رفتن شی یاتلف گردیدن آن در رهن رسمی رعایت میشود ، در مورد حقوق تقدم نیز مراجعت میشود .

ماده - ۲۳۹۵

احکام متعلق بانقضای حق رهن رسمی و رهن حیازی بعین طریقه در مورد حق تقدم تطبیق میشود ، مگر اینکه قانون صراحتاً بخلاف آن حکم نموده باشد .

## قسمت دوم

### أنواع حقوق تقدم

ماده - ۲۳۹۶

حقوق مندرج مواد ذیل در پهلوی حقوقیکه در قوانین خاص به آن حق تقدم داده میشود ، مقدم شمرده میشود :

ماده - ۲۳۹۷

(۱) مصارفیکه محکمه جست حفاظت اموال مديون و فروش آن

کبیسی ترمه دی . مگر بخپل مینیخ کبیسی هفه و راندی والی په سوره عمومی حقوقو دلمپریتوب حق لری چه دولت حق دتضمین دپاره وضع شوی وی .

ماده - ۲۳۹۴

کوم حکمونه چه په رسماً گروی کبیسی دشی دهلاک یا تلفیدو پوری تعلق لری دوراندی والی په حقوق قو تطبیقبری .

ماده - ۲۳۹۵

دوراندی والی حق عیناً په هغی طریقی او حکمونو سره سم پای ته رسیبری لکه چه در رسماً او حیازی گروی حق پری پای ته رسیبری ، مگر داچه قانون په صراحت سره دهغی په خلاف حکم کپری وی .

## دوهم قسمت

### دوراندی والی حقوقو نوعی

ماده - ۲۳۹۶

په لاندنسیو موادو کبیسی درج شوی حقوق ، دهغه حقوقو په خنگ کبیسی چه په خاصو قوانینو کبیسی ورتنه دوراندی والی حق ور کول شوی دوراندی والی حق لری :

ماده - ۲۳۹۷

(۱) دمحکمی هفه مصر فونه چه دهولو پور ور کوونکو دنبیگنهو دپاره

## رسمی جریل

بنفع دایینین متحمل میشود ، از ماحصل فروش اموال مذکور مقدم شناخته میشود .

(۲) مصارف مندرج فقره (۱) این ماده قبل از هر حق دیگر و لو حق مذکور مقدم بوده یا بر هن رسمی تضمین شده باشد ، تادیه میگردد. بشمول حقوق دایینیکه مصارف مذکور بمنظور مصلحت آنها صورت گرفته است . و مصارفیکه در راه فروش اموال مذکور صورت گرفته، بر مصارفیکه در اجرا آت توسعه بعمل آمده است ، حق قدمات دارد .

### ماده -۲۳۹۸

(۱) مبلغیکه از طریق محصولات و مالیات و سایر حقوق بدو لست تعلق میگیرد ، بار عایت قوانین و مقررات مربوط ، حق تقدم را دارا می باشد .

(۲) مبلغ مندرج فقره فوق این ماده، قبل از تما می دیون باستانی مصارف مندرج ماده (۲۳۹۷) این قانون ولو متقد مبوده یا بر هن رسمی تضمین شده باشد، از مدرک فروش اموال در هر دستی که باشد ، تحصیل میشود .

دپوروی دمالونو په ساتنه او خرخولو مصرف شوی، ددی ماللونو په ثمن باندی دوراندی والی حق لری.

(۲) ددی مادی (۱) فقری درج شوی مصرفونه دبل هر حق خخه که خه هم وهاندی والی ولری یا په گروی باندی تضمین شوی وی په شمال دهفو پور ور کوونکود حقوق قو چه ذکر شوی مصرفونه دهفوی دنبیگنو دباره شوی وی، تر مخه اداء کیزی او کوم مصرفونه چه دمالونو دخرخولودباره مصرف شوی وی په هغی مصرفونو دوراندی والی حق لری چه دتوزیع په اجرا آتسو مصرف شوی وی .

### ماده -۲۳۹۸

(۱) هغه پیسی چه دمحصولونو، مالیو اونورو حقوق دلاری ددو لست پوری تعلق نیسی دمر بوطو قوانین او مقرراتو په مراعت کولو سره دوراندی والی حق لری .

(۲) ددی مادی دبورتنی فقری درج شوی پیسی په استثنی دهفی مصرفونو چه ددی قانون په (۲۳۹۷) مادی کینی درج شوی دهولو پورونو ترمخه که خه هم وهاندی والی ولری یا په رسمی گروی تضمین شوی وی دهفی ماللونو دخرخولو دثمن خخه چه ددی وهاندی والی حق ورباندی دی ، اداء کیزی .

# رسمی جریل‌با

ماده ۲۳۹۹-

(۱) مبا لغیکه در راه حفاظت‌مال منقول و تر میم آن بمصر ف رسیده است از سا یر دیون مقدم شناخته میشود .

(۲) مبلغ مندرج فقره فوق این ماده ، بلافاصله بعد از حصول مصرا رف متذ کره مواد (۲۳۹۷-۲۳۹۸) این قانون ، از ثمن مال مذکور پرداخته میشود . و در صورت تعدد چنین حقوق ، بترتیب عکس تاریخ ، مصر ف هر یک تا دیگر گردد .

ماده ۲۴۰۰-

(۱) حقوق آتی بر تمام اموال منقول و عقار مديون ، مقدم شناخته میشود :

۱- مبالغیکه مو ظفین ، کار گران مستخدم مین وسایر اجیران از رهگذر معاش واجر دوازده ماه اخیر مستحق میگردند .

۲- مبلغ مستحقه در مقابله با فعالیت شش ماهه اخیر اجنا س ضروری مواد ارتزا قی ولبا س مديون و کسانیکه مديون مسؤول نفقة آنها می باشد .

ماده ۲۳۹۹-

(۱) کومی پیسی چه دمنقو لو ما لونو چسما تنی او د هفی د لازمی ترمیمونو دپاره مصرف شوی وی به نورو چولو پورونو دوراندی والی حق لری .

(۲) ددی مادی دبورتنی فقری درج شوی پیسی ددی قانسون (۲۳۹۸-۲۳۹۷) مادو درج شوو مصرفونو خخه و روسته دذکر شوو منقولو مالونو دلمن خخه ورکول کیزی . دداسی حقوقو تعدد په صورت کبنی مصرف دتاریخ دعکس په ترتیب خینی په خینو نورودوراندی والی حق لری .

ماده ۲۴۰۰-

(۱) راتلونکی حقوق دبور و پری په چولو مالونو عام له دی چه منقول وی اوکه نا منقول دوراندی والی حق لری :

۱- دهفی پیسو چه موظفین ، کار گران ، مستخدمین اونور اجیران ددولس وروستینیو میاشتو دمعاش او اجری دلاری مستحق وی .

۲- هفه پیسی چه دشپن و آخر نیو میاشتو دضروری ارتزاقی مواد او لباس په مقابل کبنی په پور و پری او په هفه چا چه پور پری دهفی دنفقی مسئول دی ، مستحقی وی .

# درستی جریبه

۳- نفقة ششین ماه اخیر اقا رب مدیون که در ذمه مدیون ن لازم باشد .

(۲) مبالغ مندرج فقره فوق این ماده ، بلا فاصله بعد از مصارف مندرج مواد (۲۳۹۷-۲۳۹۸-۲۳۹۹) این قانون تھصیل میشود . و در صورت تعدد تناسب هریک درنظر گرفته میشود .

ماده ۲۴۰۱ -

(۱) مبالغیکه از لحاظ بذر ، کود وسایر مواد تقویه زمین و مبالغیکه از لحاظ ادويه ضد حشرات و آفات زراعتی و حیوانی ویا در کار کشت و دروب مصرف میرسد ، بر مخصوصو لی که در تو لیدآن به مصر فرسیده ، حق تقدیم داشته وهمه در یک مرتبه قرار میگیرد .

(۲) مبالغ مندرج فقره فوق این ماده ، بعد از تادیه حقوق فوق پرداخته میشود .

(۳) مبالغیکه در برابر آلات زراعتی قابل تادیه شناخته میشود در عین مرتبه بر آلات مذکور امتیاز داده میشود .

ماده ۲۴۰۲ -

اجرت دوساله بناها وارا ضمی زراعتی یا اجرت تمام مدت اجاره

۳- هفه نفقة چه د پور و پری دخلیانو دپاره دور و سنتیو شپر و میاشتو له در که دهقه په ذمی لازمه وی .

(۲) ددی مادی دپورتنی فقری درج شوی پیسی ، ددی قانون (۲۳۹۷-۲۳۹۸-۲۳۹۹) مادو د مصرفونو داداء کولو و روسته سمدستی تحصیلیزی ، که پیچلو منحونو کبی متعدد وو ، تو دهريو په تناسب اخستل کیزی .

ماده ۲۴۰۱ -

(۱) کومی پیسی چه په تخم ، سره او دخمکی دتفویه کولو په نورو موادو مصرفیزی ، همدارنگه هفه پیسی چه دحشراتو اوزراعتی او حیوانی آفتونو په ضد یا په کرهنه کبی مصرفیزی دور اندی والی په حق کبی په یوی مرتبی کبی دی .

(۲) ددی مادی دپورتنی فقری درج شوی پیسی دنورو پورتنیو حقوقو داداء کولو خخه و روسته سمدستی دمحصول دهن خخه اخستل کیزی .

(۳) هفه پیسی چه دزراعتی آلاتو په مقابل کبی داداء کولو مستحقی دی په عین مرتبه کبی په دی آلاتو دور اندی والی حق لری .

ماده ۲۴۰۲ -

دبناگانو او زراعتی خمکو دوه کلننه اجوره او یا داجاری دبولی مدي که

## رسمنی جریلب

ددوه کلونو شخه کمه وه او داجاری آن اگر از دو مهال کمتر باشد ، ور کوونکی قول هغه حقوق چه داجاری دعقد په اقتضاء داجاری اخستونکی په ذمی ثابت وی ، داتول حقوق پر هغه خه باندی دو پاندی والی حق لری چه داجاره کره شوی شمی په عین کبندی موجود وی اود منقولو مالونو شخه وی او داجاری اخستونکی ملکیت وی او دحجـز قابلیتولری او زراعتی محصولوی .

### ماده ۲۴۰۳

حق تقدم مندرج ماده (۲۴۰۲) این قانون در حالیکه منقولات مذکور ملکیت زوجه یا زوج اجاره گیر نده یا ملکیت غیر باشد ، نیز ثابت پنداشته میشود . مشروط بر اینکه اجاره دهنده هنگام وضع اشیاء مذکور بالای عین ، بروجود حق غیر بر آن علم نداشته باشد . اینامر احکام متعلق بر منقوـلات مسروقه یاضا یعه را ، اخلاق نمی نماید .

### ماده ۲۴۰۴

حق تقدم بر منقولات و محصولات ملکیت اجاره گیر نده از باطن ثابت میگردد . مشروط بر اینکه اجاره دهنده صراحتا اجاره از باطن

ددی قانون (۲۴۰۲) مادی په درج شوی حالت کبندی دو پاندی والی حق ثابتیزی که خه هم ذکر شوی منقولات داجاری اخستونکی دمیره یا بنیختی ملکیت وی اویا دبل چـا ملکیت وی ، خو په دی شرط چه اجاره ور کوونکی داجاری کره شوی په عین کبندی دذکر شوو شیانـو داینبندلو په وخت کبندی په هفسی باندی دبل چـا دحق په وجود علم ونه لری . داحکم هغه حکمونه نه اخالله وی چـه دغلا کره شوو یاورک شوو منقولاتو پوری مربوط وی .

### ماده ۲۴۰۴

که اجاری ور کوونکی به صراحت سره دباطن شخه داجاری نه ور کول شرط کپری وی نو په هفسی منقوـلاتو اومحصولاتو باندی هم دوراندی والی حق واقع کپری چـه دباطنی اجاری

## رسمی جریده

را منع نموده باشد . واگر اجاره پا طنی صراحتاً منع نشده باشد ، حق تقدیم ، تنها در مبالغی عملی می شود که استحقاق اجاره گیر نده اصلی برذمه اجاره گیر نده با طنی تشییت گردد ، آنهم بعد از اخطار یکه از جانب اجاره دهنده درین خصوص باو صادر میشود .

ماده ۲۴۰۵

حقوق مندرج ماده (۲۴۰۲) این قانون بعد از پرداخت حقوق مندرج مواد (۲۳۹۷-۲۴۰۱) این قانون از ثمن اموالیکه حق تقدیم دارد تحصیل میشود . مگر اینکه حقوق مندرج مواد (۲۳۹۷-۲۴۰۱) در حق اجاره دهنده به اعتبار اینکه حائز دارای حسن نیت است ، غیر نافذ شمرده شود .

ماده ۲۴۰۶

(۱) هر گاه اموالیکه حق تقدیم برآن ثابت باشد ، از عین اجاره داده شده با وجود اعتراض اجاره دهنده یابدو ن علم او انتقال نماید ، و در عین مذکور اموال کافی برای ضمان حقوق متقدم باقی نماند ، حق تقدیم بر اموال نقل شده باقی میماند ،

اختستونکی ملکیت وی . که دباطن خخه را منع نموده باشد . واگر اجاره پا طنی صراحت سره نه وی شرط شوی ، نو دوراندی والی حق یواخی په هنی پیسو کښی ثابتیزی چه داصلی اجاری اختستونکی استحقاق دباطنی اجاری اختستونکی په ذمی تثبیت وی او اجاره ور کوونکی په دی باره کښی هفه ته خبر تیاور کپری وی .

ماده ۲۴۰۵

دید قانون (۲۴۰۲) مادی در ج شوی حقوق دید قانون (۲۳۹۷) مادو دحقوقو دور کول و (۲۴۰۱) مادو تحصیلیزی ، مگر دا چه دیدی قانون د (۲۳۹۷-۲۴۰۱) مادو در ج شوی حقوق داجاری ور کوونکی په حق کښی په دی اعتبار چه دنبه نیت لروونکی حائز دی نافذ نه گنه کپری .

ماده ۲۴۰۶

(۱) په کو مو مالونو چه دتقدم حق ثابت وی ، که داجاره کپه شوی دعین خخه داجاری ور کوونکسی داعتراض کولو سره یابی دهقه دعلم خخه نقل کپری شی او په عین کښی ذذکر شوو حقوقو دتضیمین دپاره کافی مالونه پاتی نه شی ، نو په نقل کپه شوو مالونو باندی دوراندی والی حق پاتی کپری ، مگر دوراندی والی

## رسیح جریل

مگر بقای این حق حقوق غیر را که باحسن نیت در اموال مذکور کسب نموده ، متضرر نمی سازد .

(۲) اگر اجاره دهنده در میعا د قانونی حجز را حاصل نمود ، حق تقدیم تا مدت سه سال باقی میماند ، با این هم اگر مال مذکور در بازار عام یا در مزایده علنی یا بتنا جر اختصاصی چنین اموال بر مشتری دارای حسن نیت بفروش رسیده باشد ، اجاره دهنده مکلف است ، من رابه مشتری رد نماید .

ماده -۲۴۰۷

بالغی را که صاحب هوتل بر ذمه مسافر از درک کرایه خدمات و مصارف مستحق میشود ، بر امتعه مسافری که در هوتل مذکور یا ملحقات آن باشد ، حق تقدیم داده میشود .

ماده -۲۴۰۸

صاحب هوتل بر هر امتعه ایکه توسط مسافر در هوتل آو ردد شده باشد ، حق تقدیم دارد . مگر چه در ملکیت مسافر مذکور نباشد ، مشروط بر اینکه علم صاحب هوتل به ملکیت غیر هنگام ورود مال

ددی حق پاتی کیدل دبل چا هفه حق چه په بنیه نیت یی په ذکر شموده مالونو کسب کپی نه متضرر کوی . (۲) که اجاری ور کوونکی په قانونی میعاد کبنی استحقاقی حجز واقع که نو دمالونو دنقليدو دورخی خخه تردری کلونو پوری دوراندی والی حق قایم پاتی کپری ، سرددی هم که داما لونه دبنیه نیت په اخستونکی بازندی په عمومی بازار او یا په علنی مزایده کبنی یا ددادسی تاجر له خوا چه په داسنی سیانونکنی تجارت کوی خرخ کپی شو ، نو په اجاری ور کوونکی لازمه ده چه ئمن اخستونکی ته رد کی .

ماده -۲۴۰۷

کومی پیسی چه دهوپل خاوندی دمسافر په ذمی باندی داویسیدنی ، کرایی ، خدمتونو او مصروفونو له در که مستحق کپری ، نو په ذکر شوی هوتل یا مالونو دوراندی والی حق لری .

ماده -۲۴۰۸

دهوپل خاوند په هر هفه مال چه دمسافر په وسیلی هوتل ته را پول کپری دوراندی والی حق لری ، که خه هم ذکر شوی مسافر ملکیت نه وی ، خو په دی شرط چه هوتل ته دمالونو دوارده ولو په وخت کبنی دهوپل دخاوند علم په دی ثابت نهشی

## رسیح جریلله

ثابت نگردد یا امتعه مذکور مسروقه یا ضایعه نباشد ، تاووتیکه صاحب هوتل حقوق خود را کا ملا اخذ نکند، میتواند از نقل دادن امتعه مسافر مخالفت نماید . درصورتیکه امتعه باوجود مخالفت او بدو ن علم او انتقال داده شود ، حق تقدم صاحب هوتل درآن باقی می ماند ، مگر این حق حقوقی را که شخص ثالث باحسن نیت اکتساب نموده متاثر نمی سازد .

ماده ۲۴۰۹

حق صاحب هوتل از لحاظ تقدم در عین درجه ای قرار میگیرد که اجاره دهنده درآن قرار دارد ، و در صورت یکجا شدن هر دو حق، به حق ترجیح داده میشود که تاریخ آن مقدم باشد . مگر اینکه بـ نسبت دیگری غیر نافذ باشد .

ماده ۲۴۱۰

آنچه بایع شی منقول، از رهگذر ثمن وملحقات آن مستحق میشود . حق تقدم را بر Shi مبیعه تاو قتنی داشته میباشد که مبیعه کیفیت خود را حفظ نماید . تقدم مذکور با درنظر گرفتن مواد خاص به تجارت حقوق شخص ثالث که بحسـن

چه هفه دبل چا ملکیت دی یا داچه ذکر شوی مال غلا کره شوی یاورک شوی نه وی . ترخو چه دهوتل خاوند دمسافر خخه خپل حق بوره نه وی اخستی، حق لری چه دهفه دمال په نقولو اعتراض وکی، که مسافر خخه مال نقل که ، نو دوراندی والی دهفه داعتراض سره بی دهفه دعلم حق ور باندی قایم پاتی کیبری، مگر داحق دبل چا هفه حقوق چه په بنه نیت یی کسب کری نه اخلاله وی .

ماده ۲۴۱۰

دهوتل خاوند دوراندی والی حق عیناً په هفی مرتبی کتبی واقع دی چه داجاری ور کوونکی حق په کتبی واقع دی . که دواوه حقوقه سره یو خای شو نو هفه حق ته ور اندی والی ور کول کیبری چه تاریخ یی تر مخه وی، مگر داچه دبل چا په نسبت نافذ نه وی .

ماده ۲۴۱۰

دمنقولو مالونو خرخونکی چه دئمن ۱ ودهفی دملحقاتو مستحق شوی وی، نو په خرخ کره شوی شی دوراندی والی حق لری، داحق ترهفی وخته بوری قایم پاتی کیبری ترخو چه ذکر شوی شی دخپل ذاتیست ساتونکی وی . داحق دبل چا هفه حقوق چه په بنه نیت یی کسب کری وی نه اخلاله وی او په دی باره کتبی حقوق شخص ثالث که بحسـن

## رسیح جریل که

باید چه دتجارت په قانون کښی نیت کسب نموده باشد ، اخلاق دخاصلو موادو مراعت وشی .

ماده ۲۴۱۱ -

حق تقدم مندرج ماده (۲۴۱۰) این قانون از لحاظ درجه بعد از حقوق تقدم مندرج مواد قبل آن که برمنقول واقع است میباشد، مگر با وجود آن در مورد حقوق اجاره دهنده و صاحب هتل که عالم بودن آنها به بیع هنگام گذاشتمن مبیعه در عین اجاره مداده شده یا هوتل ثابت شود تطبیق میگردد .

ماده ۲۴۱۲ -

(۱) شرکایکه مال منقول را بین خود تقسیم نمایند ، بمنظور تأمین حق رجوع بریکدیگر به سبب تقسیم مذکور و استیفاء بدل ، حق تقدم را در آن دارا میباشند .

(۲) تقدم متقاسم با تقدم بایع در عین درجه قرار میگیرد و در یکجا شدن هر دو حق ، به قاریغ سابق ترجیح داده میشود.

ددي قانون (۲۴۱۰) مادی درج شوي دوراندي والي حق دوراندي والي همتي ذكرشو حقوق خمجه به منقولو مالونو واقع دي وروسته راخى ، مگر سره ددي هم داجاري ورگونكى او دهونيل دخاوندپه باره کښي چه که ثابتنه شى چه داجاره کره شوي په عين کښي يابه هوتل کښي دعيبي دايپسو دلو په وخت کښي په همی عالم وو ، تعطیقېرى .

ماده ۲۴۱۲ -

(۱) همه شریکان چه منقول مال پېچلو مینخونو کښي وویشى دھريوه حق دتمامين دباره په رجوع کښي په نورو باندي دويشلو په سبب او دخپلي حصى دبوره اخستلو په اندازى په همی دوراندي والي حق لرى .

(۲) يو تربله دويشلو ، دوراندي والي حق عيناً په همی مرتبی کښي واقع دي چه دخخونكى دوراندي والي حق په همی کښي واقع دي ، نوکه دا دواړه حقوقه يو خاى شى ، نوکوم یوچه په تاریخ کښي ترمځه وي همی ته ترجیح ورگول کېږي .

# السُّنْحَرَى

## قسمت سو م

حقوق تقدیمه به بر عقار و ارد  
میشود

ماده ۲۴۱۳-

- (۱) ثمن عقار و ملحقات آن که  
بایع مستحق آن میشود، بر عقار  
مذکور حق تقدم دارد.
- (۲) باید حق تقدم قید گردد،  
کرچه مبیعه ثبت گردیده باشد و  
مرتبه آن از تاریخ قید اعتبار داده  
میشود.

ماده ۲۴۱۴-

- (۱) مبالغ استحقاق مقاوله  
کنندگان و مهندسین معماري ایکه  
اعمار بنا یاتاسیسات دیگر یا  
اعاده اعمار یا ترمیم عمارت یا  
حافظت آن به آنها تفویض میشود،  
در حدود مقداریکه از رهگذر اعمال  
مذکور در قیمت عقار در وقت بیع  
آن افزودی بعمل آید، حق تقدم  
بر بنا یاتاسیسات مذکور داده می  
شود.

- (۲) باید حق در سند رسمی قید  
بوده قیمت مبالغ در آن درج باشد،  
همچنان باید طبق احکام قانون

## دریم قسمت

دواندی والی هفه حقوق چه  
په عقار واقع کیزی

ماده ۲۴۱۳-

- (۱) دکوم ثمن اوده هفی دملحقاتو  
چه دعقار خرخونکی مستحق کیزی،  
هفه په ذکر شوی خوش کره شوی  
عقار دواندی والی حق لری.
- (۲) باید چه دواندی والی حق  
قید شوی، که شه هم مبیعه ثبت شوی  
وی او دهی شهه برتبه دقید له وخته  
اعتبار لری.

ماده ۲۴۱۴-

- (۱) دکومو پیسو چه قبراد داد  
کونکی او دمعماری هفه مهندسین  
چه ورته دیناگانو آونورو تاسیساتو  
جوپول سپارل شوی او یاورته دهی  
بیرته جوپول، ترمیمول او صیانت  
سپارل شوی وی، مستحق شوی وی،  
هنوی په دی تاسیساتو دواندی والی  
حق لری مگر په هفی اندازی چه  
دهی شهه دکارونو په سبب دعقار په  
قیمت کښی دهی دخوشلو په وخته  
کښی زیاتوالی راغلی وی.

- (۲) باید چه حق په رسمی سند  
کښی مقدیوی او دهی په سبب  
دباتی پیسو قیمت ثابت وی، همدارنکه  
لازمه ڈه چه داستنادو دثیت دقانون  
دحکمونو سره سم ثبت شی، نوددی

## رسمی جریده

ثبت استناد ثبت گردد ، و مرتبه این  
تقدام از تاریخ ثبت آن اعتبار دارد.

۲۴۱۵ - ماده

هر گاه شرکاء عقار مشتر ک را  
بین خود تقسیم نمایند ، برای هر یک  
بمنظور تامین حصص آنها از رهگذر  
حق رجوع بر یکدیگر حق تقد مداده  
میشود ، حق مطالبه به انداز ۀ معادل  
قسمت نیز شامل این حق میباشد .  
باید این حق قید گردد و مرتبه  
آن از تاریخ قید اعتبار دارد .

۲۴۱۶ - ماده

این قانون (سی) روز بعد از نشر  
در جریده رسمی نافذ میگردد ، با نفاذ  
این قانون قانون ازدواج منتشر ۰  
تاریخی ۱۷ - اسد ۱۳۵۰ ملته  
شناخته میشود .

که شریکان پغپلو مینخونو کنی  
شریک عقار وویشی نو هر یوپه هنی  
باندی دویشلو دحق له در که یوپه بل  
باندی په رجوع کنی دتمین دیاره  
دوهاندی والی حق لری ، په هنی کنی  
دغوبستنی حق دویش په معادل هم  
شامل دی . باید چه داوړاندی والی  
قید شی او مرتبه ئی دقید دنیمه  
شخه اعتبار لری .

۲۴۱۶ - ماده

داقانون په رسمی جریدی کنی  
(دیرش) ورځی وروسته دخپریدو  
شخه نافذیږی ، ددی قانون دنافذیدو  
سره دازدواج دزمري دمیاشتی  
د(۱۷) نیمه د ۱۳۵۰ کال خپورشوی  
قانون لغو ګټل کېږي .

# د کلنۍ ګډون بې

۲۲۰، افغانی

په کابل ګښی

۲۴۰، افغانی

په ولاياتو ګښی

د پوهنۍ شاگردانوته نيمه بې

په یاندې یو هيوا دو ګښی (۱۵، امریکائی دالر)

ددی توک بې (۱۶۰) افغانی



## OFFICIAL GAZETTE

ADDRESS: MINISTRY OF JUSTICE  
KABUL AFGHANISTAN

EDITOR: M.H. TUGHYAN.

DATE: JANUARY 5, 1977

ISSUE NO. (353)

شماره (نوزدهم)

تعدادطبع (۳۰۰۰) نسخه

تاریخ: چارشنبه (۱۵) جلی سال ۱۳۵۵

دولتی مطبوعہ